



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: جامعه شناسی

عنوان:

سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد و عوامل مؤثر بر آن در بین دبیران زن
(مطالعه موردی شهرستان اسلام شهر)

استاد راهنما:

دکتر طهمورث شیرینی

استاد مشاور:

دکتر امیرمسعود امیرمظاهری

پژوهش گر:

فاطمه بهرامی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به :

همه ی زنان خوب میهنم

که با بردباری مصایب زن بودن را تحمل می کنند

امید که روزی تحمل به آگاهی بدل گردد .

سپاس گزاري :

- از اساتيد ارجمند آقاي دكتور طهمورث شيري (استاد راهنما) و آقاي دكتور اميرمسعود اميرمظاهري (استاد مشاور) به خاطر راهنمايي هايشان در انجام اين پژوهش
- از خواهر عزيزم خانم پريسا بهرامي كه در تايپ متن و كارهاي جانبي پژوهش مرا ياري نمود
- از همسر عزيزم كه هم در انجام اين پژوهش مرا ياري داد و هم مشغله زياد مرا در طي اين سال ها با كمال بردباري تحمل نمود
- اميد است يافته هاي اين پژوهش در عرصه جامعه شناسي و مطالعات زنان مفيد واقع گردد

فاطمه بهرامي

صفحه	فهرست مطالب
۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل یک : کلیات
۵	۱-۱ طرح مساله
۷	۲-۱ اهمیت پژوهش
۸	۳-۱ اهداف پژوهش
۹	۴-۱ دامنه ی مکانی ، زمانی و نظری پژوهش
۹	۵-۱ تعریف مفاهیم و اصطلاحات
۱۱	فصل دوم : مبانی و چارچوب نظری پژوهش
۱۲	۱-۲ بررسی پیشینه پژوهش
۲۳	۲-۲ مباحث نظری پژوهش
۲۶	۱-۲-۲ اجتماعی شدن و آموزش نقش های جنسیتی
۳۱	۲-۲-۲ ادبیات پژوهش (در جهان)
۴۲	۳-۲-۲ ادبیات پژوهش (در ایران)
۵۴	۴-۲-۲ نابرابری جنسیتی : بررسی تاریخی و حقوقی
۶۴	۵-۲-۲ نابرابری جنسیتی : فرهنگ و قوانین عرفی
۶۹	۶-۲-۲ نظریه های جامعه شناختی نابرابری جنسیتی
۶۹	۱-۶-۲-۲ نظریه نابرابری های جنسیتی بلوم برگ
۷۱	۲-۶-۲-۲ نظریه نابرابری های جنسیتی گیدنز
۷۱	۳-۶-۲-۲ نظریه مبادله
۷۲	۴-۶-۲-۲ نظریه ماتریالیسم تاریخی
۷۶	۵-۶-۲-۲ نظریه کارکردگرایی پارسونز درباره خانواده
۷۹	۷-۲-۲ موج های فمینیسم (تاریخچه ای کوتاه)
۸۵	۸-۲-۲ نظریه های فمینیستی معاصر
۸۶	۱-۸-۲-۲ نظریه تفاوت های جنسی
۸۷	۲-۸-۲-۲ نظریه نابرابری جنسی
۸۸	۱-۲-۸-۲-۲ فمینیسم مارکسیستی
۹۰	۲-۲-۸-۲-۲ فمینیسم لیبرالی
۹۲	۳-۸-۲-۲ نظریه ستمگری جنسی
۹۲	۱-۳-۸-۲-۲ فمینیسم روانکاوانه
۹۴	۲-۳-۸-۲-۲ فمینیسم رادیکال
۹۶	۳-۳-۸-۲-۲ فمینیسم سوسیالیستی
۹۷	۹-۲-۲ سایبر فمینیسم

۱۰۰	۲-۲-۱۰ گرامشی ، جنسیت و فنسیم
۱۰۳	۲-۳-۳ چارچوب نظري پژوهش
۱۰۴	۲-۴-۴ فرضیه های پژوهش
۱۰۵	۲-۵-۵ تعاریف نظري و عملیاتی متغیرها
۱۲۰	فصل سوم : روش اجرای پژوهش
۱۲۱	۳-۱-۱ جمعیت آماری
۱۲۱	۳-۲-۲ حجم نمونه و روش نمونه گیری
۱۲۳	۳-۳-۳ روش پژوهش
۱۲۴	۳-۴-۴ ابزار گردآوری داده ها
۱۲۴	۳-۵-۵ بررسی اعتبار و روایی پژوهش
۱۲۵	فصل چهارم : تجزیه تحلیل داده ها
۱۲۶	۴-۱-۱ توصیف داده ها
۱۶۶	۴-۲-۲ تجزیه و تحلیل داده ها
۱۸۳	فصل پنجم : جمع بندی و نتیجه گیری
۱۸۴	۵-۱-۱ یافته های پژوهش
۱۸۷	۵-۲-۲ نتیجه گیری
۱۹۲	۵-۳-۳ پیشنهادات پژوهش
۱۹۴	۵-۴-۴ محدودیت های پژوهش
۱۹۵	پیوست ها
۲۰۶	منابع و مأخذ

صفحه	فهرست جدول ها و نمودارها
۱۲۰	۳-۱-۱ جدول توزیع درصدی انواع آموزشگاه ها و حجم نمونه هر يك
۱۲۴	۴-۱-۱ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب سن
۱۲۶	۴-۲-۲ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب وضعیت تأهل
۱۲۸	۴-۳-۳ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب سابقه ي اشتغال
۱۳۰	۴-۴-۴ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب منشأ شهري – روستایی
۱۳۱	۴-۴-۱-۱ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب محل تولد
۱۳۲	۴-۴-۲-۲ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب محل سکونت تا پانزده سالگی
۱۳۴	۴-۵-۵ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب پایگاه

اجتماعي

- ۱-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب وضعیت محل زندگی ۱۳۵
- ۲-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دارا بودن ویلاي شخصي ۱۳۶
- ۳-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دارا بودن اتومبیل شخصي ۱۳۷
- ۴-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب امکان سفر خارجي ۱۳۸
- ۵-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به امکانات رفاهي ۱۳۹
- ۶-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب تحصیلات پدر ۱۴۰
- ۷-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب تحصیلات همسر ۱۴۱
- ۸-۷-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب شغل پدر ۱۴۲
- ۹-۵-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب شغل همسر ۱۴۳
- ۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب استفاده از رسانه هاي همگاني ۱۴۵
- ۱-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به راديو ۱۴۶
- ۲-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به تلویزیون ۱۴۷
- ۳-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به ماهواره ۱۴۸
- ۴-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به کتاب ۱۴۹
- ۵-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به اینترنت ۱۵۰
- ۶-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به روزنامه ۱۵۱
- ۷-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراواني و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسی به سینما ۱۵۲

- ۱۵۳ ۸-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسي
به تئاتر
- ۱۵۴ ۹-۶-۴ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب دسترسي
به مجله
- ۱۵۶ ۷-۴ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب مشارکت
اجتماعي
- ۱۵۷ ۱-۷-۴ جدول و توزیع فراوانی و درصد شرکت پاسخ گویان در انواع فعالیت
هاي اجتماعي
- ۱۶۰ ۸-۴ جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه برحسب میزان
اعتقاد به برابري زن و مرد
- ۱۶۱ ۱-۸-۴ جدول توزیع فراوانی و درصد گویه های متغیر اعتقاد به برابري زن و
مرد
- ۱۶۳ ۹-۴ جدول آزمون رابطه بین متغیر سن و میزان اعتقاد به برابري زن و مرد
- ۱۶۴ ۱۰-۴ جدول تقاطعي رابطه بین سن و میزان اعتقاد به برابري زن و مرد
- ۱۶۴ ۱۱-۴ جدول و نمودار رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابري زن و
مرد
- ۱۶۵ ۱۲-۴ جدول ضریب همبستگی پیرسون متغیر طول مدت اشتغال و میزان
اعتقادبه بربری زن و مرد
- ۱۶۶ ۱۳-۴ جدول تقاطعي رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابري زن
ومرد
- ۱۶۷ ۱۴-۴ جدول و نمودار رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابري زن و
مرد
- ۱۶۸ ۱۵-۴ جدول تقاطعي رابطه بین منشاء شهري - روستايي و میزان اعتقاد به
برابري زن ومرد
- ۱۶۹ ۱۶-۴ جدول و نمودار رابطه بین منشاء شهري - روستايي و میزان اعتقاد به
برابري زن و مرد
- ۱۷۰ ۱۷-۴ جدول آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابري
زن ومرد
- ۱۷۰ ۱۸-۴ جدول تقاطعي رابطه بین وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابري زن
ومرد
- ۱۷۱ ۱۹-۴ جدول و نمودار رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابري زن و
مرد
- ۱۷۲ ۲۰-۴ جدول آزمون رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعي و میزان اعتقاد به برابري
زن ومرد

- ۲۱-۴ جدول و نمودار رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۱۷۳
- ۲۲-۴ جدول آزمون رابطه بین متغیر استفاده از رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۱۷۴
- ۲۳-۴ جدول و نمودار رابطه بین میزان استفاده از رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۱۷۵
- ۲۴-۴ جدول آزمون رابطه بین متغیر مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۱۷۶
- ۲۵-۴ جدول و نمودار رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۱۷۷
- ۲۶-۴ جدول تحلیل رگرسیونی داده ها ۱۷۹

فهرست پیوست ها

- ۱-Chi-square tests, cross tabulation, correlations - Age ۱۹۷
- ۲-Chi-square tests, cross tabulation, correlations - Occupation ۱۹۸
- ۳-Chi-square tests, cross tabulation - Urban - rural ۱۹۹
- ۴-Chi-square tests, cross tabulation, correlations - Marriage situation ۲۰۰
- ۵-Chi-square tests, cross tabulation - Social status ۲۰۱
- ۶-correlations, cross tabulation - Mass media ۲۰۲
- ۷-Cross tabulation, correlations - Social participate ۲۰۳
- ۸- ابزار محقق ساخته شامل پرسش نامه و مقیاس سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ۲۰۴

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۲

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم فاطمه بهرامی از پایان نامه خود
دفاع نموده و با نمره ۱۸/۷۵ بحروف هجده و هفتاد و پنج صدم و با
درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

چکیده

برابری جنسیتی یکی از مباحثی است که در علوم اجتماعی امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این که زنان و مردان از لحاظ بیولوژیک و جنسی با هم متفاوتند، اختلاف نظری وجود ندارد. آنچه که مورد اختلاف است، مفهوم جنسیت می باشد. یعنی نقشی که جامعه برای هر جنسی قایل است. تقریباً در تمامی جوامع زنان نقشی فرودست تر از مردان دارند. مسئله اصلی پژوهش حاضر سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد و عوامل مؤثر بر آن در بین دبیران زن شهرستان اسلام شهر می باشد.

روش پژوهش، روش پیمایشی و جامعه آماری متشکل از دبیران زن شاغل در شهرستان اسلام شهر بود. تعداد این دبیران ۹۵۲ نفر بود از این جامعه ۲۲۴ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبق فرمول کوکران انتخاب شدند.

به دبیران پرسش نامه ای محقق ساخته شامل ۷ پرسش جمعیت شناختی، ۵ پرسش جهت تعیین پایگاه اجتماعی، یک پرسش شامل ۹ گویه جهت تعیین میزان استفاده از رسانه های همگانی، یک پرسش شامل ۱۲ گویه جهت تعیین میزان مشارکت اجتماعی و سرانجام پرسشی شامل ۳۴ گویه جهت تعیین سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد داده شد.

داده ها پس از جمع آوری از طریق نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند
اهم نتایج عبارتند از:

- ۵- بین متغیرهای فردی چون سن، وضعیت تأهل، سابقه اشتغال و منشأ شهری یا روستایی داشتن با میزان اعتقاد به برابری زن و مرد ارتباط معنادار وجود ندارد.
- ۶- بین متغیرهای اجتماعی چون میزان استفاده از رسانه های همگانی، مشارکت اجتماعی و پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- جامعه آماری مزبور مشارکت اجتماعی کمی دارند.
- ۸- جامعه آماری مزبور به میزان کم از رسانه های همگانی استفاده می کنند.

مقدمه

نابرابری جنسیتی یکی از مفاهیمی است که در جهان امروز بسیار مورد بحث و مجادله قرار گرفته است. اهمیتی که به اختلافات زن و مرد قائلند با تاریخ بشریت هم زمان است. با شروع دوره ی کشاورزی که زمینه های ایجاد جامعه طبقاتی را فراهم نمود، تلاش برای تقسیم نفس به مردانگی و زنانگی و مردانه دانستن عقل یا تعیین مردانه و ابهام زنانه شروع به شکل گیری نمود و در طول تاریخ تضاد یا کنش متقابل نرینه و مادینه را فراهم کرد و باعث گردید بین حرف و عمل در دستورات دینی و زندگی و در توصیه های اهل نظر و عمل ناسازگاری ایجاد کند.

در پژوهش حاضر نیز مسئله ی نابرابری جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است و متغیرهایی چون سن، وضعیت تأهل، سابقه اشتغال، میزان استفاده از رسانه های همگانی، مشارکت اجتماعی و..... به عنوان عوامل مؤثر در میزان گرایش به برابری جنسیتی در نظر گرفته شده اند. ولی در واقع با وجود محدودیت های موجود در قبال پژوهش و موارد تابو در مورد نقش زنان در جامعه و خانواده، این بررسی بسیار مشکل به نظر می رسد آنچه که در این پژوهش مورد نظر قرار گرفته بیشتر با هدف طرح مسأله و لزوم بررسی آن صورت گرفته است. از این رو شاید زمینه ای برای پژوهش های بعدی و طرح و ارائه سیاست هایی باشد که جلوه های نازیبایی تبعیض جنسیتی را از خانواده، متون درسی و محیط مدرسه و رسانه ها بزداید و بستری فراهم نماید تا کودکان کشور ما به ویژه دختران با اشکال متفاوت و متنوع حضور زن در جامعه آشنا گردند و خود را نیز برای ایفای نقشی فعال و مؤثر در جامعه آماده نمایند. انتخاب جامعه آماری دبیران زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه که مربی و تربیت کننده هر دو نیمه ی جامعه می باشند از همین منظر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

پس از طرح مسئله و بیان اهمیت و اهداف پژوهش، ادبیات موجود در زمینه ی نابرابری جنسیتی در ایران و جهان به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفت و سپس به برخی پژوهش های انجام شده در این زمینه در ایران اشاره گردید.

پس از آن نظریه های جامعه شناختی نابرابری جنسیتی مورد بحث قرار گرفت. این پژوهش جهت تبیین

موضوع نابرابری جنسیتی ضمن بررسی مکتب کارکردگرایی و ماتریالیسم تاریخی و نظریات جامعه‌شناسانی چون بلوم برگ، گیدنز و جان ترنر، تلفیقی از نظریات مختلف فمینیستی را به عنوان چارچوب نظری خود برگزیده است.

بخش‌های بعدی مربوط به مراحل پیمایش پژوهش است که پس از توزیع پرسش‌نامه و کسب داده‌ها به توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شد و از طریق آزمون آماری وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته آزمون گردید.

فصل اول: کلیات

- طرح مساله
- اهمیت پژوهش
- اهداف پژوهش
- دامنه ي مكاني ، زماني و نظري پژوهش
- تعريف مفاهيم و اصطلاحات

طرح مسئله:

در میان مسایل گوناگون جامعه بشری، مسئله زنان، بدون شك یکی از مسائل حاد و پیچیده است که همواره ذهن و فکر عده ای را به خود مشغول داشته است در تمامی کشورها، زنان برای بهبود وضعیت خود مبارزه کرده اند، در بعضی از موارد موفقیت هایی نیز به دست آورده اند ولی حتی امروزه نیز در تمامی جوامع زنان در موقعیتی فرودست تر از مردان قرار دارند. اعتقاد به برابری زن و مرد که در زبان بیگانه فمینیسم خوانده می شود، موجب پیدایی نهضت های فکری برای دگرگونی موقعیت زنان شده است. فرهنگ و بستر (۱۹۷۵) در تعریف کلمه فمینیسم آورده است:

"طرزی تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را مساوی حقوق مردان دانسته و نهضتی که برای چنین آرمانی تلاش می کند."

منظور نگارنده از برابری زن و مرد، در این پژوهش، برابر بودن زنان و مردان در قوانین رسمی کشور، نفی ارزش ها و هنجارهای حاکی از برتری مردان در جامعه، حضور مساوی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، رفع کلیشه های تبعیض جنسیتی در متون درسی و رسانه های همگانی و.... می باشد.

در جوامع در حال توسعه ضرورت مبارزات زنان بیشتر نمایان می گردد. در این جوامع تقابل سنت و مدرنیته، تغییرات فرهنگی را در حوزه های مختلف پدید می آورد. در حوزه زنان این تغییرات بارزتر و با شدت بیشتر رخ می دهد. "در جوامع جدید کنونی، زنان فرصت اسمی آن را دارند تا در طیف وسیعی از امکانات گوناگون شانس خود را بیازمایند، گو این که در فرهنگ های مردگرا، بسیاری از این راه ها به روی زنان بسته می ماند. علاوه بر این استفاده از امکاناتی هم که موجود است، زنان باید هویت قبل و تثبیت یافته خود را به میزانی بیش از مردان از دست بدهند. به عبارت دیگر زنان گشادگی دوران تجدد متأخر را به طرزی کامل تر، ولی تناقض آمیزتر تجربه می کنند." (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

زنان علاوه بر این که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند، بیش از نیمی از شاغلین آموزش و پرورش را نیز شامل می شوند. نوع تفکر و نگرش آنها، با توجه به نقش های چند گانه آنان در جامعه و تأثیر مثبت و بسیار مهم آنان در تعلیم و تربیت، به میزان بسیار زیادی در جامعه تأثیر گذار است.

در جامعه ای که مدرنیسم عرصه های زیادی از آن را در بر گرفته و روابط جدیدی را ایجاد کرده و می کند ، از افراد انتظار می رود پذیرای نقش های متنوع در زندگی فردی و اجتماعی باشند .

نمی توان بر ارزش های مدرن همانند برابری و آزادی در روابط شخصی و اجتماعی تأکید کرد و هم چنان نیمی از جامعه را نادیده گرفت. برای رسیدن به جامعه مدرن به انسان های برابر نیازمندیم . برای تغییر در شرایط موجود باید حرکتی کرد تا در نظام آموزشی و برنامه ریزی مواد درسی نوع نگرش ها تغییر یابد . بایستی ارزش ها و عقاید مثبت نسبت به زنان در جامعه به وجود آید. انجام این مهم تا حد بسیار زیادی از نظام آموزش و پرورش رسمی کشور که معلمان مجربان اند ، انتظار می رود . دبیران زن در دبیرستان ها بایستی الگویی از زن آریه دهند که علاوه بر نقش ها و قابلیت های سنتی (مادر ، همسر، ...) قادر باشند نقش های فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی را در عرصه های مختلف به جامعه نشان دهند در این راستا پژوهش حاضر بر آن است تا گامی هر چند کوچک در این راه بردارد به همین سبب به بررسی این نکته می پردازد که : جامعه آماری ما (دبیران زن دبیرستان های اسلام شهر) تا چه میزان به برابری زن و مرد اعتقاد دارند؟

بدیهی است که سنجش نگرش برابری طلبانه بدون در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر آن امکان پذیر نخواهد بود. پس سعی می گردد بر اساس برخی نظریات جامعه شناسی علل و عوامل مؤثر بر میزان این نگرش بررسی شود در نتیجه پرسش دوم پژوهش این خواهد بود که : علل و عوامل مؤثر در ایجاد نگرش برابری طلبانه نزد زنان جامعه آماری ما کدامند؟

اهمیت پژوهش:

تغییر در نگرش و طرز تفکر افراد جامعه برای ورود به دنیای نوین و جهان مدرن ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد تغییر در نگرش افراد ، داشتن دیدی آسیب شناختی نسبت به تغییرات ایجاد شده را ، ضروری می سازد . بدیهی است که آسیب شناسی هر پدیده به رشد و بالندگی جهات مثبت و رفع کاستی ها می انجامد . آگاهی از نگرش های دست اندر کاران

آموزش و پرورش ، بستر مناسب برای رشد آگاهی های جدید فراهم نموده و از تداوم مناسبات کهن که یک جنس را فروتر از جنس دیگر می انگارد ، جلو گیری می نماید .
جامعه متشکل از زن و مرد است ، نمی توان به ارزش ها و هنجار های نوین معتقد بود و نسبت به تغییر وضعیت زنان بی تفاوت . در جامعه سنتی که وظیفه زن و مرد کاملاً روشن بود و هر یک نقش خود را به خوبی ایفا می کردند و تفکیک نقش ها کاملاً پذیرفته شده بود ، وضعیت فروتر زنان تعارضی ایجاد نمی کرد . (البته این بدان معنا نیست که آن نظم عادلانه بوده و یا در جامعه سنتی به زنان ستم نمی شده است .)

اما در جامعه مدرن که زنان بایستی نقش های متنوعی را در عرصه اجتماع به عهده گیرند ، این وضعیت فروتر مانع آزادی و انتخاب گری زن در عرصه های مختلف اجتماعی می گردد و نیمی از جامعه را در حالت انفعال و بی حرکتی نگاه می دارد . از این رو دگرگونی این وضعیت ضروری به نظر می رسد . مهمترین ابزار برای دگرگونی و تغییر مناسبات ، آگاهی است . در شرایطی که حتی قوانین مدنی ، حکم بر تبعیض جنسی می دهد و آن را به عنوان یک ارزش تثبیت می کند ، راه دشوار آزدسازی از مسیر طولانی آگاه سازی عبور می کند . نتایج پژوهش های موجود در این زمینه می تواند در اختیار سیاست گزاران آموزش کشور قرار گیرد تا با اتخاذ سیاست های هماهنگ و هم نوا با مقتضیات جامعه نوین در پرورش نسلی فعال و اثر گذار در جهانی که ارتباطات روز به روز آن را کوچکتر می کند ، موفق عمل نمایند .

اهداف پژوهش

سنجش میزان نگرش برابری طلبانه ی جنسیتی در بین دبیران زن شاغل در دبیرستان های اسلام شهر هدف اصلی این پژوهش می باشد . با تشخیص نابرابری جنسیتی ، نه تنها نابرابری زن و مرد ، بلکه جایگاه زن و نقش و منزلت وی در اجتماع نیز روشن می شود . در این راستا عوامل مؤثر بر ایجاد نگرش برابری طلبانه ی جنسیتی نیز بررسی می گردد . برای این که جامعه بتواند در مسیر تکامل و ترقی گام بردارد بایستی از تمامی امکانات موجود بهره برداری گردد . نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل می دهند اگر در برنامه ریزی های اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و..... نقش آنان را نادیده بگیریم ، در واقع از نیمی از امکانات بالقوه جامعه صرف نظر کرده ایم . از طرفی به علت موقعیت ویژه زنان در جهان و بالاخص در ایران آنان

از موقعیت های آموزشی کمتری برخوردار بوده اند . عدم شرکت در عرصه های مختلف اجتماعی و نبود تمرین و ممارست در این زمینه ها ، باعث گردیده تا زنان کارآیی های لازم را در عرصه های مختلف اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و..... کسب ننمایند .

نظام مردسالاری این ضعف را به نهاد و طبیعت زنان مربوط دانسته و به طور کلی زنان را موجوداتی ضعیف تر و فرودست تر از مردان می انگارد . این نظام نقش آموزش را در این چرخه ی معیوب به طور کلی نادیده گرفته و می پندارد که مردان از روز ازل دارای توانایی های بیشتر و برتر از زنان برای اداره ی جامعه بوده اند . برای از بین بردن این توهم بایستی هرچه بیشتر در راه آموزش دختران جوان و شناساندن نقش واقعی شان در جامعه کوشید .

بایستی دختران جوان ما به این آگاهی برسند که در خود هیچ گونه کاستی نسبت به پسران هم سن خود ، احساس نکنند و باور کنند که نقش آنان در پیشبرد اهداف جامعه به هیچ روی کمتر از مردان نیست .

هدف پژوهش حاضر نیز چیزی جز آگاهی بخشی و آموزش زنان و دختران نمی باشد ، هرچند که این آگاهی بخشی قطره ای از اقیانوس بی کران آموزش های لازم باشد.

دامنه ی مکانی ، زمانی و نظری پژوهش :

از آن جایی که موضوع این پژوهش یعنی اعتقاد به برابری جنسیتی ، ابعادی کلان و جهانی دارد مبانی نظری و استنادی این پژوهش جهان شمول و تاریخی است ولی از طرف دیگر این پژوهش در نظر دارد که اعتقاد به برابری جنسیتی و مسایل ویژه آن را در ایران و به طور خاص و موردی در بین دبیران زن شهرستان اسلام شهر بررسی نماید . به عبارت دیگر جنسیت و مسایل آن امری جهانی و تاریخی است و برای مطالعه ی آن در یکی از شهرستان های ایران ، نمی توان آن را از هستی تاریخی و جهانی آن جدا کرد .

روش پیمایشی این پژوهش برای شهرستان اسلام شهر در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی است ولی سعی شده که از پشتوانه ی نظری جهانی و تاریخی استفاده گردد .

تعریف مفاهیم و اصطلاحات:

برابری زن و مرد:

برابری زن و مرد در اینجا به معنی برابر بودن حقوق زن و مرد در قوانین رسمی کشور، رد ارزش ها و هنجار های حاکی از برتری مردان در جامعه، حضور مساوی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، رفع کلیشه های تبعیض جنسیتی در متون درسی و رسانه های همگانی و ... می باشد.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی:

موقعیت و جایگاه فرد در مناسبات اجتماعی و اقتصادی جامعه، پایگاه اجتماعی و اقتصادی او را تعیین می کند.

رسانه های گروهی:

وسایلی از قبیل روزنامه، رادیو، تلویزیون، رایانه، کتاب، شبکه اینترنت، ماهواره، سینما، تئاتر و.... که انتقال اطلاعات و معلومات جدید از فرستنده به مخاطب از طریق آن ها صورت می گیرد.

مشارکت اجتماعی:

مشارکت فرد در هرگونه فعالیت اجتماعی مانند حضور در مجموعه ای از فعالیت های مدنی، حمایتی، محلی، شرکت در انتخابات، احزاب و تشکل های صنفی اجتماعی و NGO ها (سازمان های غیر دولتی)، مشارکت اجتماعی محسوب می شود.

سنت:

سنت در این پژوهش به مناسبات اقتصادی و اجتماعی رایج در جوامع غیر صنعتی که بیشتر اوقات با زندگی امروزی و ساختارهای نوین جامعه هماهنگی و هم خوانی ندارد، اطلاق می شود.

مدرنیته:

مدرنیته شامل تمامی جنبه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دنیای نوین است.

جوامع در حال توسعه:

جوامعی که بین سنت و مدرنیته در نوسان هستند ولی به طور کلی در حال حرکت به سوی ایجاد جامعه مدرن هستند.

فصل دوم : مبانی و چارچوب نظری پژوهش

- بررسی پیشینه ی پژوهش
- مباحث نظري
- چارچوب نظري پژوهش
- فرضیه های پژوهش
- تعاریف نظري و عملیاتی متغیرها

پیشینه ی پژوهش

در این جا به چند کار پژوهشی که بر محور نابرابری جنسیتی انجام گرفته اند ، اشاره می شود

- ۱- بررسی بازتولید نابرابری های جنسیتی و جامعه پذیری دختران
- ۲- موانع توسعه ی برابری جنسیتی در ایران معاصر
- ۳- تحلیل محتوایی کتاب های کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسیت
- ۴- عوامل اجتماعی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران
- ۵- نابرابری جنسیتی در ایران : فرادستی و فرودستی در زبان

۱- بررسی بازتولید نابرابری های جنسیتی و جامعه پذیری دختران

این پژوهش توسط خانم زهرا امینی دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در سال تحصیلی ۱۳۸۶ صورت گرفته است . این پژوهش متغیرهایی چون نگرش والدین نسبت به نابرابری های جنسیتی ، تمایز در استفاده از امکانات و فرصت ها در خانواده ، فرایند اجتماعی شدن دختران در خانواده و پایگاه اجتماعی والدین را در ارتباط با بازتولید نابرابری های جنسیتی ، بررسی نموده است . یافته های این پژوهش نشان داده است که :

- نگرش های والدین با نابرابری های جنسیتی رابطه مستقیم دارد .
- تمایز و تبعیض بین دختران و پسران در استفاده از امکانات خانواده به بازتولید نابرابری های جنسیتی کمک می کند .
- در اختصاص فرصت ها به فرزندان ، والدین برخورد دوگانه ای داشته اند . در واقع پدران و مادران علی رغم اندک تفاوت در تخصیص فرصت ها به فرزندان در بازتولید نابرابری های جنسیتی وجه اشتراک داشته اند .
- جامعه پذیری فرزندان و بازتولید نابرابری های جنسیتی با یک دیگر رابطه دارند .
- علی رغم توجه زیاد به نیازهای دختران ، رویکرد سپردن امور بیرون از منزل به پسران و امور درون منزل به دختران در تقویت شعار زن کدبانو و مرد نان آور مؤثر بوده است . بنابراین در خانواده ها گرایش به بازتولید نابرابری های جنسیتی وجود داشته است .

برخی پیشنهادات پژوهش :

- رسانه های گروهی بایستی از طریق تولید و پخش برنامه های اجتماعی - خانوادگی در کاهش بازتولید نابرابری های جنسیتی تلاش نمایند .
- در کتب درسی مفاهیم کلیشه ای که نابرابری های جنسیتی را به کودکان القا می کند وجود دارد . اگرچه تشخیص ضرر و زیان و نفع این کلیشه ها برای کودکان مستلزم بررسی کارشناسانه می باشد ولی در صورتی که القای این کلیشه ها در باز تولید

- نابرابری های جنسیتی اثر گذار باشد پیشنهاد می شود کارشناسان و مؤلفین کتب درسی در تدوین بیش از اندازه ی این کلیشه ها تجدید نظر نموده و آنها را کاهش دهند .
- به مربیان پرورشی مدارس و نیز آموزش و پرورش پیشنهاد می شود اطلاعات کافی به نوجوانان در تشخیص نقش جنسیتی خود در خانواده و جامعه ارائه دهند تا بدین وسیله در تقویت خودپنداری نوجوانان به ویژه دختران اقدام مؤثر صورت پذیرد .
 - دولت مردان در تصمیم گیری های کلان کشور ساز و کارهای لازم برای حضور اجتماعی نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان را فراهم نمایند بهره وری از این نیروی انسانی گام مثبتی در جهت توسعه ی کشور خواهد بود .
 - از میان متغیرهای مطرح شده در بازتولید نابرابری های جنسیتی تمایز استفاده از امکانات تمایز استفاده از فرصت ها و جامعه پذیری دختران بیش از سایر متغیرها تأثیر دارند . در این رابطه تخصیص امکانات و فرصت ها در گروه مادران و جامعه پذیری دختران در گروه پدران سهم بیشتری داشته اند از این رو به والدین پیشنهاد می شود نسبت تنظیم روابط خود در خانواده با استفاده از این یافته ها توجه کافی کافی مبذول دارند .

۲- موانع توسعه ی برابری جنسیتی در ایران معاصر

این پژوهش توسط آقای عزت الله کاظمی دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است .

یافت های این پژوهش در دو بخش مطالعات استنادی و مطالعات پیمایشی مطرح گردیده است . در بخش مطالعات استنادی مهم ترین موانع توسعه ی برابری جنسیتی عبارت بوده اند از :

- ۱- عدم اشتغال زنان
- ۲- کارخانگی زنان
- ۳- بچه داری زنان
- ۴- مهریه ی زنان
- ۵- نفقه ی زنان
- ۶- تبعیض های قانونی بین زن و مرد
- ۷- نظام مردسالاری
- ۸- ساختار نهاد خانواده
- ۹- ساختار ناعادلانه ی اقتصادی جامعه
- ۱۰- باروری زنان

این پژوهش مهریه و نفقه ی زنان را که به نظر امتیازی برای زنان و دستاوردی در برابر نظام مردسالاری می باشد و ظاهراً کاربرد دفاع از حقوق آنان را در برخی شرایط دارد . از جمله موانع توسعه ی برابری جنسیتی دانسته است زیرا پژوهشگر معتقد بوده که مهریه و نفقه از

پیامدهای ناگزیر نظام مردسالاری و نابرابری جنسیتی محسوب شده و امتیازهایی ظاهری و سطحی هستند که فقط مسکنی ناقص برای دردهای عمیق زنان می باشند. چه مهریه و چه نفقه هم زاینده ی نظام مردسالاری و هم بازتولید کننده ی آن است و بیش از آن چه که نقش دفاعی داشته باشد دز جهت تضییع حقوق زنان بوده و به ابقا نظام مردسالاری و نظام جنسیتی می انجامد.

در این پژوهش، چهار عامل باروری زنان، ساخت ناعادلانه اقتصادی جامعه، ساخت نهاد خانواده و نظام مردسالاری، موانع اولیه، ریشه ای، تاریخی و نامرئی نامیده شده اند که به تولید موانع مرئی، ثانویه و قابل لمس چون عدم اشتغال زنان، کارخانگی زنان، بچه داری زنان، مهریه و نفقه ی زنان و سرکوب های حقوقی زنان، منجر می شوند.

مطالعات پیمایشی این پژوهش تمام یافته های مطالعات استنادی را تأیید نکرده اند. در بررسی آماری - احتمالی دو متغیر عدم اشتغال زنان و تبعیض های قانونی بین زن و مرد تأیید شدند و در بررسی توصیفی - تحلیلی چهار متغیر عدم اشتغال زنان، تبعیض های قانونی بین زن و مرد، ساختار نهاد خانواده و ساختار ناعادلانه اقتصادی جامعه تأیید گردیده اند.

برخی از پیشنهادات پژوهش

- تحقیق، نظریه پردازی و تولید دانش برابری جنسیتی و افشا و طرد هر نوع نظام جنسیتی توسط پژوهشگران، دانشگاهیان، NGO ها، سازمان های دولتی و روشن فکران
- تبلیغ، انتشار و طبع آثار دانش برابری جنسیتی در جهت مبارزه برای توسعه ی برابری جنسیتی توسط پژوهشگران، دانشگاهیان، NGO ها، سازمان های دولتی و روشن فکران
- تصویب قوانینی در جهت کاهش نابرابری جنسیتی و اصلاح قانون مدنی به ویژه در مواردی چون حق طلاق برای زنان، حضانت مشترک فرزندان و دیگر موارد مشابه
- کمک به جوانان، دختر و پسر، در جهت آشنایی بیشتر قبل از ازدواج توسط نهادها و خانواده ها و کاهش سخت گیری های تصنعی کنونی برای جلوگیری از جدایی به طوری که بسیاری از طلاق های نانوخته، نوشته شوند.
- ایجاد خانه های امن برای زنان و مردانی که به طلاق های نانوخته دچار می شوند و یاری به آنها در جهت یافتن بهترین راه برون رفت از آن.

۳- تحلیل محتوایی کتاب های کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسیت

این پژوهش توسط خانم سهیلا کاوکانی اصل با نظارت دکتر سیامک مهجور در دانشگاه علوم تربیتی علامه طباطبایی انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از نابرابری جنسیتی در توزیع محتوا و تصاویر کتاب ها به نفع مردان است.

کودکان و نوجوانان در دوره ای از زندگی خود قرار دارند که شخصیت شان در حال شکل گیری است. آنان در تمام موقعیت ها (از جمله مطالعه کتاب) به صورت مستقیم و غیرمستقیم در حال یادگیری هستند. با توجه به اهمیت و حساسیت کتاب های کودک در شکل گیری شخصیت کودکان، پژوهش فوق به بررسی در محتوای کتاب های کودکان و نوجوانان می پردازد. نشانه های تبعیض جنسیتی را در متغیرهای مختلف از قبیل انواع بازی ها، تصاویر، شخصیت ها و اسامی نشان داده و بر لزوم رفع این تبعیض ها تأکید می نماید. قسمتی از یافته های این پژوهش عبارتند از:

- ۱- مشاغل روستایی معرفی شده در کتاب های داستان، به طور ۱۰۰ درصد متعلق به افراد مذکر نام برده شده اند و در میان مشاغل شهری ۱۴ درصد برای افراد مؤنث و ۸۶ درصد از مشاغل برای افراد مذکر معرفی شده اند.
- ۲- در بین کتاب های شعر بررسی شده ۳۳ درصد از شخصیت های انسانی موجود در کتاب ها مؤنث و ۶۷ درصد مذکر بوده اند. در کتاب های داستان ۴۷ درصد شخصیت های انسانی مؤنث و ۵۳ درصد مذکر بوده اند و در کتاب های علمی بررسی شده ۲۵ درصد از شخصیت های کتاب مؤنث و ۷۴ درصد مذکر و ۱ درصد نامشخص بوده اند.
- ۳- به طور کلی ۴۷ درصد از اسامی خاص به کار رفته اسامی مؤنث و ۵۳ درصد اسامی مذکر هستند.
- ۴- از میان کتاب های داستانی و علمی بررسی شده فقط ۷ درصد از بازی های کودکان مربوط به جنس مؤنث و ۹۳ درصد بازی ها مربوط به جنس مذکر است.
- ۵- در مورد فعالیت های مربوط به خانه و فرزندان ۸۷ درصد از موارد وظیفه جنس مؤنث و فقط ۱۳ درصد از فعالیت ها وظیفه مردان قلمداد شده است.
- ۶- فعالیت پندوانداز دادن برای جنس مذکر برابر جنس مؤنث استفاده شده است.
- ۷- فعالیت رادیو گوش کردن و فکر کردن فقط برای جنس مذکر نام برده شده است و فعالیت های روزنامه خواندن برای جنس مذکر ۲ برابر جنس مؤنث به کار رفته است.

۸- فعالیت های تفریحی و هنری مانند : شیپور زدن ، نقاشی کردن و قدم زدن فقط برای جنس مذکر استفاده شده و بافتنی ، خیاطی و مهمانی رفتن برای جنس مؤنث نام برده شده و فعالیت های مشترک مانند ، آواز خواندن و گردش در پارک برای هر دو جنس به یک اندازه معرفی شده است .

۹- فعالیت های مربوط به دخانیات مانند قلیان و چیق کشیدن برای جنس مذکر استفاده شده اما درست کردن قلیان مربوط به جنس مؤنث نام برده شده است .

۱۰- فعالیت های احساسی برای جنس مذکر عبارتند از : ترسیدن ، خشمگین شدن ، ناراحت شدن ، نعره زدن ، دعوا کردن ، تعجب کردن و برای جنس مؤنث عبارتند از : نگران شدن ، خوشحال شدن ، خندیدن ، جیغ زدن ، خشمگین شدن ، تعجب کردن

قسمتی از نتایج این پژوهش عبارتند از :

۱- نویسندگان ، تصویرگران و مترجمین مرد در انواع کتاب های کودکان و نوجوانان (علمی ، داستانی و شعر) به مراتب بیشتر از نویسندگان ، تصویرگران و مترجمین زن هستند .

۲- در انواع کتاب های بررسی شده (علمی ، داستانی و شعر) فراوانی شخصیت های مرد بسیار بیشتر از فراوانی شخصیت های انسانی زن است .

۳- در انواع کتاب های بررسی شده شخصیت های حیوانی مذکر و مؤنث تفاوت زیادی با یکدیگر ندارند .

۴- در زمینه تصاویر انسانی موجود در کتاب ها ، در دوطبقه داستانی و شعر تصاویر مردان و پسران بسیار بیشتر از تصاویر زنان و دختران است و در طبقه کتاب های علمی این میزان تفاوت زیادی ندارد .

۵- در میان کتاب های علمی و داستانی بررسی شده فراوانی اسامی خاص انسانی مرد و زن یکسان است اما در همین اسامی خاص موجود در کتاب های داستانی تعداد اسامی مذکر عربی به مراتب بیشتر از تعداد اسامی خاص مذکر ایرانی و اسامی مؤنث بیشتر فارسی و ایرانی هستند تا عربی . در میان کتاب های علمی بررسی شده تمامی اسامی مذکر نام برده شده اسامی عربی هستند و در میان اسامی مؤنث نیز ، اسامی خاص ایرانی بسیار بیشتر است .

۶- در میان کتاب های داستانی بررسی شده ، تقریباً همه صفات نام برده شده مثبت هستند و در میان این صفات ، صفات مثبت و منفی برای هر دو جنس مذکر و مؤنث تقریباً یکسان استفاده شده است .

۷- در میان کتاب های داستانی بررسی شده ، تقریباً همگی بازی ها با انتساب به پسر ها نام برده شده است و این در حالی است که بازی های منتسب به پسران ۱۳ نوع است و بازی های منحصر به دختران فقط یک بازی و آن هم عروسک بازی می باشد .

۸- در میان کتاب های داستانی بررسی شده ، بیشترین شخصیت اصلی داستان ها ، انسان بوده است . سپس حیوان و به نسبت کمی گیاه . از شخصیت های اصلی انسانی و حیوانی نیز ، از جنس مذکر بسیار بیشتر از جنس مؤنث استفاده شده است .

۹- در میان کتاب های بررسی شده اغلب فعالیت های مربوط به خانه و فرزندان به زنان منتسب شده است .

نگاهی به یافته ها و نتایج پژوهش نشان می دهد که : کلیشه های جنسیتی به شدت در کتاب های کودکان و نوجوانان رسوخ دارد . کتاب به عنوان یک رسانه همگانی همانند خانواده و مدرسه کودکان را با نقش های جنسیتی کلیشه ای اجتماعی می کند . لزوم بازنگری در این کلیشه ها بیش از پیش آشکار می گردد .

۴- عوامل اجتماعی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران

این پژوهش توسط خانم ناهید کشاورز انجام شده است (به نقل از فصل زنان ، جلد چهارم ، تابستان ۱۳۸۳)

لازمه ی تغییر در وضعیت زنان "ظهور کنش جمعی آگاهانه " است تغییر "پنداشت از خود" (self-concept) پیش شرط ظهور این کنش جمعی است . پنداشت از خود فروتر زنان در مناسبات میان دو جنس ، برکنش زن در تمامی زمینه ها تأثیر می گذارد. پژوهش فوق سعی در شناخت بیشتر مسایل زن ایرانی و تغییر مناسبات نابرابر موجود دارد .

نتایج این پژوهش عبارتند از :

پنداشت از خود در این پژوهش به ابعاد : ۱- بعد جنسی ۲- بعد توانایی ها ۳- تابعیت در همسری ۴- الویت نقش تقسیم گردیده است .

نتایج توصیفی بعد جنسی پنداشت از خود که دارای ۳ شاخص مهم بودن جذابیت و زیبایی یکسویه زن، تمکین یا عدم تمکین در رابطه جنسی و نقش فعال یا منفعل زن در رابطه جنسی با همسر، است چنین نشان می دهد که:

هر چند نگاه سنتی در مورد انفعال زنان و دیگر شاخص ها در میان زنان با تردید هایی مواجه شده است، اما نگاه فروتر زنان به خود و تلقی کردن خود به عنوان موضوع جنسی مرد - شوهر در این رابطه هنوز کماکان فراگیر است.

بعد توانایی های پنداشت از خود با سه گویه " شوهرم بهتر از من مسایل فکری را درک و تحلیل می کند"، " شوهرم در موقعیت های مختلف بهتر از من تصمیم گیری می کند" و " من فکر می کنم نمی توانم مسئولیت تأمین هزینه های خانواده را به عهده بگیرم"، سنجیده شده است. نتایج نشان می دهد که: تقریباً نیمی از زنان مورد پژوهش معتقدند توانایی های آن ها از همسران کم تر است. با توجه به این که میزان تحصیلات آن ها مشابه است. چنین نگاهی به خود نشان دهنده ی تبعیض های پنهان و آشکاری است که در زندگی گذشته و حال بر آن ها رفته است و برای هر تغییر قبل از هر چیز باید این نگاه فروتر تغییر کند.

بعد تابعیت در رابطه همسری با گویه ی "به نظر من زنی که نتواند مطابق میل شوهرش رفتار کند باید احساس شرمساری کند" سنجیده شده است. نتایج نشان می دهد که: درصد بالایی از زنان مورد پژوهش در رابطه ی همسری به طور نابرابر قرار دارند و متأسفانه این موقعیت نابرابر مورد پذیرش آنان قرار گرفته است.

بعد الویت نقش با یک گویه و ۲ پرسش مورد پرسش قرار گرفته است: با گویه "مرد باید اهل کار باشد ولی برای زن مهم نیست که کار و حرفه ای بلد باشد." و پرسش های: " اگر درآمد زنی با همسرش برابر باشد و به دلیل مشکلات خانوادگی یکی از آنها مجبور به ترک شغل و ماندن در خانه شود، به نظر شما کدام یک بهتر است کارش را رها کند؟" و "در صورت بالاتر بودن درآمد زن چه کسی کارش را ترک کند؟ نتایج نشان می دهد که: هر چند که ۶۸/۲ درصد پاسخ گویان معتقدند که در دنیای امروز زنان نیز باید کار و حرفه ای بدانند اما وقتی موضوع انتخاب به میان می آید اکثریت پاسخ گویان زنان را متعلق به عرصه ی خصوصی و خانواده می دانند و نیاز کودکان و همسر به زن را یکی از دلایل ماندن زن در خانه می شمردند و در ضمن برای اکثر آن ها ماندن مرد در خانه قابل تصور نیست. از دید پاسخ گویان هویت مردان

با حضور در عرصه های عمومی تعریف می شود و هویت زنان با ماندن در عرصه خصوصی و اکثر آن ها نقش های جنسیتی را کاملاً درونی کرده اند .

داده های پژوهش نشان می دهد ، تقسیم کار در خانواده به شدت جنسی است . رابطه معنا دار میان تقسیم کار درون خانواده و پنداشت از خود زن ، وجود دارد . به عبارتی هر چه تقسیم کار درون خانواده مشارکتی تر باشد ، پنداشت از خود زن ، مدرن تر است .

داده های پژوهش نشان می دهد ۲،۳۸ درصد از پاسخ گویان در خانواده جهت یاب خود دچار تبعیض جنسی بوده اند ، ۹،۵۸ درصد در خانواده هایی بدون تبعیض بزرگ شده و تنها ۹،۲ درصد از پاسخ گویان در خانواده هایی که دختران بیشتر از پسران مورد توجه بوده اند ، به سر برده اند .

با نگاهی به یافته های این پژوهش باید گفت : جامعه برای زدودن انگاره های تبعیض جنسی در تمامی زمینه ها باید تلاش کند .

۵- نابرابری جنسیتی در ایران : فرادستی و فرودستی در زبان

این پژوهش توسط خانم مریم پاک نهاد جبروتی انجام شده و در سال ۱۳۸۱ در تهران توسط انتشارات گام نو منتشر گردیده است .

این پژوهش با طرح دو پرسش به بررسی مسئله جنسیت زدگی در زبان فارسی پرداخته است . پرسش ها عبارتند از :

۱- آیا در زبان فارسی نابرابری جنسیتی وجود دارد ؟

۲- در صورت پاسخ مثبت به پرسش نخست ، عوامل مؤثر بر آن کدامند ؟

نویسنده برای یافتن پاسخ پرسش های خود ، به بررسی ادبیات کتبی زبان فارسی و نظریه ی جبرگرایی زبانی، پرداخته است . این نظریه که خود بر مبنای رویکرد تسلط و ستمگری در زبان شناسی اجتماعی مطرح شده است تأکید فراوانی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی در بروز نابرابری های جنسیتی دارد .

برای پاسخ به پرسش اول جنسیت زدگی زبانی را این گونه تعریف می کند :

زبانی جنسیت زده است که کاربرد آن تمایزی بی ادبانه ، نامربوط ، یا ناعادلانه را در میان جنسیت های مختلف به وجود آورده یا ترویج نماید .

در بررسی های انجام شده در پژوهش فوق نتیجه گیری می شود که زبان فارسی زبانی به شدت جنسیت زده است و فهرستی از کلمات ، عبارات و ضرب المثلهایی که در زبان فارسی حاکی

از نابرابری جنسیتی است می آورد. اما در پاسخ به پرسش دوم عوامل متعددی چون شغل، تحصیلات، سن، جنسیت، وضعیت تأهل و مانند آن در نظر گرفته شده است. برخی از نتایج پژوهش در این بخش به قرار زیر است:

۱- با افزایش میزان تحصیلات در میان زنان میزان کاربرد عبارات تبعیض آمیز (اگرچه کم) افزایش یافته است. زنان در هیچ یک از سطوح تحصیلی به مقدار خیلی زیاد از عبارات تبعیض آمیز صریح استفاده نکرده اند و همواره طیف غالب ((خیلی کم)) بوده است.

۲- افراد جوان تر با کاربرد فارغ از جنسیت (استفاده برای هر دو جنس) و عدم استفاده موارد یک طرفه صریح به تدریج بار تبعیض آمیز آن ها را از بین می برند.

۳- با بالا رفتن سن، زنان تعداد کمتری از عبارات مورد نظر را برای هر دو جنس به کار برده اند یعنی افزایش سن در میان زنان با کاربرد عبارات مورد نظر به صورت تبعیض آمیز رابطه مستقیم داشته است.

۴- در اغلب موارد میان متغیرها و موارد تبعیض آمیز در گروه مردان رابطه معناداری مشاهده نشد حال آن که در مورد زنان وضعیت به این منوال نبود به عبارت دیگر در بسیاری موارد موقعیت اجتماعی زنان بر کاربرد عبارات تبعیض آمیز توسط آنان تأثیر گذاشته است حال آن که این متغیرها از قبیل سن، شغل، تحصیلات و غیره بر روی مردان تأثیر نداشته است.

۵- زنان مجرد بیش از زنان متأهل از عبارات تبعیض آمیز استفاده می کنند اگر چه در مجموع به نظر می رسد زنان کمتر از مردان تمایل به استعمال عبارات تبعیض آمیز دارند.

۶- با افزایش میزان تحصیلات تعداد بیشتری از زنان از عبارات تبعیض آمیز استفاده کرده اند. اما همواره کاربرد "کم" طیف غالب بوده است.

۷- با افزایش منزلت شغلی در میان زنان این طبقه زبانی کمی بیشتر از عبارات تبعیض آمیز استفاده می کنند.

۸- در مجموع به نظر می رسد زنان کمتر از مردان تمایل به استعمال عبارات صریح تبعیض آمیز دارند.

نظري اجمالي به یافته ها و نتایج پژوهش نشان می دهد که در زبان فارسي نابرابري جنسيتي به شدت رواج دارد از این رو به نظر می رسد که بازنگري و اصلاح ساختار زبان فارسي يکي از مسایل مهم جامعه امروز ايران می باشد و از پژوهشگران و کارشناسان در این زمینه انتظار می رود که در این امر مهم اقدام نمایند .

مباحث نظری پژوهش

- مقدمه
- اجتماعی شدن و آموزش نقش های جنسیتی
- ادبیات پژوهش در جهان
- ادبیات پژوهش در ایران
- نابرابری جنسیتی (بررسی تاریخی)
- نابرابری جنسیتی در قانون مدنی (بررسی حقوقی)
- نابرابری جنسیتی : فرهنگ و قوانین عرفی
- نظریه های جامعه شناسی نابرابری جنسیتی
- نظریه های فمینیستی معاصر
- سایر فمینیسم

مقدمه :

جنبش اجتماعي زنان که حوزه هاي گوناگون زندگي اجتماعي را نیز تحت تاثیر قرار مي دهد موضوع بسياري از پژوهش ها بوده است . اما در مقايسه با قدمت تاريخي و وسعت اين جنبش ، اين پژوهش ها بسيار اندک و ناچيز به نظر مي رسند .

در تمامي کشورها زنان براي بهبود وضعيت خود مبارزه کرده اند اما اين مبارزات مدت هاي مدیدی پنهان و ناشناخته مانده است. نظام مرد سالاري تمامي ساختارهاي جامعه را به منظور تحقق سلطه مردان به کار مي گيرد . اقتصاد ، سياست ، فرهنگ ، آموزش و پرورش و رسانه هاي گروهی همه در خدمت اين سلطه قرار دارند. در جامعه مرد سالار علم نیز بي طرف نمي ماند و اغلب بيراهه مي رود . در دنيايي که مذکر است تاريخ بيشتتر به مطالعه وضعيت گذشته صاحبان قدرت و کارگران و دهقانان مرد علاقه مند بوده است تا به تاريخ زنان. هر چه مردان درباره ي زنان نوشته اند بايد نامطمئن باشد زيرا مردان در آن واحد هم داورند و هم طرف دعوا (پولن دولابار به نقل از سيمون دوبوار : ۱۳۸۴) دیدگاه مرد سالارانه حاکم تلاش مي کند تا الگوها و نقش هاي خاص مردان و زنان خود را به جوامع گذشته نیز نسبت دهد . زماني در جايي خواندم که پژوهشگري اعلام کرده بود که در گذشته هاي دور وقتي زنان از قبایل خود ربهوده مي شدند از ربهوده شدنشان خوشحال مي شدند اين خوشحالي به قدری بود که حاضر نبودند به قبایل خود بازگردند. اين مطلب بي شباهت به اين گفته امروزي نيست که زنان از اين که مورد تجاوز قرار بگيرند لذت مي برند. به همین جهت هنگام استفاده از منابع موجود بايد در درجه اول از منابعي استفاده کرد که افکار صاحبان آنها کمتر به پيش داوري هاي مرد سالارانه مشغول باشد يعني از آثار زنان پژوهشگر ، از طرفي آثار زنان پژوهش گر نیز بسيار کم و نادر است و آنها هم تحت تأثير تعاليم برتري جنسي استادان خويشند . اين اساتيد معمولاً اين گونه تعليم مي دهند که زن به قلمرو طبيعت و مرد به قلمرو فرهنگ تعلق دارد . مقوله مرد مداري يك مانع اساسي براي ارزيابي وضعيت زنان در جوامع گوناگون است. " آمار امروزه کار نمونه تکان دهنده اي را به ما نشان مي دهد : زنان خانه دار جزو شاغلين محسوب نمي شوند در حالي که جمع ساعات کار خانگي آنها بيشتتر از کل ساعات کار مزد بگيراني است که مستحق دريافت دستمزد شناخته مي شوند . اگر امروزه علم اقتصاد نوين توليد خانگي زنان را نادیده مي گيرد

محققي که در دو هزار سال آینده به مطالعه تولید زنان امروز خواهد پرداخت چگونه خواهد اندیشید؟ آیا آنان را جزو بی‌کاران و انگلها قلمداد خواهد کرد؟ (اندره میشل: ۱۳۷۲، ۱۴)

اجتماعي شدن و آموزش نقش هاي جنسيتي

بیشتر دانشمندان علوم اجتماعي معتقدند که تربیت بخش مهمي از رفتار نقشهاي جنسيتي است. نظريه پردازان کنش متقابل نمادين و سامانه ها روي اهميت نقشها در شکل دادن به رفتار تأکید دارند.

گونه اي که ما رفتار مي‌کنيم بیشتر تحت تأثیر انتظارات اجتماعي است که در نقشها درگیر هستند در حالي که ما آنها را ضرورتاً ژنتیک يا بيولوژیک فرض مي‌کنيم. در اواسط قرن نوزدهم همانطور که کشورها صنعتي شدند و طبقه متوسط رشد کرد عقاید جديد در باره نقشهاي جنسيتي مناسب گسترش يافت. نقشهاي زنان به طور معناداري محدود شد. آنها از کارهاي سخت معاف شده بودند بنابراین توانستند درگیر مشغله های بیشتر زنانه ي موسيقي، هنر و گلدوزي شوند. توجه و تمرکز بر روي عملکرد ظاهري زنان و ظاهر و لباس آنان معطوف شده بود. همانطور که کار مردان آنان را از خانه دور کرد. خانه جايي براي زنان قلمداد شد. آنها خالق و حافظ خانه به عنوان پناهگاهی براي شوهر و فرزندانشان در مواجهه با محيطي که به طور روز افزون سرد و خشن مي شد، بودند.

شواهدی از پژوهشها در روان شناسي پيشرفته در دست است که اهميت اجتماعي شدن را ناچيز مي انگارد. طبق کلیشه ها زنان احساسی تر و پرورش دهنده تر از مردان هستند. در رابطه با احساسات شواهدی وجود دارد که نوزادان پسر بیشتر از نوزادان دختر احساسی هستند (خندیدن، گریه کردن و نشان دادن بیشتر لذت و عصبانیت) اما والدین تمایل دارند که از حدود يك سالگی کنترل احساسات را به پسران خود آموزش دهند (لوانت و کوپکي ۱۹۹۴) به طور مشابه دختران بیشتر از پسران پرورش دهنده ظاهر نمی شوند (ملسون و فوگل ۱۹۹۸) تا حدود سن چهار و پنج سالگی پسران به اندازه دختران گرایش به علاقمندی به کودکان و نگهداری آنان دارند ولي همان طور که بزرگ می شوند و به هویت جنسي خود آگاه می گردند در توجه به کودکان کمتر مشارکت می کنند. آنها یاد می گیرند که در نقش سنتي مردانه (کمتر پرورش دهنده) درگیر

شوند به طور خلاصه شواهد از نظریات چافتز (۲۸-۱۹۷۴:۲۷) در باره ی نسبی بودن تأثیر بیولوژی و عوامل اجتماعی حمایت میکند .

۱- بسیاری از آموزشها و رفتارهای تعریف شده به عنوان مردانه یا زنانه در یک جامعه ذاتی نیستند آنهایی که در یک جامعه مردانه تعریف شده اند ممکن است در جامعه دیگر زنانه تلقی گردند و بر عکس .

۲- تمایلات و گرایشات بسیار کمی به طور ذاتی با جنسیت وابسته هستند مثل گرایش مردان به خشونت بیشتر اما عوامل اجتماعی می توانند تأثیرات این گرایشات را خنثی کنند .

۳- تفاوتهای ذاتی به هر اندازه که وجود داشته باشند کیفی هستند نه کمی به طوری که ما نمی توانیم بگوییم مردان پرخاشگر هستند و زنان منفعل اما همان طور که قبلاً گفتیم تعداد بیشتری از مردان بیشتر پرخاشگر هستند .

از آنجایی که اجتماعی شدن در گسترش نقشهای جنسیتی بسیار مهم است به شناسایی منابع اصلی اجتماعی شدن نیاز است منابع اصلی در این راه خانواده ، مدرسه و رسانه های جمعی هستند . این سه منبع در توافق با یکدیگرند و هم دیگر را تقویت می کنند. آموزش در خانواده به روشهای متفاوتی انجام می شود . کودک ممکن است از والدین خود بشنود که از وزن یا شکل خود شکایت می کنند آنها می بینند که والدین شان در مقابل کسانی که به ایده آل ها نزدیک ترند با حسادت یا خواهندگی واکنش نشان می دهند . پدري که برای عضلانی شدن وزنه بلند می کند به پسرش در باره تیپ جسمانی مطلوب آموزش می دهد به ویژه اگر این کار را نه برای حفظ سلامتی بلکه برای داشتن ظاهر مطلوب انجام دهد . مادري که درگیر رژیم غذایی سفت و سخت یا جراحیهای آرایشی به منظور تغییر ظاهر می شود به دخترش در باره تیپ جسمانی مطلوب آموزشی می دهد . دوستان ، هم کلاسی ها و رسانه های جمعی ایده آلهای فرهنگی را تقویت می کنند .

برای زن امروز از هر نظر غیر ممکن است که در معرض یادآوری ایده آلهای و روشهای دست یابی به آنها و فوایدی که از پی آنها خواهد آمد قرار نگیرد تلاش برای داشتن تیپ ایده آل بدنی از دو نظر طنز آلود است . اول هنگامی که این تلاش میل به جذاب بودن را تقویت و روابط صمیمانه را دنبال می کند امکان دارد به مقدار کمی باعث افزایش اعتماد به نفس و تقویت روابط صمیمانه شود ولی در واقع برای زنانی که در این راه به بیماریهای مربوط به خوردن مبتلا شوند کار خیلی سخت می گردد به طوری که مانعی برای مفهوم صمیمیت ایجاد می کند . دوم

زنان و مردان در باره ی نظرات جنس مخالف به میزان قابل توجه دچار بد فهمی هستند . در پژوهشی معلوم گردید که زنان میزان مطلوب لاغری خود ، از نظر مردان را بیش از اندازه ی واقعی تصور می کنند و همین طور مردان میزان مطلوب عضلانی بودن خود را از نظر زنان بیش از مقدار واقعی ارزیابی می کردند (فوربس ۲۰۰۱) پژوهشی دیگر روی ۱۷۲ زن متأهل نشان داد که زنان بیش از آنچه که شوهرانشان از فرم بدنی آنها ناراضی باشند از این موضوع ناراحت بودند و تصور می کردند که شوهران بیشتر ناراضی هستند . (مارکی ، مارکی و بیرج ۲۰۰۴) . وجود چنین مفاهیمی در زندگی اجتماعی باعث ایجاد انگیزه برای رفتار می شود حتی اگر این مفاهیم نادرست باشند . عموماً تصاویر ذهنی بدن (Body image) یکی از مواردی است که به مرد یا زن بودن معنا می بخشد .

نخستین تجلیات ما از مرد یا زن بودن ریشه در والدین مان دارد . ما از پدر و مادر خود چیزهایی آموخته ایم و میل داریم که مثل آنان باشیم . نه تنها سخنان آنها بلکه نگرش و رفتار آنان نیز برای ما آموزش بوده است . مثلاً نگرش شما در باره تقسیم کار در خانه از نگرشهای مادران و روشی که والدین تان کارها را بین خود تقسیم می کرده اند ، گرفته شده است (نینگهام ۲۰۰۱) والدین نقشهای جنسیتی را از طریق روشهای مختلف رفتاری به فرزندان پسر و دختر خود آموزش می دهند . هم پدران و هم مادران از طیف وسیعتر و شمار بیشتری از اصطلاحات احساسی در رابطه با دختران خود در مقایسه با پسران استفاده می کنند . (آدافر ۱۹۹۵ ، گارنر ، رابرتسون و اسمیت ۱۹۹۷ ، فیووش ۲۰۰۰) آنها بیشتر درگیر بازیهای فیزیکی با پسران و بازیهای نمایشی با دختران می شوند (لیندسی و میز ۲۰۰۱) روشهای انضباطی متفاوتی را برای پسران و دختران به کار می برند (لیو و فاگوت ۱۹۹۷) والدین بچه ها را تشویق می کنند تا فعالیتهایشان را متناسب با تیپ های جنسیتی انجام دهند . مثلاً آنها فرض را بر این می گذارند که دختران در زمینه ی علوم ضعیف هستند و علوم برای آنها جالب نیست و هنگامی که با فرزندان خود در این باره صحبت می کنند مطابق این فرضیه عمل می نمایند در نتیجه دختران در علاقه به علوم و رقابت در آن در سطح پایین تری از پسران قرار می گیرند . (تنن باوم ولی پر ۲۰۰۳) چنین تفاوت تربیتی از هنگام تولد اتفاق می افتد . در دوسال اول زندگی کودک والدین تمایل دارند چیزهایی مثل وسایل ورزشی ، ابزار و انواع متنوعی از وسایل نقلیه کوچک و بزرگ به پسران بدهند در حالی که به دختران عروسک ، وسایل خانه بچه گانه و اسباب بازیهای شبیه آن می دهند (پالریو ۱۹۹۰) والدین نیازمند آگاهی بیشتر در باره کاربرد هدایای خود به

کودکانشان هستند. حتی هدیه ای مثل کتاب که به نظر خنثی می رسد تأثیراتی دارد با این که کتابها امروزه کمتر کلیشه ای هستند ولی هنوز گرایش دارند که دختران را به عنوان موجودات وابسته و مطیع و پسران را مستقل و خلاق نشان دهند (کورتن هاوس و دیمارست ۱۹۹۳، اسکامپ، کوفمن، ولتریک ۱۹۹۶) عامل دیگری که بر روی اجتماعی شدن نقشهای جنسیتی تأثیر دارد نوع خانواده است زبانی که به طور تمام وقت در بیرون خانه کار می کنند به احتمال زیاد از نقشهای جنسیتی غیر سنتی حمایت می کنند و زنان خانه دار از نقشهای جنسیتی سنتی (کاسیدی و وارن ۱۹۹۶) در خانواده های تک سرپرست، خانواده های پدر رئیس بیشترین نگرشهای جنسیتی سنتی را دارند و خانواده های مادر رئیس بیشترین نگرشهای برابر طلب را دارند (رایت و یانگ ۱۹۹۸).

اگر مدارس گروههای پسرودختر را با هم آموزش دهند و برای هر دو استانداردهای یکسانی را به کار برند برابری بین مرد و زن را آموزش می دهند. اما در عمل چنین رفتار برابری وجود ندارد. مارتین (۱۹۹۸) با استفاده از مشاهده مشارکتی پنج مدرسه ابتدایی را مورد مطالعه قرار داد و دریافت که پنج چیز هست که پسرها را از دخترها متمایز می سازد. اول والدین فرزندانشان را با لباسهای جنسیتی به مدرسه می فرستند (۶۱ درصد دختران صورتی می پوشیدند پسران اصلاً صورتی نمی پوشیدند) بچه ها یکدیگر را می بینند و یاد می گیرند که پسرها و دخترها لباسهایی با رنگهای متفاوت می پوشند همان طور که با انواع متفاوت.

دوم معلمان دختران را بیشتر از پسران به رسمی رفتار کردن تشویق می کنند به طور مثال هنگامی که دایره وار می نشستند به دختران گفته می شد که چهار زانو بنشینند در حالی که پسران اجازه داشتند چمباتمه بزنند یا روی زانو بنشینند.

سوم: معلمان به دختران بیشتر از پسران می گفتند که ساکت باشند یا با صدای آرامتر و بهتری صحبت کنند.

چهارم: معلمان دختران را بیشتر از پسران برای تغییر رفتار راهنمایی می کردند (فریاد زن، اینجا بنشین، آن را بردار، دقت کن و غیره).

بالاخره بچه ها مفهوم مرد یا زن بودن را به وسیله جارو جنجال پسرها و تلاشهای دختران برای خوب بودن، از یکدیگر می آموزند. بنابر این بچه ها در مدارس هم از معلمان و هم از هم کلاسیهای خود چیز یاد می گیرند هم چنین کتابهایی که در مدرسه خوانده می شود به آموزش آنها کمک می کند یک بررسی از کتابهای مدارس راهنمایی نشان داد که این کتابها هنوز

پرخاشگری، جنجالی و رقابتی بودن مردان را به تصویر می کشند (اوانس و یویس ۲۰۰۰) پسرانی که این کتابها را می خوانند این را به عنوان قسمتی از آن چیزی که به طور سنتی مرد نامیده شده است می پذیرند.

تفاوت در آموزش دختران و پسران حتی در دوره دبیرستان هم ادامه پیدا می کند مطالعه ای بر روی تصاویر کتابهای درسی مربوط به گرایش جنسی انسان، ازدواج و خانواده در دوره دبیرستان نشان داد که در دهه ۱۹۹۰ مساوات طلبی بیشتری نسبت به دهه ۱۹۷۰ وجود داشته است. اما در تصاویر مربوط به دهه ۱۹۹۰ هنوز هم نقشهای سنتی در مورد زنان مسلط بوده است (لاو و شرارد ۱۹۹۹) مشاورین برخی از دبیرستانها هنوز سعی می کنند دختران را به سویی مشاغل یا تخصصهای سنتی زنانه هدایت کنند (مثلاً پزشک اطفال نه جراح) پس یک زن در طول دوره تحصیلات شغلی با روشهای متعدد فشارهایی را برای پذیرش نقشهای سنتی متحمل می شود.

رسانه ها در شکل گیری توجه ما به نقشهای جنسیتی مناسب، مؤثر هستند. برای مثال به کتابهای تصویری کودکان توجه کنید. بیشتر اوقات کتابها در به تصویر کشیدن زنان و مردان برابری طلب هستند ولی در هر حال بررسی ۸۳ کتاب قابل توجه کودکان از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ گودن و گودن (۲۰۰۱) تفاوتی بین دو جنس پیدا کردند. مردان و همین طور حیوانات نر بیشتر از زنان به تنهایی در نمونه های تصاویر دیده می شدند. بیشتر نقشها برای مردان بزرگسال به تصویر درآمده بود تا برای زنان بزرگسال و بیشتر نقشهای زنان، نقشهای سنتی بود (نقش مادر، در حال شستن و غیره) در تصاویر مردان به ندرت در حال انجام کارهایی مثل مراقبت از کودکان یا خرید خواربار بودند. آنها هرگز در حال انجام کارهای خانگی نشان داده نشده بودند. تعدادی تصاویر غیر سنتی نیز وجود داشت اما به طور شفاف کتابها هنوز مردان و زنان را در نقشهای سنتی اصلی نشان می دادند.

مطالعه ای دیگر این بار روی ۲۰۰ تصویر از کتابهای کودکان چگونگی توصیف پدر و مادر بودن را توسط کتابها بررسی کرد (آندرسن و همیلتون ۲۰۰۵) محققان متوجه شدند که پدران کمتر در تصاویر دیده شده بودند و وقتی هم که دیده می شدند در نقش پدری غیر مؤثر و کم رنگ بودند.

در ادامه محققان کتابهای داستان کوتاه نوجوانان را بررسی کردند. دو محقق تفاوت بین کتابهای تبعیض آمیز جنسی و کتابهای غیر تبعیض آمیز را تجزیه و تحلیل کردند (دیکمن و هورنن ۲۰۰۴)

محققان پس از خواندن کتابها هیچ مثالی از تبعیض جنسی مثل انواع کلیشه ای نقشهای ویژه خانوادگی و کاری و روشهای مختلف نابرابری مشاهده نکردند. کتابهایی که قایل به تبعیض جنسی نبودند بیشتر از کتابهایی که تبعیض جنسی در آنها دیده می شد زنان را در نقشهای غیر سنتی و فعالیتها نشان می داد ولی در هر حال هر دو نوع کتابها هنوز گرایش داشتند که زنان را در نقشهای سنتی در مورد شخصیت و در انجام کارهای خانگی و در فعالیتهای اوقات فراغت نشان دهند.

ادبیات پژوهش در جهان

جنس دوم

جلد اول کتاب مذکور به بررسی وضعیت زنان از سه دیدگاه سرنوشت، تاریخ و اسطوره می پردازد. در بخش سرنوشت دیدگاه های زیست شناسی، روان کاوی و ماتریالیسم تاریخی مطرح می گردد. نویسندگان در بخش زیست شناسی به تفاوت های بیولوژیک دو جنس اشاره کرده و چگونگی شکل گیری تفاوت های جنسیتی را در طول زمان بر اثر این تفاوت ها بررسی می نمایند.

سهم هر یک از دو جنس، (در تولید مثل) نکته ای است که عقاید درباره آن بسیار متفاوت است، این عقاید ابتدا فاقد هرگونه اساس علمی بوده اند و فقط اسطوره های اجتماعی را منعکس می کرده اند. مدت ها این اندیشه حاکم بوده است، و در برخی جوامع بدوی دارای خویشاوندی صلبی، هنوز هم بر این گمانند که پدر در بسته شدن نطفه فرزند هیچ سهمی ندارد، با رسیدن پدرسالاری، مرد به شدت به مطالبه عقبه خود

بر می خیزد و سهم مادر در تولید مثل را نادیده می گیرد. ولی پذیرفته می شود که تنها کار او این است که بذر زنده را حمل کند و پروراند، فقط پدر است که خالق به شمار می رود.

" امروزه گرایش مخالفی دیده می شود کشف های مربوط به تولید مثل بدون دخالت نر، بعضی از دانشمندان را به جایی کشانده که سهم نر را به سهم یک عامل ساده فیزیکی شیمیایی محدود کنند. آشکار شده که در بعضی انواع عمل یک اسید یا یک تحریک مکانیکی ممکن است برای آغاز قطعه قطعه شدن تخم و بزرگ شدن جنین کافی باشد، بر اساس آن، به نحوی جسورانه حدس

زده می شود که سلول تناسلی نر برای بقای نسل لازم نیست و حداکثر اهمیت و ارزش یک مخمر را دارد. شاید روزی برسد که همکاری مرد برای تولید مثل کاری بی فایده باشد. ظاهراً این ارزوی عده بی شماری از زنان است. ولی هیچ چیز اجازه تجسم آینده ای چنین جسورانه را نمی دهد... پدیده های تکثیر فاقد جنسیت و تولید بدون نر، درست به اندازه تولیدهای دارای جنسیت اساسی به نظر می رسد." (دوبار، ۱۳۸۴، ص ۴۶)

او معتقد است که مردان با قایل شدن نقش اساسی برای خود در تولید مثل جایگاه ویژه ای در بقای نسل انسان در روی کره زمین برای خود در نظر می گیرند. همین جایگاه ویژه و برتر آنان را محق می دارد که در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی خواستار برتری باشند. به عکس دشواری های دوران قاعدگی و وضع

حمل و مراقبت و تغذیه نوزادان، موانعی در راه فعالیت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی به وجود می آورد. شناخت این مسایل دارای اهمیت بسیار است ولی شناخت و بیان آن به منزله این نیست که باید حکم محکومیت زنان را بدون چون و چرا پذیرفت. این ها کلیدهایی هستند که اجازه می دهند وجود زن درک شود. اما آن چه را که نویسنده نمی پذیرد "... این فکر است که اینها سرنوشت کاملاً تعیین شده ای برای زن بسازند. اینها کافی نیستند تا بتوانند سلسله مراتب جنس ها را تعیین کنند، اینها توجیه نمی کنند که چرا زن موجودی "دیگر" است، این دانسته ها، زن را محکوم نمی کنند که وظیفه وابسته بودن را برای همیشه حفظ کند." (همان، ص ۷۳)

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و زندگی ماشینی دیگر صحبت از ضعف نیروی عضلانی و محدودیت های جسمی زنان کاملاً بی مورد به نظر می رسد. زندگی امروزی توسل به زور و خشونت برای غلبه بر طبیعت را منسوخ می داند. مجموعه فرهنگ و تمدن آداب و اصولی را برای زندگی به وجود آورده که در آن جایی برای بحث در باره قدرت بدنی و فیزیکی باقی نمی ماند.

"به محض اینکه چشم اندازی را که جسم را بر اساس وجود تعریف می کند پذیرفتیم، زیست شناسی به علمی انتزاعی بدل می شود... وقتی این گرفتن (غنیمت گیری از دنیا) استفاده کامل از نیروی بدنی را ایجاب نکند... تفاوت ها منسوخ می شود، در جایی که آداب و عادات، خشونت را ممنوع می شمارند، نیروی عضلانی نمی تواند سلطه ای ایجاد کند. آن وقت

استندهای وجودی، اقتصادی و اخلاقی لازم است تا تصور ضعف بتواند به نحو واقعی تعریف شود. (همان، ص ۷۶)

در نظر گاه روان کاوی که فروید سهم عمده ای در آن دارد، زن در نقشی انفعالی توصیف می شود. زن از نظر جسمی و جنسی نسبت به مرد کمبودی حس می کند و دچار عقده می گردد. از نظر فروید زن خود را مردی مثله شده می پندارد نتیجه این تصور ارزش بیشتر بخشیدن به عالم مردی است.

"سلطه و حاکمیت پدر امری مربوط به نظم اجتماعی است و فروید در کار توجیه آن ناموفق است. خودش اعتراف می کند که نمی توان دانست چه اقتداری در یک لحظه از تاریخ بر آن شده است که پدر بر مادر برتری یابد. به عقیده او این تصمیم معرف نوعی پیشرفت است ولی علت های آن شناخته شده نیست. فروید در آخرین اثر خود می نویسد: "این جا نمی تواند پای اقتدار پدری در میان باشد، زیرا این اقتدار فقط بر اثر پیشرفت به پدر بخشیده شده است." (همان، ص ۸۶)

فروید می گوید "آناتومی همان تقدیر است." دبووار جواب می دهد: "تکنیک ها و ساختار اقتصادی و اجتماعی هر جامعه، در یک دوره مشخص، دنیای مشابهی را برای تمام افرادش آشکار می کند. همچنین رابطه پایدار جنسی با شکل های اجتماعی وجود دارد. افراد مشابه در شرایط مشابه، از اصول، معانی مشابه درک می کنند. این تشابه عمومیت خدشه ناپذیری بنیاد نمی نهد، ولی اجازه می دهد که در ماجراهای فردی، نمونه های همگانی یافت شود." (همان، ص ۹۲)

نظر گاه ماتریالیسم تاریخی به تاریخ تکنیک ها مربوط می شود. در عصر حجر که امکانات کشاورزی محدود بوده نوعی تقسیم کار ابتدایی بین دو جنس به وجود آمده. این نوع تقسیم کار به نوعی دو طبقه به وجود آورده که بین آنها مساوات برقرار بوده. مرد عهده دار شکار و ماهیگیری بوده وزن در خانه می مانده در ضمن کار تولیدی جمع آوری دانه های خوراکی، کوزه گری و پارچه بافی را نیز انجام می داده. با گسترش کشاورزی و انداختن مواد غذایی، مالکیت خصوصی پدید آمد. مرد از خدمت مردانی دیگر که آنها را به بردگی می گیرد استفاده می نماید. او که صاحب زمین و بردگان است، مالک زن هم می شود. این همان "شکست تاریخی بزرگ زن" است. این امر به دنبال تغییر تقسیم کار و اختراع ابزار جدید صورت می گیرد. در واقع ستم اجتماعی که زن متحمل می شود نتیجه ستم اقتصادی است که بر او روا می شود. از نظر سیمون دبووارد در این نظرگاه:

"مهمترین مسایل با تردستی محو شده است. محور تمام تاریخ، گذر از نظام اشتراکی به نظام مالکیت خصوصی است. مطلقاً به ما نشان داده نمی‌شود که این امر چگونه توانسته تحقق یابد... به همین ترتیب، روشن نیست که مالکیت خصوصی مقدراً بردگی زن را به دنبال داشته باشد. ماتریالیسم تاریخی، نکته‌هایی را که در موردشان باید توضیح داده شود به مثابه چیزهای پذیرفته شده در نظر می‌گیرد. بی‌آنکه به بحث پردازد. رشته نفع و فایده را که باعث ایجاد پیوند بین انسان و مالکیت است مطرح می‌کند، ولی همین منفعت که منشأ نهادهای اجتماعی است، خود از کجا سر چشمه می‌گیرد؟" (همان، ص ۱۰۲)

ماتریالیسم تاریخی نمی‌تواند راه حلی برای این مسایل ارائه دهد. زیرا این مسایل به تمام جنبه‌های زندگی افراد بشر مربوط می‌شود و نه فقط جنبه اقتصادی انسان. ضعف نیروی عضلانی زن فقط در زمینه ابزار آهنی یا مفرغی موجب حقارتش شده است، اما همان طور که قبلاً هم گفته شد، محدودیت توانایی زن در قلمرو کار، جز در نوعی چشم انداز هیچ‌گونه کاستی برای او پدید نیآورده است.

"این پدیده نتیجه امپریالیسم ضمیر انسانی است، که در صدد است حاکمیت خود را به نحوی عینی اعمال کند اگر در این ضمیر، مقوله بنیادی "دیگری" و توقع بنیادی سلطه بر دیگری وجود نمی‌داشت، کشف ابزار مفرغی نمی‌توانست ستم کاری بر زن را به دنبال داشته باشد." (همان، ص ۱۰۵)

در بخش دوم کتاب موقعیت زن در سیر تاریخ بررسی می‌گردد. دووبوار بر خلاف آنچه که برخی از تاریخ‌نگاران معتقدند، معتقد است که هیچ‌گاه در هیچ دوره‌ای از تاریخ موقعیت زنان برتر از مردان نبوده است. در واقع او دوران مادر سالاری در تاریخ را قبول ندارد. او می‌گوید: "...در حقیقت عصر طلایی زن چیزی جز افسانه نیست." (همان، ص ۱۲۳) "نظام چه پدر تباری باشد و چه مادر تباری، زن در همه احوال تحت قیمومت مرد است. یگانه مساله این است که دانسته شود زن پس از ازدواج مطیع پدر یا برادر ارشد خود می‌ماند یا به اطاعت شوهر خود درمی‌آید. زن هیچ‌گاه چیزی جز سمبول تبار نیست. رابطه مادر تباری عبارت از این است که دست پدر یا برادر زن تا دهکده دادماد کشانده می‌شود. زن فقط واسطه حق است نه دارنده آن در حقیقت، چیزی که با رابطه خویشاوندی توصیف می‌شود، رابطه دو گروه مردانه است نه رابطه دو جنس." (همان، ص ۱۲۴-۵)

در دوران تمدن و شهر نشینی و پیدایش دولت نیز روند ستم کاری بر زن هم چنان ادامه یافته است. از قرن هفدهم جنبش های آزادی زنان کم و بیش شکل می گیرند. در دوران رنسانس، زنان موفق می شوند امتیاز هایی به دست آورند ولی بحث و کشمکش هم چنان ادامه دارد. قرن هجدهم نیز گرفتار همین ناهماهنگی هاست. با سوسیالیسم رویایی سن سیمون، فوریه و کابه، سراب زن آزاد ایجاد می شود. "...اندیشه سن سیمونی منسوخ شدن هر گونه بردگی را ایجاب می کند. این مکتب زن را به نام زنانگی اش می ستاید و این مطمئن ترین وسیله خدمت نکردن به زن است." (همان، ص ۱۹۳)

در قرن نوزدهم جنبش های گرفتن حق رأی برای زنان شکل می گیرد. اما با تمام این حرف ها آنچه امروزه در مورد موقعیت زن می توان گفت این است که کهن ترین سنت ها به طور سر سخرانه در تمدن تازه به بقای خود ادامه می دهند. هنوز هم پدر و مادر ها دخترانشان را برای ازدواج تربیت می کنند. در مجموع، زنان هنوز در شرایط بردگی به سر می برند و نتیجه این است که خود را نه آن چنان که برای خود وجود دارند، بلکه به گونه ای که مرد توصیفش می کند، بشناسد و برگزیند.

سیمون دوبوار می گوید: "موجودیت زنان برخلاف مردان دویاره است. موقعیت انسانی مرد به هیچ وجه با سرنوشت او در مقام یک مذکر تضادی ندارد. ولی از زنان انتظار می رود که برای اثبات زنانگی خویش، خود را به شیء و طمع مبدل سازد. انسانیت زن با مؤنث بودن او در تعارض است. هر کدام را که انتخاب کند، قسمتی از موجودیت خود را انکار کرده است. فقط وقتی زن از دویارگی نجات خواهد یافت که انسانیت و جنسیتش با هم در تعارض نباشد." (همان، ص ۲۱۷)

در قسمت سوم جلد اول، کتاب به بررسی اسطوره های زن می پردازد. در این بخش سیمای زن را در بعضی از آثار نویسندگان مورد بررسی قرار می دهد. به طور مثال در رمان سرخ و سیاه استاندال.

در جلد دوم کتاب به بررسی تأثیر آداب و فرهنگ در تربیت جنسی و عاطفی زن پرداخته و شکل گیری شخصیت آنان را در مراحل مختلف کودکی، جوانی و بزرگسالی بررسی نموده است. هم چنین نقش های مختلف اجتماعی زن هم چون همسر و مادر مورد نظر نویسنده بوده است. و بالاخره در قسمت نهایی کتاب، نویسنده به بررسی تیپ های شخصیت نمونه هم چون زن عاشق، زن عارف و زن خود شیفته پرداخته است. در جایی که به نقش زن به عنوان همسر در

خانواده اشاره می کند این ادعا را که در خانواده های امروزی و متجدد ، این مرد است که مورد ستم واقع می شود به شدت رد می کند . او می گوید: " انسان با ستم کردن ، ستم کش می شود" نرها به سبب همان حاکمیت خود به زنجیر کشیده شده اند ، به سبب این که فقط مردها هستند که پول به دست می آورند ، همسر از آنان چک طلب می کند. به علت این که فقط مردها به حرفه ای می پردازند، توفیق یافتن در آن را ، زن به آنها تحمیل می کند..... استبدادی که از طرف زن اعمال می شود ، فقط وابستگی او را آشکار می کند. زن می داند که موفقیت زوج ، آینده اش ، خوشبختی اش ، توجیهش، در دست دیگری است ، اگر زن به شدت در صدد آن است که مرد را تحت اراده خود درآورد ، علت آن است که در مرد از خود بیگانه شده است .

زن از ضعف خود سلاحی می سازد، اما واقعیت این است که زن ضعیف است... واقعیت این است که قانون های مردانه و نیز اجتماعی که مردها به دست خود و به نفع خودشان ساخته اند، وضع زن را به شکلی تعیین کرده که اکنون برای هر دو جنس منبع آزار است. نفع مشترک ایجاب می کند که موقعیت تغییر یابد..... زن به دلیل این که به او اجازه داده نشده به خود متکی باشد این همه بر مرد سنگینی می کند . مرد با رها کردن زن، یعنی با این که کاری در این دنیا به او واگذار کند ، خود را می رها کند . (دوبوار ، ۱۳۸۴ ، ص ۳۴۱ - ۳۴۰) و در جایی دیگر که به نقش زن در تربیت فرزندان می پردازد و نقش مادری زن را مورد کنکاش قرار می دهد ، به نکات ظریفی اشاره می کند :

" ... تناقضی جنایتکارانه است که تمام فعالیت های عمومی از زن مضایقه شود. عرصه کسب و کارهای مردانه به رویش بسته بماند ، ناتوانی اش در تمام خطه ها اعلام شود ، آن وقت ، ظریف ترین و دشوار ترین اقدام ها ، یعنی تربیت فردی بشری ، به او واگذار شود... مانع از این می شوند که این زنها زندگی کنند ، در عوض ، به آنان اجازه داده می شود که با بازیچه هایی از پوست و گوشت و استخوان (فرزندان)، بازی کنند." (همان ، ص ۴۰۲-۴۰۱)

جنبش اجتماعی زنان

کتاب جنبش اجتماعی زنان همان گونه که از نام آن پیداست به بررسی جنبش های زنان برای کسب حقوق برابر از زمان دیرینه سنگی تا جنبش های فمینیستی قرن بیستم می پردازد. نویسنده معتقد است که در دوران دیرینه سنگی به سبب نبود بهداشت و مرگ و میر زیاد مادران و کودکان و هم چنین نقش اصلی زن در تولید مثل (در باور مردم آن زمان) ، زن از پایگاه برابر با مرد و یا حتی برتر از مرد برخوردار بوده است. مطالعه نقاشی های دیواره های غارها

و هم چنین مجسمه های سنگی یا استخوان های کشف شده در خانه ها یا گورهای دوران دیرینه سنگی ، نشانه های جنسی مذکر و مونث را نشان می دهد . اما برتری تصاویر زنانه کاملاً مشهود است . پیکره های یافت شده در این دوره طولانی ، مجسمه های کوچک زنانه ای از جنس سنگ یا عاج هستند که دارای خصایص جنسی بسیار مشخص می باشند . در نخستین انقلاب نو سنگی زنان با کشف کشاورزی و ساختن ظروف سفالین برای نگهداری بذر و بعدها با اختراع نخ ریزی و بافندگی وضعیت خود را از نظر اجتماعی بالاتر می برند در این دوران نه تنها انتساب خویشاوندی از سوی زن است بلکه نخستین خدایان نیز مؤنث هستند . در این تمدن مادر سالاراً نه هیچ نشانه ای از خصومت و دشمنی و جنگ دیده نشده است . کتاب مذکور نظریه ماتریالیسم تاریخی را در مورد وضعیت زنان می پذیرد و معتقد است که افزایش محصولات غذایی امکان ازدیاد جمعیت ساکن شدن در شهر ها را برای انسان پدید آورد .

تقسیم کار در شهر ها امکان ظهور طبقات را به وجود آورد . این موضوع باعث بر هم خوردن تقسیم کار بر حسب جنس شد . (تقسیم کار بر حسب جنس بر پایه استثمار یکی از دیگری قرار ندارد و انسان در هماهنگی کامل با طبیعت زندگی می کند) .

در همین زمان است که سلطه زنان در مذهب نیز ناپدید می شود و مجسمه هایی با ویژگی های مردانه و نماد مردانگی پیدا می شوند . این نمادها چنین نشان می دهند که انسان آن دوره نقش مرد در تولید مثل را شناخته است . در دوره شکار و ماهیگیری ، برون هم سری به عنوان عاملی برای اتحاد میان شکار گاه ها و امکان ادامه حیات در نظر گرفته می شد . اما با پیدایش کشاورزی و زندگی يك جا نشینی شیوه درون همسری که در آن تمامی دختران خانه به عنوان عوامل تولید مثل توسط روسای خانواده برای عمو زادگان و دایی زادگان در نظر گرفته می شدند ، شیوه مسلط شد . این آغاز دوران انحطاط موقعیت زن است . اتحاد از طریق ازدواج زنانه که از کلان های دیگر وارد می شوند ، جای خود را به جنگ می دهد . اکنون دیگر باید با زور زمین های همسایه را گرفت تا به زمین های خود وسعت بخشید . مردانی که در این جنگ ها اسیر می شدند به بردگی گرفته می شدند . بدین ترتیب مرد که حالا صاحب زمین و برده شده است ، مالک و صاحب زن نیز می شود .

در کتاب مذکور این سیر تاریخی هم چنان بررسی می شود و دوران های ما قبل فئودالی ، فئودالی ، قرون وسطی ، رنسانس و قرون حاضر از نظر ویژگی جنبش های اجتماعی زنان مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

قرون ۱۷ و ۱۸ عصر انتقال از اقتصاد فئودالی به اقتصاد صنعتی است . با رشد طبقات متوسط در قرن ۱۷ زندگی خانوادگی اهمیت بیشتری یافت . بدین ترتیب سعی می شد زنان را در نقش های خانه داری و تربیتی محدود کنند . ولی زنان اشراف و بورژوازی مرفه این محدودیت را نپذیرفتند و جنبش های اجتماعی شروع به پیدایش و رشد و نمو کردند . ابتدا زنان در سالن های ادبی اروپا فعالیت داشتند و سپس به فعالیت های دیگر پرداختند.

"در قرن هفدهم در انگلستان زنان قصر نشین ، در رأس سپاه کوچک خود به منظور دفاع از تیولشان می جنگیدند . یکی از آنها با ایجاد خانه هایی برای فقرا در زمین هایش اشتهار یافت . (ان کلیفورد ۱۶۷۵-۱۵۹۰) دیگران خدماتی به روستاییان ارائه دادند . (از آن جمله ایجاد مدارس و غیره) زنان نویسنده (شب نامه نویس) بر ضد شرایطی که در مورد جنس آنها اعمال می شد زبان به اعتراض می گشودند . مثلاً دوشس نیو کاسل خواهان آن بود که زنان همانند مردان آزاد و خوش بخت باشند و مشهور شوند .

در سال ۱۶۴۳ حدود پنج هزار نفر زنان طبقه پایین در برابر مجلس عوام گرد هم آمدند و خواهان پایان جنگ داخلی و صلح شدند . خدمت کاران زن در ۱۶۴۷ درخواستی به پارلمان تسلیم کردند و خواستند تا از ساعات کار طاقت فرسایشان کاسته شود . زنان کسبه در ۱۶۵۱ به زندانی شدن به خاطر قروضشان اعتراض می کنند."

(میشل ، ۱۳۷۲ ، ص ۶۴) قرن ۱۹ که قرن سرمایه داری امپریالیستی است با استثمار شدید نیروی کار که انباشت سرمایه را ممکن می سازد ، سبب پیدایی جنبش های اعتراضی فراوان می شود . از آن جمله جنبش های اجتماعی زنان. زنان از همه قشرها سر به شورش برمی دارند : زنان کارگر علیه مزد کم و بی کاری و دشواری های کار ، زنان بورژوا علیه محرومیت از تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ، و زنانی از همه محیط های اجتماعی با عمل یا گفتار از لگد مال شدن حقوق خود پرده بر می دارند.

سن سیمون ، فوریه و کابه که در این دوران با طرح سوسیالیسم تخیلی سراب آزادی زن را تحت لوای یک طرح انسانی تئوریزه می کنند چندان مترقی نیستند . سن سیمون با ازدواج مقدس که کلیسا مطرح می کند ، مخالفتی ندارد . فوریه می خواهد که آموزش دختران همانند

پسران باشد و دختران را از هیچ کاری کنار نگذارند ولی مریدان او هم چون کابه هیچ مساواتی برای زنان قایل نیست و آن‌ها را از شرکت در کارهای عمومی منع می‌کند. نویسنده سپس به بررسی جنبش‌های فمینیستی که از نیمه اول قرن ۱۹ در فرانسه آغاز شده و تا کنون ادامه دارد، می‌پردازد.

مسائلی که فمینیسم غربی از قرون وسطی تا کنون درگیر حل آن است عبارتند از:

۱- تفاوت‌های بین زنان و مردان ناشی از طبیعت آنان نیست بلکه نتیجه آموزش متفاوت دو جنس است.

۲- مرگ مدنی زن در خانواده و خلع ید از او در امور اقتصادی و سیاسی.

۳- طرد اخلاق جنسی دو گانه.

۴- آزادی زنان در گروه فعالیت خود آنان است.

۵- حق زن در استفاده از لذات مستقل از ازدواج.

۶- آزادی زنان از آزادی تمام کارگران جدایی‌ناپذیر است.

۷- ارتباط بین انجمن‌های بشردوستانه و مذهبی و مبارزه برای ارتقای زنان و مبارزات صلح.

۸- شکست دمکراسی زیرا دموکرات‌ها هرگز زنان را به حساب نیاورده بودند.

۹- زنان مبارزات خود را برای ارضای نیازهای تمامی جامعه گسترش دهند.

کتاب در پایان نتیجه‌گیری می‌کند: ستم بر زنان که از آغاز عصر نوسنگی میانه یعنی زمانی که کشاورزی به عنوان شیوه اساسی تولید جای شکار و گردآوری خوراک را گرفت آغاز شده و تا به امروز ادامه داشته است.

ایدئولوژی زن‌خانه‌دار و مفهوم ابزاری از زنان امروزه نیز مجموعه‌ای را توجیه می‌کند که هدف آن محدود کردن نقش زنان به تولید مثل و نقش کارگر ذخیره است. فعالیت‌های فمینیستی از عصر رنسانس به بعد در کشورهای صنعتی و پیشرفته با سرعت بیشتری گسترش یافته است ولی این فعالیت‌ها در کشورهای پیرامونی با اگر و اماهای بسیاری روبرو و منحصر به قشر زنان تحصیل کرده بوده که شکاف عمیقی آن‌ها را از زنان طبقات پایین جدا می‌کند. ولی نباید نادیده گرفت که مطالبات تمامی زن‌ها در سراسر جهان منافاتی با یکدیگر ندارد و جنبش‌های فمینیستی در کشورهایی توسعه یافته نیز به دنبال تحقق این مطالبات برای تمامی زن‌ها می‌باشند.

پیکار با تبعیض جنسی

تبعیض جنسی یعنی اعمال و رفتار، پیش داوری ها و ایدئولوژی هایی که زنان را فرودست تر و کم ارزش تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می دانند. در بسیاری از نقاط جهان، تبعیض جنسی را حاصل یک نظام طبیعی می دانند که وظایف و نقش های متفاوتی را بر عهده زنان و مردان می گذارد. ولی این تبعیض به همان اندازه مضموم و ناپسند است که تبعیض های قومی، دینی یا سیاسی. این تبعیض نه خواست خداوند و نه حاصل نظم طبیعی و نه مبتنی بر زیست شناسی بلکه نتیجه رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان است. پس باید برای افشای انواع تبعیض نسبت به زنان اقدام کرد. کتاب پیکار با تبعیض جنسی از جمله این اقدامات است. کتاب مذکور پس از تعاریفی در باره کلیشه های تبعیض جنسی، محتوای آن ها، شیوه های رسوخ و نیروی اقناعی کلیشه ها و کلیشه های آشکار و پنهان به بررسی نقش این کلیشه ها در خانواده، مدرسه، جمع کودکان هم سن و هم جنس، رسانه ها و غیره می پردازد. سپس بر لزوم پاک سازی کتاب های درسی و کتاب های کودکان از تبعیض جنسی تأکید می کند. این امر مستلزم شناسایی و تحلیل تبعیض جنسی در گروه های مختلف اجتماعی است. از جمله تحلیل تبعیض جنسی در ارجاعات اجتماعی اشخاص مذکر و مونث در متن ها و تصاویر، در وضعیت خانوادگی، در سطح اشتغال، در فعالیت های اشخاص مذکر و مونث شامل فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اوقات فراغت، فعالیت های هنری و بازی ها می باشد.

کتاب، راه کارهایی برای رفع تبعیض جنسی ارائه می دهد که از آن جمله اند:

- ۱- انتشار کتاب های کودکان و کتاب های درسی تبعیض ستیز.
- ۲- تقسیم عادلانه نقش های متفاوت زنان و مردان در تصاویر و متن ها. شامل نقش های متفاوت در خانواده، مدرسه، زندگی شغلی، نقش های اجتماعی و سیاسی
- ۳- تقسیم عادلانه خصوصیات مثبت و منفی میان هر دو جنس در تصاویر و متن ها.
- ۴- پرهیز از تبعیض جنسی در واژگان و دستور زبان.
- ۵- اقدام برای پاک سازی نظام آموزشی از تبعیض جنسی. این اقدامات بایستی در میان کارکنان اداری و غیر آموزشی، کارکنان آموزشی و آموزگاران، مربیان و مشاوران تربیتی و بالاخره در میان شاگردان انجام گیرد.*
- ۶- اقدامات لازم در بیرون از نظام آموزشی برای زدودن تبعیض جنسی. این اقدامات بایستی در میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب های درسی و کتاب های کودکان، در میان

شهرداری ها و اولیای شاگردان، در رسانه های گروهی، افکار عمومی انجمن ها و غیره صورت گیرد.

ازدواج و خانواده

این کتاب در ایران ترجمه نشده. فصل سوم آن که در باره نقش های جنسیتی و کارکرد آن در روابط بین فردی است به مباحثی مثل باور های عمومی در باره تفاوت های بین دو جنس و بررسی صحت و سقم این باورها اشاره دارد. در همین راستا به پژوهش هایی که در این زمینه انجام شده استناد نموده و نتیجه گیری می کند که بین زنان و مردان هم شباهت و هم تفاوت وجود دارد. هر دو نیاز های مشترکی دارند و هر دو به برخی از موقعیت ها واکنش های مشابه نشان می دهند. در مورد تفاوت ها می توان برتری توانایی کلامی زنان، برتری توانایی تجسم فضایی مردان، سهم بیشتر مردان در خشونت، مهارت های بین فردی زنان، و توانایی بهتر زنان در فهم رفتار های غیر کلامی را نام برد. لازم به ذکر است که این تفاوت ها ذاتی و فطری نیستند بلکه آموختنی هستند.

این فصل هم چنین به تأثیر سه عامل خانواده، مدرسه و رسانه های جمعی در شکل گیری نقش های جنسیتی اشاره دارد و این موضوع را که آیا نقش های جنسیتی حاصل تفاوت های بیولوژیک هستند یا حاصل محیط و تربیت، مورد بررسی قرار می دهد. کتاب هم چنین از تداوم سنت گرایی در باره نقش های جنسیتی در رسانه ها، خانواده و مدرسه انتقاد نموده و لزوم تغییر الگوها را بیان می نماید. در حالی که ویژگی هایی مثل خلاقیت، ابتکار، فعالیت و خشونت را ویژگی های ابزاری (Instrumental traits) یا مردانه و ویژگی هایی مثل نرمی، ملایمت، پرورش دهنده گی، حساس و منفعل بودن را ویژگی های عاطفی (Expressive traits) یا زنانه می نامد، از یک گرایش دوگانه (Andragyny) صحبت می کند که اولین بار توسط ساندرام (۱۹۷۴) برای توضیح افرادی به کار برده شده که هم دارای ویژگی های مردانه یا ابزاری و هم دارای ویژگی های زنانه یا عاطفی هستند. نویسنده معتقد است این افراد سالم تر و انعطاف پذیرتر از دیگران هستند زیرا دوگانه بودن برای آنها طیف وسیع تری از رفتار های قابل دسترس برای مواجهه با موقعیت های متفاوت ایجاد می کند.

در پایان نکاتی در باره بهبود روابط و تعامل با دیگران با توجه به نقش های جنسیتی بیان گردیده مانند:

* زنان نبایستی از دنبال کردن آن چه قصد انجامش را دارند نا امید و دلسرد شوند. وقتی به زنان و مردان فرصت های مشابه داده شده زنان در بیشتر زمینه ها عملکردی به خوبی مردان داشته اند.

* مهارت های ارتباط مؤثر و تعامل با دیگران ، آموختنی هستند و چون زنان در این مهارت ها ورزیده هستند بایستی الگوهای مناسبی از رفتار را برای مردان فراهم کنند.

*ویژگی هایی مثل گرمی ،مهربانی،حساسیت و پرورش دهنده گی که به طور سنتی به عنوان رفتارهای زنانه تعریف شده اند به همان اندازه که برای زنان لازمند،برای مردان نیز لازمند.این ویژگی ها به افراد کمک می کند تا نیازهای خود را برای ایجاد صمیمیت برآورده سازند.فراموش نکنیم که این رفتارها ،ذاتی و فطری نیستند بلکه آموختنی هست .

ادبیات پژوهش در ایران

*نابرابری جنسیتی در متون کهن

جامعه هنگامی به پیشرفت و نو آوری دست می یابد که گذشته را آگاهانه و فعالانه جذب کند هرگاه موارد گذشته ، فقط با تقلید صرف ، جذب و حفظ شود ، جامعه از پیشرفت باز خواهد ماند .

بررسی متون کهن به معنای گذشته گرایی نیست بلکه به منظور تغییر شرایط و غلبه بر سنت های نادرست و رواج نو گرایی و تفکر منطقی می باشد . با مروری بر این متون می توان نقش زن ایرانی را در دوره های مختلف تاریخی دید و سنجید و از این راه به موانع موجود در راه اعتلای شخصیت زن پی برد . البته نباید از نظر دور داشت که هر اثر تاریخی را باید در قالب زمانه ی خود سنجید و مزایا و معایب آن را در آن دوره ی خاص مورد نقد و بررسی قرار داد . مشکل اصلی مقاومت در برابر تغییر است . به طور طبیعی گذشته گرایی از نو آفرینی آسان تر است . اجتماعاتی که در برابر تغییر ایستادگی می کنند و تأکید بر حفظ سنت ها و تقلید از گذشتگان دارند ،جوامعی گذشته گرا و ایستا محسوب می شوند . این امر درباره ی افرادی که ادبیات کلاسیک را بازتولید می کنند و بر آن اصرار بیش از حد می ورزند نیز صدق می کند .

در پژوهش حاضر اما هدف از بررسی متون کهن تشریح موقعیت زنان در هر دوره ی تاریخی و بازبینی نقدگونه ی این آثار در جهت تغییر سنت های غلط حاکم بر روابط انسانی و اعتلای شخصیت زن می باشد .

*قابوس نامه

نویسنده ی کتاب قابوس نامه عنصرالمعالی کیکاووس، امیری است اندیشه ورز و اخلاق گرا . انگیزه ی نگارش این کتاب تعهد اخلاقی او در ارشاد فرزندش گیلان شاه است . خودش این اثر سیاسی و اخلاقی را پند نامه نامیده . کتاب در چهل و چهار باب و در سه موضوع اخلاق ، ادب

و مشاغل تنظیم شده است. این کتاب از آنجایی که هم به جنبه های شخصی و خصوصی (اخلاق) و هم به جنبه های اجتماعی (ادب) پرداخته، نمونه ای از سطح تفکر ایرانی در هزار سال قبل در زمینه های مختلف فرهنگ، اقتصاد و سیاست محسوب می شود.

بارزترین ویژگی عنصرالمعالی در قابوس نامه، خرد ورزی و اخلاق گرایی اوست. سه ویژگی که او برای همه ی انسان ها ضروری می داند، تأییدی بر این نظر است:

"و هر که را این سه چیز بود از خاصگان خدای تعالی بود. از این سه گانه: یکی خرد است و دوم راستی و سوم مردی." (ص ۲۴۳)

اخلاق مورد نظر او اخلاقی انتزاعی و محض نیست، او با استفاده از تجارب و رویداد های زندگی، این خرد و دانش را به صورت ملموس برای انسان قرن پنجمی به آگاهی و شناخت تبدیل کرده است. مخاطب قابوس نامه قشر برگزیده ی جامعه است اما اخلاق مورد نظر او برای عموم مردم نیز می تواند آرمانی باشد. عنصرالمعالی خردورزی را با واقع گرایی و مصلحت اندیشی همراه می کند و به نظرات خود عینیت می بخشد. به طور

مثال در "آیین دوست گرفتن" با مصلحت اندیشی خودخواهانه ای می گوید که:

"و بنگر میان نیکان و بدان و با هر دو گروه دوستی کن. با نیکان بدل دوست باش و با بدان بزبان (به زبان) دوستی نمایی تا دوستی هر دو گروه ترا حاصل گردد و نه همه حاجتی به نیکان افتد وقتی باشد که بدوستی بدان حاجت آید بضرورت که او دوست نیک مقصود بر نیاید." (ص ۱۴۰)

عناصرالمعالی در قابوس نامه در باب های "در عشق ورزیدن"، "اندر تمتع کردن" و "اندر آیین زن خواستن" به طور مستقیم و در چند باب دیگر به شکل غیر مستقیم نظراتش را درباره ی زن مطرح می کند.

در باب عشق ورزیدن مخالفت صریح خود را با عشق از این رو که با عقل در تضاد است بیان می کند و به پسرش پند می دهد که "تو جهد کن تا عاشق نشوی" (ص ۸۰)

"مردم یا در وصال باشند یا در فراق، بدانکه یک ساله راحت وصال بیک ساعته رنج فراق نه ارزد که سرتاسر عاشقی رنجست و درد دل و محنت، که هر چند دردی خوش است اما اگر در فراق باشی در عذاب باشی و اگر در وصال باشی و معشوقه از دل تو خبر دارد خود از ناز خیره و خوی بد او خوشی وصال ندانی. پس اگر وصال بود که بعد از آن فراقی خواهد بود آن وصال خود از فراق بتر بود." (ص ۸۱)

او استدلال می کند که وصال سبب گرفتار شدن مرد در ناز خیره و خوی بد معشوق می شود و در نتیجه وصال بدتر از فراق است .

در باب پانزدهم "اندر تمتع کردن" به لذت جسمانی می پردازد و این عمل انسانی را عمدتاً و فقط به جز ذکر این نکته که "ان نطفه که از تو جدا می شود معلومست که بهر باری تخم جانی و شخصی است" به مثابه يك عمل طبیعی صرف می نگرد و آن را هم سنگ این عمل در میان حیوانات می شمارد . در این باب لذت و تمتع فقط از لحاظ مرد مورد بررسی قرار می گیرد و یاران مرد به حالت جمع (نه مفرد) ذکر می شوند و از هر دو جنس (زنان و غلامان) هستند . به این ترتیب موضوع بحث خود را از قلمرو اخلاق خارج می سازد . نویسنده ای خرد ورز و اخلاق گرا چون او ، وقتی به مسئله ی زن می رسد در موضوع عشق انسانی خردورزی اش سست می شود و اخلاق گرایی اش کنار می رود . در توضیح چنین موضوعی باید گفت که او در متابعت از شرایط زمانه خویش سخن می گوید و در قالب ویژگی های میراث فرهنگی و عقل سلیم جامعه خویش می ماند. در این قالب ، زن موجودی بوده است به کلی جدا از مرد که فقط از موضع تسلط بر او امکان ارتباط با او معنی می شد. در این میراث فرهنگی ، عشق ورزی میان انسان ها هنوز به دایره اخلاق منتقل نشده بود تا عنصر المعالی بتواند بار اخلاقی این ارتباط انسانی را بشناسد.

در باب بیست و هشتم "در حق فرزندان و حق شناختن" قضاوت متضاد خود نسبت به رفتار با فرزندان را بروز می دهد. او برای فرزندان پسر خواهان همه گونه آموزش تعالی بخش است و چنان اهمیتی به فرهنگ و هنر و آموزش آن به فرزندان پسر دارد که می گوید:

"تو فرهنگ و هنر را میراث خود گردان و بوی بگذار تاحق وی گزارده باشی که فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست." (ص ۱۳۵)

و در عین حال که در این گفته نشان می دهد که مخاطبش قشر برگزیده جامعه است ولی در پرداختن به فرزندان دختر همین قشر می گوید:

"اگر دختریت باشد... چون بزرگ شود به معلم ده تا نماز و روزه و آن چه در شریعت است بیاموزد و لکن دبیری میاموزش و چون بزرگ شود جهد آن کن که هر چند زودتر بشویش دهی که دختر نابوده به و چون بود یا بشوی یا بگور ... دختران اسیر مادر و پدر باشند ... دختر ، بیچاره بود آن چه داری نخست در وجه برگ وی کن و شغل وی بساز و وی را در گردن کسی کن تا از غم وی برهی ." (ص ۱۳۷)

در باب بیست و هشتم در آیین دوست گرفتن به گونه ای سخن می گوید که فقط مرد به عنوان دوست مورد نظر است .

"بدان ای پسر که مردمان تا زنده باشند ناگزیر باشد از دوستان که مرد اگر بی برادر باشد به که بی دوست... " (ص ۱۳۹)

هرچند که در آیین دوست گرفتن هیچ اشاره ای به زن نمی شود اما در باب "اندیشه کردن از دشمن" از زن سخن می رود . آن جا که به پسرش حکمت می آموزد که :

ده خصلت پیشه کن تا از بلا رسته باشی : با کسی که از تو قویتر بود پیکار مکن و با کسی که تند بود لجاج مکن و ... با زنان بسیار نشست و برخاست نکن " (ص ۱۵۰)

و زمانی که علیه جنگ کلامی یا فحاشی کردن به پسر پند می دهد ، می گوید :

"اما با هیچ کس جنگ مکن که جنگ کردن نه کار محتشمانست بل کار زنانست یا کار کودکان" (ص ۷۹)

اما "زن صالحه" از نظر عنصرالمعالی چه ویژگی هایی دارد :

"چون زن کنی طلب (مال) زن مکن و طلب غایت نیکویی زن مکن که بنیکویی معشوقه گیرند .

زن پاک روی و پاک دین باید و کدبانو و شوی دوست و پارسا و شرمناک و کوتاه دست و کوتاه

زبان و چیز نگاه دارنده باید که باشد تا نیک بود که گفته اند که : زن نیک عافیت زندگانی بود .

اگرچه زن مهربان و خوب روی و پسندیده ی تو باشد تو یکباره خویشان را در دست او منه و

زیر فرمان او مباش . زن از بهر کدبانویی باید خواست نه از بهر طبع که از بهر شهوت از

بازار کنیزکی توان خرید که چندین رنج و خرج نباشد . باید که زنی رسیده و تمام و عاقله باشد ،

کدبانویی و کدخدایی مادر و پدر دیده باشد . زن محتشم تر از خویشان خواه و تا دوشیزه یابی

شوی کرده خواه ، تا در دل او جز مهر تو مهر کسی دیگر نباشد و پندارد که همه ی مردان به

یک گونه باشند . طمع مردی دیگرش نباشد . " (ص ۱۲۹ - ۱۳۰)

نصیحه الملوك

امام محمد غزالی ۴۵۰-۵۰۵ هجری قمری از بزرگترین متفکران قرون وسطی است. کتاب

نصیحه الملوك، کتابی است در اداب کشورداری و احتمالاً به این خاطر نوشته شده که امام

محمد غزالی روابط نزدیکی با دربار سلجوقی داشته و شیوه حکومت کردن سلجوقیان بر وی

تاثیر گذاشته است. البته نباید از نظر دور داشت که نظرات او را باید در قالب زمانه خودش

سنجید و نه با توجه به برداشت هایی که امروزه از وضعیت زن، رایج و مرسوم است. هدف از

نقد و بررسی نظرات او این است که موقعیت زن در جامعه سنتی ایران شناخته گردد و به زنان این آگاهی را دهد که با شناخت هویت زن در جامعه سنتی ایران، در راه تغییر موقعیت خود گام بردارند. و به نگاه نابرابر جنسی که تا امروز نیز ادامه، دارد پایان دهند.

غزالی هنگامی که می خواهد ویژگی های خاص زنان را برشمارد، آنان را به ده نوع حیوان و ویژگی های مرتبط، تشبیه می کند:

"بدان که جملگی زنان بر ده گونه است و خوی هر يك به صفت چیزی از حیوانات مانند است: یکی چون خوک، دوم چون کپی (بوزینه) سه دیگر چون سگ، چهارم چون مار، پنجم چون استر، ششم چون کژدم، هفتم چون موش، هشتم چون کبوتر، نهم چون روباه، دهم چون گوسفند." (ص ۲۷۳)

نه گروه از زنان از نظر او پلید و مطرود هستند و با ویژگی های ناپسند معرفی می شوند: با خوی خوک "... خوردن و شکستن دانه و شکم اکندن و باک ندارد هر جا که رود غم دین و نماز و روزه نخورد... و غافل بود از خشنودی و خشم خدای و نگاه داشتن فرزندان و ادب کردن ایشان و ... "با خوی بوزینه "به گوهر و مروارید و زر سیم و فخر کردن بر همشیرگان خویش و ... " با خوی سگ "به تنعم شوهر شوی را کرامت کند و به تنگ دستی او همچون سگ بر روی شوهر اندر جهد و دشنام دهد." باخوی استر "بر پول (پل) بایستد و هر چندش می زنی نرود و ... و خود رای و معجب بود." باخوی کژدم "هر کجا که می رسد نیش می زند... غمازی کند تا یکدیگران را به جنگ افکند." با خوی موش "دزد بود و از کیسه شوی بدزد." باخوی کبوتر "همه روز می گردد و هیچ نیار آمد و شوهر را همی گوید که کجا می روی و از کجا می ایی و با زنی دیگر سر داری و با من یکدل و مهربان نیستی، و آن نه از مهربانی گوید." زن روباه صفت "شوی را از خانه بیرون کند و هر چه باید بخورد و بخسبد و خویشتن را بیمار سازد، و چون شوهر از در آید به جنگ آغازد که چرا مرا در خانه تنها و بیمار بگذاشتی." از این میان فقط یک گروه دارای ویژگی های پسندیده و مطلوب است که آن هم تماماً از جنبه فایده طلبی و مطیع بودن، دیده می شود.

"... و زنی که خوی گوسفند دارد مبارک بود هم چون گوسفند که اندر همه چیزهای وی منفعت یابی... و بر شوهر خویش و بر اهل و همسایگان رحیم بود و بر خان و مان و فرزندان خویش مشفق و مهربان بود و طاعت دارد خدای را جل جلاله." (ص ۲۷۳-۵)

از این منظر زن به عنوان کالایی دیده شده که تماماً در جهت رفع نیاز های مرد آفریده شده است.

در کتاب نصیحه الملوك بند هايي با عنوان حکمت مشخص شده اند. ذکر چند نمونه از آنها خالي از فايده نيست :

"حکيمي زني خواست کوتاه، گفتند چرا تمام بالا نخواستي گفت: زن چيز بدی است، و بد هر چه کمتر، بهتر." (ص ۲۷۰)

معلمي دختري را دبيري آموخت، حکيمي پيش او در آمد گفت: اي معلم، بدی را بدی مي آموزي." (ص ۲۹۶)

زني بخرد را پرسيدند که هنر زنان چيست گفت: آهوي (عيب) مردان چيست؟ گفتند: بخيلي و بد دلي گفت: اين هر دو هنر زنان است." (ص ۲۶۹)

"وقتي دو زن با يکديگر مشورت مي کردند، حکيمي آنجا بگذشت (گفت) بنگريد که مار زهر با وام از مار مي ستاند." (ص ۲۶۹)

"و نيز واجب آيد مردان را که با زنان مدارا کنند. زيرا که به خرد ناقصند، و از جهت کم خردي ايشان است که هيچ کس به تدبير ايشان کار نکند و اگر به گفتار زنان کار کند، زيان کند." (ص ۲۸۲-۳)

در جايي ديگر آمده است که خداوند زنان را به خاطر نافرمانی حوا و خوردن گندم عقوبت کرده: "حق تعالي زنان را هشت ده چيز عقوبت فرمود کردن، تفسير:

اول حيض دوم زادن سوم جدا شدن از مادر و پدر و مرد بيگانه را به شوهر کردن چهارم به نفس خویش آلوده شدن پنجم آن که مالک تن خویش نباشد ششم کمی ميراث هفتم طلاق که به دست ايشان نگردد هشتم آن که مرد را چهار زن حلال کردن، زن را يك شوي نهم آن که در خانه معتكف بايد بودن دهم آن که در خانه سر پوشيده دارد يازدهم آن که گواهي دو زن برابر يك مرد نهاده اند دوازدهم آن که از خانه بيرون نيارد آمدن تنها مگر با کسي محرم سيزدهم آن که مردان را نماز عيد و نماز آدينه و نماز جنازه بود و از پس جنازه روند و عزا کنند و زنان را اينها نباشد چهاردهم اميري را نشايند و نه نيز قضا را و نه حکم را پانزدهم آن که فضل را هزار بهره است يك بهره از آن زنان راست و ديگر مردان راست شانزدهم آن که در قيامت چندان که جمله امت را عذاب بود يك نيمه از آن زنان فاجره را بود هفت دهم آن که چون شویش بميرد چهار ماه و ده روزش عدت ببايد داشتن هشت دهم آن که چون شویش طلاق دهد سه ماه يا سه حيض عدت ببايد داشتن" (ص ۲۷۱)

همیشه به عنوان يك زن فكر مي كردم كه زادن از موهبت هاي الهي است كه خداوند به زنان عطا فرموده است و هر كار خداوند حكمتي دارد . هرگز به ذهنم خطور نكرده بود كه به دليل گناهي كه ديگري مرتكب شده من و هم جنسانم عقوبت شويم.

در همين كتاب در چند صفحه بعد مي آورد:

"...و هر كه خواهد بر زن خویش رحيم و مهربان گردد ، ده چیز را ياد بايد كردن تا انصاف داده آيد : يكي آنست كه زن تو را طلاق نتواند دادن و تو تواني و ديگر آن كه او از تو هيچ چيز نتواند سندن و تو تواني كه همه چيز از او بستاني سه ديگر آن كه او تا در حكم تو بود شوي ديگر نتواند كردن و تو زني ديگر تواني كردن چهارم آن كه او بي فرمان تو از خانه بيرون نتواند رفتن و تو تواني پنجم آن كه او برهنه نتواند بودن و تو تواني ششم آن كه او از تو ترسد و تو از او نترسي هفتم آن كه او از تو به تازه رويي و سخن خوش بسنده كند و تو از او همه كارها نپسندي هشتم آن كه او از همه خويشاوندان و مادر و پدر ببرد و تو از هيچ كس جدا نگردی و كنيزك خري و بر وي بگزيني نهم آن كه او پيوسته تو را خدمت كند و تو خدمت او نكني دهم آن كه او به بيماري تو خويشتن بكشد و تو بمردگي او هيچ غم نخوري ...پس از اين روي واجب آيد بر خداوندان خرد كه بر زنان رحيم باشند و براي شان ستم نكنند كه زن در دست مرد اسير و بيچاره است." (ص ۲۸۲)

تاريخ مذكر

كتاب تاريخ مذكر همان طور كه خود بيان مي دارد به بررسي علل تشنت فرهنگ در ايران مي پردازد و براي اين تشنت فرهنگي علل چند گانه اي عنوان مي كند كه يكي از اين علل به مسئله ي نا برابري جنسيتي در ايران برمي گردنويسنده معتقد است كه تاريخ کشور ما در طول قرن ها تاريخي مذكر بوده است بدین معني كه زن در ان نقشي نداشته است .

تاريخ بيهقي كه بزرگ ترين تاريخ ايران است: "...تاريخ مردان است و اگر از زن ياد مي شود ، يا مادر حسنك است و يا مادراني چون مادر حسنك هستند كه هيچ گونه تحرك واقعي ندارند و يا اگر تحرك ناچيزي داشته باشند ، در حدود حلوا و شيريني پختن براي مردان و يا اميران جوان ، محمد و مسعود ، تحرك دارند . زن در تاريخ بيهقي خنثي است ، نه از نظر فرهنگي چيزي به وجود مي آورد نه از نظر تاريخي نقشي دارد و اگر بعدها در طول تاريخ ، مجمه مردی را تکه تکه مي کنند و هر تکه اش را به دياري و تکه اي را پيش خواجه نظام الملک مي فرستند و اگر خنجر طرفداران حسن صباح بر روي خطوط تاريخ برقي صاعقه آسا مي زند و در قلب ها فرو

می رود و ... همه و همه از تاریخی مذکر سرچشمه می گیرند، و در تاریخی مذکر غرق می شوند. حتی مشروطیت ایران، مشروطیتی است مذکر و از این نظر تا حدودی در ادامه همان پیوندهای مذکر قبلی. چرا که زن و عناصر زنانه و مؤنث در آن نه نقشی داشته اند و نه لااقل در آن به وسیله مشروطیت به جایی رسیده اند." (براهنی، ص ۱۵-۱۴)

آقای براهنی معتقد است که نویسنده یا شاعر یا مورخ در آثار خود فقط اجتماع را منعکس نمی کند بلکه عقاید و آرا حاکم بر آن را نیز به تصویر می کشد. زمانی که در یک جامعه نیمی از افراد نادیده انگاشته شوند روابط اجتماعی ناقص خواهد بود. بنا بر این نویسنده و مورخ همین روابط ناقص را منعکس می کند. و همین است که تاریخ ما تاریخی ناقص و البته سراسر مذکر است. علت این که شعر ایران در ابتدای پیدایش به شکل حماسی خود را نشان داد در همین امر نهفته است.

ادبیات شعری ما تصویری نمایشی از زندگی نشان نمی دهد، زیرا این نوع ادبیات با به تصویر کشیدن روابط زن و مرد نقاط قوت و ضعف آن را نشان داده و همه چیز را به سوی روان شناسی این قبیل روابط هدایت می کند

و مردم (زن و مرد) از خلال آن خود را در ارتباط با یک دیگر مجسم نموده و شعور اجتماعی کسب می کنند. نبودن زن در اجتماع، سبب پیدایی روابط ناقص اجتماعی شده و از خلال این روابط ناقص نمی توان به جهان بینی کامل اجتماعی دست یافت.

"...تاریخ ایران، تمام توجه خود را متوجه تجلیل از مرد و یا کوبیدن او کرده بود و معلوم است که تاریخی که بر آن عطوفت و محبت و زیبایی و شکوفایی زن حاکم نباشد، تاریخی که در آن نقشی صحیح و درست و زیبا از انگشت های زن نباشد، تاریخی ظالم و قاهر و فاجر خواهد بود، و تاریخ گذشته ایران واقعا تاریخی ظالم و مذکر است، تاریخی است که در بستر عطوفت زنانه، هرگز جاری نشده است و به همین دلیل از شقاوت، سرسختی و خشونت بهره برده است که بندرت می توان نظیرش را در تاریخ اقوام دیگر پیدا کرد."

در مثنوی مولوی، تصویری جامع از زنان نمی بینید. زندگی زنان نشان داده نشده است. فقط آن ها وسیله قرار داده شده اند تا حالات فلسفی و روانی مشترک بین مرد و زن و یا مسایل متافیزیکی مربوط به عوالم انسان، به طور کلی، تجسم پیدا کند." (همان، ص ۱۸)

"...ایرانی زن را نقاشی نکرده است. زن همیشه در پرده و استتار نگاه داشته شده و مخاطب عشق در تغزل های عاشقانه سعدی و حافظ مورد تردید است." (همان، ص ۱۸)

نویسنده در پایان نتیجه گیری می کند که :

"دهن بینی فرهنگی زن امروز ایرانی، زاینده بی ریشگی فرهنگی او در گذشته و زاینده فقدان فرهنگ زنانه اصیل در زمان حال است. زن ایرانی در گذشته نه چهره ای از خود نشان داده، و نه به دلایل اجتماعی، کسی توانسته است چهره او را با جلوه های مختلفش تصویر کند. این کار موجب شده است که شعر فارسی به جای آن که از حماسه به سوی نمایش نامه منظوم یا منثور بگذرد، به سوی ذهنیتی عارفانه سوق داده شود." (همان، ص ۲۱)

همان طور که در بخش های پیشین گفته شد آن چه که از سوی مردان در باره زنان گفته می شود نباید خیلی مورد اطمینان قرار گیرد زیرا آنان در آن واحد هم داورند و هم طرف دعوا. گفته های دکتر برآهنی نیز از این منظر قابل نقد و بررسی است. ایشان تاریخ مذکر را تاریخی ظالم و خالی از عذوفت می بیند و نقش احساسات و عذوفت را در زنان برجسته می نماید. همان دید سنتی که ویژگیهای مهربانی و عذوفت و احساسات را فقط منحصر به زنان می داند و برای زنان نقشی خلاق، فعال و مبتکر در عرصه های مختلف اجتماع در نظر نمی گیرد.

مکتبی بر بوف کور

هدف اصلی صادق هدایت در بوف کور طرح باور داشتن به دوجنسیتی بودن انسان هاست. تلاش هدایت در بوف کور نشان دادن این واقعیت است که انسان سعی در حذف و کتمان نیمی از جنسیت در وجود خود دارند. از این زاویه ی نگرش سرکوب زنان و بازداشتن آنان از حقوق خود در ساختارهای حاکمیت مردسالارانه، برابر است با سرکوب بخش زنانه در وجود مردان. با نگاهی به بوف کور این مسئله را دنبال کنیم :

"..... در صحرائی پشت اتاقم - پیرمردی قوز کرده، زیر درخت سروی نشسته بود و یک دختر جوان، نه - یک فرشته آسمانی جلو او ایستاده....."

پس از ترسیمی تا این درجه متضاد از حضور مرد و زن در سرزمین خود، (درخت سرونشانه ای برای ایرانشهر است) هدایت در چشمان دختر و عده رستگاری می بیند. رستگاری ناشی از دست یافتن به انسان شقه نشده. (انسانی که نیمی از جنسیت خود را سرکوب نکرده) دوجنسی بودن انسان را هدایت به طور مشخص در این جمله بیان می دارد: "مثل این بود که تن او را از آغوش جفتش بیرون کشیده باشند." این توصیف آن دختر اثری است که هدایت قادر به برقراری تماس با او نیست. این ناکامی در تماس نتیجه آن نیمه سرکوب شده می تواند باشد که

گاه کمبود درونی است و به کتمان عواطف و برآمد خشونت می انجامد و گاه کمبود برونی است و به فرو دست سازی زنان می رسد .

شاهد دیگری بر مدعای دوجنسی بودن انسان از دیدگاه هدایت وقتی است که راوی بوف کور با درون خود راز و نیاز می کند :

" مثل این که روان من در زندگی پیشین در عالم مثال با روان او هم جوار بوده ، از يك اصل و يك ماده بوده و بایستی که به هم ملحق شده باشیم . می بایستی در این زندگی نزدیک او بوده باشیم "

روشن است که هدایت ایده باور به تناسخ را پیش نمی کشد ، بلکه از وجود یکپارچه ای صحبت می کند که با گذشت زمان چنان دو شقه شده که هر شقه به صورت خصمی آشتی ناپذیر رو در روی هم ایستاده اند . این شقه ها ، به صورت مرد و زن هستند . توجه هدایت بیشتر به يك انسان با دونیمه ی جنسی است و نه يك زن و مرد واقعی . او این دوشکگی جنسی در انسان را به صورت رابطه ای مرموز و کشف نشده می بیند . اما فرصت اندیشیدن درباره آن را " خندیدن مشئوم پیرمرد خشک و زننده " از او می گیرد . فرهیختگان غالباً گفته اند که از طریق شناخت خود است که می توان جهان اطراف را شناخت . راوی بوف کور در بازیابی نیمه زنانه وجودش ، دید خود را کامل می کند و بر جهان اطراف احاطه بیشتری می یابد .

" من احتیاج به این چشم ها داشتم و فقط يك نگاه او کافی بود که همه ی مشکلات فلسفی و معماهای الهی را برایم حل کند . به يك نگاه او دیگر رمز و اسراری برایم وجود نداشت . " هدایت به این موضوع اذعان دارد که این دو نیمه بایستی با یکدیگر پیوند برقرار کرده و نیمه جنسی دیگر در وجود آدمی به رسمیت شناخته شود .

" مثل این که روان من در زندگی پیشین در عالم مثال با روان او همجوار بوده ، از يك اصل و يك ماده بوده و بایستی که به هم ملحق شده باشیم . "

انسان بایستی گرایش های نرینگی و مادینگی خود را بشناسد و موجودیتشان را پذیرا باشد . (به یاد آورید گرایش های دوگانه در کتاب ازدواج و خانواده) اما هدایت می داند که آن نیمه زنانه سرکوب شده درون خویش نمی تواند : " با چیزهای این دنیا رابطه و وابستگی داشته باشد " و درست به دلیل حاکمیت مردسالارانه تاریخی نمی تواند به رسمیت شناخته شود . اما این حاکمیت تاریخی عاقبت ناجوری دارد : " آسایش به من حرام شده بود ، چطور می توانستم آسایش داشته باشم ؟ " پاسخ هدایت به این پرسش پاسخی منفي است آسایشی در کار نخواهد بود . تا هنگامی

که انسان از اعمال زور و ستم بر انسان هایی که به لحاظ نماد جنسی متفاوت هستند ، دست نکشد که در اصل بخشی از وجود خود را سرکوب می کنند ، آسایشی در کار نخواهد بود . این عدم آسایش و یا آشفتگی دلیل آن است که در مواجه شدن با اطراف ، راي بوف کور فقط رجاله می بیند . دنیا نیز دنیای رجاله ها می شود . براین زمینه آسودگی و آسایش تا زمان قبول امر دو جنسی بودن انسان پیش نخواهد آمد . هدایت از آن جا که سرآن دارد که این قبول و پذیرش را در آینده ممکن نبیند ، در چشم انداز خود فرو شد جهان ایرانی را دید . و با خامه ای سیاه اطراف خود را نقاشی کرده است . در سرانجام روایت زندگی جمعی ما که در دو پرسوناژ خلاصه شده برای او راه گریزی نمی ماند . ما همه به زعم او ، مغلوب دورگی هستیم که خودمان آن را پراکنده ایم و یا به زبان دیگر ما زندانی ، زندان خود ساخته ایم . با سرکوب نمی از خود در واقع خود را سرکوب کره ایم .

کارل گوستاو یونگ دو نیروی " انیما " نفس زنانه درون انسان و " انیموس " نفس مردانه درون انسان را کشف کرد و شناخت ، آنچه که در وجود انسان ، موجب تعادل روان می گردد ، و کردار و گفتار را بر هم منطبق می سازد . یونگ معتقد است که هنگامی که انسان هر دو نیرو را در وجود خود داشته باشد خودآگاه و ناخودآگاه او بر هم منطبق می شود و فردانیت شخص شکل می گیرد و کسی که به فردیت و شخصیت درونی خویش رسیده است می تواند برابری و تعادل را به جامعه هدیه کند با پیدایش حاکمیت مردسالارانه بخش انیموس یعنی روح مردانه وجود انسان رشد کرد و انیمای درون انسانی ، یعنی آن روح و نیروی زن / مادرانه را در تاریکی نگاه داشت و جهان یک قطبی ، یک ساحتی ، یک زبانی ، یک بعدی و یک صدایی مردانه حاکم بر سرنوشت انسان شد .

"اگر اجتماعی شدن سنتی و سلسله مراتبی صدای دختران را هدف گرفته ، در مورد پسران قلبشان را هدف می گیرد . باعث می شود آنها ژرف ترین و حساس ترین و شفقت آمیزترین بخش های وجودشان را از دست بدهند . (بخش زنانه وجودشان) مردان حتی اجازه ندارند دچار افسردگی شوند ، و به همین دلیل است که بیشتر اوقات به انواع شکل های کرخت کردن خود روی می آوردند ، از سکس تا الکل و مواد مخدر تا قمار و کار بیمارگونه . مردسالاری یک قرارداد فاستی با مردان می بندد . (فوندا ، ۲۰۰۳ ، سخن رانی در اجلاسیه ی تشکل های زنان)

این است آن چیزی که هدایت سخت از آن رنج می برد و گریزی از آن نمی شناسد .

نابرابری جنسیتی (بررسی تاریخی)

نابرابری جنسیتی را هم اکنون به وضوح در تمامی جوامع، از جمله جامعه ایران مشاهده می‌کنیم. اگر بتوانیم زمان شروع و علت اولیه‌ی این نابرابری را در تاریخ جوامع بشری جستجو کنیم، بهتر می‌توانیم ماهیت این نابرابری را درک کرده و رابطه‌ی آن را با دیگر نابرابری‌های اجتماعی، به خصوص نابرابری طبقاتی، تبیین نموده و راه‌های برون رفت از آن را پیدا کنیم. در کتابی که اخیراً به نام "زنان در جامعه" ترجمه شده، کلارا زتکین می‌گوید:

بررسی‌های با شومن و مورگان نشان داده که زمان پیدایش ستم اجتماعی بر زنان منطبق بر زمان پدید آمدن مالکیت خصوصی در جامعه است (زتکین، ترجمه مهدی زادگان، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

او تأکید می‌کند به عقیده انگلس:

در تضعیف حقوق زن، یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های حاکمیت قدرت نهفته است که در اصل چیزی جز تضاد طبقه‌های اجتماعی نیست (منبع فوق، ص ۲۱)

ثولین رید در کتاب مذکور می‌آورد:

ستم بر زنان، در روند تکامل جامعه طبقاتی در طی سال‌ها که مبتنی بر خانواده مالکیت خصوصی و دولت بود پدید آمد (ثولین رید، ترجمه مهدی زادگان، ۱۳۸۱: ۴۳)

دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی این موضوع را بیش‌تر بسط داده است:

لوی استروس، مردم‌شناس نام‌دار، منع زنا با محارم را به مثابه‌ی نخستین قرارداد اجتماعی که نشان‌دهنده‌ی گذار از مرحله طبیعی به مرحله فرهنگی است تفسیر می‌کند (تقوی، ۱۳۸۰: ۲۲)

لوییز مورگان می‌گوید: پیدایی محارم به معنای پیدایی زوجیت است (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۲۹)

(مارگارت مید، منع زنا با محارم را در جهت غنی‌ساختن شبکه‌ی خویشاوندی می‌داند. (منبع فوق، ص ۲۹)

یوهان ژاکوب باکوفن، در نیمه دوم قرن نوزده، با نظریه مادرسری درباره تقدم مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی و خانوادگی زن در جامعه قدیم توجه دانشمندان و بالاخص تکاملیون را به مطالعه‌ی نقش و سهم زن در تحولات دوره‌ی ماقبل تمدن جلب کرد. (روح الامینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

مک لنان نیز معتقد است که در مرحله ی ازدواج گروهی [اختلالات آزاد جنسی] هویت افراد و سلسله و نسب و قرابت از طرف مادر تعیین می شود و این سیستم را که مادر تباری نامیده می شود ، در ازدواج تنها وسیله ی تشخیص هویت می داند ، زیرا با سیستم ازدواج گروهی ، شناخت تبار پدری امکان نداشته (منبع فوق)

فمنیست های رادیکال ، نهادهایی مثل ازدواج و خانواده را که زنان را به بردگی جنسی و مادر شدن وا می دارد ، ابزار اصلی ستم بر زنان می دانند . آن ها ریشه (علت تاریخی) ستم بر زنان را در قابلیت مادری ایشان یا در خشونت جبری و ذاتی مردان می دانند . (ابوت و والاس ، ۱۳۸۱ ، ص ۳۳)

آن جا که آنان ازدواج و پیدایی خانواده را ریشه ی تاریخی ستم بر زنان می دانند ، به نظر می رسد مبنای تحلیل شان استفاده از نظرات استروس و مورگان در منع زنای با محارم است که برای اولین بار در طول تاریخ منجر به تشکیل نهاد ازدواج و تشکیل خانواده شد که تحلیلی جدی است . اما آن جا که ستم بر زنان را در خشونت جبری و ذاتی مردان می بیند تفسیری روان شناختی ارائه می دهند که تا سطح تحلیل های ذات گرایانه ی فرویدی و کارکرد گرایان محافظه کار تقلیل می یابد .

آن چه که از بحث حاضر برمی آید چنین است که جهت پاسخ به این سؤال که "نابرابری جنسیتی به چه علت و از کجا آغاز شد ؟" دو رویکرد نظری عمده وجود دارد . از یک نظر از زمان و به علت پیدایش مالکیت خصوصی وسایل تولید و برطبق نظر دیگری از زمان منع زنای با محارم و تشکیل نهادهای ازدواج و خانواده ، اما در تقابل این هر دو دیدگاه ، دیدگاه سومی قرار دارد که نابرابری جنسیتی را امری طبیعی و عادلانه می داند و علت را در تفاوت خصوصیات بیولوژیکی و روان شناختی زن و مرد می بیند . این دیدگاه طیف وسیعی از اندیشمندان اجتماعی در طول تاریخ ، از افلاطون و ارسطو گرفته تا روسو ، نیچه ، سعدی ، اگوستین قدیس ، غزالی ، روان کاوی فرویدی ، جامعه شناسی کارکردگرا ، تبیین های زیست شناختی معاصر و دیدگاه تفاوت جنسی را در برمی گیرند و مجموعه چنین طیف وسیعی را رویکرد محافظه کارانه ی مردسالاری می توان نامید .

نابرابری جنسیتی در قانون مدنی (بررسی حقوقی)

در این بخش قسمت هایی از قانون مدنی ایران که در رابطه با نابرابری جنسیتی است مورد بررسی قرار می گیرد . خوش بختانه در قانون اساسی ایران حقوق طبیعی همه افراد اعم از زن

و مرد به نحو مثبتی در نظر گرفته شده است و ضمن محترم داشتن حقوق اساسی و طبیعی مردم موجبات تعالی شخصیت و روح انسانی را فراهم می آورد. اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی ملهم از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در راستای نیت و هدف مذهب اسلام و موجب تکریم شخصیت انسانی است. این اصول راجع به حقوق طبیعی همه افراد ایرانی و حاوی نکات ارزنده و مثبت بسیار است.

حقوق مدنی ایران، اگرچه در بسیاری از موارد بندهای محکمی در اجرای عدالت و انصاف دارد، در پاره ای موارد نمی تواند هدف قانون اساسی را در امور مدنی به ویژه در امر رابطه میان زن و مرد برآورده کند. به طوری که برخی از بندها یا مواد قانون مدنی ایران خود به باز تولید تبعیض بین زن و مرد و ایجاد نابرابری جنسیتی می پردازد.

برخی از تبعیض های جنسیتی قانون مدنی به شرح زیرند:

- ۱- واگذاری ریاست خانواده فقط به مرد و جانب داری از اقتدار مردانه (ماده ۱۱۰۵)
 - ۲- قانونی دانستن نفقه ی زن و محول کردن يك طرفه ي ان به شوهر و عدم شمول نفقه برای مرد
 - ۳- تبعیض در فسخ نکاح بین زن و مرد (ماده ی ۱۱۲۲ تا ۱۱۲۵۹)
 - ۴- جلوگیری از اشتغال زن توسط شوهر (ماده ی ۱۱۱۷)
 - ۵- تبعیض بین زن و مرد در واگذاری حق طلاق (ماده ی ۱۱۳۳)
 - ۶- تبعیض در حق حضانت فرزندان (ماده ی ۱۱۶۹)
 - ۷- شناختن پدر و جد پدری به عنوان ولی کودک و محرومیت مادر از ولایت (ماده ی ۱۱۸۰)
 - ۸- تبعیض در سن بلوغ که برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال است به ویژه غیر واقعی بودن سن بلوغ برای دختر در حد ۹ سال (ماده ی ۱۲۱۰ تبصره ی يك)
 - ۹- تبعیض بین زن و مرد در چند همسری
 - ۱۰- تبعیض بین زن و مرد در مقولاتی چون شهادت، ارث و دیه که عملاً يك نفر زن معادل نصف يك مرد محاسبه شده است
- ظاهراً ادعای قانون گذار این است که در مورد روابط زن و مرد، احکام اسلام را در قانون مدنی لحاظ کرده است ولی این نکته که اگر اسلام بعد از قرن ها هنوز زنده و پویاست، به

خاطر پویایی اساساً متحول کننده و متحول شونده ی آن است، از نظر قانون گذار مغفول مانده است .

مذهب در هر زمان از تاریخ عبارت است از عدالت در آن مقطع تاریخی و به قول گورویچ، هر گونه عدالتی اصولاً ثابت و ساکن نیست و همانا عدالت عبارت است از آشتی قبلی الگوها، قاعده ها، ارزش ها و اندیشه ها که باید در کادر اجتماعی مشخص با رفتار های دسته جمعی تحقق یابد

پیامبر گرامی اسلام از رهبران و روشن فکران زمانه ی خود بودند که مردمشان را به خوبی هدایت و رهبری می کردند، زیرا اگر غیر از این بود، نامی از ایشان در تاریخ اجتماعی نمی ماند. مودن و سخن گوی او، بلال حبشی، یک سیاه پوست بود و این برای نسل ما که ۱۴۰۰ سال بعد زندگی می کنیم، پیام برابری نژادی را دارد. این همه تجلیل و اکرام به مقام زن، به حضرت خدیجه و حضرت فاطمه، محدود کردن چند همسری به ۴ نفر که برای شیوخ عربی که حرمسراهایی ده برابر آن داشتند و گرفتن حق ارث و شهادت برای زنان به نصف مردان در میان قبایل وحشی عربی که دختران خود را زنده به گور می کردند، در آن عصر، در ۱۴ قرن پیش، یک شاهکار انسانی و شاید به قول بعضی ها یک شاهکار فمینیستی بود. این بی شک، پیام مذهب اسلام مبنی بر برابری جنسیتی، برای ما در زمان حاضر است. از متون مقدس مذهبی ما هم می توان دریافت که پیشوایان مذهبی، در بسیاری موارد با جامعه رفتارها و مواضع تاکتیکی اتخاذ می کرده اند، یعنی تا آنجا پیش می رفتند که ظرفیت جامعه و استعداد های آن روز مردم اجازه می داد و نه لزوماً تا آن جا که خود می اندیشیدند و نه تا آن حد که برای نسل های بعد مناسب می دانستند .

پیامبران ادیان توحیدی ناگزیر از مطرح کردن نقش زنان در جامعه ی خویش به گونه ای بوده اند که با موازین جامعه شناختی، روان شناختی، سنتی، بومی، اخلاقی و اعتقادی جامعه شان هماهنگی داشته باشد.

با دستورات دین که صرفاً نشأت گرفته از قرآن کریم است، دو گونه برخورد رفتاری و اجرایی می شود. بخشی از این دستورات که Synchronic یا "هم زمانی" هستند و در همه ی زمان ها و مکان ها از وجهه ای ثابت و پایدار برخوردارند مانند موحد بودن، مسلمان بودن، عبادت کردن، فسق و فجور نکردن، احسان کردن، یاری به مستمندان و یتیمان و بسیار بسیار موارد دیگر بخشی از این دستورات dyachronic یا "در

زمانی " هستند ، یعنی در زمان ها و مکان ها و شرایط تاریخی / جغرافیایی ویژه ای تغییرات نسبی کمی و کیفی پیدا می کنند . این پدیده در فقه قابل تأمل است و ما در همین چند سال پس از انقلاب با بخشی از آن مانند بازی شطرنج ، خوردن ماهی اوزون برون و.... روبرو بودیم . قسمت قابل ملاحظه ای از مسایل مربوط به زنان را می توان از جمله دستورات " در زمانی " دانست که با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان قابل تغییر است ولی متأسفانه به گونه ای با این مباحث برخورد می شود ، که گویی امکان هیچ تحولی برای آن ها وجود ندارد . قانون مدنی نیز آن جا که به مسایل زنان پرداخته از این آسیب ، مصون نمانده و به مقتضیات زمان و مکان کمتر توجه نموده است . امید آن می رود که با در نظر گرفتن تحولات و دگرگونی های جهان امروز در ایران نیز تغییراتی را در حوزه مسایل زنان شاهد باشیم .

قانون حمایت خانواده از ابتدا تا کنون

قانون حمایت خانواده به قوانین مربوط به ازدواج ، طلاق و سایر قوانین خانواده در قانون اساسی ایران پرداخته است . این قانون يك بار در سال ۱۳۴۶ تصویب شد و بار دیگر در سال ۱۳۵۳ ارتقاء یافت .

یکی از قوانین مربوط به خانواده تعدد زوجات یا چند زنی است . قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ به استناد قرآن ، شرط عدالت را برای چند زنی منظور کرد . پیش از تصویب این قانون در سال ۱۳۴۶ مردان حق داشتند ۴ همسر و تعداد نامحدودی زن صیغه ای داشته باشند . اما در این قانون مرد موظف شد برای ازدواج مجدد از دادگاه اجازه بگیرد . دادگاه نیز باید در مورد او و توانایی مالی اش تحقیق می کرد و در موقع مناسب با زن اول وی تماس می گرفت و از او نیز تحقیق می کرد . به این ترتیب ازدواج مجدد ، بدون اجازه دادگاه جرم کیفری محسوب می شد .

قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۴ ضمن حفظ قانون قبلی شرایط سخت تری برای تعدد زوجات ایجاد کرد . در این قانون " رضایت زن اول " نیز شرطی لازم برای ازدواج مجدد قرار گرفت . این قانون استثناهایی داشت ، مثلاً رضایت زنی که نمی توانست بچه دار شود یا نمی توانست با همسرش روابط جنسی برقرار کند ، شرط نبود . ولی زن حق داشت به دلیل این که شوهرش زن دوم گرفته است تقاضای طلاق دهد ! در این قانون در مورد صیغه چیزی

عنوان نشده بود اما وزارت دادگستری محضره‌های رسمی را موظف کرد از هر مردی که تقاضای ازدواج مجدد می‌کند اظهارنامه‌ای بگیرد مبنی بر این که هیچ زن دیگری ندارد

ایران در اوایل دهه ۱۳۵۰ چهارمین کشور جهان از نظر تعداد طلاق‌ها بود، پیش از سال ۱۳۴۶ مرد حق داشت هرگاه بخواهد و در هر شرایطی زنش را طلاق دهد. مراسم طلاق با حضور دو شاهد که برای آشتی زن و شوهر تلاش می‌کنند انجام می‌شد ولی در عمل حضور شاهدان اجرا نمی‌شد. زن در شرایط محدودی می‌توانست به دادگاه درخواست طلاق دهد و دادگاه شوهر را موظف می‌کرد زن را طلاق دهد. این شرایط ناتوانی جنسی مرد، جنون، ناتوانی در تأمین زن، بدرفتاری یا داشتن بیماری صرع بودند.

قانون خانواده سال ۱۳۵۳ قوانین اضافه شده در قانون سال ۱۳۴۶ را حفظ کرد. طبق این قانون طلاق فقط با اجازه دادگاه قابل انجام بود و دادگاه پس از این که متقاعد می‌شد امکان آشتی وجود ندارد گواهی طلاق صادر می‌کرد. هم‌چنین پنج شرط دیگر در ماده ۱۱ برای امکان درخواست طلاق اضافه شد که عبارت بودند از: زندانی شدن زن یا مرد برای دوره‌ای مشخص، اعتیاد، ازدواج مجدد مرد بدون رضایت زن، ترک زندگی خانوادگی از طرف هر یک از آنها، محکومیت قضایی هر یک از آنها که موجب لطمه به حیثیت خانوادگی دیگری شود.

علاوه بر موارد قانون ۱۳۴۶، در قانون ۱۳۵۳ این توضیح آمده که ماده ۱۱ هم برای زن و هم برای مرد اعتبار دارد.

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران حداقل سن ازدواج دختران را ۱۵ سال و پسران را ۱۸ سال تعیین کرده بود. در شرایط خاص با ارائه گواهی دادگاه این سن می‌توانست برای دختران به ۱۳ سالگی و پسران به ۱۵ سالگی کاهش یابد، اما در مناطق روستایی این قانون (حتی سن ۱۳ سالگی) عملاً رعایت نمی‌شد.

قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳، سن ازدواج برای دختران ۱۸ سالگی و برای پسران ۲۰ سالگی در نظر گرفته بود، اما شریف امامی که دوران پرآشوب نخست وزیری خود را می‌گذراند برای راضی کردن روحانیون این قانون را بی اعتبار اعلام کرد.

- طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی شوهر حق داشت همسرش را از انجام شغلی که حیثیت او را به خطر می‌انداخت منع کند. قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ نیز نه تنها این ماده را اصلاح نکرده بود، بلکه آن را در ماده ۱۶ خود تأیید کرده بود. قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳ در ماده ۱۸ به زنان این حق را داد که شوهر را از انجام شغلی که موجب بی‌آبرویی آنان می‌شود منع کنند اما به شرط این که دادگاه اطمینان یابد اگر مرد شغل خود را رها کند در میزان درآمد

خانواده اختلال ایجاد نمی شود. این قانون نه تنها به زنان همان حقی را که به مردان داده بود نمی داد، در عمل نیز صورت نمی پذیرفت.

لایحه حمایت از خانواده به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه هیأت دولت در تیرماه سال ۱۳۸۶ تصویب و به مجلس ارسال شد. بخش هایی از این قانون مورد انتقاد فعالان سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است و آن را در جهت تضعیف خانواده و مغایر با قانون اساسی می دانند. گرچه از بخش هایی از مفاد این قانون نیز به عنوان اقدامات مثبت حمایت می کنند. براساس یکی از مواد این قانون که جنجالی ترین بخش آن نیز هست، مردان برای ازدواج مجدد نیازی به اجازه و آگاهی همسر قبلی خود ندارند و تنها لازم است به دادگاه توانایی مالی خود را برای داشتن زن جدید اثبات کنند.

به گفته سنخگوی قوه قضاییه ماده ۲۳ و ۲۵ طرح این قوه نبوده و توسط دولت به لایحه اضافه شده است. فراکسیون زنان مجلس هفتم پیشنهاد بازگرداندن لایحه به دولت را ارائه کرد که مورد قبول قرار نگرفت.

بخش هایی از لایحه که مورد انتقاد قرار گرفته است

فصل اول: دادگاه خانواده

ماده ۲ - دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو مستشار تشکیل می شود که حتی المقدور یکی از مستشاران دادگاه از بانوان دارنده پایه قضایی می باشد. رسمیت جلسه و صدور رأی با اکثریت امکان پذیر است. (در قانون قبلی حضور مستشاران زن الزامی بود که این الزام برداشته شد)

ماده ۱۰ - ابلاغ در دادگاه خانواده می تواند از طریق پست، نمابر، پیام های تلفنی، پست الکترونیکی و یا هر طریق دیگری که دادگاه مناسب با کیان خانواده تشخیص دهد صورت گیرد. در هر حال احراز صحت ابلاغ با دادگاه است.

ماده ۱۱ - دادگاه می تواند جهت فراهم نمودن صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان، حداکثر برای دوبار به تأخیر بیندازد.

ماده ۱۶ - (پیش از این طلاق اتباع ایرانی در کشورهای خارجی و دادگاه های خارجی در ایران نیز پذیرفته بود ولی اکنون این قانون حذف شده است و زنانی که در دادگاه های کشورهای دیگر طلاق گرفته اند به محض ورود به ایران زن و شوهر شناخته می شوند که تبعات قانونی خود را در پی دارد.)

فصل دوم : مراکز مشاوره خانواده

ماده ۲۲ - اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسانی در رشته های مختلف مانند مطالعات خانواده ، روان شناسی ، مددکاری اجتماعی ، حقوق ، فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می شوند و لا اقل نصف اعضا هر مرکز باید از بانوان متاهل واجد شرایط باشند . سایر شرایط ، تعداد اعضا ، نحوه انتخاب ، گزینش ، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات آنها ، تشکیلات ، شیوه انجام وظایف و تعداد مراکز مشاوره خانواده و نیز تعرفه خدمات مشاوره و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد .

تبصره ۱ - جلسات مشاوره لزوماً با حضور افراد مورد اعتماد طرفین و ترجیحاً از خویشاوندان آنان برگزار می شود .

فصل سوم : ازدواج

ماده ۲۲ - ثبت عقد نکاح دائم ، فسخ و انفساخ آن ، طلاق ، رجوع و اعلام بطلان نکاح و طلاق الزامی است .

تبصره : ثبت نکاح موقت تابع آیین نامه ای که به تصویب وزیر دادگستری می رسد ، است .

ماده ۲۳ - اختیار همسر دائم بعدی ، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران می باشد .

تبصره - در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید ، اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است .

ماده ۲۵ - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسایل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید .

میزان مهریه و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می رسد .

فصل چهارم : طلاق

ماده ۳۸ - در طلاق رجعی ، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورت جلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی طلاق دو شاهد مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده می باشد . مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد . در صورت تحقق رجوع ، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورت جلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود . صورت جلسه تکمیلی به امضای سردفتر ، زوجین یا نماینده آنان و دو شاهد طلاق می رسد . در صورت درخواست زوجه گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج ، به وی اعطا می شود .

فصل ششم :

مقررات کیفری ماده ۴۴ - چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم ، طلاق ، فسخ و رجوع نماید . ضمن الزام به ثبت واقعه ، به پرداخت بیست میلیون تا یک صد میلیون ریال جزای نقدی و یکی از محرومیت های اجتماعی متناسب محکوم می شود .

ماده ۴۶ - هر فرد خارجی بدون اجازه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی با زن ایرانی ازدواج نماید ، به حبس از نود و یک روز تا یک سال محکوم می شود . در این صورت زن چنانچه به اختیار خود ازدواج کرده باشد و ولی دختر در صورتی که ازدواج به اذن وی صورت گرفته باشد و هم چنین عاقد به عنوان معاون در جرم مزبور محکوم خواهند شد .

نظرات منتقدان

ماده ۲ شامل تبعیض جنسیتی علیه زنان در شغل قضاوت و علاوه بر این منتقدان معتقدند که دادخواهی زنان را سخت تر کرده است چرا که باید ، با چهار مرد طرف باشد که یکی از این مردان هنوز شوهر او است و سه مرد دیگر در مقابلش نشسته و به قضاوت می پردازند .

ماده ۴ - (نشوز و تمکین) منتقدان می گویند در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته عدم توجه به تمایلات زن و اقدام به داشتن رابطه جنسی علی رغم "نه" گفتن زنان ، حتی در یک رابطه زناشویی تجاوز و جرم محسوب می شود . در ایران مرد می تواند به دادگاه رفته و از زن شکایت کند که چرا تمکین نمی کند . به این ترتیب تجاوز مرد به زن در رابطه زناشویی از حمایت قانونی برخوردار می شود .

در ماده ۲۵ مهریه ای که هنوز پرداخت نشده درآمد زن محسوب می شود و برای آن مالیات در نظر گرفته شده است ، منتقدان دولت باید مشکلات مهریه را با جایگزین کردن خدمات اجتماعی

و تأمین مالی برای زنان مطلقه حل کند ، اما در این قانون فقط مهریه را که تنها پشتوانه مالی بسیاری از زنان است بدون هیچ گونه جایگزینی از آنان می گیرد .

ماده های ۱۱ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۸ که هدف آنها تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی به ویژه طلاق بیان شده است نظر برخی منتقدان بر این است که در حالی که فشارهای اقتصادی و اجتماعی و روانی موجود در جامعه از عوامل مهم طلاق به شمار می آیند ، راه حل حکومت برای کاهش آمار طلاق ، دشوارتر و طولانی تر کردن روند قانونی آن است . این امر بیشتر به زیان زنان خواهد بود ، چرا که آنان باید محدودیت هایی را که قانون برای زنان شوهردار تعیین می کند ، سال ها پس از تصمیم به طلاق هم چنان تحمل کنند ، تا رأی قطعی صادر شود .

دیگر موارد اعتراض در این لایحه شامل عدم برابری زن و مرد در حق حضانت فرزند ، سن ازدواج ، محدودیت های ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی می شود . هم چنین تعدادی از حقوق زنان که هیچ ذکری از آنان به میان نیامده است .

نابرابری جنسیتی: فرهنگ و قوانین عرفی

در بررسی مساله برابری جنسیتی نمی توان به فرهنگ و قوانین عرفی بی توجه بود . قوانین عرفی بر اساس فرهنگ جامعه به تدریج و در طی سالیان دراز در هم تنیده شده و در دل و جان فرهنگ جوامع جای دارند ، از این رو جان سخت و دیر پا هم هستند . هر گونه تغییری در فرهنگ به کندی شکل می گیرد .

در جامعه ی ایران قوانین عرفی در کنار قوانین شرعی و قوانین مدنی نابرابری جنسیتی را رقم زده است . این نابرابری ریشه در تاریخ ایران دارد و نمی تواند جدا از آن مورد مطالعه قرار گیرد .

تغییر قوانین از بالا نمی تواند در ریشه های اخلاق و فرهنگی که عمری صدها ساله دارند ، هیچ تغییر ریشه ای به وجود آورد . ریشه کن کردن اخلاقیات و تردید در آن ، دگرگونی های عمیقی به دنبال دارد . بسیاری مواقع حکومت با کلیه نظام نظارتی که در اختیار دارد نمی تواند در این فرهنگ و قوانین وابسته ی آن خللی ایجاد کند . مثلاً فرهنگ "تقاص ناموسی " خشونت را تا بدان حد می رساند که مردان در مقابل دادگاه ، کلانتری ، در خیابان ها و پیش چشمان هزاران نفر به بهانه ی ناموس پرستی خواهر یا مادر و زن و دختران شان را به قتل می رسانند .

فرهنگی که شرف قبیله و طایفه و خانواده را در دختران و زنان خلاصه می بیند اجازه ی چنین کاری را می دهد .

عقلانیت پدر سالار در فرهنگ ما به جای آن که مهار شود روز به روز بیشتر احیا می شود . هیچ برنامه ی آموزشی منظمی نداریم که دخترها و پسرها را با نگرشی مساوات طلبانه و انسانی آموزش بدهد . هوشیاری جمعی در طبقات و اقشار متفاوت در حد ناچیزی است و همه دست به دست هم داده اند تا جایی که امکان دارد زن را موجودی گناه کار و فریبا جلوه دهند . از مدت ها پیش در فرهنگ ما گونه ای فوبیا یا ترس از طغیان برای آزادی زن وجود داشته به دست آوردن حقوق بیشتر همیشه برچیدن سیستمی به نام خانواده و جامعه را تهدید کرده است .

در زبان انگلیسی واژه هایی مانند " Bitch " دو معنی عمده دارد در کوچک ترین فرهنگ لغات این معانی به چشم می خورند : فاحشه و معنای دیگری ماده سگ ، بی گمان چنین واژه هایی که در زبان انگلیسی هم دو معنا دارد ، ریشه در رگه های فرهنگی و اخلاقی جامعه دارد . در همین اوضاع و احوال است که دختران مانند کالا خرید و فروش می شوند یا به جای خون و انتقام ، شوهر داده می شوند. ازدواج های "زن به عوض زن" ادامه پیدا می کند . هر قدر مهریه بیشتر باشد ، همان قدر هم دختر عقیف تر و با ارزش تر است. دختر خانواده ی به اصطلاح بد نام باید بدون حق و حقوق ازدواج کند یا تا ابد بی شوهر بماند .

در پژوهشی از پاسخ گویان پرسیده شد "اگر درآمد زنی با همسرش برابر باشد و به دلیل مشکلات خانوادگی یکی از آنها مجبور به ترك شغل و ماندن در خانه شود ، به نظر شما کدام يك بهتر است کارش را ترك کند ؟ " ۹۴/۶ درصد گفته اند که زن کارش را ترك کند و در مقابل تنها ۳/۳ درصد از ترك کار توسط مرد سخن گفته اند . در ادامه وقتی پرسیده شد "در صورت بالاتر بودن درآمد زن چه کسی کارش را ترك کند ؟" باز هم ۷۷/۶ درصد از پاسخ گویان گفته اند بهتر است زن کارش را ترك کند و تنها ۱۶/۶ درصد از ترك کار توسط مرد سخن گفته اند . این باور در بین بسیاری از مردان جامعه ما وجود دارد که خوردن نان زن ، مرد را بی غیرت می کند ولی در این پژوهش پاسخ گویان زن ، بودند و متأسفانه زنان نیز این باور غلط را پذیرفته اند . در واقع جامعه و فرهنگ وابسته ی آن زن را متعلق به عرصه ی خصوصی و خانواده می داند و ماندن مرد در خانه برایش قابل تصور نیست .

مادری که از اولین روز های تولد دخترش بیش از آن که به فکر پرورش توانایی او باشد به فکر تدارك جهاز اوست تا فردا در بازار عرضه کالا از رقبای عقب نماند ، گویی جنس بنجلی را می

خواهد قالب کند که هر چه روی آن بگذارد بیشتر خریدار را اغوا خواهد کرد. یا آن گاه که بر سر مهریه دخترش که ذره ای بوی مهر نمی دهد و در نهایت بهایی است که در معامله ی یک کنیز خانگی، یک عمله ی جنسی، یا یک دایه ی سر خانه طلب می کند، چانه می زند و تنها به تعداد سکه ها می اندیشد و در مراسم عقد کیسه ای می دوزد تزئین شده که با حرص تمام سکه ها را در آن می ریزد و از صدای آن ها لذت می برد. جالب این که همه ی این ها بهانه ای است برای تأمین امنیت و تضمین آتیه دختر! چه طنز تلخی است وقتی در راهرو های دادگستری جلوه هایی از این امنیت و تضمین آینده را می بینیم. این همان جایی است که به گفته ی سیمون دوبووار "مادر در نهان خصم آزادی دختر خویش است." (دوبووار، ۱۳۸۶، ۳۵)

فرهنگ فرو دست انگاری زنان در ساختارهای زبانی هر جامعه نیز خود را نشان می دهد. اصطلاحات تحقیرآمیزی که اشاره به ویژگی های جنسیت مؤنث دارند مثل خاله زنک، زبان مادر شوهر، دو بخته، ترشیده، عجوزه، مادر فولادزهر و... هیچ معادلی برای مردان ندارند. زنان برای ابراز عقیده و نظر نیز مورد توهین قرار می گیرند. اصطلاحاتی مانند: آپارتنی، سلیطه و آتش پاره از این دست هستند. در بسیاری از زمینه های دیگر در فرهنگ و ادبیات ما نمونه هایی از این دست بسیار دیده می شود.

در قوانین عرفی جامعه ویژگی های زن و مرد بسیار باهم متفاوت هستند ویژگی هایی مثل نرمی، لطافت، دلربایی، منفعل بودن، دل فریبی و معشوق ربایی. مخصوص زن و ویژگی هایی مانند قدرت، قاطعیت، فاعلیت و توانایی جسمی و جنسی مخصوص مرد است. زن اسیر قدرت جسمانی و فاعلی و توان اجتماعی مرد و مرد اسیر قدرت و زیبایی و جاذبه ی جنسی و محبت زن است. مرد به صفت فاعلی متصف است: عاشق و زن به صفت فعل پذیر است: معشوق. برای مرد یک اصل اهمیت اساسی دارد و آن زیبایی جمال صورت و سیرت و طنازی و دلبری است و بقیه فرع قضیه است. زیبایی زن در طول تاریخ مطلوب تمامی مردان و مهم ترین شرط محبوبیت و مطلوبیت او بوده است.

با یک نگاه سریع و بی غرضانه به ریوس مطالب بالا، بیشترین موردی که در این دیدگاه ها که بدیهی است دیدگاه هایی اجتماعی و موجود و بخشی از واقعیت های جامعه انسانی است، جلب توجه می کند، "خود محور بینی" مرد در جهان می باشد که مسلماً در نظام غیر از نظام مرد/پدرسالاری هرگز معیار و ارزش محسوب نمی شود. (وقتی گفته می شود برای مرد یک اصل اهمیت اساسی دارد...) می فهمیم که "مرد" محور همه هستی مردانه است. در اثر تکرار

این ادعا در طول تاریخ امر به مرد و جامعه جهانی مشتبه شده که اصل "مرد" است و اوست که باید حکم صادر کند ، فرمان دهد ، تصمیم بگیرد ، ارزش بیافریند و در نهایت ولایت زن را به عهده گرفته و حتی به جای او ببیند و دوست داشته باشد و....

بنابراین مطلوب و محبوب و معشوق و فعل پذیر بودن و ... زن ، ساختاری اکتسابی است که نیازهای جامعه مرد/پدر سالار تحمیل او کرده و اگر زن خود این ها ، همه را بخشی از واقعیت های وجودی خود می داند ، به واسطه باور این ساختار و تن در دادن به آن است و او را گریزی از آن نمی بوده است . اسیر "قدرت" بودن زن و اسیر "محبت" بودن مرد ناشی از محرومیت هایی است که هر دو در این نظام مبتلا به آن بوده اند .

چگونه ارزش های نو جایگزین ارزش های کهنه خواهند شد؟

همان طور که پیشتر نیز گفته شد ، تغییر قوانین از بالا نمی تواند در فرهنگی که عمری صدها ساله دارد ، هیچ تغییر ریشه ای به وجود آورد . ریشه کن کردن اخلاقیات و تردید در آن دگرگونی های عمیقی در پی دارد.

یکی از ویژگی های خانواده ی مدرن کاهش قدرت پدر سالاری است . در خانواده ی سنتی پدر رئیس خانواده است . او تصمیم می گیرد و مادر مطیع و گوش به فرمان است . فرزندان نیز مطیع پدر و مادر هستند . مادر پلی است میان پدر و بچه ها ، به ویژه دخترها . در کشورهای صنعتی از اواخر دهه ۶۰ به این سو ، الگوی پدر تباری به تدریج تغییر کرد ، نه تنها برای زنان درون خانواده ، حقوق مدنی تدوین شد بلکه این حقوق فرزندان را نیز دربر گرفت . چنین قوانینی باعث کمرنگ شدن تدریجی قوانین عرفی پدر تباری شد . امروزه قدرت در خانواده به سمت خانواده ی دمکرات با قایل شدن حق حرف زدن و اظهار عقیده برای کسان خانواده ، علی رغم گروه جنسی و سنی ، است . وقتی حقوق دمکراتیک در خانواده مطرح است ، منظور این است که در خانواده یک نفر و آن هم پدر تصمیم گیرنده نیست ، بلکه کلیه تصمیمات پس از بحث و گفتگو ، اظهار نظر پدر و مادر و فرزندان ، بایست اتخاذ شود .

حال باید دید چه پدیده هایی باعث چنین تحولات عظیمی در خانواده می شود . یکی از مهم ترین علت ها ، اشتغال زنان و استقلال مالی آن هاست ، که زنان را از وابستگی مالی به همسران رها نمود . آمارها نشان می دهد که دوسوم زنان مطلقه در فرانسه ، زنان شاغل بودند . یکی دیگر از موارد مهم ، افزایش کمک های دولت به خانواده ها و زنان مطلقه و افراد مجرد است . اگر در دوران گذشته ، طلاق در بین طبقه ی بالا و متمول جامعه رخ می داد ، در زمان حال با کمک

های مالی نهادهای دولتی، طلاق برای قشرهای پایین و آسیب پذیر نیز در عمل امکان پذیر شده است. عامل تقدس زدایی از خانواده که با مورگان شروع شد و به تدریج افزایش یافت، نیز یکی دیگر از عوامل است. تقدس زدایی از خانواده تاثیر بسیار مهمی بر نهادهای دیگر دارد و آن ها نیز تحت تاثیر چنین نگرشی، یعنی تقدس زدایی قرار می گیرند.

تمایل به خواسته های فردی تمایل به زندگی برای خود، نه زندگی به معنای فداکاری برای خانواده و دیگران، مورد نقد واقع شدن قوانین و چارچوب های اجتماعی، حتی نقد خانواده به نام مکان مقدس، و مفهوم مادر به عنوان یک وظیفه قدسی و ابدی و زن به عنوان یک همسر فداکار، همه مورد پرسش و بررسی و تفکر و نقد دوباره واقع شده است.

آن چه که در الگوی جدید خانواده به دنبال آن هستند، انتخاب آزاد و عشق و احترام فردی است. آزادی زنان و اشتغال زنان و فردیت، از هم پاشیدگی نهادها و تقدس زدایی از خانواده، تمامی این علت ها در کنار هم و به عنوان مکمل و تشدید کننده ی یک دیگر علت تغییر الگوی خانواده در هزاره ی سوم میلادی در جوامع صنعتی است.

قانونی شدن ازدواج های آزاد، قانونی شدن مادران بی شوهر، گسترش طرح های اجتماعی-حمایتی از زنان بیوه مطلقه، مادران بدون شوهر، افزایش اشتغال زنان، افزایش تحصیلات زنان، رشد و گسترش قوانین مدنی که از حقوق زنان حمایت می کند، افزایش سهولت فرایند طلاق، توسعه و گسترش جنبش زنان، گسترش فعالیت های اجتماعی زنان، تقدس زدایی از خانواده، از بین رفتن قبح طلاق، تضعیف موانع روانی و فرهنگی طلاق، تغییر و تحول در ملاک انتخاب همسر، جایگزین شدن انتخاب و اختیار در ازدواج به جای اجبار، رشد و گسترش فنون جدید باروری و قانونی شدن آن و پذیرفته شدن از جانب برخی نهادهای مذهبی، بانک اسپرم، مادران کرایه ای، تلقیح مصنوعی و از جمله علت هایی است که تغییر و تحول خانواده و رشد و گسترش الگوهای جدید خانواده را سبب شده است.

نظریه های جامعه شناختی نابرابری جنسیتی

حاکمیت نظام پدرسالاری در طول تاریخ سبب به حاشیه راندن زنان و عدم طرح مسایل آنان در زمینه های مختلف شده است. همان طور که قبلاً نیز گفته شد در جامعه مرد سالار علم نیز بی طرف نمی ماند، به ویژه علوم انسانی که به سبب ماهیت وجودی خود به شدت تحت تاثیر افکار و گرایشات افراد جامعه است. بنابراین دور از انتظار نیست که نظریه های جامعه شناختی به

طور مفصل و همه جانبه به مسایل زنان نپردازد (البته صرف نظر از نظریات فمینیستی که بعداً مطرح شدند و به طور اختصاصی به مسایل زنان پرداختند). برخی از این نظریه ها بحث های کوتاه و مختصری در این موضوع دارند. از همین رو معیار های مشخص و قابل تفکیک برای دسته بندی نظریات جامعه شناختی زنان در دسترس نیست. ولی برای شناخت بیشتر دیدگاه های مختلف درباره زنان نگاه مختصری به چند نظریه مختلف خواهیم داشت.

نظریه نابرابری های جنسیتی بلوم برگ

لایه بندی جنسیتی بلوم برگ مبتنی بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید و مقدار تخصیص مازاد تولیدی به آنان نسبت به مردان است. این کنترل بر منابع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می دهد که این بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه بندی تأثیر می گذارد. از دید بلوم برگ نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف وجود دارد: روابط مردان و زنان در خانواده ها، اجتماعات محلی و دولت ها (دهنوی، ۶۰: ۱۳۸۴)

"بلوم برگ معتقد است که قدرت اقتصادی به وسیله ی آن چه که او آن را میزان تخفیف می نامد شکل می گیرد، که در جریان آن قدرت زنان کاهش یا افزایش خواهد یافت. اگر مردان قلمرو بزرگ تری را در کنترل داشته باشند این کنترل بر سطوح بزرگ قدرت زنان را در خانوار کاهش می دهد، به همان نسبت، اگر زنان فعالیت های اقتصادی گسترده تری داشته باشند، از قدرت بیشتری هم برخوردار می شوند.

بنابراین، بیشتر زنان امکان داشتن قدرت اقتصادی را در سطوح بالای سازمان اجتماعی دارند و می توانند اشکال دیگری از قدرت (سیاسی، مکتبی و مانند این) را به دست آورند و حتی کارهای اقتصادی کوچک آنها، باعث افزایش اقتدارشان در خانواده و نفوذشان در اجتماع می شود. (ترنر، ۱۹۸۳: ۲۲۲)

بلوم برگ در ادامه به زمانی اشاره می کند که قدرت اقتصادی زنان نسبت به مردان افزایش می یابد او معتقد است که احتمال دارد که مردان این گونه دگرگونی ها را تهدید علیه خود بدانند و به طور فیزیکی و سیاسی جلوی تلاش های زنان را برای دست یابی به قدرت بگیرند. بنابراین هم چنان که قدرت اقتصادی زنان به گونه ای نسبی افزایش می یابد، این امر به افزایش نفوذ سیاسی می انجامد، که در صورت در هم شدن این دو مردان از خود واکنش نشان می دهند و در حقیقت خسونت مردان علیه زنان آغاز می شود. بنابراین به دست آوردن و کنترل قدرت اقتصادی،

کنترل ابزار تولید و تخصیص دست آوردهای تولید، شرایطی بحرانی است که بر جایگاه زنان در نظام لایه بندی جامعه اثر می گذارد (ترنر، ۱۹۸۳: ۲۳۳)

از دیدگاه وی، نابرابری ها در سطوحی مختلف وجود دارد که نابرابری در توزیع قدرت منزلت، دارایی و فرصت ها برای دو جنس از آن جمله است. زنان در پایین نردبان لایه بندی عملاً هیچ امکانات مالی ندارند و زمانی موقعیت برای آنها خلق می شود که مردان و زنان به گونه ای برابر با هم شریک باشند.

زنان بدون قدرت اقتصادی، از منزلت کمی برخوردارند و کنترل کمی بر مسایل اساسی مانند الگوی باروری شان، ازدواج شان، حقوق شان در طلاق، روابط پیش و پس از ازدواج، فعالیت خانگی شان، سطح و نوع تحصیلات و آزادی شان در تحرك و تعقیب خواسته ها و علایق شان و دست یابی به فرصت ها دارند.

بنابراین قدرت اقتصادی تأثیر زیادی بر توانایی های زنان در امور مختلف دارد. کوتاه این که اگر کار زنان به طور استراتژیک ضروری باشد و اگر نظام خویشاوندی وراثت و اکتساب دارایی را تسهیل کند و هم چنین اگر لایه بندی در سطح بالا به سود مردان نباشد، زنان در این صورت می توانند به قدرت اقتصادی دست یابند بدون این قدرت اقتصادی برای زنان، لایه بندی جنسیتی بالا خواهد بود، و تنها با وجود قدرت اقتصادی برای زنان است که نابرابری جنسیتی کاهش می یابد و امکان تحرك اجتماعی برای آنان فراهم می شود. (ترنر، ۱۹۸۳: ۲۳۳-۲۳۴)

(

نظریه نابرابری های جنسیتی گیدنز

گیدنز اعتقاد دارد اگر چه تفاوت های فیزیولوژیکی در زن و مرد منشأ تفاوت در این دو جنس می باشد، ولی تفاوت در رفتار مردان و زنان اساساً از طریق یادگیری اجتماعی هویت های زن و مرد پدید می آید (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۷۶)

بنابراین اجتماعی شدن و یا جامعه پذیری کودکان بسیار حایر اهمیت می باشد. در جریان رشد کودک نحوه برخورد والدین، خویشاوندی متناسب با جنسیت کودک صورت می گیرد در این مورد به صورت آزمایشی کودکی که یک نوبت لباس دخترانه و نوبتی با لباس پسرانه در معرض

برخورد برخی خویشاوندان قرار گرفته دو نوع برخورد از يك نفر مشاهده گردیده است . در واقع بخش عمده اي از هویت جنسیتی را اطرافیان رقم می زنند و کودک از طریق یادگیری اجتماعی به این هویت دست می یابد . پس جامعه پذیر شدن کودک از طریق والدین و خویشاوندان در چرخه مکرر موجب بازتولید هویت جنسی می گردد . در این بازتولید جنسیت پسر برای حضور در عرصه جامعه و جنسیت دختر برای ایفای نقش امورخانه تربیت می شود و این همان آغاز نابرابری جنسیتی می باشد . بنابراین منشأ بازتولید نابرابری های جنسیتی فرآیند اجتماعی شدن کودکان از طریق والدین و خویشاوندان می باشد نگرش والدین نسبت به هر جنس از فرزندان رفتار آنها را در استفاده از امکانات و فرصت ها باید ها و نبایدها تعیین می کند .

پس از خانواده در صحنه جامعه نهادهایی چون مدرسه ، رسانه ها و هم سالان در بازتولید نابرابری جنسیتی نقش دارند (گیدنز ، ۱۳۷۲ : ۱۸۵- ۱۷۵)

نظریه مبادله

ترنر (۱۹۸۳) براساس رهیافت مبادله ، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم گیری ها تبیین می کند و معتقد است جایگاه زن و مرد در خانواده برای توزیع قدرت برحسب منابعی است که هر يك از زن و شوهر از طریق ازدواج به خانواده آورده اند . این منابع عبارتند از : تحصیلات ، شغل ، قدرت مالی ، در واقع تبادل پایگاه اجتماعی هر يك عامل اصلی تعیین جایگاه آنها می باشد . از آن جا که در اغلب جوامع مردان پایگاه بالاتری برخوردارند به طور طبیعی این برتری در نظام جنسیتی نیز شکل می گیرد و هم چنان باز تولید می شود . البته در این زمینه بلوم برگ^۲ نظریه نابرابری جنسیتی و براساس قدرت اقتصادی مردان در خانواده تعریف نموده که شباهت زیادی به نظریه ی مبادله دارد (ترنر ، ۱۹۸۳ : ۲۲۵)

نظریه ماتریالیسم تاریخی

رویکرد مارکسیستی درباره زنان ریشه در نظریه ماتریالیسم تاریخی دارد . برای بررسی این نظریه از آثار مارکس و انگلس استفاده می شود . در یکی از نوشته های کوتاه مارکس با نام "پوشه و خودکشی" به مسایل زنان توجه شده است . او در این مقاله به خودکشی زنان می پردازد و این وقایع را به ستم وارد به زنان در خانواده بورژوازی مربوط می سازد . از چهار مطالعه موردی خودکشی که وی با ذکر جزئیات در این متن مورد بررسی قرار می دهد ، سه مورد به خودکشی زنان مربوط است . دوتن از آنها از

زنان بورزوا و سومی با خاستگاه مردمی تر (دختر يك خياط) بودند . اما سرنوشت آنها از جنسیت شان رقم زده نه طبقه شان . نخستین مورد ، دختری که والدینش او را به خودکشی سوق دادند ، بیانگر اقتدار پدرسالارانه ی خانواده است . مارکس در تفسیر خود این اقتدار را به عنوان کر دار جبونانه افرادی تقبیح می کند که معمولاً در جامعه بورژوایی مجبورند سرتسلیم فرود آورند اما از اشخاص ضعیف تر از خود انتقام می گیرند .

" آنها که از همه بز دل ترند ، و خود کمتر از همه قادر به مقاومت اند ، به محض آن که بتوانند قدرت مطلق پدر و مادری شان را اعمال کنند سرسخت و انعطاف ناپذیر می شوند . "

دومین نمونه ، سوءاستفاده در زندگی زناشویی است . یک زن جوان که شوهرش او را تا زمان خودکشی در خانه حبس کرده بود . از دید مارکس این مورد نمونه بارزی از قدرت مطلق پدرسالارانه ی مردان بر همسران شان و رفتار مالکان خصوصی حسود است . در این جا رفتار شوهر با رفتار يك برده دار مقایسه شده است . " زن بدبخت محکوم به بردگی تحمل ناپذیری شده بود و آقای م (شوهر) حقوق برده داری خود را که تحت حمایت قانون مدنی و حق مالکیت بود ، اعمال می کرد . این حقوق مبتنی بر شرایط اجتماعی است که در آن عشق با احساسات خودجوش عشاق بی ارتباط می شود اما به شوهر حسود اجازه داده می شود چون خسیسی که گنجینه ی طلایش را پنهان می کند ، بر زنش غل و زنجیر ببندد ، چرا که زن بخشی از سیاهه ی کالاهای اوست . "

مورد سوم به زن جوانی مربوط است که بر خلاف قوانین مقدس خانواده پدرسالار حامله می شود و ریاکاری اجتماعی ، اخلاقیات ارتجاعی و قوانین بورژوایی که سقط جنین را منع می کند او را به خودکشی سوق می دهد .

مارکس در برخورد با این سه مطالعه موردی ، اعتراض شورانگیز خود را علیه پدرسالاری ، برده ساختن زنان از جمله زنان بورژوا و ماهیت سرکوبگرانه ی خانواده بورژوایی به نمایش می گذارد .

تصور عمومی و رایج درباره رویکرد مارکسیستی تأکید زیاد بر روی تضاد طبقاتی و روابط بین طبقات در تکامل بشر است . اما نمونه هایی در آثار مارکسیستی یافت می شود که این تأکید بیشتر بر روی روابط جنسیتی است تا طبقاتی . مثلاً :

" رابطه ی مستقیم ، طبیعی و ضروری انسان با انسان همانا رابطه ی زن با مرد است از این رو ، بر اساس این رابطه می توان درباره ی سطح کلی پیشرفت انسان قضاوت کرد . بر مبنای

خصلت این رابطه می توان تعیین کرد که تا چه درجه ای انسان به موجودی نوعی ، انسان تبدیل شده و خود را به این عنوان شناخته است . رابطه ی مرد با زن طبیعی ترین رابطه ی انسان به انسان است . بنابراین ، در این رابطه آشکار می شود که تا چه حد رفتار طبیعی انسان ، انسانی شده است . " (مارکس ، ۱۸۴۴ ، ص ۱۳۵)

و در جای دیگر " وضعیت عمومی زنان در جامعه مدرن غیر انسانی است " (همان ، ص ۲۰) هم در ایدئولوژی آلمانی و هم در سرمایه مارکس از یک تقسیم کار طبیعی و خود به خود درون خانواده سخن می گوید که " اساسی کاملاً فیزیولوژیک دارد " . و ریشه در تقسیم کار اولیه ای دارد که در عمل جنسی با آن مواجه می شویم . " (مارکس ، ۱۹۵۴ ، ص ۸۲ و ۳۳۲) از رابطه ی طبیعی دو جنس یک رابطه ی اجتماعی شکل می گیرد که خود اولین رابطه ی مالکیت است . هسته ، که اولین شکل آن در خانواده نهفته است ، آن جا که زن و کودکان بردگان شوهر هستند . " رابطه طبیعی مرد با زن به این ترتیب به شوهر قدرت استفاده از نیروی کار زن را می دهد . مارکس توضیح نمی دهد که این چطور اتفاق می افتد اما با واگذاری قدرت استثمار کار زن به مرد ، چیزی شبیه رابطه ی طبقاتی درون خانواده شکل می گیرد و شرح ماتریالیستی ستم بر زنان را ممکن می سازد .

مارکس در این جا ستم بر زنان را به طبیعت ارجاع می دهد و روابط طبقاتی را در طرحی از روابط جنسی ، شبیه سازی می کند . با این تفاوت که بین مرد و زن هیچ دیالکتیکی که منجر به پیشرفت شود ، وجود ندارد . زنان هیچ امکان ایجاد تغییر ندارند چراکه آن ها از روند اساسی کار تولیدی که تاریخ را می سازد کنار مانده اند . مارکس علت را به طبیعت نسبت می دهد اما با وجود آن که معتقد است آن ها با انسانی شدن طبیعت ، برگشت پذیرند پیوند میان طبیعت زن و بندگی را زیر سوال نمی برد .

از آنجایی که مارکسیسم ریشه ی ستم را در فرآیندهای مادی می بیند و سلطه و شکل های آن را اجتماعی ، تاریخی و تغییر پذیر می داند ، باور دارد که ستم دیدگان بایستی ماهیت فرو دستی خود را درک کرده و بدانند که آنان نه به منزله ی فرد بلکه به منزله طبقه استثمار می شوند . رهایی هیچ گاه از طریق کوشش شخصی ، نیت خیرسلطه گران یا اعطای حقوق به دست نمی آید . تنها اتحاد ستمدیدگان در جهت دگرگونی ساختار هایی که استثمار را باز تولید می کنند نتیجه بخش خواهد بود . این کاربرد کلی رویکرد مارکسیستی بعدها توسط فمینیست هایی که خود را مارکسیست نمی دانستند اقتباس شد .

انگلس در کتاب منشأ خانواده ، دولت و مالکیت خصوصی می نویسد :

" نهادهای اجتماعی که مردمان دوره ی تاریخی مشخص و کشوری مشخص در لوای آن ها می زیند ، مشروط به هر دو نوع تولید هستند : مرحله تکامل کار از یک طرف و از طرف دیگر خانواده هر چه کار ، تکامل نیافته تر ، حجم تولید و در نتیجه ثروت جامعه محدودتر باشد ، نظام اجتماعی بیشتر زیر نفوذ پیوندهای جنسی است .

جامعه ی قدیم که مبتنی بر گروه های جنسی بود در تصادم با طبقات اجتماعی نوظهور ، پزاکنده می شود: به جای آن جامعه ای نو در قالب یک دولت پدید می آید که واحدهای سازنده ی آن دیگر نه گروه های جنسی بلکه گروه هایی بر اساس قلمرو تحت نفوذ است ، سیستمی که در آن خانواده کاملاً تحت شیوه ی سیستم مالکیت قرار می گیرد و سنتزها و مبارزات طبقاتی که همه ی محتوای تاریخ مکتوب تا این زمان را تشکیل می دهد ، آزادانه تکامل می یابند ." (انگلس ، ۱۹۷۰ ، ص ۲۶)

انگلس سه دوران اصلی مورگان (توحش و بربریت و تمدن) را می پذیرد . هر کدام با سطح متفاوتی از معیشت و تکنولوژی مشخص می شوند : دوران اول ، عصر حجر ، دومی دوره ای انتقالی که سنگ آهن تلخیص می شود ، حیوانات اهلی می شوند و جنگل ها تراشیده می شوند . ظهور تمدن با ابداع الفبا و در نتیجه اسناد نوشتاری و تاریخ مکتوب همراه است . منطبق با هر دوره رابطه ای تولید مثلی خاصی وجود دارد . ازدواج های گروهی ویژگی دوران اول سپس ممانعت از آمیزش درون گروهی خود را می نمایند که انگلس نیروی طبیعی را مسئول این تحوا می داند : " قبایلی که آمیزش درون عشیره ای را منع می کنند ، سریع تر گسترش می یابند ." (همان ، ص ۵۷)

تابو زنا با خویشاوند ازدواج های محدودتری را تشویق می کند که در شکست نهایی زنان نقش به سزایی دارند . در عصر بربریت ممنوعیت ها به حد کافی گسترده شده اند که زوج های پایدارتر را تشویق کنند و خانواده تک همسری را مطرح نمایند . تا وقتی که ازدواج گروهی تداوم دارد ، رابطه ی پدری قطعیت نمی یابد و بنابراین تعقیب تبار فقط از سمت مؤنث ممکن است و اگر قرار باشد ممنوعیت زنا با خویشاوندان رعایت شود ، هر عشیره باید طوری سازمان یابد که فقط زنان در خانوار بمانند ، فرزندان پسر آن را ترک کنند تا خانوار جدیدی تشکیل دهند و شوهران از جای دیگر آورده شوند . اولین تمایز اجتماعی بین دو جنس به نفع زنان صورت می گیرد و به واسطه ی فرزندانشان جزئی از هویتشان می شود . این عصر ، عصر حق مادری است . حق

مادري به زنان هم قدرت مادي و هم موقعيت اجتماعي مي بخشد ، چرا كه جايشگاه پايداري كه در خانوار مي يابند ، اختيار نخبير عمومي و در نتيجه مسؤليت اقتصاد خانگي را به آنان واگذار مي كند ، به عبارت ديگر روابط توليد مثلي عملاً روابط اجتماعي را تعيين مي كنند و دقيقاً همين منبع قدرت است كه شكست زنان را به دنبال مي آورد . همان طور كه انگلس عنوان مي كند :

" همان عاملي كه پيش تر موجب تفوق زن در خانه شده بود يعني محدود بودن او به كار خانگي ، اكنون برتري در خانه را به مرد واگذار مي كند : كار زن اهميت خود را در مقايسه با كار مرد در تأمين زندگي از دست مي دهد ، اين يك همه چيز مي شود و آن يك ، سهمي بي اهميت " (همان ، ص ۱۵۲)

در پايان نقاط قوت و ضعف رويكردي ماركسيستي به مسئله ي زنان چيست ؟
به نظر مي رسد روشي كه براي توضيح روابط طبقاتي به وجود آمده به آساني نمي تواند بر روابط بين دو جنس اعمال شود . هم زمان دو مشكل اساسي پيش مي آيد : اول اين كه زنان را نمي توان يك طبقه محسوب كرد . هر يك از آن ها ، بنا بر جايي كه در اقتصاد دارند در طبقات مختلف جاي مي گيرند .

دومين مشكل تقليد گراني است . اگر زنان را فقط بر اساس تعلق طبقاتي شان شناسايي كنيم ، آنان به بازگراني اقتصادي تقليد داده مي شوند : كارگر و يا سرمايه دار (نقش هاي زنان فقط محدود به نقش اقتصادي مي شود) بنا بر اين تعيين مبنايي براي همبستگي زنان از طبقات مختلف يا انگشت گذاشتن بر هر ستم به طور خاص زنانه غير ممكن مي شود . ماركسيسم براي زنان ناكافي است چرا كه نمي تواند به طور خاص شكل جنسي ستم را توضيح دهد . مگر آن جا كه در مالكي خصوصي و توليد نقش داشته باشد .

اما نقطه قوت رويکرد ماركسيستي ، به چالش طلبدن ديدگاه رايج درباره ي شكل خانواده است . ديدگاه رايج ، شكل خانواده را طبيعي ، عام و تغيير ناپذير مي دانست ولي ديدگاه ماركسيستي با دادن شرحي ماتريالسيستي از ريشه هاي پدرسالاري نشان داد كه خانواده تاريخي داشته و تغييراتي را از سر گذرانده . اين ديدگاه ريشه ستم را در فرآيند هاي مادي مي بيند به اين ترتيب سلطه و شكل هاي آن را اجتماعي ، تاريخي و تغيير پذير مي انگارد . ماهيت تغيير پذيري سبب مي گردد كه ستمديدگان براي تغيير وضع موجود اقدام كنند هم چنين با مشخص شدن علل فرو دستي زنان ارايه ي راهبردها و اولويتها در سرنگوني آن ممكن و ميسر مي گردد .

نظريه كارکرد گراني پارسونز در باره خانواده

در تمام جوامع ، وجود خانواده ی هسته ای به دلیل کارکرد های اساسی شامل تولید مثل ، تنظیم روابط جنسی ، اقتصاد و محافظت ، بسیار ضروری بوده و به عبارتی ، اساساً بدون وجود این نهاد، جامعه پایدار نخواهد ماند .

همین دیدگاه ، در کارکرد گرایي پارسونز نیز مطرح شد . او خانواده را پیش نیازی اجتناب ناپذیر برای استواری اجتماعی می انگاشت و به کارکرد خانواده ی هسته ای برای جامعه پذیری کودکان و تکامل بزرگ سالان در جامعه صنعتی اشاره می کرد . آن چه در کار پارسونز به وضوح دیده می شود ، بی توجهی به موقعیت زنان است ، بدین معنا که زنان به عنوان یک عنصر طبیعی شناخته می شوند که وظیفه شان اداره امور داخلی خانه و مراقبت از کودکان است و این نقش به طور طبیعی به آنان واگذار شده است . در نگاه پارسونز زندگی خانوادگی همان زندگی مرد مجردی است که یک زن را برای کار های خود به خدمت گرفته و فرزندان هم به وجود می آورد .

پارسونز می گوید :

"برای آن که خانواده بتواند کارکرد موثری داشته باشد باید نوعی تقسیم کار جنسی در آن برقرار باشد تا مردان و زنان از این طریق بتوانند نقش های بسیار متفاوتی را بر عهده گیرند . مردان که واحد خانواده را به نظام گسترده تر اجتماعی پیوند می زنند باید در جهت گیری خانواده نقش موثری داشته باشند ، نیروی محرک خانواده باشند و بلند پروازی و خویشننداری از خود نشان دهند . اما زنان که وظیفه شان اداره امور داخلی خانواده است و باید هم از کودکان و هم از مردان بزرگسال خانواده مراقبت کنند ، باید " سنگ صبور " باشند ، یعنی مهربان ، پروراننده ، دوستدار و سرشار از عاطفه باشند . اگر کارکردها و جهت گیری های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم گردند رقابت میان آنها زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین کننده خانواده در نگهداشت استواری اجتماعی ضعیف خواهد شد (پارسونز ، ۱۹۵۴ ، ص ۷۹)

پارسونز همان دیدگاه سنتی را درباره زنان دارد و به جز نقش های همسری و مادری نقش دیگری برای آنان در نظر نمی گیرد . او ویژگیهای عاطفی را به زنان نسبت می دهد از همین رو نقش آنها را مختص به محیط خصوصی خانواده (در جهت رفع نیازهای زندگی عمومی مردان و پرورش کودکان) می داند . در عوض نقش های اساسی تر اجتماعی مانند فعالیت تحرک ، خلاقیت و ابتکار که برای پیوند زدن خانواده به جامعه ضروری هستند را به مردان واگذار می کند .

از این نظر پارسونز جزو آن دسته از نظریه پردازانی است که نابرابری زن و مرد را ناشی از تفاوت های طبیعی بین دوجنس دانسته و در برابر آن نه تنها واکنشی نشان نمی دهد بلکه آن را یک ضرورت اجتماعی تلقی کرده و برای بقا و دوام جامعه ، لازم می شمارد .

جامعه شناسان سنتی که فروید و فونکسیونالیسم پارسونز در زمره آن قرار می گیرند ، می گویند که زنان چگونه خودشان را با شرایط جامعه امروزی سازگار سازند . زیرا به نظر آنان هماهنگ کردن جامعه با نیازهای زنان غیرواقعی است . از این رو به نظر می رسد ، دیدگاه سنتی می گوشت توجیهی بر تفکیک جنسی بنابر نقش ها و کارکردهای زنان و مردان و نیز تمایز زیستی و وراثتی عرضه کند و آن را به عنوان یک ضرورت عینی جهت تضمین تعادل و اثبات اجتماعی تلقی نماید .

در همین چارچوب فکری یک عالم سیاسی معروف به نام رابرت سین در کتاب خود تحت عنوان "زندگی سیاسی" ادعا می کند که مشارکت زنان در امور سیاسی و یا هر نوع وابستگی خارج از خانه به معنی دزدی از فرصت های خانوادگی است . به نظر سین نقش زنان منحصرأ در تدبیر امور منزل خلاصه می شود ، حال آن که مردان علاوه بر نقشی که در خانواده ایفا می کنند ، وظایفی نیز در جامعه بر عهده دارند . طبق نظر پارسونز ، سین و یا سایر فونکسیونالیست ها اگر نقش ها دچار آشفتگی شوند ، تمام جامعه آشفته خواهد شد . دید فونکسیونالیستی درباره زنان و مسئله خانواده در دهه ۱۹۵۰ در جامعه شناسی رواج داشت ، بسیاری از جامعه شناسان جدید که در حوزه مطالعات زنان به پژوهش می پردازند و برای پایگاه زنان فعالیت می کنند ، با توضیحات پارسونز در رابطه با کارکرد امروزی ی زنان در جامعه موافق نیستند .

پارسونز خانواده را به دو دسته تقسیم می کند : خانواده جهت یاب (خلفی یا سلفی) یعنی خانواده ای که در آن فرد رشد می کند و خانواده فرزند یاب که منظور همان خانواده ی هسته ای است و فرد خود تشکیل می دهد و شامل همسر و فرزندان اوست . نومکان است یعنی دور از خانواده والدین زن یا شوهر زندگی می کنند و از لحاظ اقتصادی مستقل از خانواده ی جهت یاب است و پایگاه اجتماعی خانواده نیز تنها از طریق شغل شوهر که مستقل از روابط خویشاوندی است به دست می آید .

این نوع خانواده (خانواده ی هسته ای) به عنوان یک واحد مشترك المنافع تلقی می شود که دوام آن مستلزم برآورده ساختن انتظارات و توقعات متقابل زن و شوهر است که مهمترین آن عشق

ورزیدن به یکدیگر و نیز مستلزم داشتن حق انتخاب ازدواج و همسرگزینی است. (اعزازي ، ۱۳۸۲ ، ص ۷۱)

پس در خانواده هسته ای پارسونز ، عشق جایگاه ویژه ای دارد و زن و مرد براساس عشق و علاقه با یکدیگر ازدواج می کنند . مهمترین پیامد اجتماعی این ازدواج عاشقانه ، اجتماعی کردن کودکان و جامعه پذیری آنان برای ایفای نقش های سازنده در آینده و جلوگیری از آسیب های اجتماعی و بزه کاری کودکان ، نوجوانان و جوانان است .

موج های فمینیسم : تاریخچه ای کوتاه

فمینیسم حرکتی اجتماعی است که طی دو قرن گذشته در آمریکای شمالی و اروپا تکامل یافته و به تدریج به جنبشی جهانی بدل شده است . فمینیسم بر این باور است که زنان فقط به دلیل زن بودن ، در جامعه ای که در جهت منافع مردان شکل گرفته ، در موقعیت نابرابری با مردان قرار دارند . در این نظام مردسالار زنان هر آن چه مردان نیستند می شوند ، جایی که مردان قدرتمندند ، زنان ضعیف اند ؛ جایی که مردان منطقی انگاشته می شوند ، زنان عاطفی اند ؛ جایی که مردان فعال اند ، زنان منفعل اند و جز آن

پندارهای مردسالارانه جوامع صنعتی اروپا و آمریکا را مردان و زنان فمینیستی مورد نقد قرار دادند که تناقضاتی در ترکیب این جوامع می یافتند . هر دوره ای نابرابری های خاص تاریخی خود را در ارتباط با زنان داشته و از این رو معیارهای خاص خود را برای اعتراض فمینیستی بنا کرده است . با این حال ، تمامی گروه های گوناگون فمینیستی در ارتباط با یکدیگر قرار داشتند و هر جنبش فمینیستی جنبش پس از خود را متأثر ساخته است . به همین دلیل تقسیم بندی جنبش های فمینیستی براساس مفهوم "موج" ابزاری کارآمد در بررسی کارنامه تاریخی جنبش های فمینیستی است . در این جا سه موج مختلف فمینیسم به اختصار معرفی شده و نگرش ها و روش های هر کدام از آن ها بیان شده است .

موج اول : ۱۹۲۰ - ۱۷۹۲

آغاز موج اول فمینیسم به کتاب "حقانیت حقوق زنان" ماری ولستون کرافت (۱۷۹۲) باز می گردد این کتاب در ابتدا مورد غضب واقع شده و ناشر و مؤلف آن توقیف شدند . کتاب کرافت به تناقضات مدرنیته در ارتباط با زنان طبقه متوسط اشاره داشت که وظیفه اولیه شان "مادری" محسوب می شد . ولستون کرافت در مقام زنی از طبقه متوسط بالا ، خواستار حضور زنان در امور اجتماعی بود . وی استدلال کرد که زنان نیز چون مردان ، اگر از فرصت برابر اجتماعی

در آموزش عمومی برخوردار می باشند ، می توانند منطقی بیندیشند و روشنگری کنند . او معتقد بود آزادی و پیشرفت حق زنان است . زیرا آن ها نیز با برخورداری از حق تحصیل قادر به اندیشدن می شوند . تا زمانی که زنان آموزش نینند ، تکامل محاسن بشری و فراگیری دانش همواره برای آنان دور از دسترس خواهد ماند . وی برای زنان درخواست حق رأی نکرد و تنها برای تحصیل و آموزش اخلاقی آنان به منظور کسب استقلال مالی مبارزه کرد .

تأکید و لستون کرافت بر تحصیل زنان ، تفکیک حوزه های خصوصی و عمومی را زیر سوال نمی برد . نویسندگان مانند استوارت میل (۱۸۶۵) ، ویلیام تامسن (۱۸۲۵) و هریت تیمر (۱۸۶۹) نیز موضوع خانواده را دست نخورده باقی گذاشته و بر جدایی حوزه های خصوصی و عمومی در نوشتارهای اولیه فمینیستی تأکید می کردند دانا وان چنین می گوید:

اکثر فمینیست های آزادی خواه به مواضع رادیکال گرایش پیدا کردند و تحقیر طبقه زنان را به مردان و سیستم های مردسالار یا مردگرایانه ی آموزشی و ساختارهای اجتماعی نسبت می دادند . این اندیشه آنها را به نقد حوزه خانوادگی ، خانه و ازدواج سوق داد ؛ اما آن ها بر این باور بودند که تغییرات قانونی چون حفظ اموال زنان متأهل می تواند جایگاه زنان را در حیطه ی ازدواج بهبود بخشد . اما هیچ کدام از آن ها به این نکته توجه نکردند که طبقه تربیت اطفال می تواند با توانایی زنان در بهره وری از حقوق و امکانات تداخل پیدا کند ، حتی اگر از این حقوق برخوردار می شدند (نظریه ی فمینیستی ، ۱۹۹۲:ص ۲۷) فعالیت فمینیستی موج اول با انجمن " سنکافالز" در ۱۸۴۸ آغاز شد – انجمنی که خواهان پایان دادن به تمامی تبعیض های جنسی بود . فعالیت فمینیستی در جهت اصلاحات اجتماعی ، همراه با فعالیت های ضدبرده داری پای گرفت . گفتمان میان این دو جنبش ، به زنان طبقه متوسط کمک کرد تا تمکین به قوانین مردسالار را به پرسش بگیرند . در آغاز قرن نوزدهم میلادی با رشد طبقه متوسط در آمریکا ، زنانی که جنبش هایی مانند ضد برده داری را تجربه کرده بودند ، خواستار حق رأی زنان شدند . نتیجه این که جنبش فمینیستی در آمریکا در سال ۱۹۲۰ موفق به کسب حق رأی برای زنان شد ، حقی که مبنای تحرک سیاسی زنان جنبش موج اول فمینیسم را شکل می داد .

موج دوم :

موج دوم فمینیسم از مبارزه علیه تبعیض جنسی در محل کار برخاست . زمانی که جنبش فمینیستی به شکل شخصی وجود نداشت . بتی فریدان در کتاب خود "رمز و راز زنانه" نوشت : فمینیسم به عنوان جنبش پراهمیت در امریکا پس از کسب حق رأی ، از نظر زنان به پایان خود رسید . " بنا

به گفته ی فریدان ، زنان می توانند رضایت واقعی خود را تنها در نقش های مادر و زن که با موج اول جنبش فمینیستی شکل گرفته بود ، برآورند . به اعتقاد وی این توهم ، که توسط رسانه های گروهی باز تولید شده و تداوم یافته بود ، سبب ایجاد نارضایتی در بسیاری از زنان طبقه متوسط شده بود . پس از تأثیر "رمز و راز زنانه" (۱۹۶۵) ، فریدان "ناو" (NOW) سازمان ملی زنان را در ۱۹۶۶ پایه گذاری کرد . رسالت ناو تشویق زنان به مشارکت کامل در همه عرصه ها و قایل شدن به تمامی امتیازات در شراکتی برابر با مردان بود . در فرانسه موج دوم فمینیسم با سیمون دوبووار شناخته می شود . او در کتاب "جنس دوم" می گوید:

"هنگامی که يك زن سعی می کند خود را تعریف کند با عبارت "من يك زن هستم" شروع می کند . هیچ مردی این کار را نمی کند . این واقعیت ، عدم تقارن بنیادین بین اصطلاحات "مردانه" و "زنانه" را نشان می دهد . در تعریف انسان از واژه ی "مرد" استفاده می شود نه واژه ی "زن" او معتقد است که : "زنان در میان مردان پراکنده شده اند ، نه تاریخ دارند و نه انسجام طبیعی . آن ها برخلاف سایر گروه های تحت ستم ، در کنار یکدیگر هم جمع نشده اند . زن در رابطه ای نامتوازن با مرد قرار گرفته است . مرد همان "شخص" است و زن همان "دیگری" . سلطه ی مرد ، نوعی فضای ایدئولوژیکی پذیرش را تأمین کرده است : "قانون گذاران ، کشیشان ، فلاسفه ، نویسندگان و دانشمندان سعی کرده اند نشان دهند که منزلت تحت سلطه ی زن در آسمان مقدر شده و در زمین سودمند است ." (دوبووار ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۵۶)

گروهی نیز در اروپا موج دوم فمینیسم را با جنبش های طبقه کارگر و سیاست های چپ گرایانه محسوس کردند . در دهه ی ۱۹۶۰ گروه های "تساوی دستمزد" با زنان کارگر مانند خیاط های داگتهام انگلیس که در ۱۹۶۸ برای تساوی دستمزد اعتصاب کردند، متحد شدند . در پاسخ به این فضای سیاسی و اجتماعی فمینیست های مارکسیست و سوسیالیست سربر آوردند و به نقد مسایل طبقاتی زنان پرداختند . اکثر این نظریه پردازان علیه سیستم دوگانه مردسالاری و سرمایه داری ، که مسئول سرکوب زنان بودند اعتراض کردند (هارتمن ، ۱۹۷۶ ، ۱۹۶۶)

هارتمن می گوید : "مردسالاری با مجاز شمردن کنترل زنان توسط طبقات مختلف مردان ، حاکمیت سرمایه داری را تأیید کرده و کالاهای مردسالارانه را متناسب با ارزش های خود شکل می دهد ." از این زاویه ، زنان در سطحی جهانی طبقه ای سرکوب شده توسط طبقه ی مردان ، محسوب می شوند . شاخه دیگر فمینیسم ، فمینیسم رادیکال بود که تأکید بیشتری بر بدن زنان و اهمیت کنترل زنان بر جسم خودشان داشت . فمینیست های رادیکال مانند فایرستون معتقد بودند

که زنان – و نه دولت ها – بایستی که حاکمیت و اقتدار کامل را در امور تولید مثل و چگونگی بقای خود به عهده گیرند. فمنیست های رادیکال باور دارند که مادری تنها به زنان محدود نمی شود و خصلت های مادری اعم از مراقبت، مسئولیت و حمایت از کودکان باید به یک مسئولیت اجتماعی مبدل شود و نباید مردان از این گونه قواعد مستثنی باشند.

فمنیست های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال از سنت لیبرال موج اول فمنیسم که در آثار بتی فریدان ادامه یافت، احساس رضایت نمی کردند. فمنیست های لیبرال برای مدت مدیدی بر فردیت زنان به عنوان تنها معضل اجتماعی لاینحل تأکید می کردند و از نابرابری نقش زنان در خانواده و حوزه ی تولید مثل و بازتولید بینا نسلی غافل مانده بودند.

در دهه ۷۰ میلادی فمنیسم به محیط های آکادمیک دانشگاه راه یافت و موجب ایجاد بخش های مطالعات زنان شد. بنابراین ماهیت خود را از یک جنبش موردی به رشته های پژوهشی و تحقیقی تعمیم داد.

پسا فمنیسم و پاسخ موج سوم

در دهه ۱۹۸۰ رسانه های غرب عبارت "پسافمنیسم" را به عنوان برهه ای جدید در دوران معاصر خلق کرد. در زمینه ی فرهنگ مدرن، نمونه های این جنبش "اسپایس گرلز" "spice girls"، "مدونا" "madona" و "گرلی شو" girly show هستند. زنانی که شیک پوشند و امتیازات و حقوق مردان را طلب می کنند در کتاب هایی چون فمنیسم بدون زنان نوشته تاینامدلسکی – فرهنگ و نقد در دوران پسافمنیسم (۱۹۹۹) و اندیشه ی فمنیستی: از موج دوم تا پسا فمنیسم (۱۹۹۵) نوشته ایملدا ولهان، پسا فمنیسم به عنوان پاسخی به موج های اول و دوم فمنیسم – که ایدئولوژی شان بیش از آن که آزادی بخش باشد، محدود کننده بود – معرفی شد.

نویسندگانی چون نئومی ولف، کمیل پگی و رنه دنفلی – بدون این که وجوه اشتراک زیادی داشته باشند – همگی توافق داشتند که فمنیسم به عنوان یک ایدئولوژی محدود کننده بوده و عصر حاضر نیازمند دگرگونی در فمنیسم و فرا روی از ایدئولوژی هاست. پسا فمنیسم نیاز زنان را برای برخورداری از نگاه مشترک برای فعالیت سیاسی انکار کرد و مدعی شد که دوره مبارزه فمنیستی آن طور که ما شناخته ایم، گذشته است.

همان گونه که انتظار می رفت پسافمنیسم با انتقادات فراوانی از سوی "موج سوم فمنیسم" که غالباً زنان سیاه پوست و فمنیست های جهانی هستند، روبه رو شده است.

فالودی اعلام کرد:

"پسافمنیسم زاده ی کوشش رسانه های عمومی است که در جهت تخریب فمینیسم برآمده اند ". درست زمانی که شماری از زنان جوان در دهه ۱۹۸۰ خود را فمینیست خواندند و اکثر زنان خود را فمینیست می دانستند ، رسانه ها اعلام کردند که فمینیسم چاشنی دهه ی هفتاد بوده و پسافمنیسم حکایتی تازه است . حکایت نسلی جوان تر که از جنبش زنان نفرت دارند . نسل جوان تر فمینیست در حقیقت در حال افزایش اند و رسانه ها اعلام می کنند که آن ها را پاره ای از پسافمنیست های متعلق به موج سوم تشکیل داده اند.

با توجه به تداوم جنبش فمینیستی به عنوان حرکتی اجتماعی برای کسب تغییر ، زنان موج سوم فمینیست سازمان ها و همبستگی هایی جهت اتحاد فمینیست ها تشکیل دادند . یکی از سازمان های موج سوم فمنیسم در آمریکا ، انجمن فعالیت زنان (women's action coalition) نام دارد که توسط دبرا واکر ، دختر آلیس واکر ، رمان نویس سیاه ، پایه گذاری شد . در "برنامه موج سوم" ۱۹۷۷ ، هی وود ودریک بیان می دارند که تفاوت میان موج سوم و موج دوم فمینیسم این است که موج سوم با وجود تناقضات مشکلی ندارد و چندگرایی و چندگونگی را به عنوان واقعیتی در بطن جنبش فمینیستی می پذیرد . آن ها نوشته اند :

"چون زندگی های ما همراه با مبارزات میان فمینیسم های گوناگون و ضدیت فرهنگی علیه فمینیسم و مبارزه جویی شکل گرفته است ، اعلام می داریم که خواسته ها و استراتژی های فمینیستی موج سوم را "تناقضات" تعیین کرده اند . اما اندیشه محافظه کارانه پسافمنیست ها بر تضادی میان "فمنسیم قربانی" یا موج دوم و "فمینیسم مقتدر" یا موج سوم تکیه داشته است و پیشنهاد می کند که فمینیسم مقتدر ، فمینیسم مظلوم خارج از مد را تصحیح کند ، اما از نظر ما ، موج های دوم و سوم فمینیسم ناهمگون و مخالف یکدیگر نیستند . ما موج سوم را به عنوان جنبش که عناصر انتقادی موج دوم را – یعنی انتقاد از زیبایی ابزاری ، فرهنگی ، آزار جنسی و ساختارهای قدرت – در خود دارد و هم چنین لذت و خطر را تأیید می کند ، می شناسیم یکی از اهداف موج سوم – که مستقیماً از دل تجارت همین تاریخچه ها و کار کردن با این سنت ها بیرون آمده است – رشد اندیشه های متفاوت داشتن صداهای مختلف بر آمده از تجربه های مختلف زنان گوناگون است : یعنی همسبستگی با وجود چندگونگی ."

زنان سیاه ، جهان سوم و فمینیست های جهانی به فعالیت فمینیست های موج سوم پیوستند . موج سوم فمینیسم روشن می کند که مراحل مختلف تاریخی فمینیسم تداوم دارد و موج سوم با آن ها در دیالوگ مستقیم است . ایجاد سازمان های موج سوم فینسیم در دهه ۱۹۸۰ با زیر سؤال

بردن بینان نظری فمینیسم به وجود آمد ، به عنوان مثال ، تمایز جنس/جنسیت و کم توجهی به مسئله نژاد به عنوان معیاری در هویت زنان . این نوشته ها طیف وسیعی از نویسندگان با دیدگاه های پسامدرن و زنان نویسنده سیاه مانند جودیت باتلر ، دنا هاروای ، نانسی فدیزر ، لوسایریگاری و الیزابت اسپلمن را در برمی گیرد . بل هوکس ، پاتریسیا هیل کلینز و آنجلا دیویس از زنان سیاهپوستی هستند که در نظریه پردازی فمینیستی با ارائه نقدهایی از موج های اول و دوم دخیل بوده اند . پاتریسیا هیل کلینز و دوروتی اسمیت در جهت نظریه "دیدگاه" (standpoint) مبارزه کرده و اعلام داشتند که این نظریه ابزاری ضروری برای استحکام صدای زنان سیاه و غیرسفید است . این نویسندگان همگی توافق داشتند که پافشاری بر اتحاد زنان ، ضمانتی در برابر رتبه بندی طبقاتی و نژادی نیست . ویژگی یک طبقه خاص از زنان ، نباید ویژگی تمامی طبقات زنان محسوب شود زیرا چنین حکمی می تواند سایر زنانی را که دارای ویژگی های مزبور نیستند دچار تبعیض کند .

فمینیست های جهانی بیان داشتند که برای مدت مدیدی فمینیست های غربی نوعی برتری نسبت به زنان جهان سوم ایجاد کردند چرا که با درج قیود و عباراتی چون "زنان" به عنوان یک گروه جهانی که براساس صفت هایی چون سفیدپوست ، مسیحی و ناهم جنس خواه تعیین می شدند ، تجربه ی زنان سفید را تجربه ای جهانی فرض می کردند . در حالی که تجارب زنان جهان سوم با زنان جهان اول متفاوت است . فمینیست های جهانی بر این امر تأکید می کنند که این تفاوت ها باید مشخص شده و در طرح فمینیستی بین المللی در نظر گرفته شوند . اما آنها به ما هشدار می دهند که از نسبییت گرایی فرهنگی (Cultural relativism) برای تأیید تفاوت های زنان پشتیبانی نمی کنند . بنابراین ، از نظر آنان اعمالی مثل ختنه زنان به رغم تفاوت های موجود فرهنگی ، نقض حقوق بشر است .

جودیت باتلر بحث "عدم ذات گرایی" (Non-essentialism) را به منظور بررسی جنسیت پیش کشید . وی گفت که هیچ مفهوم ذاتی در واژه "زن" به عنوان هویتی ثابت وجود ندارد و ادامه داد : وقتی معانی واحد برای "زنان" در نظر می گیریم در واقع همان سیستمی را که به عنوان فمینیسم مخالف آن بوده ایم ، به وجود می آوریم : یعنی همان دو قطبی سازی های را که همواره زن را در قطب پست تر و مردان را در قطب برتر قرار داده است . باتلر سعی داشت تعریفی از جنسیت ارائه دهد که زنان را از طبقه فرضی جهانی شان خلاص کند ، اما فمینیسم را

بدون سوژه تنها می گذارند . باتلر خود را وارد سیاست مبارزاتی و برنامه ای جهت برآورد تحول اجتماعی نکرد .

نظریه های فمنیستی معاصر

دو پرسش اساسی نظریات فمنیستی را به یکدیگر پیوند می زند

۱- درباره زنان چه می دانیم ؟ ۲- چرا وضع زنان به این صورت است ؟

بر اساس پاسخی که به این پرسش ها داده می شود می توان نظریات فمنیستی را به سه دسته اصلی تقسیم کرد :

نظریه های تفاوت ، نظریه های نابرابری و نظریه های ستمگری

انواع نظریه ای فمنیستی	تمایز میان نظریه ها
پاسخ هایی به پرسش توصیفی : درباره زنان چه می دانیم ؟	پاسخ هایی به پرسش تبیین "چرا وضع زنان به این صورت است " ؟
۱- نظریه های تفاوت جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت ها ، با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت ها تفاوت دارد.	تبیین اجتماعی - زیستی تفاوت زنان با مردان تبیین نهادی تفاوت زنان با مردان تبیین اجتماعی - روان شناختی تفاوت زنان با مردان
۲- نظریه های نابرابری جایگاه زنان در بیشتر موقعیت ها ، نه تنها متفاوت از جایگاه مردان ، بلکه از آن کم بهاتر و با آن نابرابر است .	تبیین فمنیستی لیبرال از نابرابری تبیین مارکسیستی از نابرابری تبیین مارکس و انگلی تبیین مارکسیستی معاصر
۳- نظریه های ستمگری زنان علاوه بر نابرابر بودن و تفاوت داشتن از مردان تحت ستم نیز قرار دارند ، یعنی تحت قیدوبند تابعیت ، تحمیل ، سوءاستفاده و بدرقتاری مردان به سر می برند	تبیین روان کاوانه ستمگری تبیین فمنیستی رادیکال از ستمگری تبیین فمنیستی سوسیالیستی از ستمگری

نظریه های تفاوت های جنسی

همان طور که در بخش های پیشین گفته شد درباره تفاوت های مرد و زن پژوهش های بسیاری انجام گرفته است در بررسی کتاب "جنس دوم" و هم چنین کتاب "ازدواج و خانواده" به آن اشاره شد .

مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت های جنسی در دوران معاصر این است که تجربه کلی زندگی زنان از کودکی تا پیری ، تفاوتی بنیادی با تجربه مردان دارد (برنارد ، ۱۹۸۱) . زنان از جهت ارزش ها و منافع بنیادیشان (رودیک ، ۱۹۸۰) ، شیوه داورای های ارزشی (گیلیگان

، ۱۹۸۲) ، ساخت انگیزه های دستاوردی (کافمن و ریچادسون ، ۱۹۸۲) (خلاقیت ادبی)
گیلبرت و گوبار ، ۱۹۷۹) تفنن های جنسی (هایت ، ۱۹۷۶ ؛ رودی ، ۱۹۸۴ ؛ اسنیتو ، ۱۹۸۳
) ، احساس هویت (لاوز و شوارتز ، ۱۹۷۹) و از نظر فراگردهای کلی آگاهی و ادراک خود (بیکر میلر ، ۱۹۷۶ ؛ کاسپر ، ۱۹۸۶) درباره ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند . زنان با فرزندان زاده ی خودشان رابطه ای متفاوت از آن مردان برقرار می کنند (روسی ، ۱۹۸۳) . پسران و دختران سبک های بازی آشکارا متفاوتی دارند (ست ، ۱۹۸۳ ؛ لور ، ۱۹۷۸) . تفاوت های بین دوجنس براساس نظریه های زیست شناختی ، نهادی و اجتماعی – روان شناختی تبیین می گردد .

تبیین زیست شناختی ، منشأ تفاوت را در فیزیولوژی انسان می داند و تفاوت های جسمانی مردان و زنان را علت فرودستی زنان قلمداد می کند . این دیدگاه باور دارد که زنان از لحاظ نیروی عضلانی ضعیف تر از مردان هستند همین موضوع آنان را از فعالیت های اجتماعی دور ساخته و موقعیت پایین تری در سلسله مراتب اجتماعی برای زنان رقم زده است . گروهی نیز کارکردهای زیست شناختی متفاوت زنان و مردان را به الگوهای متفاوت رشد هورمونی آنها نسبت می دهند . دلهره زنانه و این واقعیت که زنان در مقایسه با مردان آمادگی بیشتری برای مراقبت دلسوزانه کودکان دارند ، به همین تفاوت های زیست شناختی ارتباط دارند . تبیین نهادی ، کارکردهای متمایز زنان در زاییدن و مراقبت از کودکان را علت اصلی تفاوت بین مردان و زنان می دانند . همین مسئولیت مادر بودن عامل تعیین کننده در تقسیم کار جنسی است که زنان را به کارکردهای همسری ، مادری و به حریم خصوصی خانه و خانواده مرتبط می سازد .

نظریه پردازان نهادی تفاوت های جنسی ، تقسیم کار جنسی را به عنوان یک ضرورت اجتماعی می پذیرند .

*تبیین های روان شناختی – اجتماعی دو دسته اند : نظریه های "پدیده شناختی" (گارفینکل ، ۱۹۷۷ ؛ کسلر و مک کنا ، ۱۹۷۸ ؛ لاوز و شوارتز ، ۱۹۷۷) و نظریه های "اجتماعی شدن" (استاکرد و جانسون ، ۱۹۸۰ ؛ ولوم – ایچادسون ، ۱۹۷۱) . نظریه های "پدیده شناختی" بر این مبنا استوار هستند که ویژگی های روان شناختی متفاوت زنان و مردان را براساس کلیشه های مردانگی و زنانگی – که در کنش متقابل افراد در طی زندگی و اعمال روزمره – فراگرفته می شوند ، تبیین کنند . اما نظریه های "اجتماعی شدن" براساس تجربه های یادگیری – که

انسان ها را براي پذيرش نقش هاي جداگانه آماده مي كند - و نيز بر اساس تحليل عرصه هاي نهادي مردانگي و زنانگي ، تبیین مي شوند .

این نظریه پردازان غالباً محافظه کار و غیرفمنیست هستند و از گریزناپذیری تفاوت های جنسی سخن می گویند و خواستار تسلیم در برابر مقتضیات این تفاوت ها هستند . ولی معمولاً توصیه هایی برای احترام به زنان و به رسمیت شناختن شیوه های متفاوت زندگی زنان ، دارند . رادیکال ترین طیف نظریه پردازان عده ای از فمینیست ها هستند که معتقدند که اگر جهان با شیوه های زندگی زنانه اداره شود و مهربانی و مدارا بخشی از حیات همگانی گردد ، جهان برای همه ی انسان ها مکانی امن تر و انسانی تر خواهد بود .

نظریه های نابرابری جنسی

نظریه های نابرابری جنسی شامل چهار مضمون اصلی هستند :

۱- زنان و مردان نه تنها موقعیت های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت های نابرابری نیز قرار گرفته اند .

۲ - نابرابری موقعیت زنان و مردان ریشه در سازمان جامعه دارد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست شناختی یا شخصیتی سرچشمه نمی گیرد .

۳ - هیچ گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد . نابرابری جنسی برای آن وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند در حالی که هر دو در این نیاز سهمیند .

۴ - هم مردان و هم زنان در برابر ساختارها و موقعیت های اجتماعی برابر ، واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان می دهند . به عبارتی دیگر دگرگونی موقعیت زنان امکان پذیر است .

نظریه های نابرابری جنسی با نظریه های تفاوت جنسی عمیقاً تضاد دارند . نظریه های نابرابری ، معتقد به دگرگون ساختن موقعیت زنان هستند ، در حالی که نظریه های تفاوت جنسی ، معتقدند که تفاوت های بین زنان و مردان ریشه در طبیعت و سرشت انسان ها دارد و تقسیم کار جنسی را به عنوان یک ضرورت اجتماعی می پذیرند . بنابراین از گریزناپذیری این تفاوت ها و تسلیم در برابر آن سخن می گویند .

دو گونه عمده نظریه فمینیستی معاصر که بر نابرابری جنسی تأکید دارند و درصدد تبیین آن می باشند عبارتند از : فمینیسم لیبرالی و فمینیسم مارکسیستی .

فمنیسیم مارکسیستی

فمنیسیم مارکسیستی با کار مارکس و انگس آغاز می‌گردد. با این که آنان ستم‌گری اجتماعی را در ارتباط با تضاد طبقاتی و شیوه تولید در هر دوره می‌دانستند ولی بارها به نقش جنسیت نیز در این رابطه تأکید کرده‌اند. مشهورترین نظریات آنان درباره زنان و وضع خانواده در کتاب "منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" مطرح شده است. انگس این کتاب به چند موضوع اصلی توجه دارد:

- ۱- موقعیت زنان ناشی از وضع طبیعی آنها نیست بلکه از نظام‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که قابل بررسی و دگرگون شدن می‌باشند.
- ۲- موقعیت فرودست زنان در خانواده پایه‌گذاری شده است. زیرا خانواده نیز مانند جامعه نظامی از نقش‌های مسلط و تحت سلطه است.
- ۳- نظام پدرسالار با این ادعا که خانواده نهاد بنیادی تمام جوامع بشری است به آن مشروعیت بخشیده است. حال آن که یافته‌های باستان‌شناختی و انسان‌شناختی ثابت می‌کند که در دوران ماقبل تاریخ هیچ اثری از این نوع ساختارهای خانوادگی نیست. به این ترتیب خانواده تاریخی داشته و تغییراتی را از سر گذرانده. برای دگرگونی موقعیت فرودست زنان شکل خانواده نیز باید دگرگون گردد.
- ۴- تغییر شیوه تولید از دوره شکار و گردآوری خوراک به دوره کشاورزی، شبانی و مزرعه‌داری باعث به وجود آمدن مالکیت خصوصی گردید در این دوران مردان که از تحرک، نیرومدی و انحصار برخی از ابزارها برخوردار بودند، مدعی تملک منابع اساسی تولید اقتصادی گردیدند و به تعبیر انگس "شکست تاریخی و جهانی جنس زن" از همین نقطه آغاز گردید. مردان به عنوان مالکان دارایی نیاز به یک نیروی کار مطیع، از بردگان و اسیران تا همسران و فرزندان و نیاز به وارثانی جهت نگهداشت و انتقال دارایی را در جامعه مطرح کردند.
- ۵- پس از پدید آمدن نظام سلطه و ایجاد روابط طبقاتی، دولت برای حفظ این ساختارها پیچیده تسلط به وجود آمد و خانواده همراه با تغییرات تدریجی به نهاد ریشه‌داری تبدیل گردید که انعکاس‌دهنده ستمگری اجتماعی است و انقیاد را بر زنان تحمیل می‌کنند. تنها از طریق نابودی مالکیت، زنان آزادی عمل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی‌شان به دست خواهند آورد.

این کتاب به علت فقدان شواهد مورد نیاز مورد مخالفت انسان شناسان و باستان شناسان قرار گرفته و فمنیست ها نیز به آن حمله کرده اند چرا که به نظر آنان این کتاب نتوانسته ابعاد پیچیدگی قضیه ستمگری در مورد زنان را به خوبی نشان دهد. اما به خاطر طرح مسأله ستم بر زنان و نقش خانواده در ابقای این ستم، نظریه ی جامعه شناسی نیرومندی را در زمینه نابرابری جنسی ارائه می کند.

فمنسیم مارکسیتی دوران معاصر نیز نابرابری جنسیتی را در چارچوب ساختار بنیادی تر نظام طبقاتی بررسی می کند. از این دیدگاه نظری تجارب اجتماعی هر فرد ابتدا از خواستگاه طبقاتی او و سپس جنسیتش سرچشمه می گیرد. این نظریه باور دارد که زنان هر طبقه با مردان هم طبقه ی خود اشتراک منافع بیشتری دارند تا با زنان طبقه دیگر. مردان طبقه سرمایه دار، ثروت و منابع تولیدی جامعه را دز اختیار دارند و زنان سرمایه دار خدمات عاطفی، اجتماعی و جنسی را در اختیار مردان طبقه خود می گذارند و در ضمن پسرانی به دنیا می آورند تا وارث و مالک دارایی ها شوند و در ازای هین خدمات سبک زندگی مجلل پاداش می گیرند.

نابرابری جنسیتی در طبقات مزدبگیر اهمیت کارکردی دارد. زنان این طبقه به عنوان نیروی کار ارزان و ذخیره به عنوان منبع سود برای طبقات حاکم به شمار می روند. آنان با خدمات خانگی و عاطفی برای خانواده با هزینه خود نیروی کار را باز تولید می کنند و نادانسته به پیشبرد فراگرد سودآوری سرمایه داری کمک می کنند. پس موقعیت فرودست زنان از هختلاف منافع اساسی و مستقیم با مردان حاصل نشده بلکه نتیجه ستم طبقاتی است.

به باور این نظریه پردازان راه حل نابرابری جنسیتی را باید در نابودی ستمگری طبقاتی یافت. این نابودی از طریق اتحاد همه ی مردان و زنان طبقه کارگر تحقق پذیر است. هر گونه مبارزه زنان علیه مردان یک عمل ضدانقلابی محسوب می شود چرا که باعث ایجاد تفرقه در طبقه کارگر می گردد. انقلاب طبقه کارگر نظام طبقاتی را نابود می کند و دارایی های اقتصادی را به دارایی های سراسر اجتماع تبدیل می نماید و جامعه را از استثمار طبقاتی و نابرابری جنسیتی رها می سازد.

فمنیسم لیبرالی

* فمنیسم لیبرالی (برد، ۱۹۷۹؛ فریدان، ۱۹۳۶؛ ۱۹۸۱؛ جین وی، ۱۹۸۱؛ لیمن - بلومن، ۱۹۸۵؛ تربیل کوتسا، ۱۹۷۳) با اخلاق مسلط آمریکایی سازگاری بیشتری دارد. از همین رو در جنبش زنان آمریکا در دوران معاصر، رواج بیشتری دارد. نظریه های تفاوت جنسی با قبول تقسیم کار جنسی، به وجود دو عرصه عمومی و خصوصی اذعان دارند که عرصه عمومی حیطه ی فعالیت مردان و عرصه خصوصی حیطه ی فعالیت زنان محسوب می شود. اجتماعی کردن کودکان به گونه ای صورت می گیرد که فرد نقش های متناسب با جنسیت خود را در هر یک از این عرصه ها فراگیرد و در بزرگسالی جای خود را به عنوان یک مرد در عرصه عمومی یا یک زن در عرصه خصوصی مشخص نماید. اما فمینیست های لیبرال با این تقسیم بندی جنسیتی موافق نیستند. در حالی که عرصه خصوصی رشته بی پایانی از توقعات و انتظارات، خدمات خانگی بدون مزد و بی اهمیت، مراقبت از کودکان، خدمت عاطفی و جنسی به مرد را برای زنان در بر می گیرد و عرصه عمومی پاداش های واقعی زندگی اجتماعی مانند پول، قدرت، منزلت، آزادی و رشد شخصیت را برای مردان رقم می زند.

به باور این نظریه پردازان ریشه ی این تفاوت در تبعیض جنسی نهفته است. همان طور که قبلاً نیز گفته شد تبعیض جنسی یعنی اعمال و رفتار، پیش داوری ها و ایدئولوژی هایی که زنان را فرودست تر و کم ارزش تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می دانند.

تبعیض جنسی ریشه در باور به تفاوت های طبیعی میان زنان و مردان دارد. این تفاوت طبیعی سرنوشت های اجتماعی متفاوتی را برای زنان و مردان رقم می زند. زن از همان کودکی برای نقش هایی که باید در بزرگسالی بر عهده گیرد آماده می سازد و به او ویژگی های انفعال، دوری از اجتماع، عدم استقلال و.... را می آموزد. در واقع همین نقش های خاص جنسی اند که با قید و بندها و شرایط ویژه ای که بر زنان تحمیل می کنند، آنها را موجوداتی محروم و محدود می سازد و این نظام نابرابر جنسی را به وجود می آورد. مسئله مورد توجه فمینیست های لیبرال یا اصلاح طلب اثبات این امر بوده است که تفاوت های در خور توجه میان دو جنس ذاتی نیستند. بلکه نتیجه اجتماعی شدن و شرطی سازی نقش جنسی اند. (ابوت، اداس. درآمدی بر جامعه شناسی و نگرش های فمینیستی، مترجم مریم خراسانی، حمد احمدی، تهران، نشر دنیای مادر

(۱۳۷۶، ص ۲۴۷)

یکی از آرمان های لیبرال فمینیست های معاصر بحث درباره جامعه دوجنسی (Androgyny) است. اعضای جامعه شناسی دوجنسی ممکن است از نظر جسمی مذکر یا مؤباشند اما ویژگی های مردانه و زنانه را با اختلافات اغراق آمیز روان شناختی نشان نمی دهند، یعنی در آن ها تضاد شدیدی میان خصوصیات منطقی، مستقل، مهاجم، متعهد، عقلانی و خوددار مردانه (Instrumenta traits) با خصوصیات درون گرا، وابسته، پرشور، ایثارگر و عاطفی زنانه (Expressive traits) وجود نخواهد داشت. دختران و پسران از امکانات آموزشی برابر بهره مند خواهند شد و ویژگی های سنتی مردانه و زنانه به آنها تزریق نمی شود (آلیسون، جک، چهار تعلق از فمینیسم، ص ۳۵)

فمینیست های لیبرال برنامه های زیر را برای از میان برداشتن نابرابری جنسی پیشنهاد می کنند :

- ۱- بسیج امکانات موجود سیاسی و قانونی برای تغییر وضع
- ۲- تأمین فرصت های برابری اقتصادی
- ۳- دگرگونی در خانواده، مدرسه و پیام های رسانه های همگانی
- ۴- کوشش های همه افراد برای مبارزه با تبعیض جنسی در هر کجا که با آن روبرو می شوند
- ۵- گزینش آزادانه ی سبک زندگی، توسط هر فرد. (کنار گذاشتن کلیشه های مرسوم زنانگی و مردانگی).

نظریه های ستم گری جنسی

نظریه های ستمگري جنسي، ریشه در رابطه قدرت میان زنان و مردان دارد. رابطه ای که در آن مردان منافع عینی و بنیادی در نظارت، سوءاستفاده، انقیاد و سرکوبی زنان دارند و از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان این نیازها را برآورده می سازند. این الگوی ستم گری که در ساختار جامعه عجین شده است عموماً پدرسالاری نامیده می شود. پدر سالاری يك ساختار قدرت است که با يك نیت عمومی و قوی ابقا می شود. این شاخه از نظریه های فمینیستی، اکثریت نظریه پردازان فمینیست معاصر را دربرمی گیرد. غنی ترین کارهای نظری که در عرصه ی فمینیسم معاصر به وجود آمده همانا کار این دسته از نظریه پردازان است. سه نوع نظریه ی عمده فمینیستی وجود دارد که با وجود تأکید بر ستم گری جنسی، هر يك تبیین متفاوتی از این ستم گری ارایه می دهد. این نظریه ها عبارتند از: فمینیسم روانکاوانه، فمینیسم رادیکال و فمینیسم سوسیالیستی.

نظریه فمینیستی روانکاوانه

این نظریه می‌کوشد تا با کاربرد نظریه های فروید و ارثال فکری اش پدرسالاری را تبیین کند. این نظریه به رشد عاطفی شخصیت و عواطف و احساساتی که غالباً ریشه در ناخودآگاه یا نیمه خودآگاه انسان دارد، می‌پردازد و منشأ نابرابری جنسی را در برطرف نشدن نیازهای عاطفی در درون کودکی می‌داند. فروید گرایشی پدرسالارانه داشت. او تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسی را به رسمیت می‌شناخت، اما با ستمگری جنسی موافق نبود. فروید معتقد بود طبیعت بنیادی روانی زنان آنان را به عنوان انسان‌هایی درجه دو و برای یک سطح زندگی نازل تر آماده ساخته است. فمینیست‌های روانکاو از یک طرف نتیجه‌گیری‌های جنسی او را رد می‌کنند ولی از طرف دیگر به طور ضمنی نظریه‌های فروید را تأیید می‌کنند. از نظر فمینیست‌های روانکاو، پدرسالاری، نظامی است که زنان را تحت انقیاد در می‌آورد و به عنوان یک نظام جهانی و یک سازمان اجتماعی فراگیر در تمام شئون زندگی رخنه کرده است. همه‌ی افراد طی تعاملات روزانه پیوسته در جهت خلق و نگهداشت آن سهم هستند. زنان تنها گهگاه در مقابل این نظام مقاومت می‌کنند، ولی بیشتر به آن تن می‌دهند و یا در جهت انقیاد خودشان فعالانه عمل می‌کنند. پرسش اصلی فمینیست‌های روانکاو نیز درست همین مسئله است که چرا مردان برای ابقای نظام پدرسالاری فعالانه کوشش می‌کنند و چرا زنان کوشش متقابلی را در جهت مقابله با این نظام به کار نمی‌برند؟ آنان برای پاسخ به این پرسش به استناد به منافع عملی مردان در نظام پدرسالاری اکتفا نمی‌کنند، هم‌چنین عدم مخالفت زنان با این نظام را در اثر به خطر افتادن منافع آنان نمی‌دانند. فمینیست‌های روانکاو به جای این استدلال به ابعادی از روان انسان توجه دارند که هواداران فروید به گونه‌ی مؤثری آن را ترسیم کرده‌اند: حوزه‌ی عواطف بشری، آرزوها و هراس‌های نیمه‌آگاه یا ناخودآگاه و یا حوزه آسیب‌پذیری روانی.

دو مضمون اصلی که این نظریه پردازان عنوان می‌کنند عبارتند از:

- ۱- زنان به خاطر درگیری نزدیک خود با فرآیند زادن و پرورش کودکان کمتر از مردان از مرگ هراس دارند. مردان به علت هراس از مرگ می‌خواهند آثار ماندنی‌تری از خود به جای گذارند از همین رو به علم، صنعت، هنر، ثروت و... روی می‌آورند و به دلیل رشک بردن به نقش تولید مثلی زنان و تمایل به نامیرایی در صدد نظارت بر تولید مثل بر می‌آیند. از این رو مدعی مالکیت زنان می‌شوند و از طریق اعمال هنجارهای

مشروعیت و حق پدری می‌کوشند تا خود را از میرایی‌شان رها سازند و آن را سرکوب کنند .

زن به عنوان موجود "دیگر" در نظر گرفته می‌شود . زیرا او نماد تولد و طبیعت است و باید از او هراس داشت و پرهیز کرد و تحت نظارتش درآورد .

۲- در همه ی جوامع بشری ،کودکان دوره ی نخستین رشد و پرورش خویش را در کنار یک زن ،مادر و یا جانشین مادرشان می گذرانند و تمام عواطف بشری را در کنار او تجربه می کنند.عواطفی مانند:هراس ،عشق ،نفرت ،لذت ، خشم ،احساس غبن و آرزو .پیامد های این تجربه های نخستین همیشه در ذهن انسان ها باقی می ماند .از همین رو کودک احساسات عمیق ولی دو پهلو نسبت به مادر خود دارد :نیاز ،وابستگی ،عشق ،تملک و نیز هراس و خشم به خاطر توانایی این زن در ایجاد مانع بر سر راه اراده ی فرد .رابطه ی کودک با پدر ،ثانوی و از نظر عاطفی کمتر دچار سردرگمی است .کودک از همان آغاز در فرهنگی رشد می کند که برای مردانگی ارزش مثبت قایل می شود . ولی به زنانگی بهای کمتری می دهد .پسر بچه خیلی زود به این موضوع آگاهی پیدا کرده و هویت خویش را از مادر جدا می سازد . در بزرگ سالی بقایای احساسات عاطفی دوران کودکی نسبت به زنانبه صورت جست و جوی زنی که از آن او باشد و ضمن برآوردن نیازهای عاطفی اش وابسته و تحت نظارتش باشد ،دو باره فعال می گردد . اما دختر بچه هویت زنانه خود را کشف کرده و با احساسات عمیقاً دو پهلو در مورد خود و مادرش رشد می کند و همین حالت دو پهلو توانایی بالقوه او را برای مقاومت در برابر انقیاد اجتماعی ،هدر می دهد .در عوض بقایای احساسات عاطفی دوران کودکی در دوره بزرگ سالی به صورت جذابیت جنسی و وابستگی به یک مرد خود را نشان می دهد .نظریه فمینیستی روان کاوانه به خاطر ندیده گرفتن عوامل اجتماعی ،راه های زیادی برای دگرگونی وضع موجود در پیش رو ندارد .جد اکثر پیشنهادی که این نظریه برای دگرگونی دارد ، عبارت است از :

- ۱-تجدید نظر اساسی در عرف و عادات تربیت و پرورش کودکان .
- ۲-باز اندیشی اساسی روانی-فرهنگی در جهت گیری نسبت به مرگ .

فمینیسم رادیکال

* فمینیسم رادیکال (بری، ۱۹۷۹؛ دورکین، ۱۹۶۷؛ ۱۹۷۸؛ گریفین، ۱۹۷۸؛ ۱۹۸۱؛ میلث، ۱۹۷۰؛ ریچ، ۱۹۷۶) معتقد است که ستم‌گری مشخصه تمام نهاد‌های اجتماعی است. در تمامی ساختارهای جامعه‌الگویی از تسلط و انقیاد را می‌توان دید در گروه‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی، حتی رده‌های سنی و جنسی این ستم‌گری وجود دارد. بنیادی‌ترین ساختار ستم‌گری به جنسیت تعلق دارد که همان نظام پدرسالاری می‌باشد. در چارچوب نظام پدرسالاری، مردان و زنان تسلط و انقیاد را می‌بینند و یاد می‌گیرند. در تحلیل‌های این نظریه خشونت جایگاه اساسی دارد. این خشونت همیشه به صورت جسمانی و آشکار پدیدار نمی‌شود، بلکه به شکل‌های پنهان و پیچیده هم خود را نشان می‌دهد. معیارهای مد و زیبایی، آرمان‌های بیدادگرانه‌ی مادر بودن، تک‌همسری، پاکدامنی، آزار جنسی در محیط کار، عدم پرداخت حقوق به خدمات‌خانه‌داری و نیز کار زنان با دستمزد کمتر از مردان، نمونه‌هایی از خشونت پنهان علیه زنان در جامعه هستند. اما خشونت به صورت بی‌رحمی آشکار جسمانی نیز در کانون توجه این نظریه قرار دارد. تجاوز به عنف، بدرفتاری جنسی، بردگی جنسی از طریق فحش‌های تحمیلی، بد رفتاری با همسر، زنا، تعرض‌های جنسی به کودکان، انواع جراحی‌های وحشیانه و بی‌مورد و زنان، سنگسار کردن زنان، زناکار، رسم دختر بچه‌کشی، رسم چینی بستن پای دختران و خودکشی اجباری زنان بیوه در هند و عمل وحشیانه ختنه‌زنان همه و همه نمونه‌هایی از خشونت آشکار علیه زنان است. مردان به سبب کارکردهای سودمندی که زنان برای آنها دارند همواره به دنبال مطیع ساختن آنان و حمایت از نظام مردسالاری می‌باشند. کارکردهایی مانند تولید مثل، برآورده ساختن نیازهای عاطفی-روانی مردان، نیروی کار مفید و ارزان، استفاده از زنان به عنوان نشانه‌های قدرت و منزلت مردانه باعث شده‌اند تا مردان الگویی پدرسالاری را در فرهنگ‌های مختلف با اشکال متفاوت تقویت و بازسازی کنند. فمینیست‌های رادیکال برای شکست نظام پدرسالاری به آموزش و اتحاد زنان اعتقاد دارند. ان‌ها می‌گویند که برای این اتحاد و آموزش دو استراتژی وجود دارد:

۱- رویارویی شدید با هر گونه تجلی تسلط پدرسالارانه در هر کجا که پدیدار شود.

۲- باز کردن حساب تا اندازه ای جداگانه برای زنان از طریق روی آوردن به فعالیت های اقتصادی تحت مدیریت زنان، اجتماعات زنانه، کانون های خلاقیت های هنری زنان و برقراری روابط صمیمانه با یک دیگر .

تاکید بیش از حد این نظریه پردازان بر پدر سالاری باعث می شود که واقعیت های سازمان اجتماعی و نابرابری اجتماعی را کم اهمیت تلقی کرده و برداشت غیر واقع بینانه ای از چگونگی تغییر وضع موجود داشته باشند .

فمینیسم سوسیالیستی

* فمینیسم سوسیالیستی (آیزنشتاین ، ۱۹۷۹ ؛ فرای ، ۱۹۸۳ ؛ هارتمن ، ۱۹۷۹ ؛ هارت ساک ، ۱۹۸۳ ؛ لورد ، ۱۹۸۴ ؛ مک کینان ، ۱۹۸۲ ؛ رودیک ، ۱۹۸۲ ؛ اسمیت ، ۱۹۷۴ ؛ ۱۹۷۵ ؛ ۱۹۷۸ ؛ ۱۹۷۹) بر آن است تا اندیشه فمینیستی - مارکسیستی و تفکر فمینیستی رادیکال را در هم ادغام کند . در اثر این اقدام دو گونه فمینیسم سوسیالیستی پدیدار می شود .گونه اول تنها بر ستمگری در مورد زنان تاکید می کند و نظریه مارکسیستی ستم طبقاتی را با تحلیل رادیکال ستمگری جنسی ادغام می کند . اصطلاحی که این نظریه پردازان در توصیف نظام مورد نظرشان به کار می برند اصطلاح "پدر سالاری سرمایه دارانه" است .

گونه ی دوم فمینیسم سوسیالیستی ، همه ی صورت های ستمگری اجتماعی را توصیف و تبیین می کند . اصطلاح مورد استفاده ی این نظریه پردازان در توصیف و تبیین اندیشه هایشان ، اصطلاح "تسلط" است . اینان همه نوع تجربه های ستمگری را چه از سوی مردان و چه از سوی زنان ، مورد بررسی قرار می دهند . حتی این قضیه را نیز در نظر می گیرند که چگونه برخی از زنان با وجود تحت ستم بودن می توانند در ستم به زنان دیگر فعالانه مشارکت کنند ؟ مثلاً زنان سفید پوست آمریکایی که زنان سیاه پوست را مورد ستم قرار می دادند .

هر دو این نظریه ها چه آنها که بر پدر سالاری تأکید دارند و چه آنها که بر تسلط ، در پای بندی به ماتریالیسم تاریخی وجه اشتراک دارند .

در واقع ماتریالیسم تاریخی یکی از مشخصه های اصلی فمینیسم سوسیالیستی است . این مشخصه پای بندی این نظریه ها را به اندیشه ی مارکسیستی آشکارا نشان می دهند . ولی فمینیست ها از جهاتی از مارکسیست ها جلوتر هستند ، یکی اینکه فمینیست ها تنها به تحلیل نا برابری طبقاتی قانع نمی شوند بلکه پهنه ی گسترده تری از نا برابری های اجتماعی را در نظر دارند و دیگر اینکه فمینیست ها ، معنای شرایط مادی زندگی بشری را تغییر داده اند ، در حالیکه مارکسیست ها

فقط بر اقتصاد و شیوه های تولید در ایجاد نا برابری تأکید می کنند ، فمنیست ها پا را فراتر گذاشته و از شرایط گسترده تری سخن می گویند که زندگی بشری را ایجاد و حفظ می کند : جسم انسان ، جنسیت و نقش آن در تولید مثل و پرورش فرزندان ، خانه داری بدون اجر و مزد ، وظایف خانگی نامرئی و تغذیه ی عاطفی . در همه ی این فعالیت های حفظ زندگی تنظیم های استثماري ، باعث تسلط مردان بر زنان می شوند .

سومین وجه افتراق فمنیست ها و مارکسیست ها ، تأکید فمنیستی بر جنبه هایی از زندگی اجتماعی است که مارکسیست ها آن را پدیده های ذهنی و تصوری می خوانند . آگاهی ، انگیزش ، افکار ، دانش ، ایدئولوژی و تعریف های اجتماعی از موقعیت ، همه ی این عوامل بر شخصیت و کنش انسانی و نیز بر ساختارهای تسلطی که از طریق این کنش تحقق می یابند عمیقاً تأثیر می گذارند . از طرفی همه ی این پدیده های ذهنی را همان ساختارهای اجتماعی پدید می آورند که کالاهای اقتصادی را تولید می کنند . بنابراین فمنیست های سوسیالیست برای تبیین سازمان اجتماعی ، هم به ساختارهای اجتماعی کلان اقتصاد ، سیاست و ایدئولوژی و هم به پدیده های سطح خرد مانند تولید مثل ، امور خانگی ، جنسیت و ذهنیت توجه نشان می دهند .

سایبرفمنسیم (cyber feminism)

تعامل با فناوری رایانه سبب ایجاد نوع جدیدی از هویت انسانی شده است . این امر اغلب برای گریز از محدودیت ها ، آسیب پذیری ها و ناتوانی های فیزیکی است . ادعا شده است که ما در فضای سبیرنتیکی می توانیم از خودهای فیزیکی و واقعی خویش رهایی یافته ، به هر صورت که بخواهیم درآییم و بدون محدود بودن در قالب پوست و مکان ، در زمان مناسب هویت های جنسی مان را تجربه کنیم . بدین ترتیب این امکان برای ما فراهم می آید که از هویت های جنسی متفاوتی برخوردار شویم . نه تنها می توانیم هر جنسیتی را که می خواهیم کسب کنیم ، بلکه توان آن را می یابیم که از جنسیت خارج شویم . این جنبه از فناوری ، سایبرفمنسیم خوانده می شود .

سایبرفمنسیم در دهه ی ۱۹۹۰ به وجود آمد . این دیدگاه ایجاد سلسله مراتب جنسیتی توسط فناوری را نقد کرد و تفاوت های بین زنان و مردان را در قدرت حاصل شده برای آن ها در یک گفتمان دیجیتالی به چالش کشید . سبیرفمنسیم درصد بود ساخت قدرت را تضعیف کند و توانایی و خلاقیت زنان ، اطوره ها و نمادهای زنانه را در فناوری تقدیس نماید . در سبیرفمنسیم زنان نه قربانی منفعل بلکه عامل فعالی در ساختن هویت و سرنوشت خود بودند .

سادی پلانت (Sadie plant) و دونا هاروای (Donna haraway) دو تن از نظریه پردازان سبیر فمینیسم هستند .

پلانت به وابستگی بین شبکه سازی دیجیتالی و هم بستگی های زنانه پرداخته است . هاروای در مقاله پرنفوذ خود با عنوان مانیفست سایبورگ^۳ که به سال ۱۹۸۵ نگارش یافته ، از شخصیت سایبورگ (مقصود از اصطلاح سایبورگ که در دهه ی ۱۹۶۰ ساخته شد نوعی ترکیب انسانی - ماشینی بود که انسان ها برای دوام طولانی مدت در فضای خارج از جو زمین به آن نیاز داشتند . در معنای کلی تر به هر گونه پیوند انسان - ماشین اشاره دارد .) برای تخیل درباره جهانی که در آن می توان از تعاریف اجتماعی مردانگی و زنانگی پا فراتر گذاشت . استفاده کرده است . ادعای مقاله بر این است که جامعه تحت سلطه مردان به منظور استمرار حرکت خود تمایزهای اساسی میان مرد و زن به وجود می آورد و از آن بهره برداری می کند اما سایبورگ مورد نظر هاروای را می توان موجودی در "دنیای پسا جنسیتی " دانست که قادر است از تمامی انتظارات و محدودیت های تحمیل شده در اجتماع پا فراتر گذارد . فناوری های خود (self) را تیره و تار می سازند ، شیوه های بدیعی را برای خروج از محدودیت های اجتماعی (و شاید حتی زیست شناسانه) تحمیل شده بر هویت به وجود می آورند . بدین شیوه می توان اتحادیه های سیاسی جدیدی را تشکیل داد که دیگر محدود به جنسیت ، طبقه ، گرایش جنسی ، قومیت یا مکان نیست .

پلانت اشاره می کند زنان می توانند فناوری رایانه ای را از دست مردان خارج سازند و از آن برای کشف شکل های بدیلی از هویت خیالی استفاده کنند که اگر نگوییم کاملاً رها از سلطه مردان ، حداقل بدعتی در مقابل آن باشد .

در حالی که پلانت و هاروای در سایبورگ توان بالقوه ای برای فراتر رفتن از تعاریف متعارف جنسیت یافتند ، هم چنین اشاره شده است که دنیای سبیرنتیک عمدتاً تحت سیطره مردان باقی مانده است مثلاً در حالی که مهندسی ژنتیک در صدد است که بسیاری از تفاوت های جنسیتی را از میان بردارد . تلاش هایی مذبحانه برای حفظ کلیشه های متعارف تفاوت جنسی صورت می گیرد مثلاً در فیلم ترمیناتور و فیلم هایی از این دست قهرمان داستان با کلیشه های اغراق آمیز جنس مذکر (ماهیچه های سفت و محکم ، قیافه جدي و مانند اینها) نشان داده می شود . چنین به نظر می رسد دیدگاه دستیابی به يك دنیای سبیرنتیک تکثرگرایانه و پسا جنسیتی هم چنان دور از دسترس است .

سیبر فمینیسم به این مسئله پرداخته است که با رایانه ها چه باید کرد تا به توانمندسازی زنان کمک کند. برخی از زنان شروع به استفاده از وب برای نشان دادن خود نمودند. آن ها از طریق وبلاگ های شخصی و اتاق های چت می توانستند درباره مسایلی مانند هویت، نژادپرستی، دانشگاه و مسائل جنسی از دید خودشان بحث و گفتگو کنند. حوزه دیجیتالی راهی شد برای زنان که قدرت تولیدکنندگی و انتشار عقایدشان را بدون میانجی گری سلطه ی مردان نشان دهند. رایانه از طریق اینترنت به زنان تریبونی برای ارتباطات دارد، زنانی که نمی توانستند پشت یک بلندگو بایستند و صدایشان را به گوش مردان برسانند. رایانه آن ها را از قضاوت آبی براساس پیکرشان آزاد کرد.

زنان می توانستند انتخاب کنند که ابتدا یا حتی فقط به خاطر افکار و ذهن شان دیده شوند. رایانه ها زنان را قادر به شبکه سازی و انتشار اطلاعات برای یکدیگر به منظور مبادلات پژوهشی و علمی می کنند، هم چنین برای فعالیت های سیاسی که تغییرات اجتماعی را تشویق می کند. رایانه برخی زنان را در انتخاب محل جغرافیایی کارشان آزادتر نمود و برای کار در خانه گزینه هایی ایجاد کرد که می تواند در ایجاد تعادل و هماهنگی در کارها و نگهداری کودکان به آن ها کمک کند. هم چنین فرصت های بیتری برای زنان ایجاد کرد که حتی در خانه مدیر و گرداننده ی یک تجارت باشند.

فضای مجازی برای زنان جایگاه بیشتری فراهم کرد. اما نیروهای مردسالار قدیمی هنوز کلید این فناوری را در دست دارند. روی هم رفته به نظر می رسد تا زمانی که اینترنت یک نرز آزاد باقی بماند می تواند گزینه ها و انتخاب های بیشتری در اختیار زنان بگذارد و پتانسیل آزادی بخشی برای زنان داشته باشد.

گرامشی، جنسیت و فمینیسم

آنتونیو گرامشی در انتقال از جبرگرایی اقتصادی به مواضع مارکسیستی نوتر نقشی اساسی داشته است. مفهوم کانونی گرامشی، مفهوم تفوق است. به عقیده ی او " اساسی ترین عنصر نوترین فلسفه کردار (پیوند اندیشه و کنش)، مفهوم فلسفی تاریخی "تفوق" است." (گرامشی، ۱۹۳۲، ص ۲۳۵)

او تفوق را به عنوان رهبري فرهنگي طبقه حاکم تعريف کرده است . در نظر او تفوق فراتر از اعمال زوري است که قوانين و پليس اجرا مي کنند . گرامشي به جاي تأکيد بر جنبه هاي اقتصادي و عوامل ساختاري بر "تفوق" و "رهبري فرهنگي" تأکيد مي ورزد . در نظر او عوامل اقتصادي توده ها را به انقلاب وا نميدارد بلکه توده ها به يك ايدئولوژي انقلابي نياز دارند که روشنفکران آن را ايجاد مي کنند ، بعد آن را به توده ها

بسط مي دهند و به وسيله آنها اين افکار و ايدئولوژي را عملي مي سازند . توده ها نمي توانند چنين افکاري را ايجاد کنند . بلکه مي توانند آنها را بعد از به وجود آمدن ، با ايمان خودشان عملي سازند .

در اين راستا برخي از روشنفکران که در جهت منافع طبقه ي حاکم کار مي کنند توده ها را با خود همراه ساخته و رهبري فرهنگي آنها را به دست مي آورند .

گرامشي رابطه ي قدرت را همان قدر در سطح خرده ساختارها ريشه يابي مي کرد که در سطح کلان ساختارها . او با اين مفهوم مي کوشيد رابطه ي قدرت را از روابط سلسله مراتبي دولت و شهروند ، که در آن دولت ، با نقش سرکوبگرانه اش در عرصه ي ارتش ، پليس و قوه مقننه ، يعني چونان جامعه سياسي ، جسم شهروندان خود را به نظم عادت مي دهد ، فراتر برد .

تعميم قدرت و سلطه به ديگر عرصه هاي جامعه او را به بررسي رابطه ي قدرت در آنچه که او آن را جامعه مدني مي ناميد ، يعني در نهادهاي مدني، سازمان ديني ، در نظام هاي آموزشي و نيز در خانواده و در واقع در اعمال زندگي روزمره کشاند . اگر جامعه ي سياسي توان منضبط کردن جسم را داشت ، جامعه ي مدني در درجه اول ذهن را منضبط مي کرد . بدین سان ، قدرت رابطه اي است که نه تنها در ميان دولت و شهروندان ، بل فراتر از دولت و در روابط نهادهاي مدني و اعمال زندگي روزمره عمل مي کند . بنا بر اين ، مفهوم "تفوق" گرامشي که تلاشي است براي درک قدرت در خلل و فرج زندگي روزمره ، مي تواند رابطه ي سلطه را در محرمانه ترين اعمال زندگي روزمره ريشه يابي کند . در اين معنا ، گرامشي را مي توان پيشگام نظريه ي مشهور موج دوم فمניسم به شمار آورد : امر شخصي ، سياسي است . پس ، در شرح گرامشي ، خودمختاري ، خودفرماني و بزرگي زن تنها به استقلال اقتصادي از مرد ، که تنها يکي از دستاوردهاي رهايي اوست ، وابسته نيست . گرامشي هم چنين درکي از آگاهي فمنيستي را برمي انگيزد که در برخورد با عمل حنسي تي بر انتخاب تکیه مي کند . او اين آگاهي را به نوع نويني از اخلاق گره مي زند . او در مسئله ي رهايي – نه تنها رهايي زن ، بلکه رهايي جامعه به طور

کلی - بر محوري بودن جنسیت ، یعنی حقوق زن نسبت به جسم خود پافشاري مي کند . اما هنگامی که حقوق لاینفک زن را در مورد کنترل جنسیت و جسم خود به فرآیندهای عقلانی کردن تولید گره می زند ، و می گوید که شکل های نوین و آزاد شده ی جنسیت زنان ، به تضاهای پهنه ی تولید ، که مستلزم مهار شهوات جسمانی است ، وابسته اند ، امتیاز فمینیست بودن خود را از دست می دهد . او هنگامی که جنسیت را به فرآیندهای عقلانی کردن تولید ربط می دهد ، درباره نیاز به قانون گذاری انضباط جنسی بحث می کند و به تأثیر جنسیت در سطوح اجتماعی و فرهنگی بی توجه می ماند .

تقویت مدرنیستی عقلانی کردن تولید امکانات نوینی برای آزادی زنان ایجاد نمی کند بلکه آنان را ملزم به خوگرفتن به نیازهای ساختارهای منضبط زمان و مکان می کند و این نیازها را به صورت اخلاقیات متناسب با آن ها مشروعیت می بخشد .

کاربرد نظریه های جامعه شناسی در پژوهش

ردیف	نظریه	چکیده ای از نظریه	کاربرد نظریه در مطالعه
۱	نظریه نابرابری های جنسیتی بلوم برگ	کنترل زنان بر ابزار تولید و مقدار تخصیص مازاد تولیدی به آنان نسبت به مردان ، لایه بندی جنسیتی بلوم برگ را تشکیل می دهد . به عبارتی قدرت اقتصادی زنان باعث کاهش نابرابری های جنسیتی می گردد .	اشتغال زنان که رابطه ی مستقیمی با قدرت اقتصادی آنان دارد به عنوان یکی از عوامل مؤثر در نگرش برابری طلبانه آنان در نظر گرفته شده است .
۲	نظریه ی نابرابری های جنسیتی گیدنز	اجتماعی شدن یا جامعه پذیری کودکان در ایجاد هویت های زن و مرد اهمیت بسیار دارد . پس خانواده ، مدرسه و رسانه ها در باز تولید نابرابری های جنسیتی نقش دارند .	در مقیاس سنجش میزان نگرش برابری طلبانه از گویه هایی استفاده گردید که نشان دهنده ی نقش خانواده ، مدرسه و رسانه ها در بازتولید نابرابری جنسیتی بود .
۳	نظریه مبادله	توزیع قدرت بین زن و شوهر و جایگاه آنان برحسب منابعی که هر یک از زن و شوهر از طریق ازدواج به خانواده می آورند در ایجاد نابرابری جنسیتی نقش دارد .	شباهت زیادی به نظریه بلوم برگ دارد .
۴	نظریه ماتریالیسم تاریخی	همانند نظریه بلوم برگ و نظریه مبادله بر قدرت اقتصادی زنان تأکید دارد . علاوه بر آن اشکال تاریخی خانواده و ریشه های تقسیم کار در دوران های مختلف تاریخی را در ایجاد نابرابری جنسیتی دخیل می داند .	نوع تقسیم کار در خانواده در گویه های مقیاس سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد در نظر گرفته شد .
۵	نظریه کارکردگرایی پارسونز درباره خانواده	خانواده هسته ای به دلیل کارکردهایی مثل تولید مثل ، تنظیم روابط جنسی ، اقتصاد و محافظت بسیار ضروری است . نوعی تقسیم کار جنسی در خانواده برقرار است یعنی زنان امور داخل خانه و مردان امور اجتماعی بر عهده می گیرند .	تقسیم کار جنسی در خانواده نیز در گویه های مقیاس سنجش گرایش برابری طلبانه در نظر گرفته شد .

<p>همانند نظریه کارکردگرایی پارسونز درباره خانواده</p>	<p>این نظریه منشأ تفاوت را در فیزیولوژی انسان می داند و هم چون نظریه کارکرد گرایی تقسیم کار جنسی را به عنوان يك ضرورت اجتماعی می پذیرد . عده ی از فمینیست ها معتقدند که اگر جهان با شیوه های زندگی زنانه اداره شود و مهربانی و مدارا بخشی از حیات همگانی گردد جهان امن تر و انسانی تر خواهد بود .</p>	<p>۶ نظریه تفاوت های جنسی (فمینیستی) ۱- تبیین زیست شناختی ۲- تبیین نهادی ۳- تبیین اجتماعی - روان شناختی : نظریه ی پدیده شناختی نظریه ی اجتماعی شدن</p>
<p>موقعیت های نابرابر زنان در زمینه های مختلف اجتماعی هم چون کسب فرصت های شغلی ، زمینه های ورزشی ، آزادی های اجتماعی ، قانون و فرهنگ جامعه در سنجش نگرش برابری طلبانه در نظر گرفته شد</p>	<p>مضامین اصلی این نظریه عبارتند از : ۱- تفاوت زنان و مردان ریشه در سازمان جامعه دارد و نه تفاوت های زیست شناختی و یا شخصیتی . ۲- موقعیت های زنان و مردان نه تنها متفاوت بلکه نابرابر است . ۳- زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز های خود برخوردارند . ۴- دگرگونی موقعیت زنان امکان پذیر است . دو گونه عمده این نظریه عبارتند از : فمینیسم لیبرالی و فمینیسم مارکیستی</p>	<p>۷ نظریه نابرابری جنسی (فمینیستی) ۱- فنیسم لیبرالی ۲- فمینیسم مارکیستی</p>
<p>تجدید نظر در عرف و عادات تربیت و پرورش کودکان ، معیارهای مد و زیبایی ، آرممان های بیدادگرانه ی مادر بودن ، تک همسری و پاکدامنی که از مؤلف های مهم در این نظریه هستند در سنجش نگرش برابری طلبانه در نظر گرفته شدند .</p>	<p>این نظریه ریشه در رابطه قدرت میان زنان و مردان دارد . رابطه ای که در آن مردان منافع عینی و بنیادی در انقیاد و سرکوب زنان دارند و از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان منافع خود را تأمین می نمایند . این ساختار قدرت در جامعه ، پدر سالاری نامیده می شود .</p>	<p>۸ نظریه ستم گری جنسی (فمینیستی) ۱- فمینیسم روان کاوانه ۲- فمینیسم رادیکال ۳- فمینیسم سوسالیستی</p>

چارچوب نظري پژوهش

در پی پژوهش در نظریه های جامعه شناسی جهت تبیین موضوع نابرابری جنسیتی از حوزه جامعه شناسی، مکتب کارکردگرایی و ماتریالیسم تاریخی و نظریات جامعه شناسی چون بلوم برگ، گیدنز و جان ترنر برگزیده شد. پس از آن نظریات فمینیستی در شاخه ها و نحلّه های گوناگون به طور مختصر بررسی گردید.

با توجه به نظریات مطرح شده و ادبیات پژوهش چنین به نظر می رسد که مسایل زنان همان گونه که در جوامع دیگر مطرح و مورد بحث و تبادل نظر بوده، در ایران نیز همواره مورد توجه صاحب نظران و متفکران بوده است و جامعه ی امروز ما تا حد زیادی متأثر از این افکار و اندیشه ها است. سیر تطور این نظریات را به خوبی می توان در پیشینه و ادبیات پژوهش یافت از همین رو سعی می گردد که مباحث مطرح شده با توجه به موقعیت زن ایرانی و نیازهای او با جامعه امروز ما هماهنگ گشته و با فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه هم خوانی داشته باشد.

پژوهش حاضر تلفیقی از نظریات مختلف فمینیستی را به عنوان چارچوب نظری خود برگزیده است. فمینیسم حرکتی جهانی بر ضد ظلم و ستم است که زنان نیز شامل بخش عظیمی از این مبارزه جهانی هستند. فمینیسم به رغم معانی واژگانی اش که به زن بازمی گردد، معنای وسیع تری دارد و حرکتی اعتراض آمیز بر ضد ظلم و ستم حاکمیت مرد / پدر سالاری جهانی است که تمام زنان و مردان، سیاهان و سفیدان، جوانان و پیران و بالاخره بخش عظیمی از جامعه بشری را شامل می شود.

متأسفانه حاکمیت های استبدادی مردانه ی جهانی در پی این هستند که این حرکت ها را تنها به مسئله زن نسبت داده و زنان و مردان فمینیست و مبارزی را که برای احقاق حقوق نوع انسان (اعم از زن و مرد) فعالیت می کنند متهم به کوشش برای برتری طلبی زن و زن سالاری! کنند. فراموش نباید کرد که اگر قرار باشد جامعه از حاکمیت مرد مدارانه خلع و حاکمیت زن مدارانه جایگزین آن شود، تنها شکل تغییر یافته است! بدیهی است که این، هدف فمینیسم به معنای واقعی آن نیست!

نگارنده اعتقاد دارد که هیچ يك از نظریات فمینیستی مطرح شده در پژوهش حاضر به تنهایی جواب گوی نیازهای زنان و به ویژه زن ایرانی نمی باشد. هر يك از این نظریه ها بخشی از واقعیت را بیان می کنند. از این رو توجه به تمامی آن ها و گرفتن نکات مثبت و ارزش مندی که

در هر يك از آن ها وجود دارد مي تواند راهنمائي عمل در پژوهش گردد . در کنار نظريات فمניستي ، نظريات جامعه شناختي مطرح شده نيز مي توانند پاسخ گوي بخش هايي از كار پژوهشي گردند .

در اين پژوهش از بين متغيرهاي موجود در نظريات مختلف ، پايگاه اجتماعي ، منشأ شهري يا روستايي داشتن ، ميزان تحصيلات ، تأهل و يا مجرد ، رسانه هاي همگاني و مشاركت اجتماعي به عنوان متغيرهاي مستقل برگزیده شده است و ميزان اعتقاد به برابري زن و مرد (متغير وابسته) از طريق اين شاخص ها مورد بررسي قرار خواهد گرفت .

فرضيه هاي پژوهش

هر جامعه اي براي رسيدن به مراحل معيني از تكامل بایستی دگرگوني در جنبه هاي مختلف زندگي را متحمل گردد . تغيير ارزش ها ، نگرش ها و باورهاي افراد جامعه بخش بسيار مهمي از اين دگرگوني محسوب مي شود . هدف اين پژوهش بررسي تغييرات ايجاد شده در نگرش بخشي از افراد جامعه درباره ي نقش زن مي باشد .

عوامل بسياري در ايجاد نگرش هاي نوين از جمله نگرش برابري طلبانه جنسيتي دخالت دارند . فرضيه هاي پژوهش با توجه به برخي از اين عوامل به قرار رير است :

- ۱- بين ميزان سن افراد و ميزان اعتقاد آنها به برابري زن و مرد رابطه وجود دارد .
- ۲- طول مدت اشتغال فرد با ميزان اعتقاد او به برابري زن و مرد رابطه دارد .
- ۳- بين وضعيت تأهل افراد و ميزان اعتقاد آنها به برابري زن و مرد رابطه وجود دارد .
- ۴- منشأ شهري يا روستايي داشتن با ميزان اعتقاد فرد به برابري زن و مرد رابطه دارد .
- ۵- پايگاه اجتماعي فرد با ميزان اعتقاد او به برابري زن و مرد رابطه دارد .
- ۶- ميزان استفاده از رسانه هاي همگاني توسط فرد با ميزان اعتقاد او به برابري زن و مرد رابطه دارد .
- ۷- مشاركت اجتماعي فرد با ميزان اعتقاد او به برابري زن و مرد رابطه دارد .

تعريف نظري و عملياتي متغيرها

در اين بخش به معرفي متغيرهاي اصلي (وابسته - مستقل) و ارايه تعريف نظري از آن ها و سپس عملياتي كردن آن ها پرداخته خواهد شد . متغير اصلي پژوهش " اعتقاد به برابري زن و

مرد" یا به عبارتی گرایش به فمینیسم می باشد. متغیرهای مستقلی که در رابطه با این متغیر قرار می گیرند عبارتند از سن، وضعیت تأهل، طول مدت اشتغال، منشأ شهری یا روستایی داشتن، پایگاه اجتماع فرد، چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت اجتماعی.

تعریف نظری و عملیاتی "برابری زن و مرد" (متغیر وابسته)

فمینیسم در مفهوم کلی خود به معنای برابری زن و مرد است به همین سبب در این بخش به تعریف نظری و عملیاتی واژه فمینیسم (Feminism) پرداخته خواهد شد.

فمینیسم عقیده به برابری زن و مرد، طرفداری از زنان، حالت زنانه، صفات زنانه، زن پرستی (آریان پور، منوچهر، فرهنگ دانشگاهی ص ۷۸۱)

فمینیسم در زبان فارسی به مفهوم زن گرایی، زن محوری و زن مداری است که مبنای اندیشه آن تساوی حقوق زن و مرد می باشد. فمینیسم بر اهمیت نقش نظر زنان تأکید می کند (ویلفورد، ریک، بولتن مرجع فمینیسم، ترجمه قائد ص ۳۵۷)

فمینیسم نهضتی که هدفش تأمین تساوی سیاسی و اجتماعی زنان با مردان است. فمینیسم، ایده برابری زن و مرد و جنس دوم نبودن و برابری از حقوق اجتماعی و نادیده گرفتن تفاوت های های خلقی در کنار تشکیل اتحادیه ها، را مطرح می کند (بی نا، فمینیسم تکرار تجربه ناموفق، ش ۳۷، فروردین ۱۳۷۴، ص ۲۴)

فمینیسم هم پدیده ای متأثر از تحول ساختاری و منظور نظام سرمایه داری است و هم برخاسته از متن ذهنیات کسانی که خواهان برابری حقوق زن و مرد هستند (آلیسون، جک، چهار تلقی از فمینیسم، ص ۴۸) وبستر (۱۹۷۵) در تعریف کلمه فمینیسم آورده است:

" طرز تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را مساوی حقوق مردان دانسته و نهضتی که برای چنین آرمانی تلاش می کند."

"بسیاری از نظریه پردازان توافق دارند که فمینیسم معاصر چهره های متعددی دارد چرا که به مجموعه متفاوتی از آرا در مورد خاستگاه و سرشت جنس گرایی باور دارند. بنابراین شیوه های متفاوتی برای از بین بردن آن دارند. کسی که از برنامه ی رهایی زن حمایت می کند صرف نظر از این شیوه های متفاوت، فمینیست خوانده می شود. فمینیست شدن یعنی رشد یک آگاهی دگرگون شده از واقعیت اجتماعی که خود فمینیست ها آن را "ارتقای آگاهی" می نامند این

آگاهی " ارتقا یافته " در بخشی از زنان تنها يك عامل ملي در ظهور جنبش فمینیستی نیست ، بلکه بخشی مهم از برنامه ی سیاسی آن است .

ضروري ترین و عمده ترین عامل به وجود آمدن آگاهی فمینیستی ، بدون شك جنبش های صلح و دانشجویی دهه ی شصت بوده است . این جنبش ها اهداف دیگری را نیز دنبال می کردند . زنان اغلب مجبور به پذیرش موقعیت های فرودست در این جنبش ها می شدند . اما طولی نکشید که زنان تضاد میان سرکوبی که این جنبش ها در جامعه بزرگتر با آنها پیکار می کنند و سرکوب مدام زن ها در حیات همین جنبش ها را دریابند .

مادامی که وضعیت زنان ، وضعیتی طبیعی و اجتناب ناپذیر فهمیده شود ، آگاهی زنان از خودشان فارغ از این که تا چه حد از تحقیر و فرودستی خویش آگاهند ، هنوز آگاهی فمینیستی نیست . این آگاهی تنها زمانی ظاهر می شود که يك امکان اصیل برای رهایی ناقص یا کامل زنان وجود داشته باشد . در واقع آگاهی فمینیستی فهم این امکان است ، کارگران زن که فمینیست نیستند می دانند که در ازای کار مساوی حقوق نامساوی می گیرند ، اما آن ممکن است فکر کنند این ترتیبات عادلانه است ، در حالی که شخص فمینیست این وضعیت را نمونه استثمار و موردی برای مبارزه می بیند . فمینیست ها از مسایل متفاوت بیشتری نسبت به دیگر مردمان آگاهی ندارند ، بلکه آن ها از همان مقولات به گونه ای متفاوت آگاهند .

آگاهی فمینیستی ، آگاهی از قربانی شدن است . برای درك خود به عنوان قربانی باید از وجود يك نیروی بیگانه و دشمن بیرون از خودآگاه شویم که مسئول رفتار آشکارا ناعادلانه با زنان است و سیستم ظالمانه و سرکوب گرانه ی تبعیض نقش جنسی را هدایت می کند . برای برخی فمینیست ها این نیروهای جامعه یا سیستم است برای برخی دیگر صرفاً مردان هستند .

داشتن آگاهی فمینیستی تجربه ی دیدن چیزها درباره ی خود و جامعه ی خود است که تا کنون مخفی بوده اند . این تجربه کسب آگاهی ارتقا یافته ، به رغم وجوه پریشان کننده اش پیشرفت بی اندازه ای بر آگاهی نادرستی است که جانشین آن شده است . معیار هادر پیش چشمان ما زوال می پذیرند . دیگر مجبور نیستیم علیه دشمنان غیر واقعی پیکار کنیم ، منافع دیگران را بر خود مقدم بداریم یا از خود بیزار شویم . شروع می کنیم به فهم علت داشتن تصاویر خوار شده از خودمان و علت این که بسیاری از ما فاقد اطمینان اصیل به ارزش شخصی مان هستیم . فهمیدن ، حتی شروع به فهمیدن این ، تغییر را ممکن می سازد . ما با متفاوت دیدن چیزها قادر

به ساختن امکاناتی برای عمل جمعی رهایی بخش و رشد فردی بی سابقه می شویم . امکاناتی که این واقعیت اجتماعی فریبکار جنس گرا تاکنون مخفی کرده بود .

احساس بیگانگی از جامعه ی مستقر که یک مشخصه ناب تجربه ی فمینیستی است را می توان با یک پیوند یابی جدید با زنانی در هر شرایطی و با حس روبه رشد همبستگی با فمینیست های دیگر متعادل ساخت . " (لی بارتکی ، ص ۱۱۲ - ۱۱۰)

فمینیسم یکی از نهضت های مبارزاتی بر ضد همه ی ساختارهای مردگرایانه و دیکتاتوری است ، نهضتی که به هیچ وجه مردستیز و در پی جایگزینی و جابجایی قدرت مردانه به قدرت زنانه نیست ، بلکه نهضتی ظلم ستیز است .

..... می توان به همه کسانی که هشیارانه و آگاهانه و تحت عنوان روش فکر به معنی واقعی اش (خودآگاه ، جامعه آگاه و معترض به وضع موجود) برای احقاق حقوق حقه ی انسانی جامعه بشری و نوع انسان که نیمی از آن هم زنان تحت ستم هستند ، مبارزه و فعالیت می کنند فمینیست گفت . " (توسلی ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۶۳)

برای سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد (گرایش به فمینیسم) از مقیاسی محقق ساخته استفاده می گردد این مقیاس دارای گویه هایی با ابعاد متفاوت می باشد . برای بررسی پاسخ ها از طیف لیکرت استفاده شده است . چرا که از میان مقیاس های گوناگون " می توان گفت که طیف لیکرت نسبت به طیف های دیگر فواید و مزایای بسیاری دارد . در این جا نه به تعداد زیاد از گویه ها نیاز است و نه به قضاوت داوران ، و در عین حال نتایج حاصله از دقت و اعتبار بیشتر و قابل توجه تری برخوردار است . لذا این طیف برای بسیاری از تحقیقات میدانی وسیع در علوم اجتماعی و خصوصاً جامعه شناسی مناسب و با کاربرد زیاد قابل استفاده است و می توان به وسیله آن (گرایش های سیاسی ، مذهبی ، نژادی ، شغلی و.....) را سنجید . " (رفیع پور، ۱۳۸۶:۲۶۱)

این مقیاس ابتدا از ۴۰ گویه ساخته شده بود که بعد از انجام پیش آزمون و به دست آوردن نتایج آزمون آلفای کرونباخ در جهت بالا بردن هم بستگی درونی تعداد ۶ گویه حذف گردید و ۳۴ گویه باقی ماند .

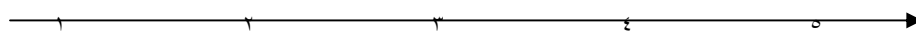
برای ارزیابی هر گویه از طیفی متشکل از ۵ قسمت استفاده می گردد که طبق آن گرایش پاسخ گو از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده می شود . به هر گویه نمره ای اختصاص داده می

شود که امتیاز آن از يك تا پنج مي باشد و امتیاز پاسخ گو از آن گویه است . مجموع نمراتی که پاسخ گو به دست مي آورد نشان دهنده ي امتیاز او در میزان اعتقاد به برابري زن و مرد است .
 طریقه ي امتیاز دهی بدین صورت خواهد بود که گویه ها ي مثبت (در جهت گرایش برابري طلبانه)

کاملاً موافق = ۵ موافق = ۴ بی نظر = ۳ مخالف = ۲ کاملاً مخالف = ۱

کاملاً موافق موافق بی نظر مخالف

کاملاً مخالف

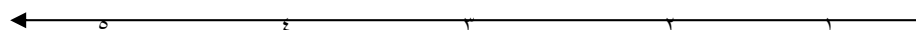


گویه های منفی (در خلاف جهت گرایش برابری طلبانه)

کاملاً موافق = ۱ موافق = ۲ بی نظر = ۳ مخالف = ۴ کاملاً مخالف = ۵

کاملاً موافق موافق بی نظر مخالف

کاملاً مخالف



پس از جمع آوری پاسخ ها و امتیازدهی آن ها ، گرایش برابری طلبانه براساس این گویه ها و امتیازات آن به سه سطح کم ، متوسط و زیاد طبقه بندی گردید . بدین ترتیب که حداقل امتیاز ۳۴ و حداکثر آن ۱۷۰ است . امتیازهای ۷۹-۳۴ سطح کم و ۱۲۵-۸۰ سطح متوسط و ۱۷۰-۱۲۶ سطح زیاد محسوب خواهد شد .

گویه ها

- ۱- زنان باید به اندازه مردان در فعالیت های خارج از منزل مانند اشتغال به انواع مشاغل و شرکت در انجمن های گوناگون آزاد باشند .
- ۲- مردان در تصمیم گیری های مهم خانوادگی مانند تعیین شهر و ناحیه سکونت ، آینده بچه ها و خرید های مهم باید با همسرشان مشورت کنند .

- ۳- هر فردی (فارغ از جنسیت) باید در صورت داشتن تخصص در کار بتواند به مراتب بالایی شغلی دست یابد.
- ۴- زنان در جامعه باید از شرایط یکسان شغلی و حرفه ای با مردان برخوردار باشند.
- ۵- باید فعالیت های ورزشی و اوقات فراغت دختران بسیار متفاوت از پسران باشد.
- ۶- در خانه ای با کارکردهای مناسب، زن کارهای داخل خانه را انجام می دهد و مرد کارهای خارج از خانه
- ۷- مادر شدن یکی از مهم ترین وظایف و خواسته های زنان است.
- ۸- زنان بایستی می توانند در تمام رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند.
- ۹- زن با توجه به ویژگی های جنسی و جسمی خود نباید هر نقش و شغلی را برای خود انتخاب کند.
- ۱۰- کار اجتماعی زن تهدیدی برای بقای خانواده است.
- ۱۱- امروزه هیچ دلیلی برای تبعیض بین زن و مرد پذیرفتنی نیست.
- ۱۲- زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور باید در اداره ی جامعه و اشتغال در پست های مدیریتی کلان سهمی مساوی با مردان داشته باشند.
- ۱۳- واژه ها و اصطلاحاتی در زبان فارسی که ناظر بر تبعیض جنسیتی هستند باید از فرهنگ لغات فارسی حذف گردند مثلاً استفاده از واژه ی مرد به عنوان انسان، قول مردانه، خاله زنک و
- ۱۴- جداسازی زنان و مردان در مکان های عمومی مانند دانشگاه، کارخانه، اتوبوس و می تواند به امنیت اجتماعی کمک کند.
- ۱۵- تبعیض جنسیتی در کتاب های درسی ما به طرز چشمگیری وجود دارد. نمونه ی بارز آن عبارت معروف "بابا نان داد".
- ۱۶- زن باید به هرگونه خواست های جنسی همسرش حتی علیرغم میلش پاسخ مثبت دهد.
- ۱۷- تقاضای ازدواج و انتخاب همسر توسط مرد که در عرف و عادات ما مرسوم است شیوه ای نادرست به نظر می رسد.
- ۱۸- والدین باید همان گونه که رفت و آمد و معاشرت های دخترانشان را کنترل می کنند در مورد پسران خود نیز به همین گونه رفتار نمایند.

- ۱۹- در دبیرستان های دخترانه قوانین بسیار سخت تري (نسبت به دبیرستان های پسرانه) برای کنترل رفتار دانش آموزان وجود دارد و این امر لازم و ضروري به نظر مي رسد .
- ۲۰- روابط قبل از ازدواج همان قدر که برای زن مذموم و ناپسند است ، برای مرد نیست .
- ۲۱- اگر مرد بتواند عدالت را بین همسران خود برقرار کند ، ازدواج مجدد او مانعی ندارد .
- ۲۲- مهریه نمی تواند پشتوانه ی برای زنان در زندگی زناشویی باشد .
- ۲۳- استفاده از مد و لوازم آرایش برای مورد توجه قرار گرفتن ، از ویژگی های خاص زنان است .
- ۲۴- در محیط های کاری ، محافل دوستانه و... زنان معمولاً با یکدیگر سازگاری ندارند .
- ۲۵- خانواده ، مدرسه و رسانه ها نباید دختران را فقط برای پذیرش نقش های جنسیتی سنتی (همسر ، مادر و...) آماده سازند بلکه باید نقش های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را نیز آموزش دهند .
- ۲۶- برای این که مرد به فکر زن دیگری غیر از همسر خود نباشد، زن باید همان گونه که او دوست دارد لباس بپوشد و آرایش کند .
- ۲۷- اگر مردی به همسرش آزادی های زیادی بدهد ، زندگی خانوادگی خود را به خطر انداخته است .
- ۲۸- وقتی رابطه ای نامشروع بین زن و مرد شکل مي گیرد ، مقصر اصلي زن است ، به قول معروف کرم از خود درخت است .
- ۲۹- اگر مي خواهی رازت فاش نشود ، آن را با هیچ زنی در میان مگذار .
- ۳۰- مردی که در هنگام مسافرت همسر و دخترش را به پسر کوچکش مي سپارد و سفارش مي کند که آن پسر کوچک مواظب خواهر و مادرش باشد ، کار تربیتی درستی انجام مي دهد .
- ۳۱- در طلاق هایی که اتفاق مي افتد حق حضانت فرزندان باید به عهده ي پدر و یا جد پدری باشد مگر در موارد خاص .

۳۲- زنان به خاطر عواطف و احساسات رقیقی که دارند نمی توانند عهده دار شغل قضاوت باشند .

۳۳- باید دیه ی مردان دو برابر دیه ی زنان باشد ، چون مردان نان آور خانواده هستند .

۳۴- کاربرد کلمه ی "رجل سیاسی" به عنوان یکی از شرایط کاندیداتوری ریاست جمهوری ایران حاکی از تبعیض جنسیتی است .

تعریف نظری و عملی پایگاه اجتماعی (Social Status)

پایگاه اجتماعی شامل تحصیلات ، منزلت شغلی ، امکانات رفاهی و..... می باشد که به فرد امکان برخورداری از شرایط ویژه آن پایگاه را می دهد .

"پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می شود که فرد در گروه یا مرتبه اجتماعی یک گروه ، در مقایسه با گروه های دیگر احراز می کند . پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین می کند ." (کوئن ، ۱۳۷۲ : ۸۰)

در فرهنگ علوم اجتماعی گولد پایگاه چنین تعریف شده است : " پایگاه اجتماعی مشخص کننده :

۱- وضع فرد یا گروه در یک نظام اجتماعی است ، با انتظار عمل متقابل از دارندگان وصفی دیگر در چارچوب یک ساخت واحد ۲- مقام فرد یا گروه است با توجه به توزیع شأن در یک نظام اجتماعی و در مواردی تلویحاً مجموع حقوق و وظایف است . عوامل دیگر چون نام ، نسب ، مذهب و فرهنگ که هر یک بر حسب جامعه ، اعتباری خاص به افراد می بخشد در سنجش پایگاه مطرح می باشند . برخی دیگر پایگاه را عبارت از ارزشی می دانند که یک جمع برای نقش خاص قایل است . (ساروخانی ، ۱۳۷۵ : ۷۹۱)

پایگاه اجتماعی مبانی متفاوتی دارد و از آن جمله اند : مبانی اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عملی ، ادبی و خانوادگی - شرایط اقتصادی به فرد امکان می دهد که محل سکونت بهتری داشته باشد ، عضو گروه های برتر شهر خود باشد و روابط اجتماعی متنوع تری داشته باشد . (محسنی ، ۱۳۷۴ : ۲۶۷)

" پایگاه انتسابی از آغاز تولد به فرد محول شده ، عمدتاً بر زمینه های خانوادگی نوازده استوار است . جنسیت ، دین ، نژاد ، ثروت و معیارهای اجتماعی ، همگی از طریق والدین و خانواده به فرد منتقل می شود . به این ترتیب ، پایگاه فرد بر نسب او مبتنی است ، نه بر شایستگی های فردی و نه آن چیزی که از طریق کار و کوشش به دست آورده است . پایگاه اکتسابی به موقعیتی

اطلاق می شود که بر اساس تلاش و کاری که فرد بروز داده یا استعدادها و مهارت هایی که از خود نشان داده است استوار است. " (بروس کوئن، ۱۳۷۲: ۸۱)

در جوامع سنتی بر پایگاه اجتماعی اجتماعی انتسابی افراد تأکید می شود. حال آن که جوامع مدرن به افراد این امکان را می دهد که پایگاه اجتماعی خویش را تغییر داده و از پایگاه اجتماعی بهتری بهره مند گردند.

با توجه به تعاریف فوق روشن می گردد که در سنجش پایگاه اجتماعی باید معیارهای گوناگونی چون منزلت شغلی، تحصیلات، درآمد و امکانات رفاهی مورد استفاده، و زمینه های خانوادگی در نظر گرفته شوند با توجه به جامعه آماری که در این پژوهش دبیران زن شاغل در دبیرستان های اسلام شهر هستند، منزلت شغل ثابت است. تحصیلات از فوق دیپلم تا فوق لیسانس متغیر می باشد. درآمد ثابت است از همین رو به جای درآمد از امکانات رفاهی مورد استفاده خانواده جهت سنجش پایگاه استفاده می گردد. در توجه به زمینه ی خانوادگی افراد جهت سنجش پایگاه اجتماعی برای مجردین منزلت شغلی و تحصیلات پدر و برای متأهلین منزلت شغلی و تحصیلات همسر در نظر گرفته می شود.

برای تعیین میزان تحصیلات از پرسش زیر استفاده می گردد.

بالاترین مدرک تحصیلی شما چیست؟

دیپلم کاردانی کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری
حوزوی

تحصیلات و منزلت شغلی پدر یا همسر نیز به طریق زیر مورد پرسش قرار می گیرد.

پاسخ گوی محترم لطفاً در صورت مجرد به پرسش ۱ و در صورت تأهل به پرسش ۲ پاسخ دهید

۱- در صورت مجرد

شغل اصلی پدر (لطفاً دقیق ذکر بفرمایید)

تحصیلات پدر شما به چه میزان است؟

بی سواد ابتدایی راهنمایی متوسطه کاردانی کارشناسی کارشناسی ارشد
و بالاتر

۲- در صورت تأهل

شغل اصلی همسر (لطفاً دقیق ذکر بفرمایید)

تحصیلات همسر شما به چه میزان است ؟

بی سواد ابتدایی راهنمایی متوسطه کاردانی کارشناسی کارشناسی ارشد و بالاتر

جهت تعیین منزلت شغلی (پدر یا همسر) از روش تعیین منزلت دکتر کاظمی پور که تلفیقی از روش های عینی و ذهنی است استفاده گردیده است .

" ابتدا ۸۸ عنوان شغلی از مشاغل رایج در جامعه به همراه یک طیف ۵ قسمتی در اختیار ۹۰۰ پاسخ گو قرار داده شده تا پاسخ گویان نظر کلی جامعه را در مورد این مشاغل بگویند و سپس از مجموع ارزش های تعیین شده برای هر شغل میانگین رتبه ای گرفته شده است . پس از مشخص کردن میانگین ارزش هر یک از مشاغل از دید پاسخ گویان ، به روش کلاستر از طریق کامپیوتر این مشاغل به ۸ گروه جزئی و ۵ گروه کلی طبقه بندی شده اند . " (کاظمی پور ، ۱۳۷۸ : ۱۵۱ - ۱۵۲)

پرسش های بعدی بعد اقتصادی پایگاه را می سنجد

منزل مسکونی شما در حال حاضر کدام موقعیت های زیر است ؟

۱- استیجاری ۲- سازمانی ۳- رهنی ۴- ملکی

آیا ویلای شخصی دارید ؟

۱- بله ۲- خیر

آیا در خانواده اتومبیل شخصی دارید ؟

۱- بله ۲- خیر

آیا امکان سفرهای خارجی تفریحی دارید ؟

۱- بله ۲- خیر

شما به کدام یک از وسایل رفاهی زیر دسترسی دارید ؟ (لطفاً علامت بزنید)

۱- فریزر ۲- اجاق گاز فردار ۳- ماشین لباسشویی ۴- تلفن ۵- آیفون

تصویری ۶- درب ریموت دار ۷- پارکینگ ۸- برق اضطراری ۹-

ماهواره ۱۰- رایانه ۱۱- اینترنت ۱۲- موبایل

طریقه امتیازدهی به این شکل خواهد بود که :

پرسش های با پاسخ بلی یا خیر حداقل ۱ و حداکثر ۲ امتیاز

پرسش مربوط به امکانات رفاهی حداقل ۱ و حداکثر ۱۲ امتیاز

پرسش مربوط به منزل مسکونی حداقل ۱ و حداکثر ۴ امتیاز

در مجموع امتیازات کسب شده محاسبه و بر اساس آن پایگاه اجتماعی به طبقات پایین ، متوسط و بالا طبقه بندی می گردد .

تعریف نظری و عملیاتی طول مدت اشتغال

منظور سال هایی است که افراد به تدریس اشتغال داشته اند و با این پرسش بررسی می گردد .

سابقه اشتغال شما چند سال است ؟

۱- تا ۵ سال ۲- بین ۶ تا ۱۰ سال ۳- بین ۱۱ تا ۱۵ سال ۴- بین ۱۶ تا ۲۰ سال ۵- بیشتر از ۲۰ سال

تعریف نظری و عملیاتی وضعیت تأهل

منظور موقعیت افراد از نظر ازدواج می باشد و اشکال آن متأهل ، مجرد ، مطلقه و همسر فوت کرده است و با این پرسش بررسی می گردد .

وضعیت تأهل شما چگونه است ؟

۱- مجرد ۲- متأهل ۳- مطلقه ۴- همسر فوت کرده

تعریف نظری و عملیاتی سن

پرسش در مورد سن افراد با گزینه های زیر بررسی می گردد

۱- بین ۲۰ تا ۲۹ سال ۲- بین ۳۰ تا ۳۹ سال ۳- بین ۴۰ تا ۴۹ سال ۴- ۵۰ سال و بیشتر

تعریف نظری و عملیاتی منشأ شهری و یا روستایی داشتن

منظور سکونت در سال های اولیه زندگی می باشد که بر فرآیند جامعه پذیری تأثیر بسیاری دارد و می تواند ویژگی های متفاوتی را در فرد ایجاد کند . در یک جامعه خانواده تمام نیازهای اعضای خود را برآورده می سازد . این نیازها می تواند اقتصادی ، مذهبی و یا تفریحی باشد . از همین رو در جوامع روستایی خانواده به شدت سنتی است و تقریباً همه ی افراد در مراسم و آیین های مذهبی شرکت می کنند .

اقتصاد جامعه روستایی بر کشاورزی استوار است. تراکم جمعیت در این جامعه اندک است. روابط دوستانه و خانوادگی عمیقی بر آن حاکم است، فرد جزء لاینفک خانواده و اسیر رسوم اخلاقی است و تحرك مكاني، شغلي و طبقه اي در آن اندك است (كوئن، ۱۳۷۲: ۳۵۹-۳۶۰) در مقابل در مناطق شهري، "شيوه هاي قومي، سنت ها و اهداف مشترك كه مانع انحراف فرد از شيوه هاي رايج زندگي مي شوند، بر رفتار جمعي اعضاي جامعه غالب نيست. اين عوامل بازدارنده در محيط شهري تضعيف شده اند و فرد از قيد و بند آنها رهاست، از اين رو زمينه براي انحراف از ارزش هاي حاكم بر جامعه و به وجود آمدن گروه هاي منحرف و خلاف كار مساعد است. رقابت و درگيري شديد از ویژگی های زندگی شهری است، زیرا پایگاه شخص با دست آوردهای وي مشخص مي شود نه با پایگاه محول - که در بسياري از جوامع روستايي متداول است. از اين رو، هر كس براي دست يابي به پایگاه بالاتر تلاش مي كند و با ديگران به رقابت مي پردازد. برخي از امتيازات سکونت در مناطق شهري را مي توان به ترتيب زير ذکر کرد:

زندگي خصوصي، تحرك، تنوع در سبك زندگي و پيشه ها، امکان شكوفايي خلاقيت ها، امكانات گوناگون براي تحصيل، برخورداري از مراقبت هاي پزشكي تخصصي، برخورداري از فعاليت هاي تفريحي متنوع و فرصت بيشتر براي پژوهش و بررسي. (كوئن، ۱۳۷۲: ۳۶۳-۳۶۴)

تأثير عوامل فوق در زندگي فردي و اجتماعي افراد كاملاً مشهود است. براي سنجش اين متغير بايد به دوران كودكي و نوجواني فرد كه اصلي ترين دوره ي جامعه پذيري او مي باشد، بازگشت. منشأ شهري يا روستايي داشتن فرد به اين نکته باز مي گردد كه او در دوران كودكي و نوجواني خود در چه جايي زندگي مي كرده است. پس پرسش بدین صورت مطرح مي گردد: محل تولد شما كجاست؟

۱- شهر
۲- روستا

بیشتر زندگی خود را تا ۱۵ سالگی در کجا گذرانده اید؟

۱- شهر
۲- روستا

تعريف نظري و عملياتي رسانه هاي همگاني

در این پژوهش وسایلی از قبیل روزنامه ، رادیو ، تلویزیون ، سینما ، رایانه ، کتاب ، تلفن ، تئاتر ، شبکه اینترنت ، ماهواره و..... که انتقال اطلاعات و معلومات جدید را میسر می سازد ، به عنوان رسانه های همگانی نام برده شده است .

رسانه های همگانی وسایل و ابزاری هستند که بین جمع و جمع و یا فرد و جمع ارتباط برقرار می کنند (ساخارونی ، ۱۳۷۵ : ۴۷۰-۴۷۱)

کازنو در تعریف رسانه های همگانی می گوید :

"عبارت از آن وسیله ارتباط است که مورد توجه جماعت کثیری می باشد . ویژگی اصلی آن در عصر جدید توانایی و قدرت و شعاع عمل وسیع آن است . بنابراین هیچ تردید نیست که شبکه رادیویی و تلویزیونی را باید در این ردیف قرار داد . (کازنو، ۱۳۷۳ : ۳)

رسانه های همگانی در پیدایی عادات تازه ، تکوین فرهنگ جهانی ، تغییر در رفتار انسان ها و بالاخره کوچک شدن کره ی زمین و همسایگی ملل دور دست . سهمی بزرگ برعهده دارند . آن چنان که برخی عصر نو را عصر ارتباطات می نامند . "وسایل ارتباط جمعی به دو نوع مکتوب و غیر مکتوب تقسیم می شود مکتوب مانند روزنامه و کتاب و غیر مکتوب مانند رادیو و تلویزیون (ساروخانی ، ۱۳۷۵ : ۴۷۱)

امروزه با رشد سریع فناوری به شکل گسترده و در ابعاد کمی و کیفی در معرض رسانه های همگانی داخلی و خارجی قرار گرفته ایم و گونه های متعددی از این رسانه ها در اختیار همگان قرار دارد . همان طور که گفته شد ، رسانه ها موجب تغییر در عادات و خلق و خوی انسان ها می گردند از همین رو فرضیه ی ارتباط بین استفاده از رسانه های همگانی و اعتقاد به برابری زن و مرد ، در این پژوهش ، مطرح گردید . برای بررسی این فرضیه باید دید که فرد تا چه حد از رسانه های همگانی استفاده می کند . در واقع هم استفاده فرد از رسانه ها و هم میزان آن سنجیده خواهد شد .

پرسش بدین گونه مطرح می گردد :

لطفاً بگویید تا چه حد از هر یک از وسایل ارتباطی زیر استفاده می کنید ؟

وسایل ارتباطی	به طور مرتب	بیشتر اوقات	گاهی اوقات	کم	اصلاً
رادیو					
تلویزیون					
ماهواره					
اینترنت					
کتاب					
مجله					
روزنامه					
سینما					
تئاتر					

در پایان امتیازدهی به هر یک از موارد بدین صورت خواهد بود گزینه ی اصلاً صفر امتیاز و گزینه های کم ، گاهی اوقات ، بیشتر اوقات و به طور مرتب به ترتیب ۱ و ۲ و ۳ و ۴ امتیاز ، مجموع امتیازی که پاسخ گو کسب می کند نشان دهنده ی امتیاز او در میزان استفاده از رسانه های همگانی است . پس از جمع آوری پاسخ ها و امتیازدهی به آن ها میزان استفاده از رسانه های همگانی بر اساس امتیاز کسب شده به طبقات کم ، متوسط و زیاد طبقه بندی خواهد شد .

تعریف نظری و عملی مشارکت اجتماعی

مشارکت با مفاهیمی نظیر همکاری ، همیاری ، تعاون ، مساعدت ، همبستگی و..... ارتباط ماهوی دارد . در لغت نامه ی دهخدا چنین آمده است : " مأخوذ از عربی ، شراکت و انبازی و حصه داری و بهره برداری ."

فرهنگ معین نیز مشارکت را معادل شرکت کردن و انبازی کردن دانسته و مشارکت را معادل تعیین سود و زیان دو یا چند تن که با سرمایه معین در زمان های مشخص به بازرگانی پرداخته اند ، شمرده است . ساروخانی مشارکت را به معنای "سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن " تعریف می کند . (ساروخانی ، ۱۳۷۰ : ۲۵۷) به نظر محسنی تبریزی از دیدگاه جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان

حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمییز قابل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در آن خبر می دهد و بیشتر ناظر بر همان مفهوم همکاری است و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

دکتر پیران تحولات این مفهوم را چنین برشمرده است:

الف - مشارکت اجتماعی اولیه "رسمی" که به عنوان گفتگو با مردم مشهور است و برای قرن ها از سوی رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژی ها برای جلب سایرین به کار می رفته است و در برگیرنده ی تمامی مشارکت های افراد در جهت اعمال و مناسک مربوط است. چنین مشارکت هایی را مشارکت های آیینی می توان نام نهاد.

ب- مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه یا مشروط، به نوعی از مشارکت های اجتماعی اطلاق می شود که در پی بسیج اجتماعی از طریق روش های روان شناسی اجتماعی و کاربرد رسانه های آموزشی و سازوکارهای فرهنگی برای جلب همگان به مشارکت است. همین شیوه برای آموزش رهبران کشورهای استعمار زده به کار رفته است.

ج - مشارکت اجتماعی انسجام گرا که در شکل اتحادیه ها و انجمن ها تحقق می یابد و بر پایه ادغام اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی شدن مشارکت جویانه سیر می کند.

د- مشارکت اجتماعی برای توسعه - مشارکت را فرایندی اجتماعی، جهانی، تام و تمام، چندبعدی، چند فرهنگی تلقی و افراد را برای توسعه ملی به مشارکت می خواند (پیران، ۱۳۷۶: ۲۸ - ۲۷)

در این پژوهش، پرسش هایی که برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی تدوین شده در طیف های پنج قسمتی طراحی گردیده است. برای نشان دادن مشارکت اجتماعی از مجموعه ای از فعالیت ها نام برده شده و میزان مشارکت افراد مورد مطالعه در این فعالیت ها به وسیله ی جدول زیر ارزیابی گردیده است. بدین صورت که به گزینه اصلاً، صفر امتیاز و گزینه های کم، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و به طور مرتب به ترتیب ۱ و ۲ و ۳ و ۴ امتیاز تعلق می گیرد. در پایان مجموع امتیازات محاسبه و بر اساس آن مشارکت اجتماعی به طبقات مشارکت کم، مشارکت متوسط و مشارکت زیاد طبقه بندی خواهد شد.

اصلاً	کم	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	به طور مرتب	فعالیت های اجتماعی
					شرکت در کلاس های آموزشی ، علمی ، هنری ، فرهنگی و....
					شرکت در باشگاه های ورزشی
					همکاری با موسسات خیریه و نیکوکاری
					عضویت در کتابخانه
					شرکت در انتخابات و رأی گیری ها
					کандید شدن در انتخاباتی که توانایی تصدی آن پست را دارید
					شرکت در تظاهرات و راهپیمایی
					عضویت در سازمان های غیر دولتی (NGO)
					شرکت در مراسم مذهبی مانند نماز جمعه ،جماعت ،جشن های مذهبی ، جلسات قرآن و...
					شرکت در انجمن های قومی
					همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی
					حضور در دوره های هم کلاسی ها ، دوستان و هم محلی ها

فصل سوم : روش اجرای پژوهش

- جمعیت آماری
- حجم نمونه و روش نمونه گیری
- روش پژوهش
- ابزار گردآوری داده ها
- بررسی اعتبار و روایی پژوهش

جمعیت آماری

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش دبیران خانم شهرستان اسلام شهر می باشند. در شهرستان اسلام شهر در دوره متوسطه ۹۶ آموزشگاه فعال است که از این تعداد ۱۷ واحد دوره تحصیلی پیش دانشگاهی، ۱۸ واحد دوره تحصیلی کار دانش، ۶ واحد دوره تحصیلی بازرگانی و حرفه ای، ۵۱ واحد دوره تحصیلی متوسطه عمومی و ۴ واحد دوره تحصیلی هنرستان فنی می باشند. آموزشگاه های دخترانه مجموعاً ۵۰ واحد می باشند. ۱۰ واحد پیش دانشگاهی، ۹ واحد کار دانش، ۲ واحد بازرگانی و حرفه ای، ۲۸ واحد متوسطه ی عمومی و یک واحد هنرستان فنی. در این آموزشگاه ها ۱۳۱۳۳ دانش آموز دختر مشغول تحصیل می باشند. دبیران شاغل رسمی و پیمانی در این آموزشگاه ها جمعاً ۹۵۲ نفر هستند. این افراد از لحاظ میزان تحصیلات ۳۵ نفر دیپلم و ۱۱۷ نفر فوق دیپلم، ۷۲۲ نفر لیسانس و ۷۸ نفر فوق لیسانس هستند. واحد تحقیق در این پژوهش را هر یک از این دبیران زن تشکیل می دهند که پس از نمونه گیری و سهمیه بندی با مراجعه به آموزشگاه ها در تاریخ ۰۷/۱۰/۸۸ اطلاعات گردآوری شده است.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

از آن جایی که جامعه آماری ما تعداد زیادی را شامل می شود و امکانات محدود پژوهش اجازه ی بررسی تمامی آن ها را نمی دهد ملزم به استفاده از نمونه گیری هستیم. زیرا "اولا مصاحبه با همه ی افراد یک جامعه ی آماری، به علت صرف وقت، انرژی و هزینه ی بسیار زیاد از عهده ی پژوهش گران خارج است. ثانیاً: هرچه تعداد پاسخ گویان بیشتر باشد احتمال اشتباهات در تحقیق بیشتر و به گونه ای دقت تحقیق کاسته خواهد شد." در صورتی که ما با تعداد کمتری مصاحبه کنیم، نتیجه علی الاصول از نظر دقت سنجش چندان تفاوتی با یک همه پرسی نخواهد داشت مشروط بر این که انتخاب این عده ی کم بر اساس ضوابط مشخص و دقیقی باشد. (رفیع پور، ۱۳۸۶: ۳۷۰)

"طبق اصل نمایاسازی نمونه، هدف این است که جمعیتی کوچک و برخوردار از تمامی خصوصیات اساسی جامعه آماری معین شود. نمایایی یا معرف بودن جمعیت نمونه در زمینه های گوناگون تحقیق تمایز می یابد، هنگامی که افراد مورد مطالعه از نظر متغیرهای اساسی تحقیق همگن Homogeneous باشند، هم تعیین حجم نمونه ساده تر است و هم نمونه کوچک تری می تواند معرف کل باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۶۰)

بر این اساس پس از تعیین تعداد جامعه آماری و طرح پرسش نامه ای با توجه به مشخصات جامعه آماری به انجام پیش آزمون پرداخته شد ، پس از انجام آزمون آلفای کرونباخ و به دست آوردن آماره های لازم ، با سطح اطمینان ۰/۹۵ و با استفاده از فرمول کوکران به تعیین حجم نمونه پرداخته شد .

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)$$

$$n = \frac{(1/96)^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} \div \left(1 + \frac{1}{952} \frac{1/96 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right)$$

پس از تعیین حجم نمونه (۲۲۴ نفر) به تعیین سهمیه ی هریک از انواع آموزشگاه ها پرداخته شد . پس از تعمیم حجم جمعیت دبیران هریک از انواع آموزشگاه ها ، سهمیه هر یک تعیین گردید و به تصادف آموزشگاه ها انتخاب شدند و پرسش نامه ها از طریق دبیران این آموزشگاه ها به تصادف انتخاب شده بودند ، تکمیل گردید

جدول ۳-۱ توزیع درصدی انواع آموزشگاه ها و حجم نمونه هریک

نوع آموزشگاه	تعداد	درصد	سهمیه حجم نمونه
متوسطه عمومی	۲۸	۵۶	۱۲۵
پیش دانشگاهی	۱۰	۲۰	۴۵
کار دانش	۹	۱۸	۴۰
بازرگانی و حرفه ای	۲	۴	۹
هنرستان فنی	۱	۲	۵
جمع	۵۰	۱۰۰	۲۲۴

روش پژوهش

در این پژوهش، روش متشکل از دوبرخشی کتابخانه ای و پیمایش است. در بخش کتابخانه ای ابتدا مسئله و اهمیت و هدف آن مطرح گردیده و سپس از منظر تاریخی و حقوقی نگاهی به پیشینه ی نابرابری جنسیتی در جهان و ایران داشتیم.

مروری بر بخشی از مطالعات انجام شده در این زمینه در جهان و ایران بخش دیگر این قسمت است. بخش دیگر مطالعه کتابخانه ای نظریه های جامعه شناختی، برابری جنسیتی را شامل می شود. در نهایت فرضیات به دست آمده از اطلاعات نظری از طریق روش پیمایش آزمایش می گردد.

"روش پیمایش survey امکان توصیف ویژگی های واحد تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها را از طریق استنباط علی میسر می سازد. این روش هم چنین امکان استفاده هم زمان از چندین تکنیک برای گردآوری داده ها را فراهم می آورد و به همین جهت از وسعت دامنه و کارایی و کاربرد فراوان در تحقیقات اجتماعی برخوردار می باشد." (دواس، ۱۳۷۶: ۱۵)

ابزار گردآوری داده ها

چنان که در بخش روش توضیح داده شد گردآوری داده ها در این پژوهش به روش پیمایشی انجام می گیرد. به این منظور از تکنیک پرسش نامه استفاده گردید. این پرسش نامه شامل سه بخش است. دز بخش اول متغیرهای عمومی مثل سن، میزان تحصیلات، طول مدت اشتغال و وضعیت تأهل مطرح می گردد که هر یک پاسخگوی فرضیه ای خواهد بود. دز بخش دوم متغیرهای پایگاه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، رسانه های همگانی و منشأ شهری یا روستایی افراد بررسی می گردد. اینها نیز به نوبه ی خود پاسخ گوی فرضیه های مربوطه خواهند بود. بخش سوم مربوط به سنجش میزان اعتقاد به برابری زن و مرد در جامعه آماری می باشد که

شامل ۳۴ گویه است و میزان گرایش‌ها برابری طلبانه ی افراد جامعه آماری را می‌سنجد ابزار دیگر مورد استفاد در پژوهش نرم افزار spss-win خواهد بود .

بررسی اعتبار و روایی پژوهش

پیش از تعیین حجم نمونه ، پرسش نامه طرح شده به پیش آزمون گذاشته شد . تعداد ۲۸ پرسش نامه توسط دبیران تکمیل گردید . پرسش نامه های مذکور علاوه بر پرسش های مربوط به فرضیه ها دارای ۴۰ گویه بود که پس از پیش آزمون و به دست آوردن نتایج آزمون آلفای کرونباخ در جهت بالا بردن هرچه بیشتر هم بستگی درونی ، تعداد ۶ گویه حذف گردید و ۳۴ گویه با آلفای کرونباخ ۰/۸۰ باقی ماند . روایی مقیاس توسط آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد .

فصل چهارم :

توصیف داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها

توصیف داده ها

در این بخش برای روشن شدن ویژگی های جامعه آماری توصیفی از متغیرهای مختلف مورد بررسی در جمعیت نمونه ارایه خواهد شد.

ابتدا به توصیف ویژگیهای جمعیت شناختی یعنی سن، طول مدت اشتغال منشا شهری و یا روستائی و وضعیت تاهل و سپس به توصیف متغیرهای اجتماعی یعنی میزان استفاده از رسانه های همگانی، پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی و در پایان به توصیف جمعیت نمونه از لحاظ متغیر وابسته که میزان اعتقاد به برابری زن و مرد است پرداخته خواهد شد.

بررسی توصیفی متغیر مستقل سن

الف- ۱۴/۷ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۲۰-۲۹ سال قرار دارند

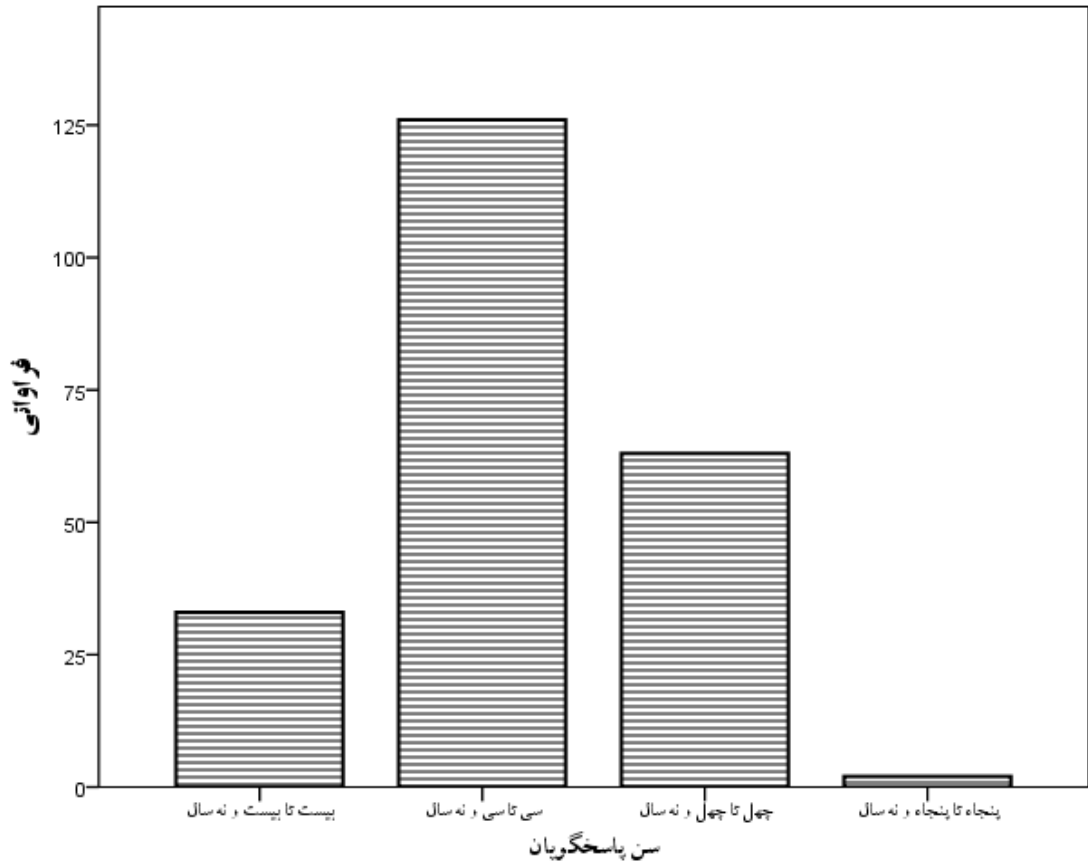
ب- ۵۶/۲ درصد از پاسخگویان در رده ی سنی ۳۰-۳۹ سال قرار دارند

ج- ۲۶/۱ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۴۰-۴۹ سال قرار دارند

د- ۹/۱ درصد از پاسخ گویان بیشتر از ۵۰ سال دارند

میانگین سن پاسخ گویان ۳۴/۵ سال است

موارد فوق نشان دهنده این موضوع است که در جامعه آماری ما تعداد افراد خیلی جوان و خیلی مسن بسیار کم و در حدود ۱۵ درصد می باشد ولی در عوض بیش از ۸۰ درصد جمعیت نمونه بیشتر از ۳۰ و کمتر از ۵۰ سال سن دارند با توجه به این موضوع میتوان نتیجه گیری کرد که پاسخ های پاسخ گویان از عمق و تامل بیشتری برخوردار بوده نشأت گرفته از هیجانانگیز و شور و احساس جوانی نمی باشد در واقع می توان به صحت نتایج پژوهش امیدواری بیشتری داشت.



نمودار شماره ۴-۱ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب متغیر مستقل سن

سن پاسخ گویان	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
بسیست تا بیست و نه سال	۳۳	۱۴,۷	۱۴,۷
سی تا سی و نه سال	۱۲۶	۵۶,۲	۷۱,۰
چهل تا چهل و نه سال	۶۳	۲۸,۱	۹۹,۱
پنجاه تا پنجاه و نه سال	۲	.۹	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۱ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب متغیر مستقل سن

بررسی توصیفی متغیر مستقل وضعیت تاهل

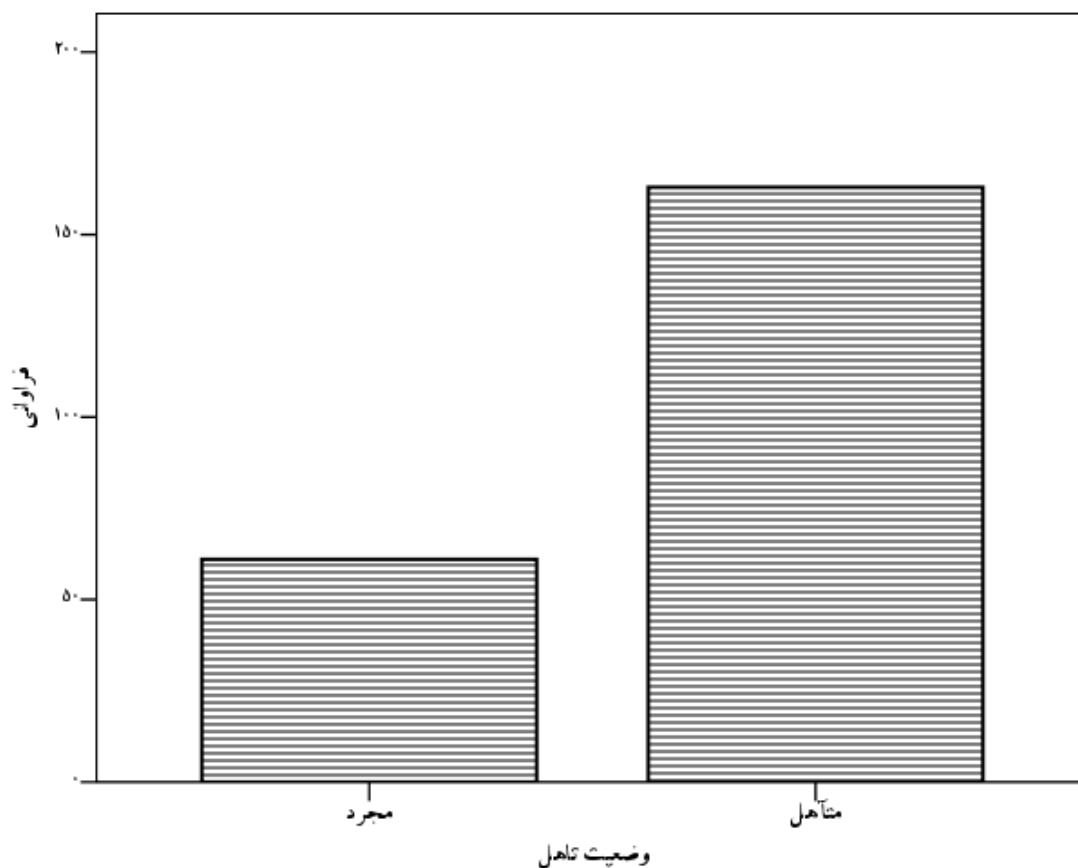
برای بررسی وضعیت تاهل از چهار گزینه مجرد، متاهل، مطلقه، و همسر فوت کرده استفاده شده است

الف- ۲۷/۲ در صد از پاسخ گویان مجرد بوده اند

ب- ۷۲/۸ در صد از پاسخ گویان متاهل بوده اند

ج- هیچ یک از پاسخ گویان مطلقه یا همسر فوت کرده نبوده اند

اکثریت جمعیت نمونه یعنی حدود ۷۳ درصد متاهل و بقیه مجرد بوده اند این نکته که در جمعیت نمونه ۲۲۴ نفری حتی یک مورد مطلقه یا همسر فوت کرده مشاهده نشده کمی تامل برانگیز است از آن جایی که در فرهنگ اجتماعی ما زنان بیوه و مطلقه از جایگاه اجتماعی پایین تری برخوردار هستند (تمامی افراد جامعه دید منفی نسبت به این گروه از زنان دارند زنان آنان را رقیبی برای خود پنداشته و فکر می کنند دامهایی بر سر راه شوهرانشان هستند. و مردان آنان را به چشم طعمه می بینند) شاید این گروه از زنان ترجیح می دهند که وضعیت تاهل خود را پنهان نمایند.



نمودار شماره ۴-۲ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب متغیر مستقل وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
مجرد	61	27/2	27/2
متأهل	163	72/8	100
جمع	224	100	

جدول شماره ۴-۲ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب متغیر مستقل

بررسی توصیفی متغیر مستقل طول مدت اشتغال

الف- ۱/۶ درصد از پاسخ گویان بین ۱ تا ۵ سال سابقه تدریس داشته اند

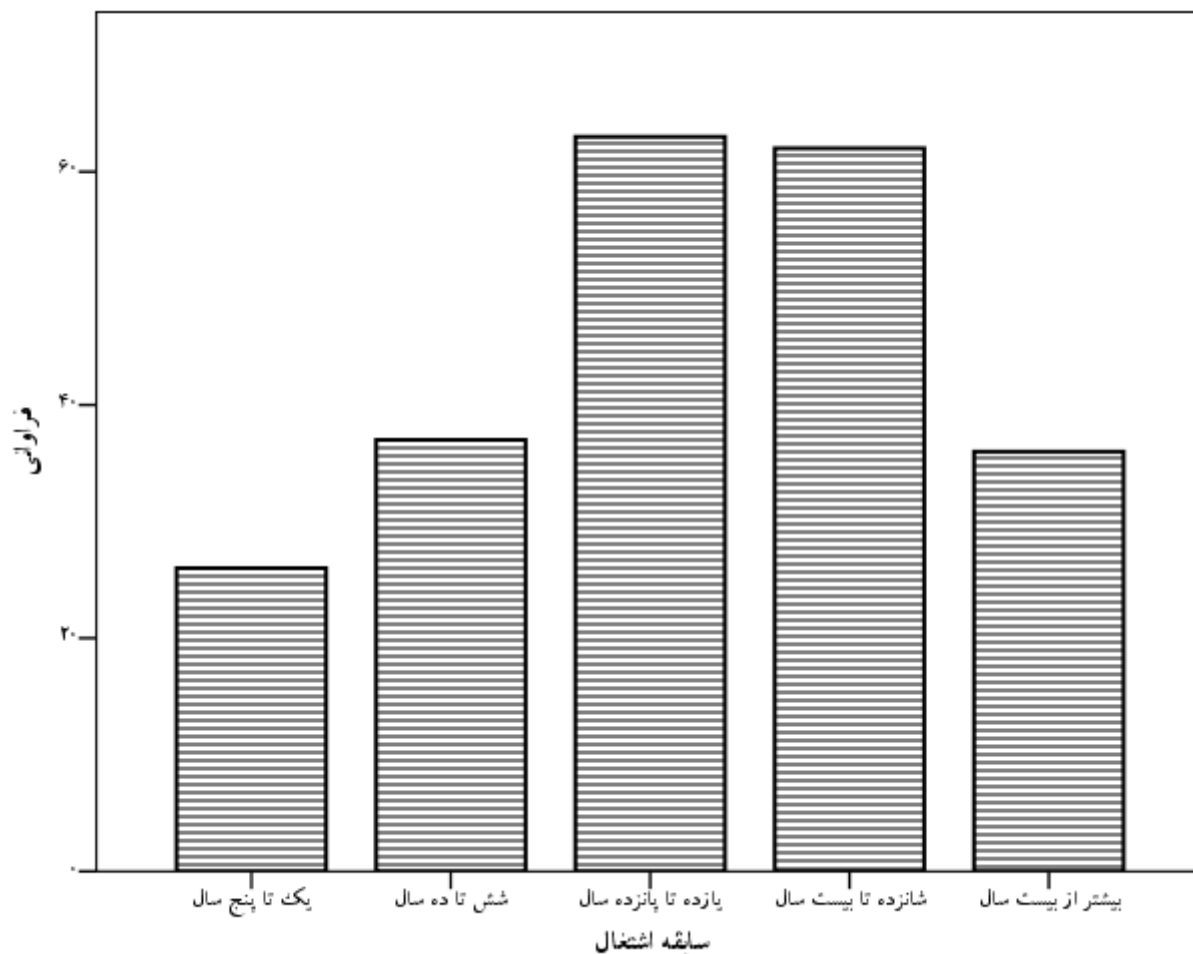
ب- ۱۶/۵ درصد از پاسخ گویان بین ۶ تا ۱۰ سال سابقه تدریس داشته اند

ج- ۲۸/۱ درصد از پاسخ گویان بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه تدریس داشته اند.

د- ۲۷/۷ درصد از پاسخ گویان بین ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه تدریس داشته اند

ه- ۱۶/۱ درصد از پاسخ گویان بیشتر از ۲۰ سال سابقه تدریس داشته اند.

با توجه به موارد فوق می توان گفت که بیش از ۵۵ درصد از پاسخ گویان بین ۱ تا ۲۰ سال سلبه تدریس داشته اند که با توجه به طیف سنی پاسخ گویان کاملاً طبیعی به نظر می رسد همان طور که درباره ی متغیر سن نیز گفته شد سابقه ی اشتغال نسبتاً زیاد پاسخ گویان میتواند نشان دهنده ی حضور زیاد آنان در عرصه ی اجتماعی و کسب تجربیات بیشتر باشد حضور در عرصه ی اجتماع و تعامل با افراد جامعه اعم از زن و مرد موجب پیدایش آگاهی و آشنایی با حقوق افراد می گردد بدیهی است که این افراد خود را نیز دارای حقوق برابر با دیگران دانسته و در مقام دفاع از این حقوق بر می آیند



نمودار شماره ۴-۳ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب متغیر مستقل سابقه ی اشتغال

سابقه اشتغال	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱ تا ۵ سال	۲۶	۱۱/۶	۱۱/۶
۶ تا ۱۰ سال	۳۷	۱۶/۵	۲۸/۱
۱۱ تا ۱۵ سال	۶۳	۲۸/۱	۵۶/۲
۱۶ تا ۲۰ سال	۶۲	۲۷/۷	۸۳/۹
بیشتر از ۲۰ سال	۳۶	۱۶/۱	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

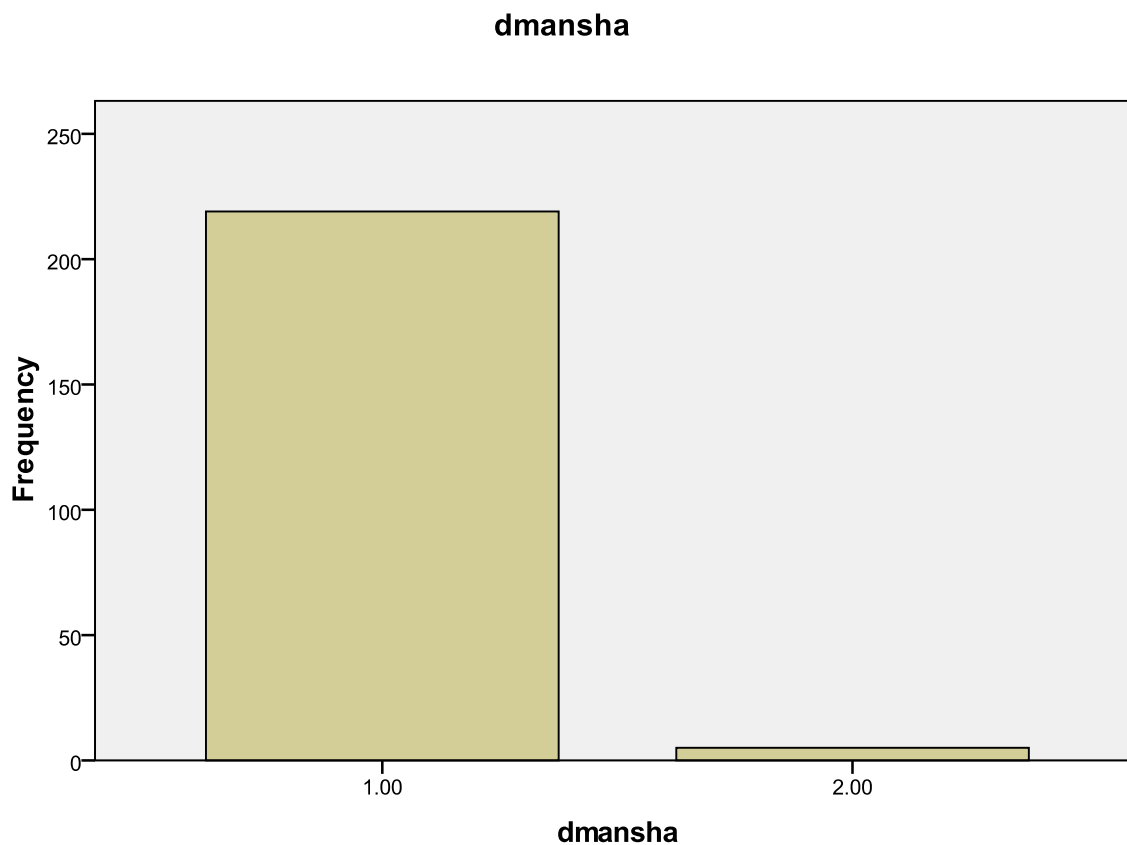
جدول شماره ۴-۳ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب متغیر مستقل سابقه ی اشتغال

-بررسی توصیفی متغیر مستقل محل تولد و سکونت تا ۱۵ سالگی (منشا شهری یا روستایی)

الف- ۹۱/۵ درصد افراد در شهر متولد شده اند و ۸/۵ درصد در روستا

ب- ۹۷/۳ درصد افراد بیشتر عمر خود را تا ۱۵ سالگی در شهر زندگی کرده اند و ۷/۲ درصد در روستا

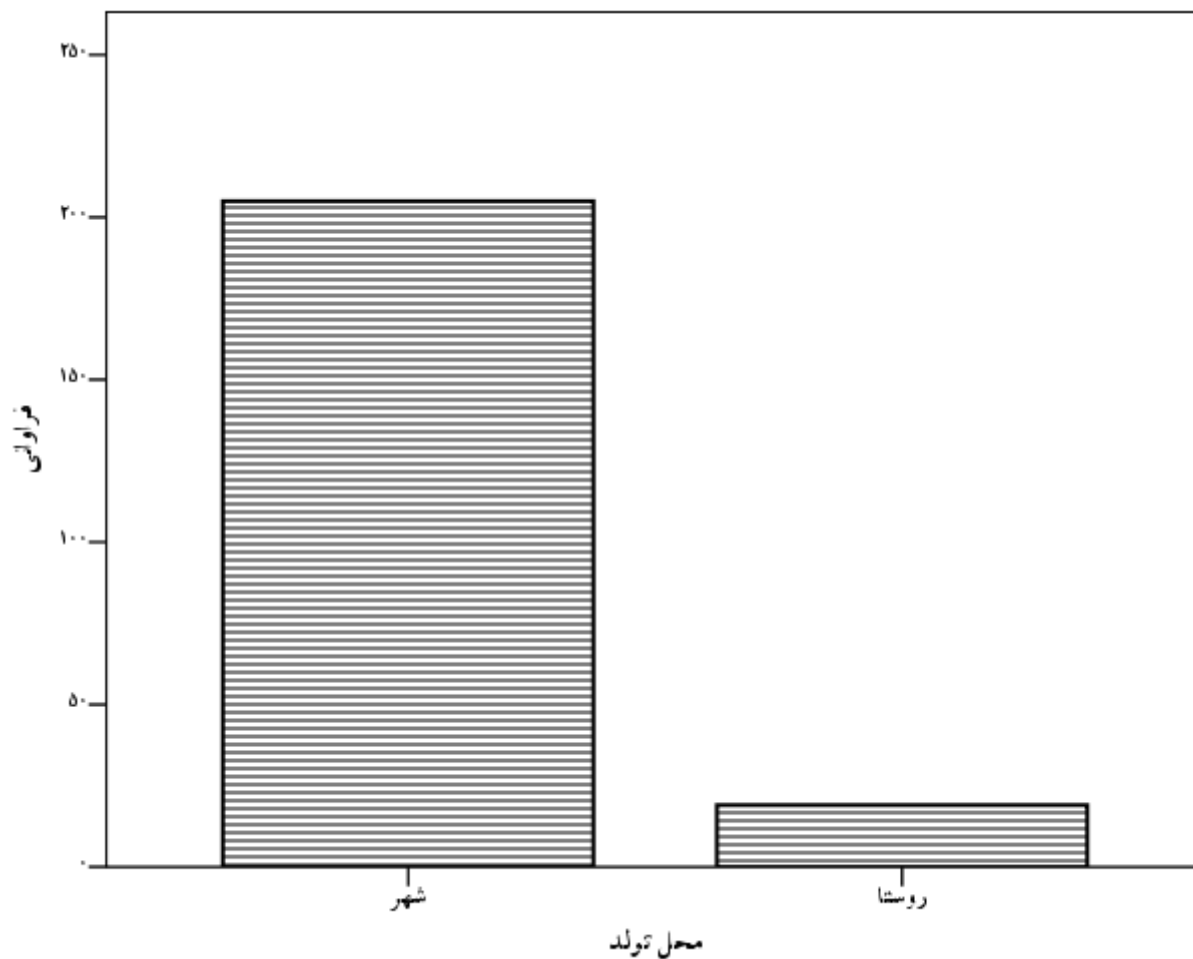
نگاهی گذرا به این موارد نشان می دهد که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت نمونه در شهر متولد شده و زندگی کرده اند به عبارتی تقریباً تمام افراد جمعیت نمونه منشا شهری دارند



نمودار شماره ۴-۴ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب منشاء شهری - روستایی

	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
شهر	۲۱۹	۹۷,۸	۹۷,۸
روستا	۵	۲,۲	۱۰۰
	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۴ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب منشاء شهری - روستایی



نمودار شماره ۴-۴-۱ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب متغیر مستقل محل تولد

	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
شهر	۲۱۸	۹۷/۳	۹۷/۳
روستا	۶	۲/۷	۱۰۰
	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۴-۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب متغیر مستقل محل تولد



نمودار شماره ۴-۴-۲ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب محل زندگی تا پانزده سالگی

	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
شهر	۲۱۸	۹۷/۳	۹۷/۳
روستا	۶	۲/۷	۱۰۰
	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۴-۲ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب محل زندگی تا پانزده

سالگی

بررسی توصیفی متغیر مستقل پایگاه اجتماعی

برای بررسی متغیر پایگاه اجتماعی مؤلفه هایی چون وضعیت منزل مسکونی، داشتن ویلا و اتومبیل شخصی، امکان سفر خارجی، دسترسی به بعضی امکانات رفاهی در نظر گرفته شده منزلت شغلی و تحصیلات نیز در تعیین پایگاه اجتماعی نقش عمده ای دارند ولی از آنجا که جمعیت نمونه از نظر شغلی و تحصیلات در سطح یکسانی قرار دارند برای سنجش منزلت شغلی و تحصیلات از منزلت شغلی و تحصیلات پدر پاسخ گو (در صورت مجرد) همسر پاسخ گو (در صورت تأهل) استفاده شده است. پس از کسب اطلاعات مختلف شاخص پایگاه اجتماعی ساخته شد و پایگاه اجتماعی پاسخ گویان در سه سطح پایین، متوسط و بالا دسته بندی گردید

الف- ۳۲/۶ درصد از پاسخ گویان در پایگاه اجتماعی پایین قرار دارند

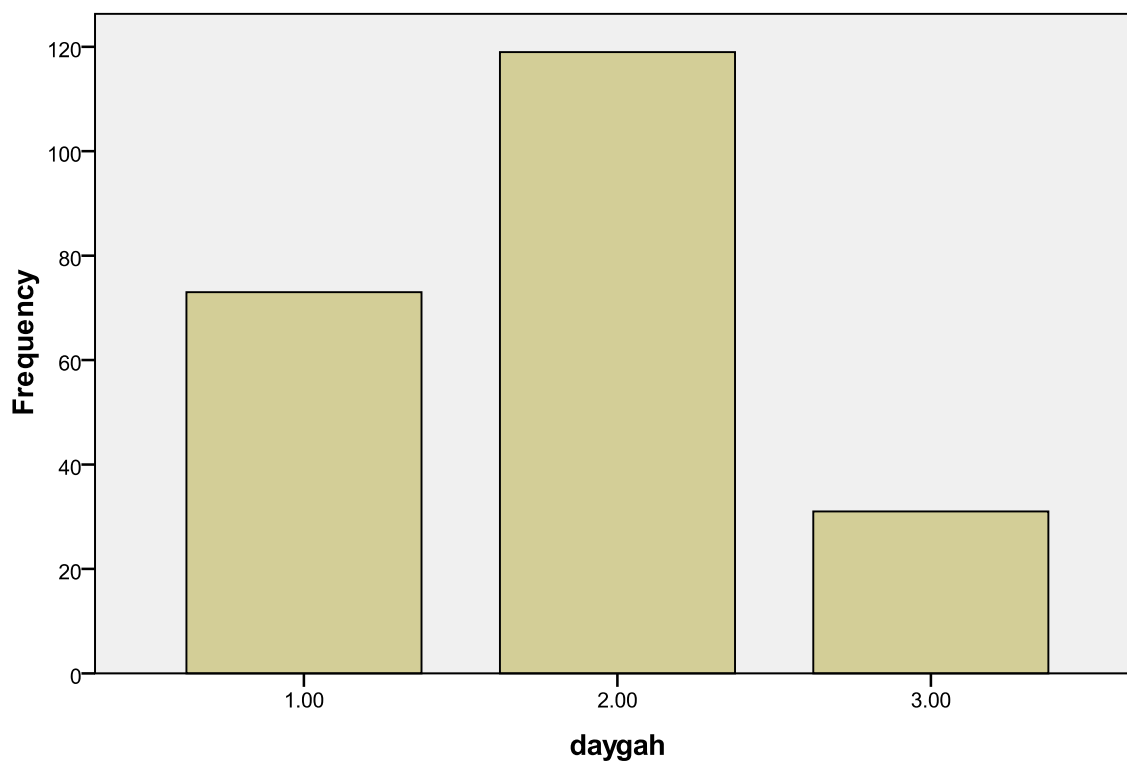
ب- ۵۳/۱ درصد از پاسخ گویان در پایگاه اجتماعی متوسط قرار دارند

ج- ۱۳/۸ درصد از پاسخ گویان در پایگاه اجتماعی بالا قرار دارند

د- ۹۷ درصد از همسران پاسخ گویان متأهل از منزلت شغلی متوسط و بالا برخوردار بوده اند
ه- ۵۴ درصد از پدران پاسخ گویان مجرد از منزلت شغلی متوسط و بالا برخوردار بودند در مجموع می توان گفت که جمعیت نمونه از نظر پایگاه اجتماعی در حد متوسط قرار دارد. همچنین این نکته قابل توجه است که در صد افراد با پایگاه اجتماعی متوسط و بالا در میان متاهلین بسیار چشمگیرتر از مجردین است این بدین معنی است که تحرک اجتماعی در اثر ازدواج در جمعیت نمونه کاملاً مشهود و ملموس است.

آنچه که در بررسی داده ها جلب توجه می کرد این مسئله بود که منزلت شغلی و تحصیلات پدران پاسخ گویان مجرد اکثراً در رده پایین و به ندرت در رده متوسط و بالا و همسران پاسخ گویان متأهل از نظر تحصیلی و شغلی اکثراً در رده متوسط و بعضاً در رده بالا دسته بندی شدند بیشترین فراوانی در تحصیلات پدران ابتدایی و در تحصیلات همسران کارشناسی بود بیشترین فراوانی در منزلت شغلی پدران پایین و در منزلت شغلی همسران متوسط بودند.

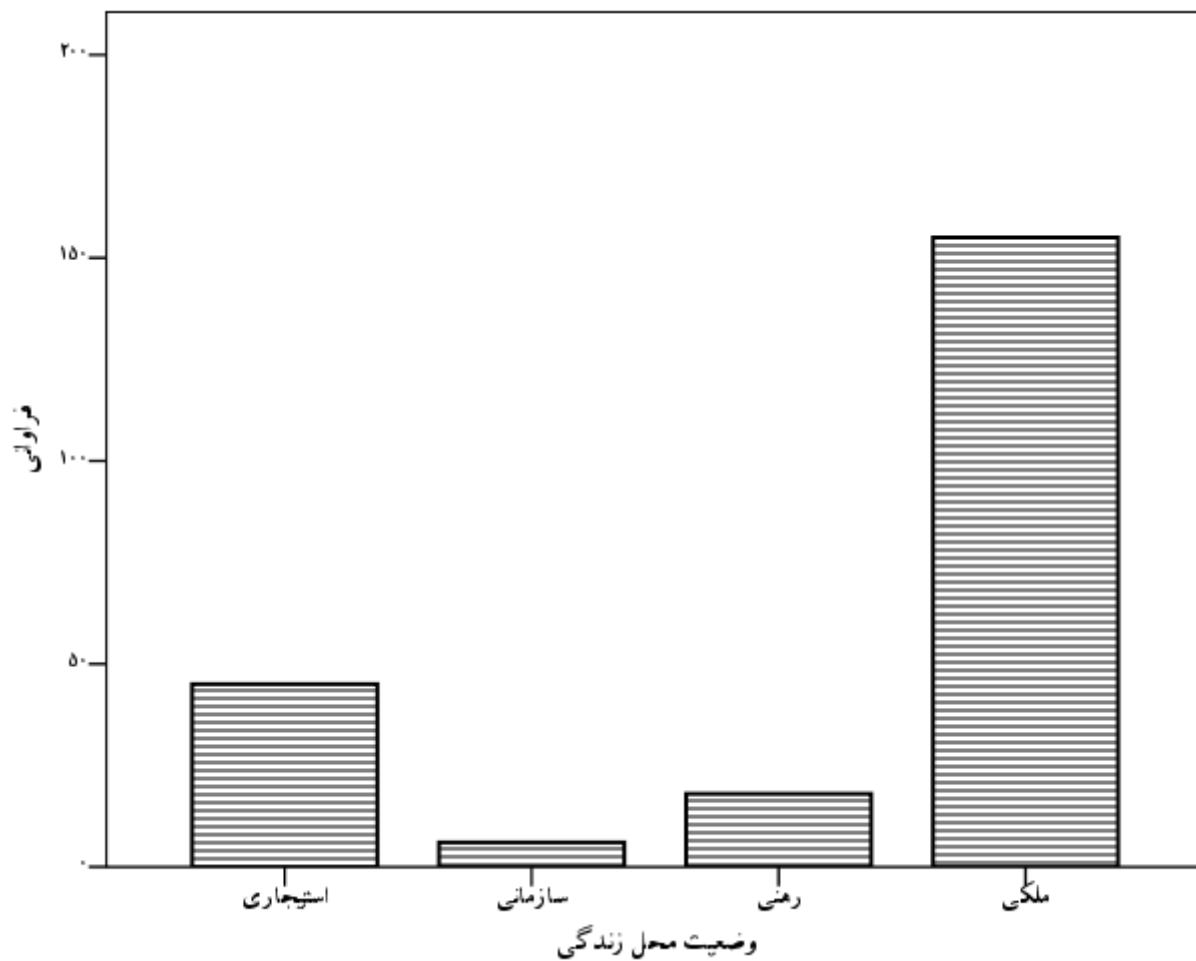
daygah



نمودار ۴-۵ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
پائین	۷۳	۳۲,۶	۳۲,۶
متوسط	۱۱۹	۵۳,۱	۶۶,۱
بالا	۳۱	۱۳,۸	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

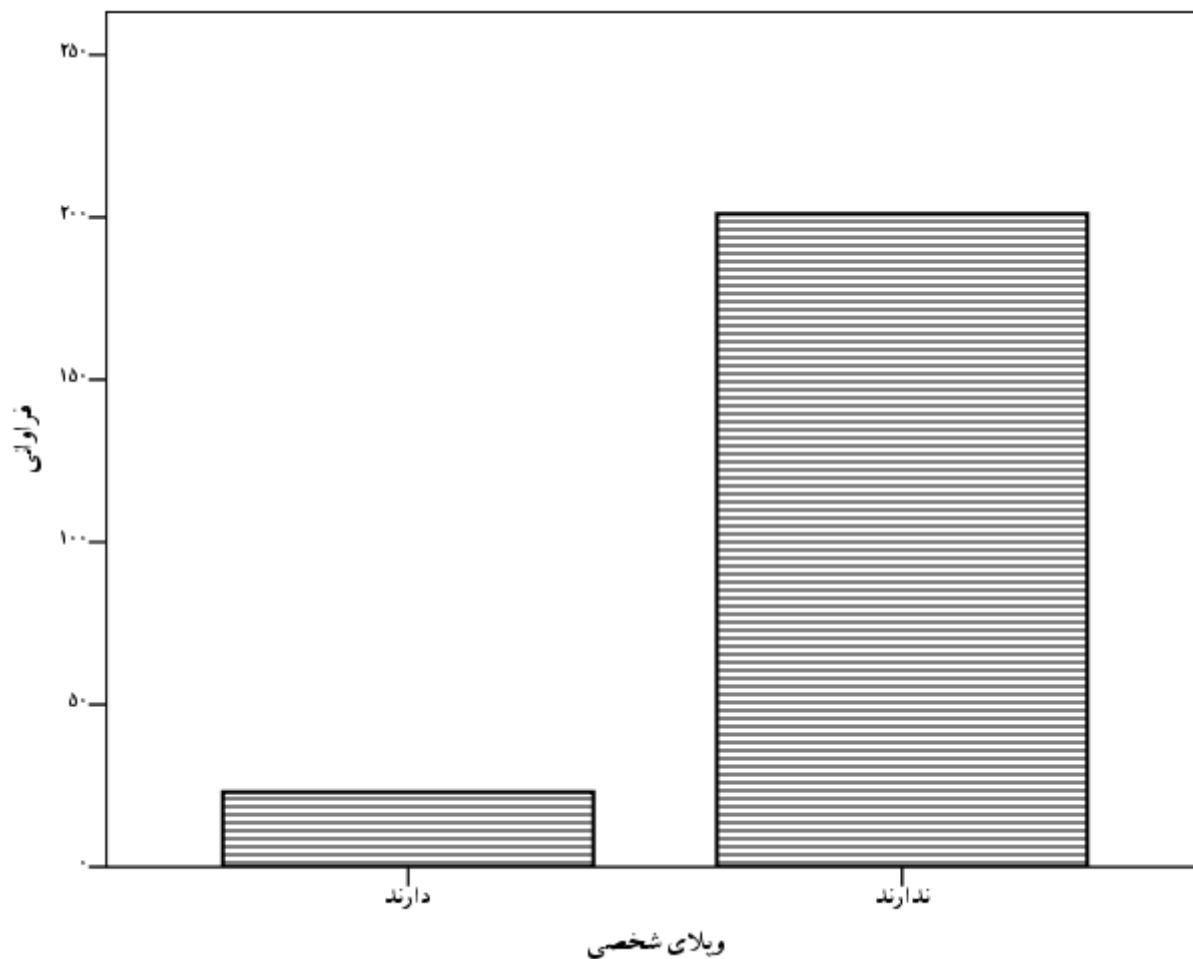
جدول ۴-۵ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب پایگاه اجتماعی



نمودار شماره ۴-۵-۱ توزیع فرآوانی پاسخ گویان بر حسب وضعیت محل زندگی

وضعیت محل زندگی	فرآوانی	درصد	درصد تراکمی
استیجاری	۴۵	۲۰/۱	۲۰/۱
سازمانی	۶	۲/۷	۲۲/۸
رهنی	۱۸	۸	۳۰/۸
ملکی	۱۵۵	۶۹/۲	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۵-۱ توزیع فرآوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب وضعیت محل زندگی

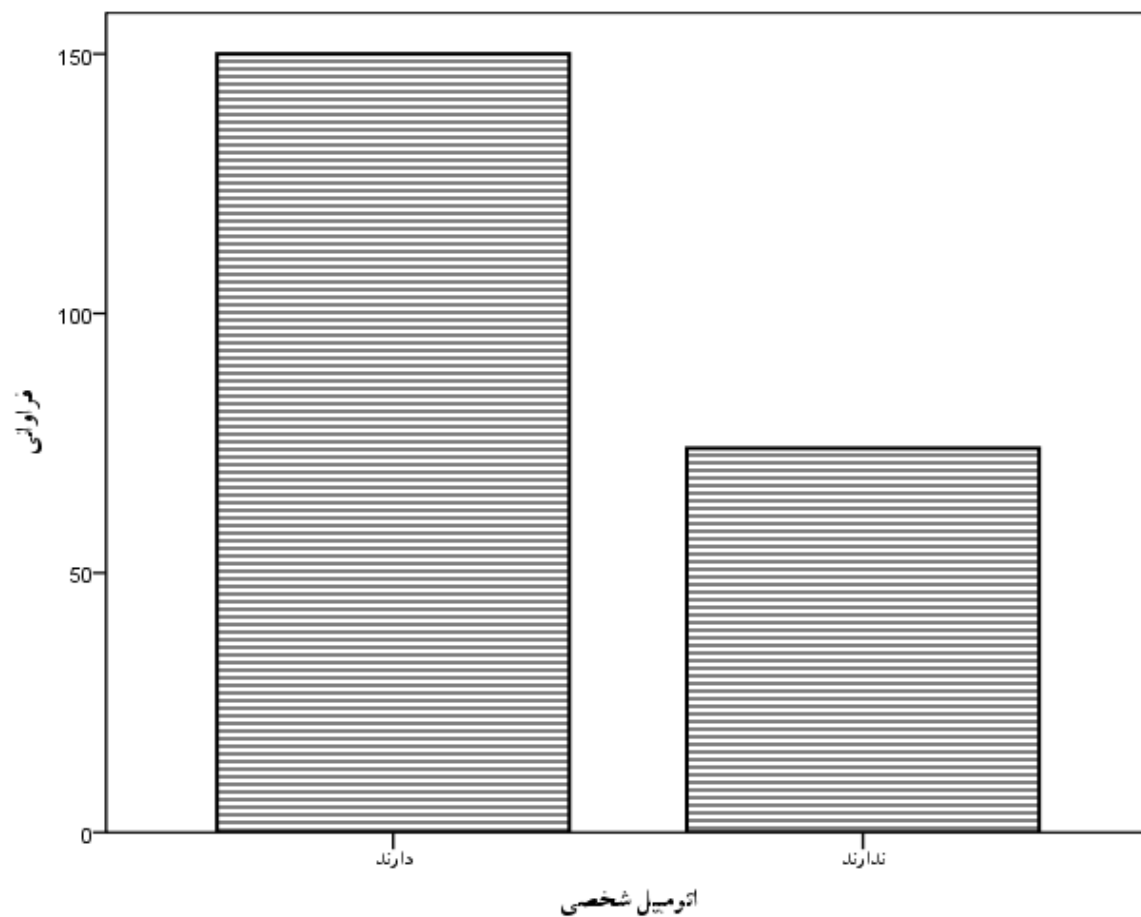


نمودار شماره ۴-۵-۲ توزیع فرآوانی پاسخ گویان بر حسب دارا بودن ویلای شخصی

ویلای شخصی	فرآوانی	درصد	درصد تراکمی
ندارد	۲۳	۱۰/۳	۱۰/۳
دارد	۲۰۱	۸۹/۷	۱۰۰
	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۵-۲ توزیع فرآوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب دارا بودن ویلای

شخصی



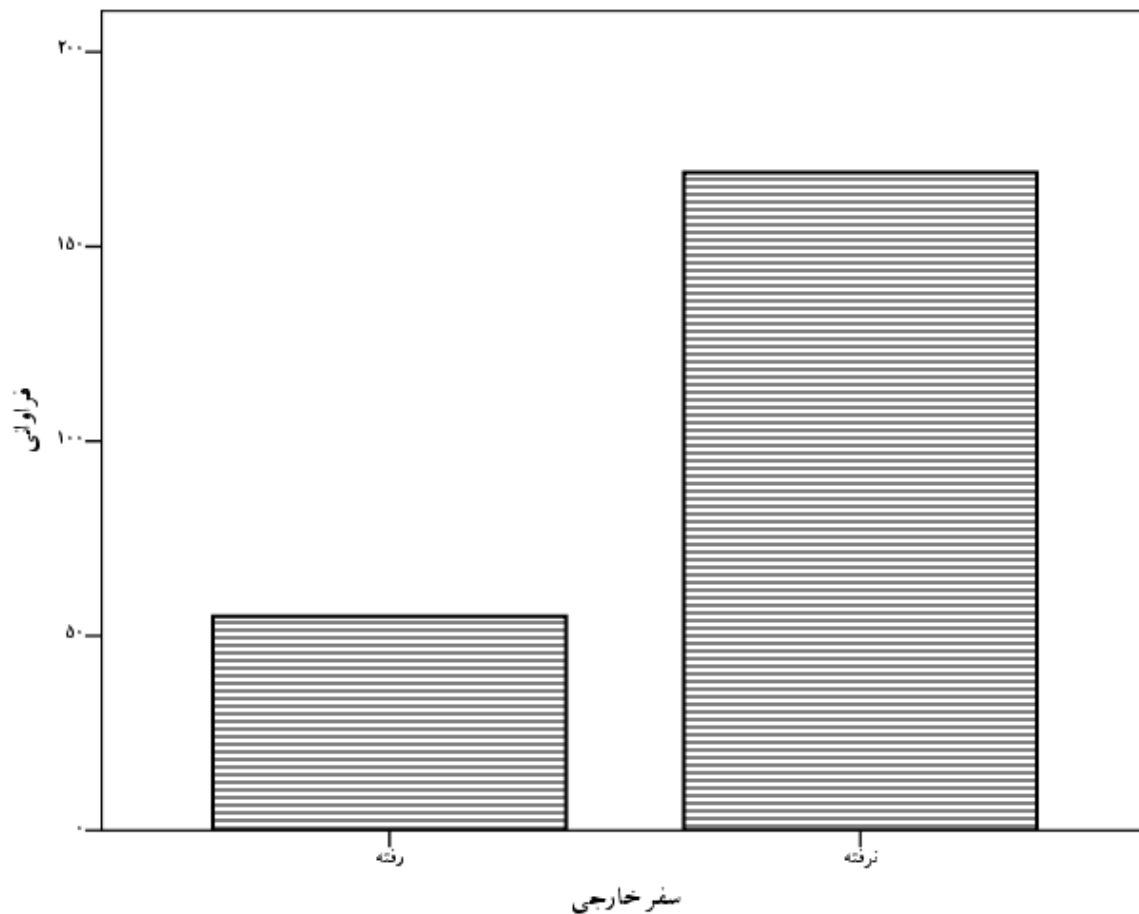
نمودار شماره ۴-۵-۳ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دارا بودن اتومبیل شخصی

شخصی

اتومبیل شخصی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
دارند	۱۵۰	۶۷	۶۷
ندارند	۷۴	۳۳	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۵-۳ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دارا بودن اتومبیل شخصی

شخصی

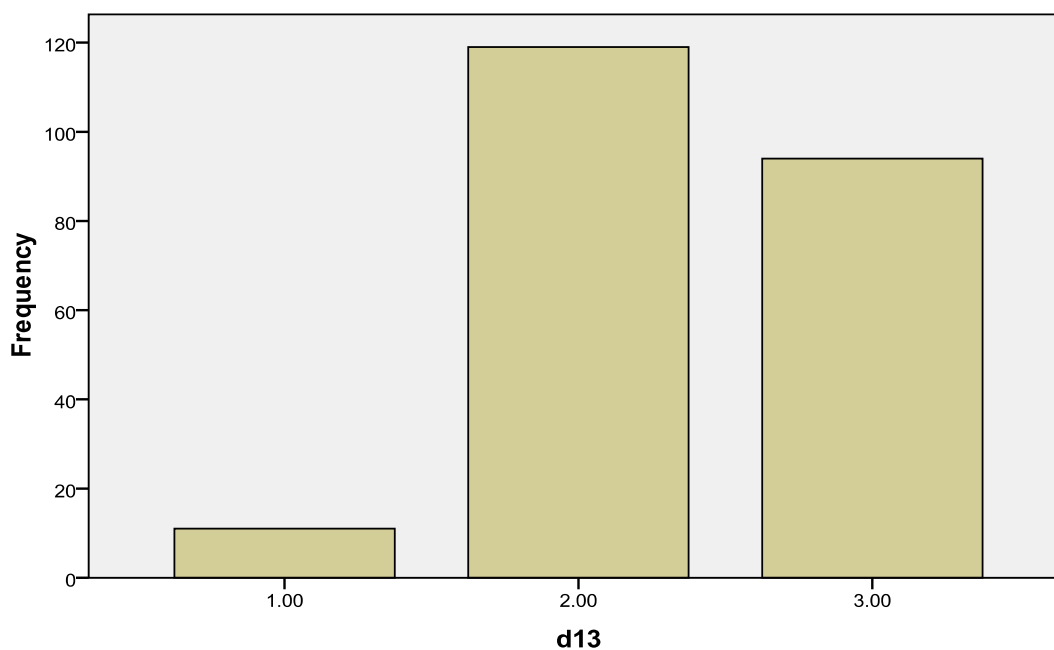


نمودار شماره ۴-۵-۴ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب امکان سفر خارجی

امکان سفر خارجی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
دارد	۵۵	۲۴/۶	۲۴/۶
ندارد	۱۶۹	۷۵/۴	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۵-۴ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب امکان سفر خارجی

d13

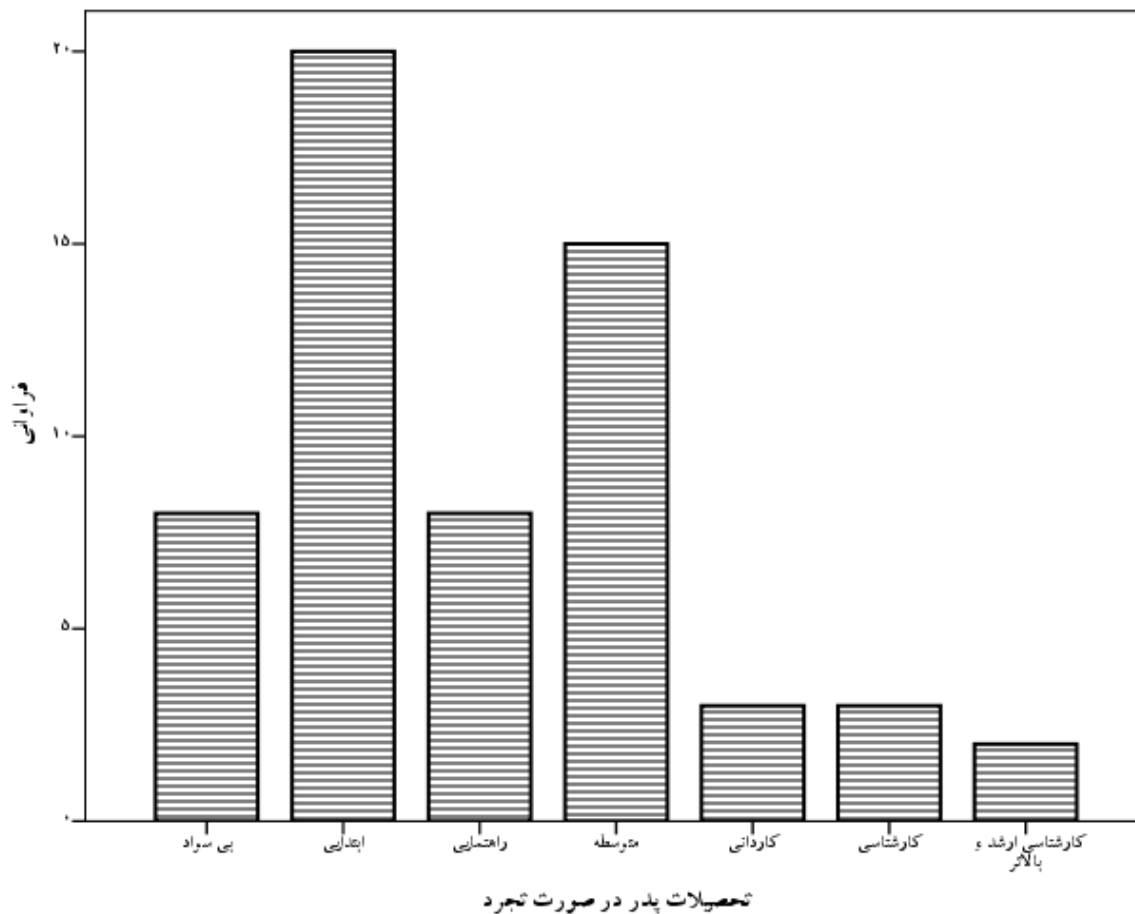


نمودار شماره ۴-۵-۵ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسی به امکانات رفاهی

دسترسی وسایل رفاهی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
کم	۱۱	۴/۹	۴/۹
متوسط	۱۱۹	۵۳/۱	۵۸
زیاد	۹۴	۴۲	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

جدول شماره ۴-۵-۵ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسی به امکانات

رفاهی

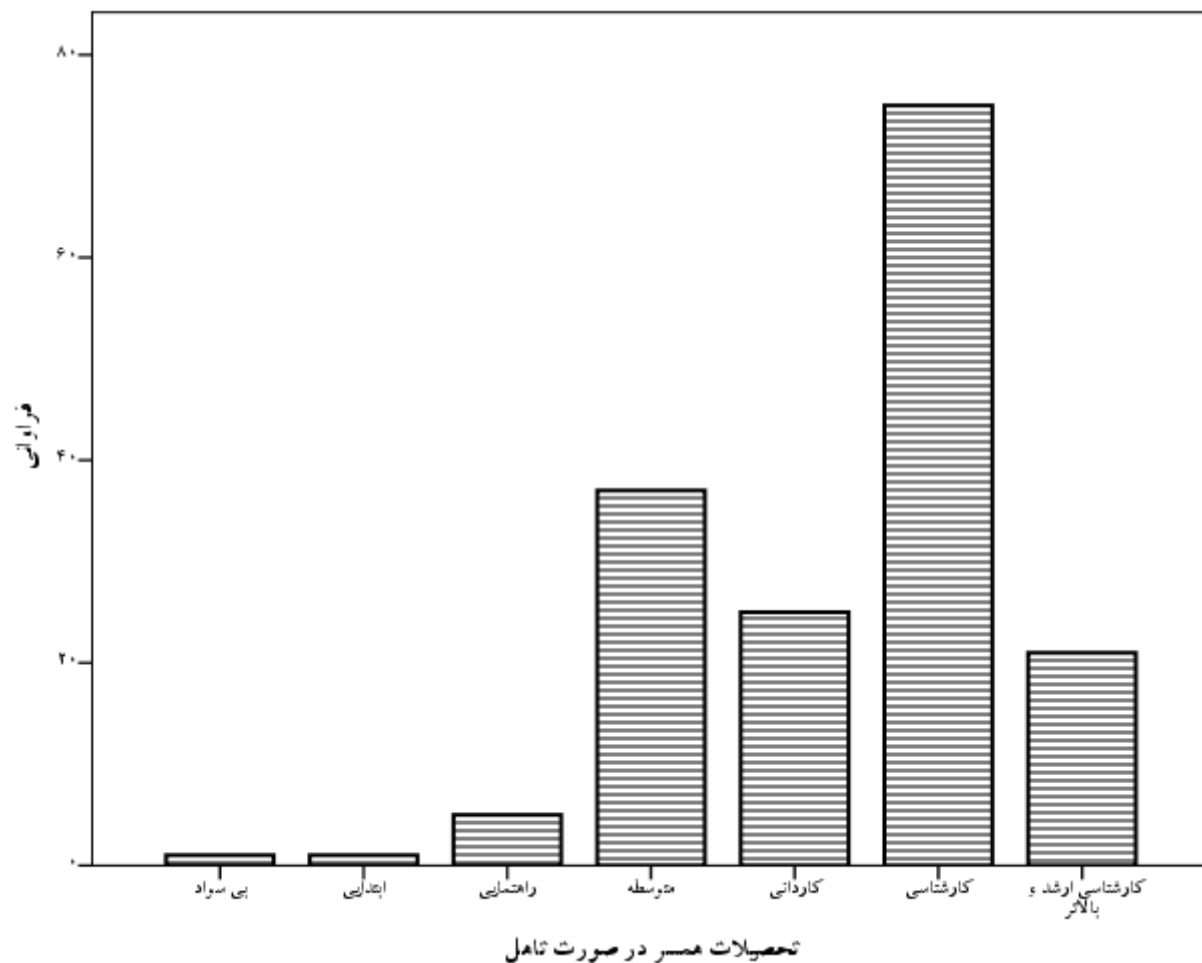


نمودار شماره ۴-۵-۶ توزیع فراوانی پاسخ گویان مجرد بر حسب تحصیلات پدر

تحصیلات پدر در صورت مجرد	فراوانی	درصد	
		فراوانی	تراکمی
بی سواد	8	۱۳,۶	۱۳,۶
ابتدایی	20	۳۳,۹	۴۷,۵
راهنمایی	8	۱۳,۶	۶۱,۰
متوسطه	15	۲۵,۴	۸۶,۴
کاردانی	3	۵,۱	۹۱,۵
کارشناسی	3	۵,۱	۹۶,۶
کارشناسی ارشد و بالاتر	2	۳,۴	۱۰۰,۰
جمع	59	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۵-۶ توزیع فراوانی و

درصد پاسخ گویان مجرد بر حسب تحصیلات پدر

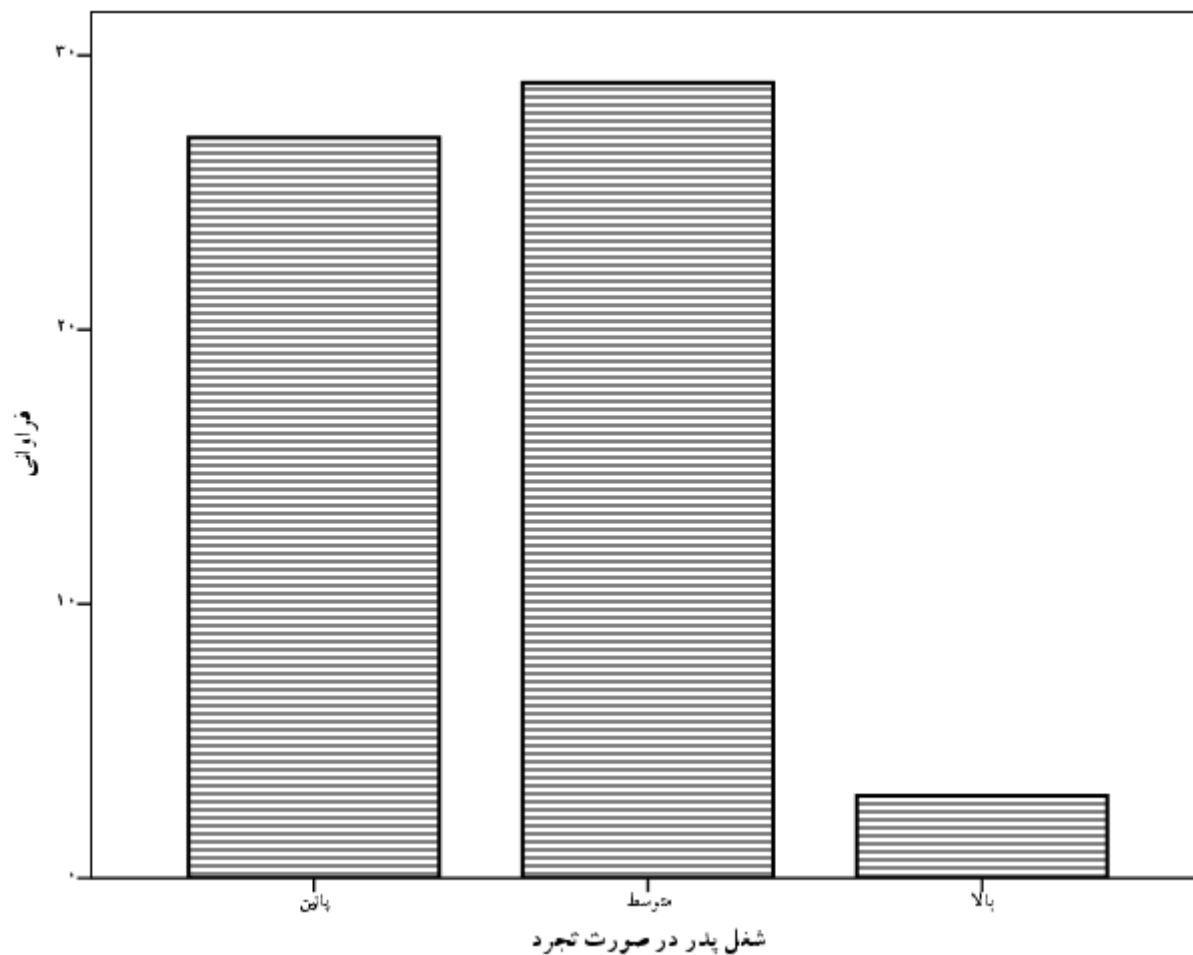


نمودار شماره ۴-۵-۷ توزیع فراوانی پاسخ گویان متأهل برحسب تحصیلات همسر

تحصیلات همسر در صورت تاهل	فراوانی	درصد	
		فراوانی	درصد تراکمی
بی سواد	1	.6	.6
ابتدایی	1	.6	1,2
راهنمایی	5	3,0	4,2
متوسطه	37	22,4	26,7
کاردانی	25	15,2	41,8
کارشناسی	75	45,5	87,3
کارشناسی ارشد و بالاتر	21	12,7	100,0
جمع	165	100,0	

جدول شماره ۴-۵-۷ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان متأهل برحسب تحصیلات

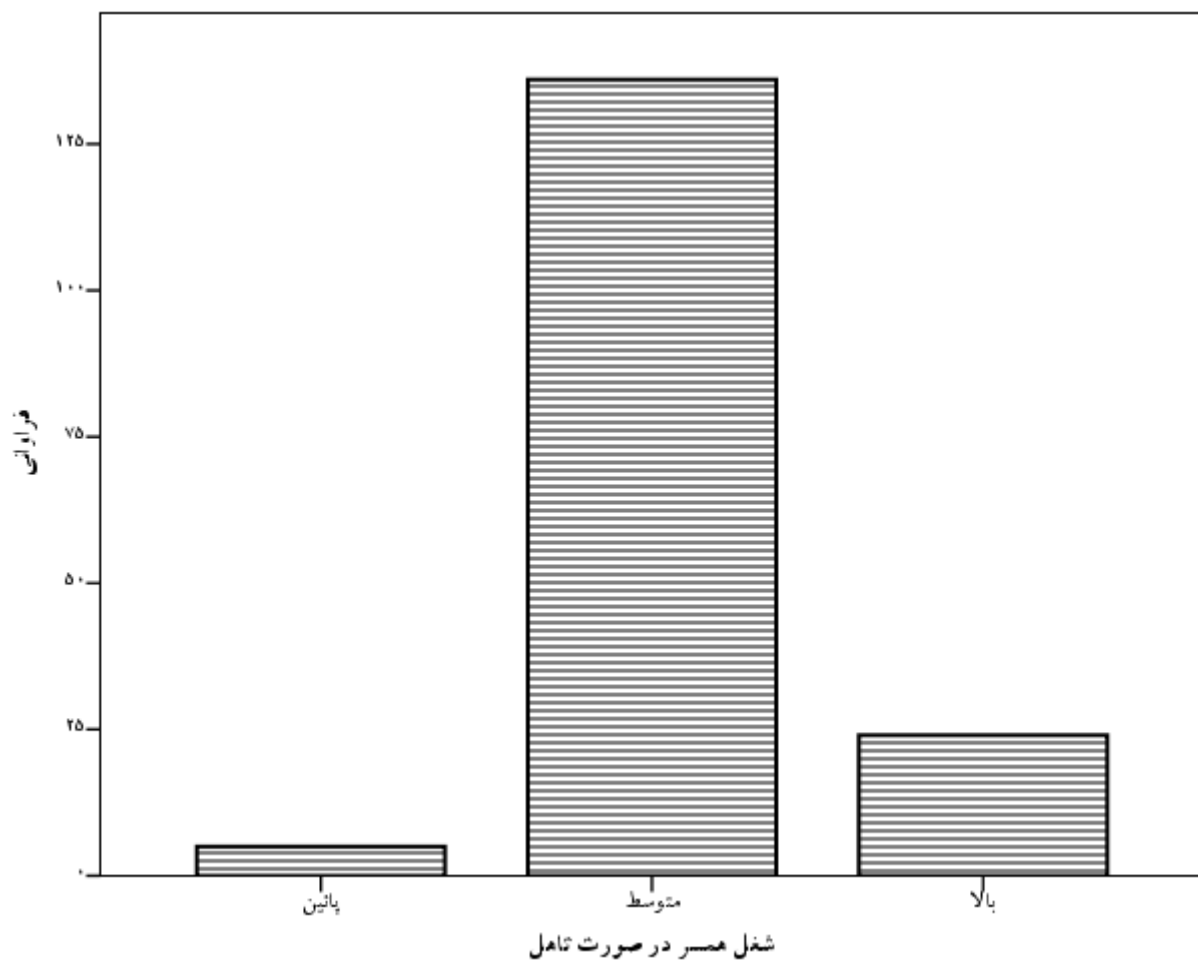
همسر



نمودار شماره ۴-۵-۸ توزیع فراوانی پاسخ گویان مجرد برحسب شغل پدر

منزلت شغلي پدر در صورت مجرد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
پائین	۲۷	۴۵,۸	۴۵,۸
متوسط	۲۹	۴۹,۲	۹۴,۹
بالا	۳	۵,۱	۱۰۰,۰
جمع	۵۹	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۵-۸ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان مجرد برحسب شغل پدر



نمودار شماره ۴-۵-۹ توزیع فراوانی پاسخ گویان متأهل بر حسب شغل همسر

منزلت شغلی همسر در صورت تأهل	درصد		درصد تراکمی
	فراوانی	فراوانی	
پائین	۵	۳,۰	۳,۰
متوسط	۱۳۶	۸۲,۴	۸۵,۵
بالا	۲۴	۱۴,۵	۱۰۰,۰
جمع	۱۶۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۵-۹ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان متأهل بر حسب شغل همسر

بررسی توصیفی متغیر مستقل میزان استفاده از رسانه های همگانی

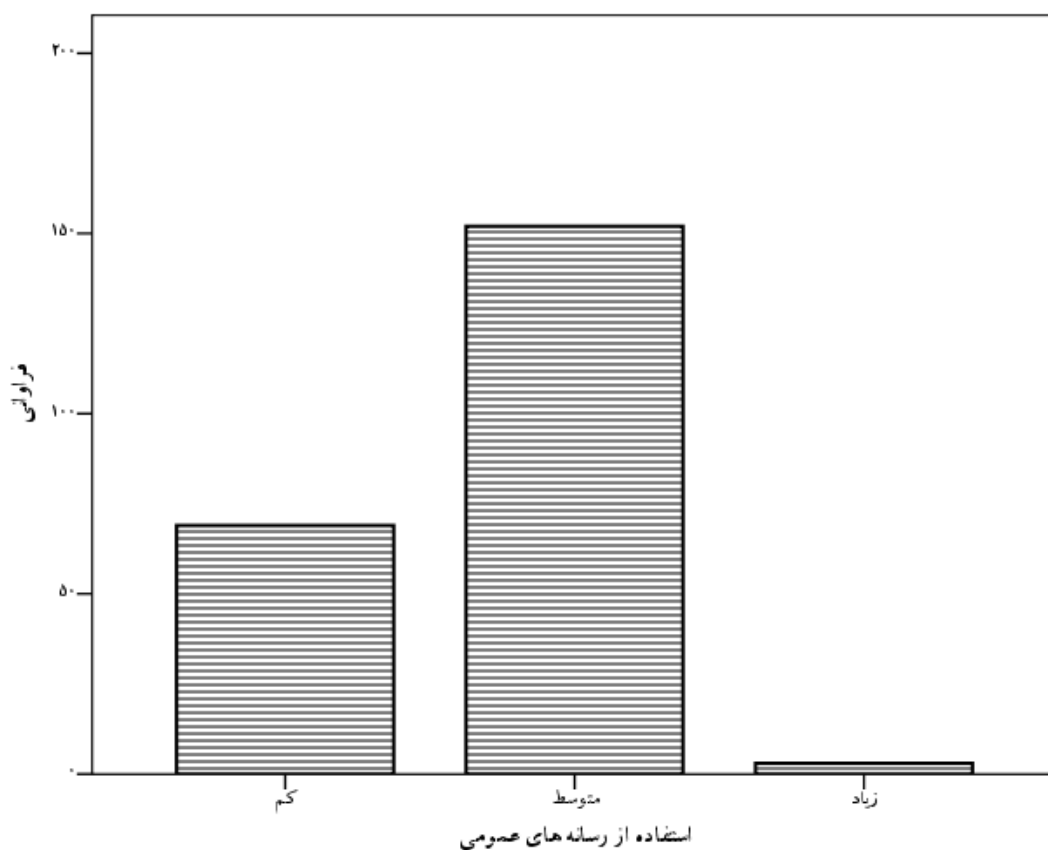
برای بررسی میزان استفاده از رسانه های همگانی از میزان استفاده از رسانه هایی چون رادیو ، تلویزیون ، ماهواره ، اینترنت ، کتاب ، مجله ، روزنامه ، سینما و تئاتر پرسش گردید . میزان استفاده با گزینه های اصلا ، کم ، گاهی اوقات ، بیشتر اوقات، و بطور مرتب مورد بررسی قرار گرفت.

بشترین فراوانی در استفاده از رادیو و سینما گزینه ی کم ، بیشترین فراوانی در استفاده از تئاتر و ماهواره گزینه اصلا، بیشترین فراوانی در استفاده از تلویزیون ، اینترنت ، کتاب ، مجله و روزنامه گزینه گاهی اوقات بوده است .

نکته ی جالب توجه این است که بیشترین فراوانی در هیچ یک از رسانه ها گزینه ی بطور مرتب نبوده است .

در مجموع شواهد نشان می دهد که پاسخ گویان از رسانه های همگانی به میزان مطلوب استفاده نمی نمایند و البته با توجه به نتایج پژوهش های دیگر در زمینه ی مطالعه در کشور ما چندان عجیب به نظر نمی رسد . نکته ی دیگری که لازم است درباره ی آن توضیح داده شود میزان استفاده از ماهواره است که به نظر می رسد پاسخ گویان در پاسخ دادن به پرسش مربوطه با توجه به شرایط اجتماعی دچار تردید بوده اند و از ابراز نظر صریح خودداری کرده اند اکثر پاسخ گویان گفته اند که اصلا از ماهواره استفاده نمی کنند . مورد دیگری که اکثریت پاسخ گویان

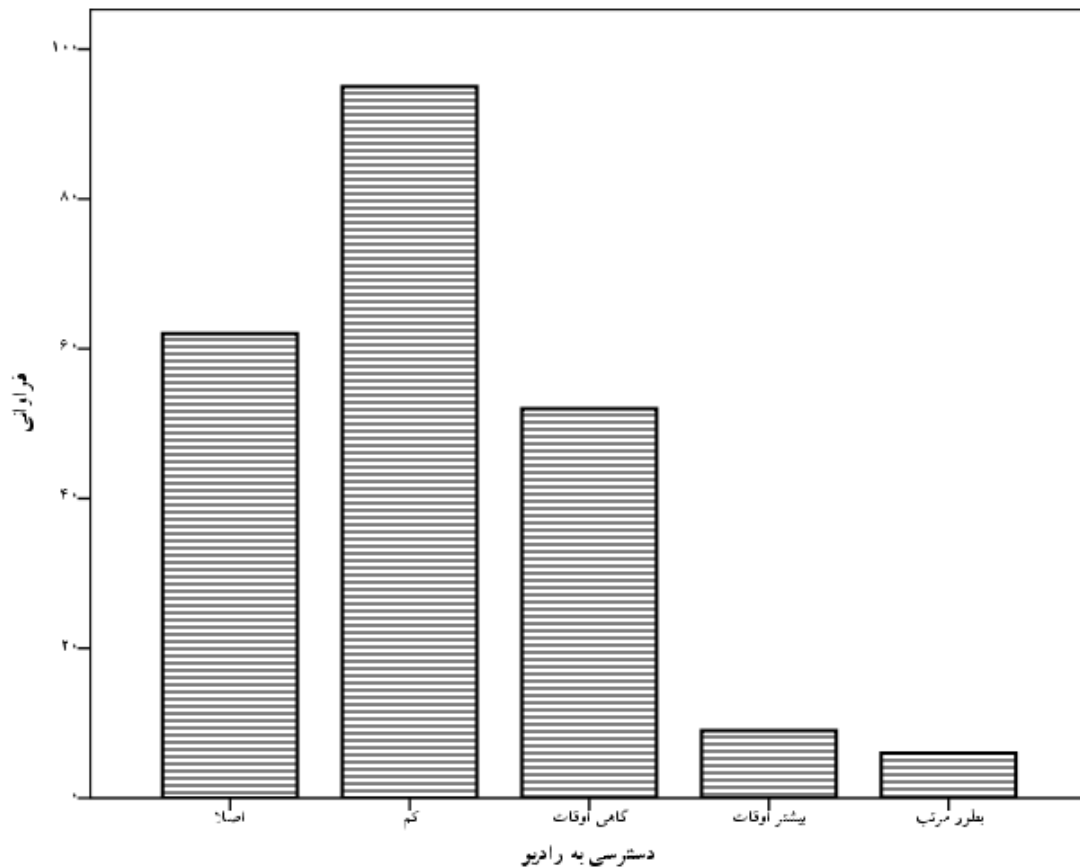
اصلاً از آن استفاده نمی کرده اند تئاتر بوده است که با توجه به جایگاه و نقش تئاتر در کشور ما کاملاً طبیعی به نظر می رسد .



نمودار شماره ۴-۶ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب استفاده از رسانه های عمومی

استفاده از رسانه های عمومی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
زیاد	۳	۱,۳	۱,۳
کم	۶۹	۳۰,۸	۳۲,۱
متوسط	۱۵۲	۶۷,۹	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

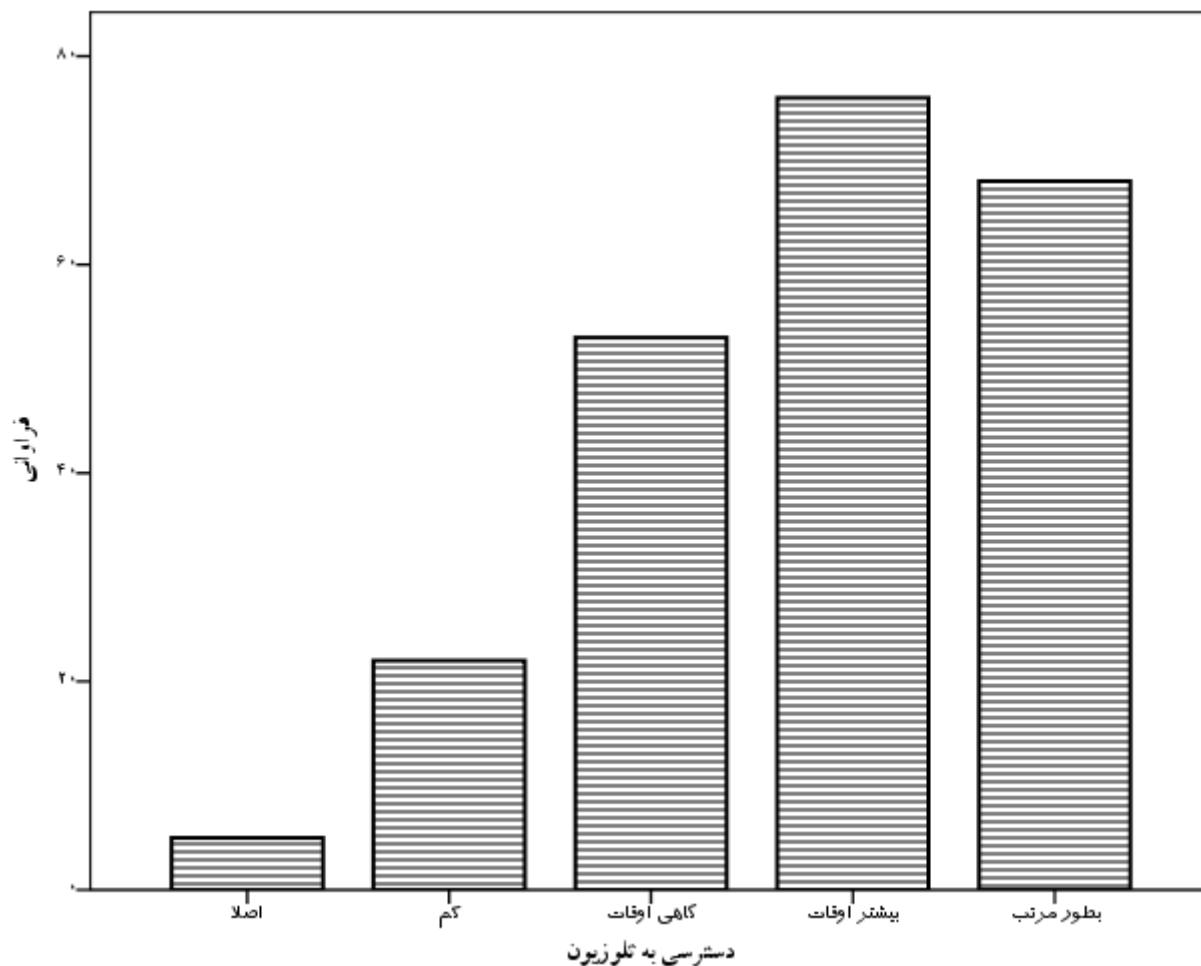
جدول شماره ۴-۶ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب استفاده از رسانه های عمومی



نمودار شماره ۴-۶-۱ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسی به رادیو

دسترسی به رادیو	فراوانی	درصد	
		فراوانی	تراکمی
اصلا	62	27,7	27,7
کم	95	42,4	70,1
گاهی اوقات	52	23,2	93,3
بیشتر اوقات	9	4,0	97,3
بطور مرتب	6	2,7	100,0
جمع	224	100,0	

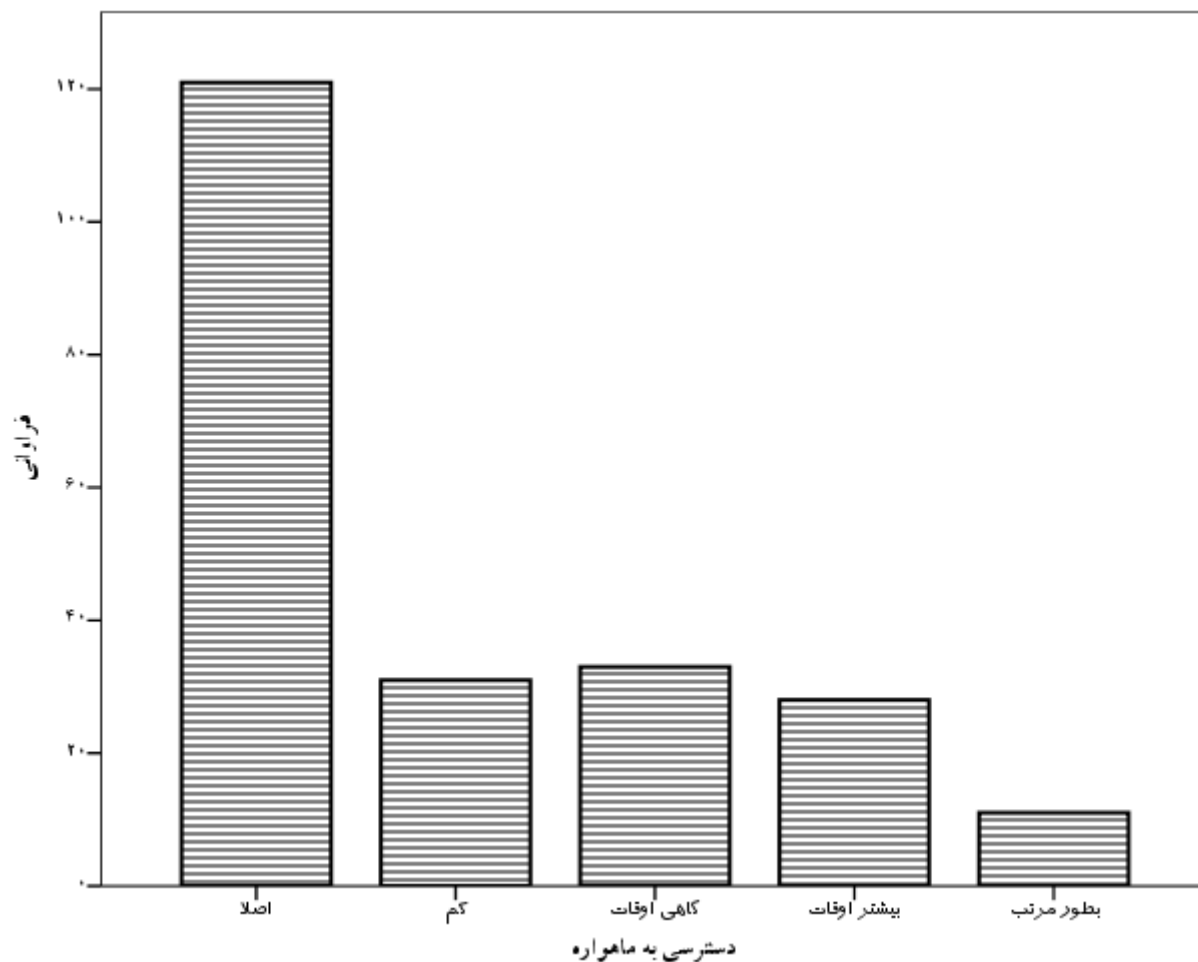
جدول شماره ۴-۶-۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسي به راديو



نمودار شماره ۴-۶-۲ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسي به تلویزیون

دسترسى به تلویزیون	درصد		درصد تراکمی
	فراوانی	درصد	
اصلا	۵	۲,۲	۲,۲
کم	۲۲	۹,۸	۱۲,۱
گاهی اوقات	۵۳	۲۳,۷	۳۵,۷
بیشتر اوقات	۷۶	۳۳,۹	۶۹,۶
بطور مرتب	۶۸	۳۰,۴	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	

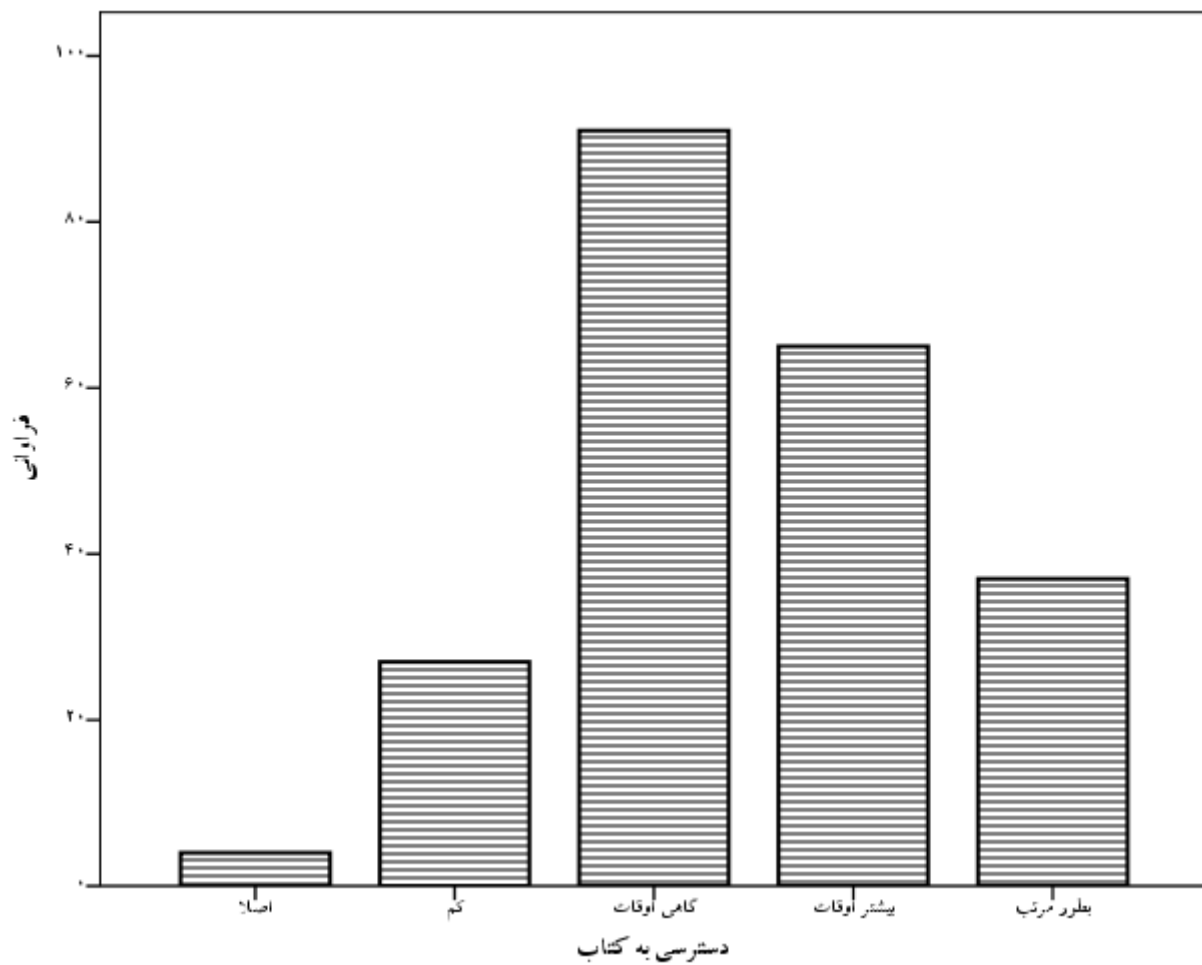
جدول شماره ۴-۶-۲ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسی به تلویزیون



نمودار شماره ۴-۶-۳ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسی به ماهواره

دسترسى به ماهواره	درصد		درصد تراكمى
	فراوانى	فراوانى	
اصلا	۱۲۱	۵۴,۰	۵۴,۰
كم	۳۱	۱۳,۸	۶۷,۹
گاهى اوقات	۳۳	۱۴,۷	۸۲,۶
بیشتر اوقات	۲۸	۱۲,۵	۹۵,۱
بطور مرتب	۱۱	۴,۹	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

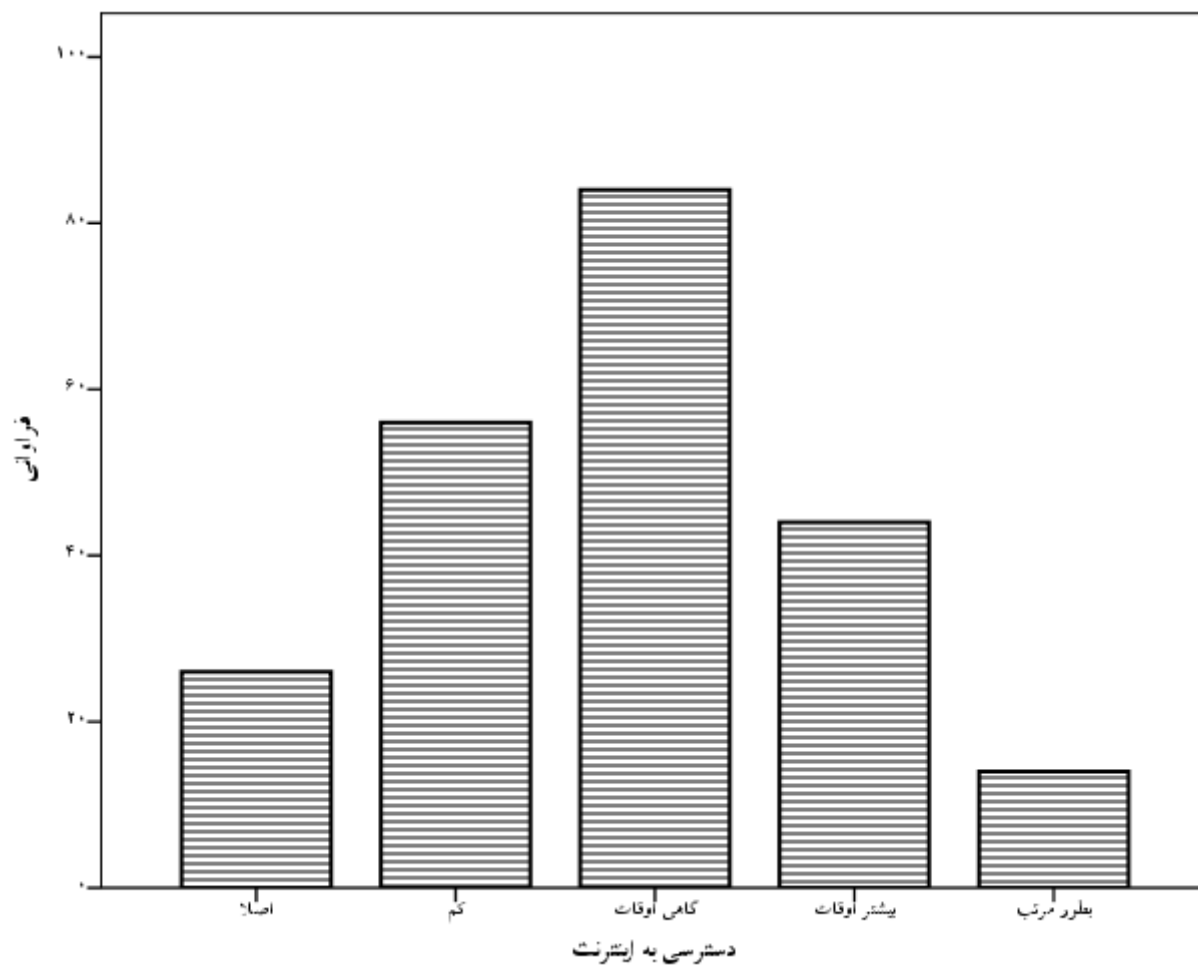
جدول شماره ۴-۶-۳ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسى به ماهواره



نمودار شماره ۴-۶-۴ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسى به كتاب

دسترسی به کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
اصلا	۴	۱,۸	۱,۸
کم	۲۷	۱۲,۱	۱۳,۸
گاهی اوقات	۹۱	۴۰,۶	۵۴,۵
بیشتر اوقات	۶۵	۲۹,۰	۸۳,۵
بطور مرتب	۳۷	۱۶,۵	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

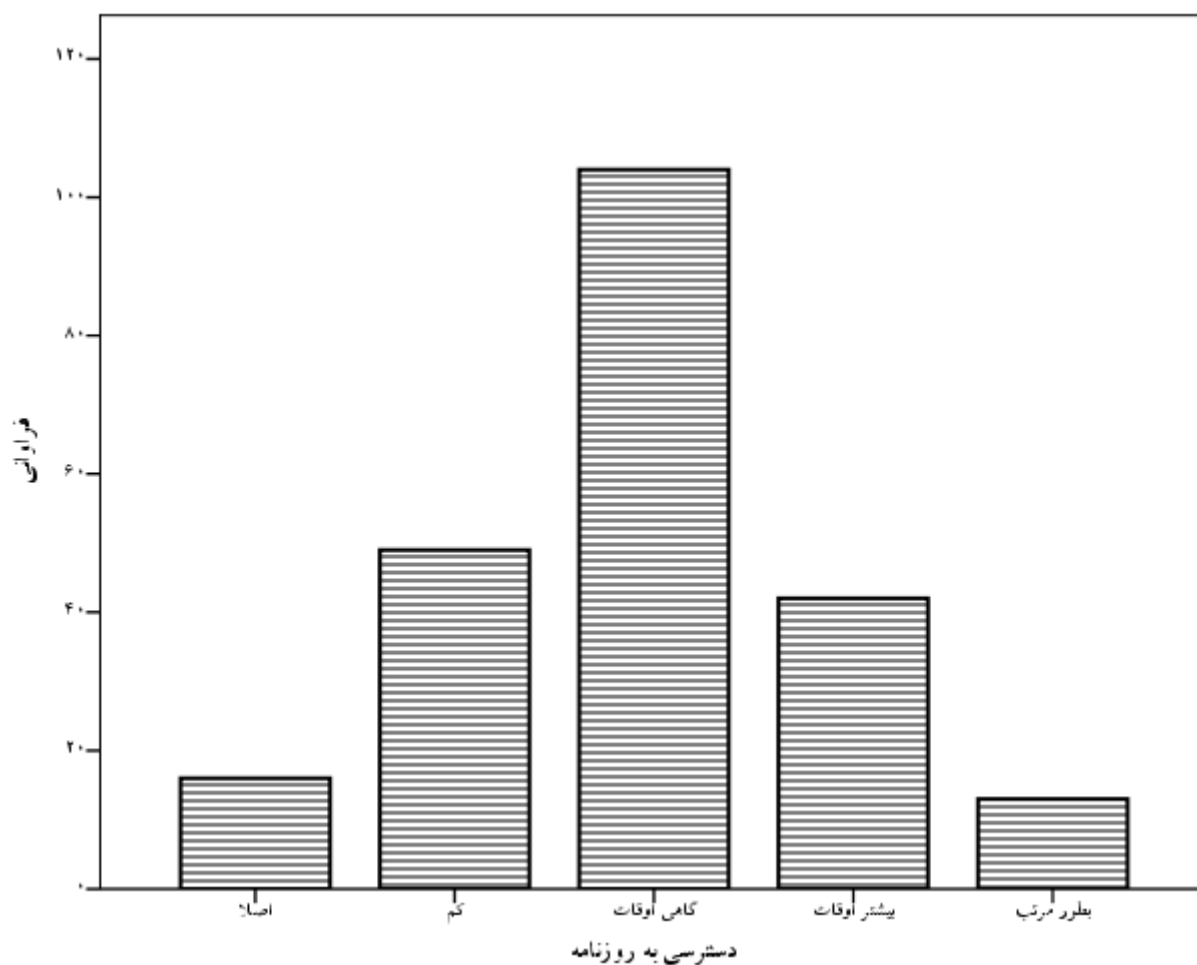
جدول شماره ۴-۶-۴ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب دسترسی به کتاب



نمودار شماره ۴-۶-۵ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب دسترسی به اینترنت

دسترسی به اینترنت	درصد		درصد تراکمی
	فراوانی	فراوانی	
اصلا	۲۶	۱۱,۶	۱۱,۶
کم	۵۶	۲۵,۰	۳۶,۶
گاهی اوقات	۸۴	۳۷,۵	۷۴,۱
بیشتر اوقات	۴۴	۱۹,۶	۹۳,۸
بطور مرتب	۱۴	۶,۲	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

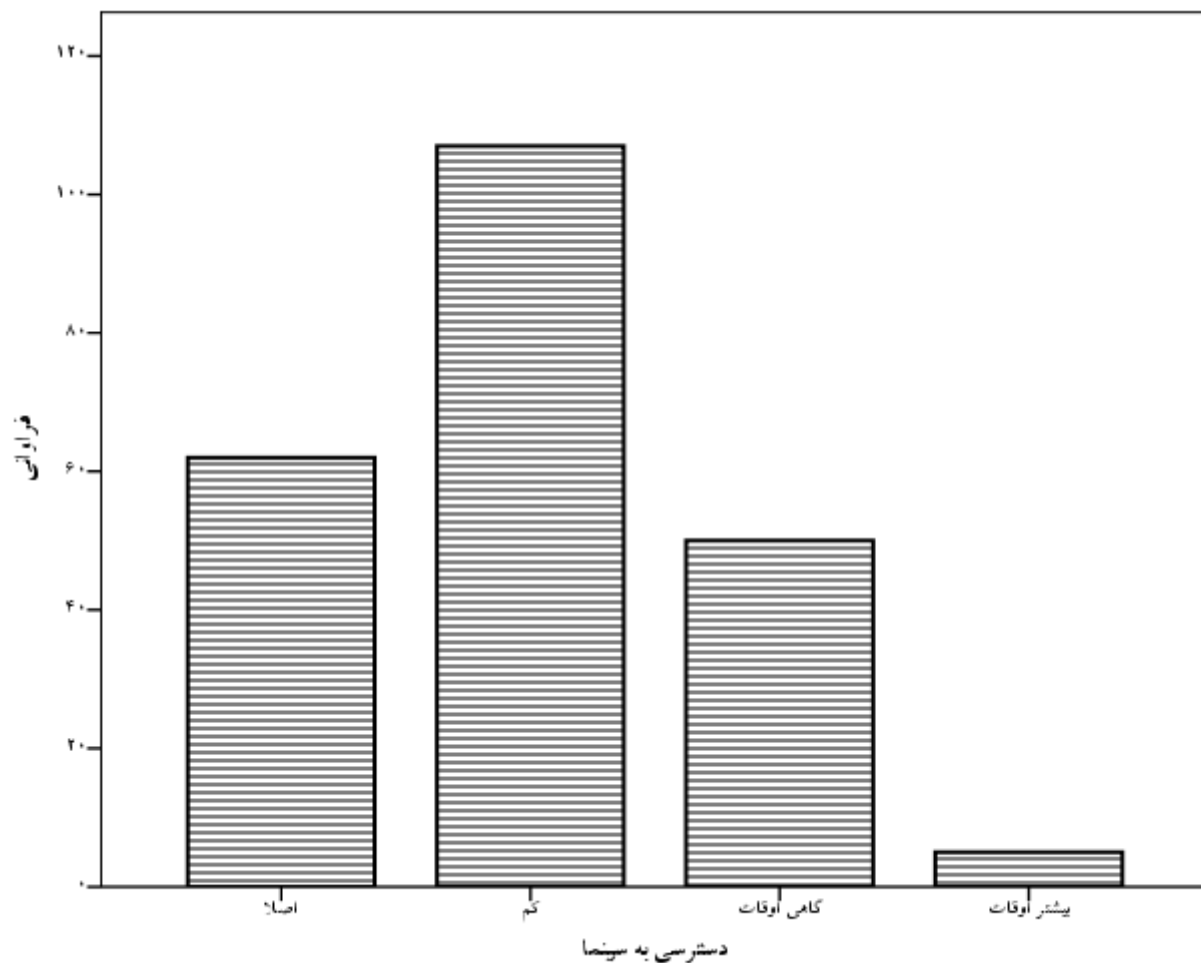
جدول شماره ۴-۶-۵ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب دسترسی به اینترنت



نمودار شماره ۴-۶-۶ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسی به روزنامه

دسترسی به روزنامه	درصد		درصد تراکمی
	فراوانی	فراوانی	
اصلا	۱۶	۷,۱	۷,۱
کم	۴۹	۲۱,۹	۲۹,۰
گاهی اوقات	۱۰۴	۴۶,۴	۷۵,۴
بیشتر اوقات	۴۲	۱۸,۸	۹۴,۲
بطور مرتب	۱۳	۵,۸	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

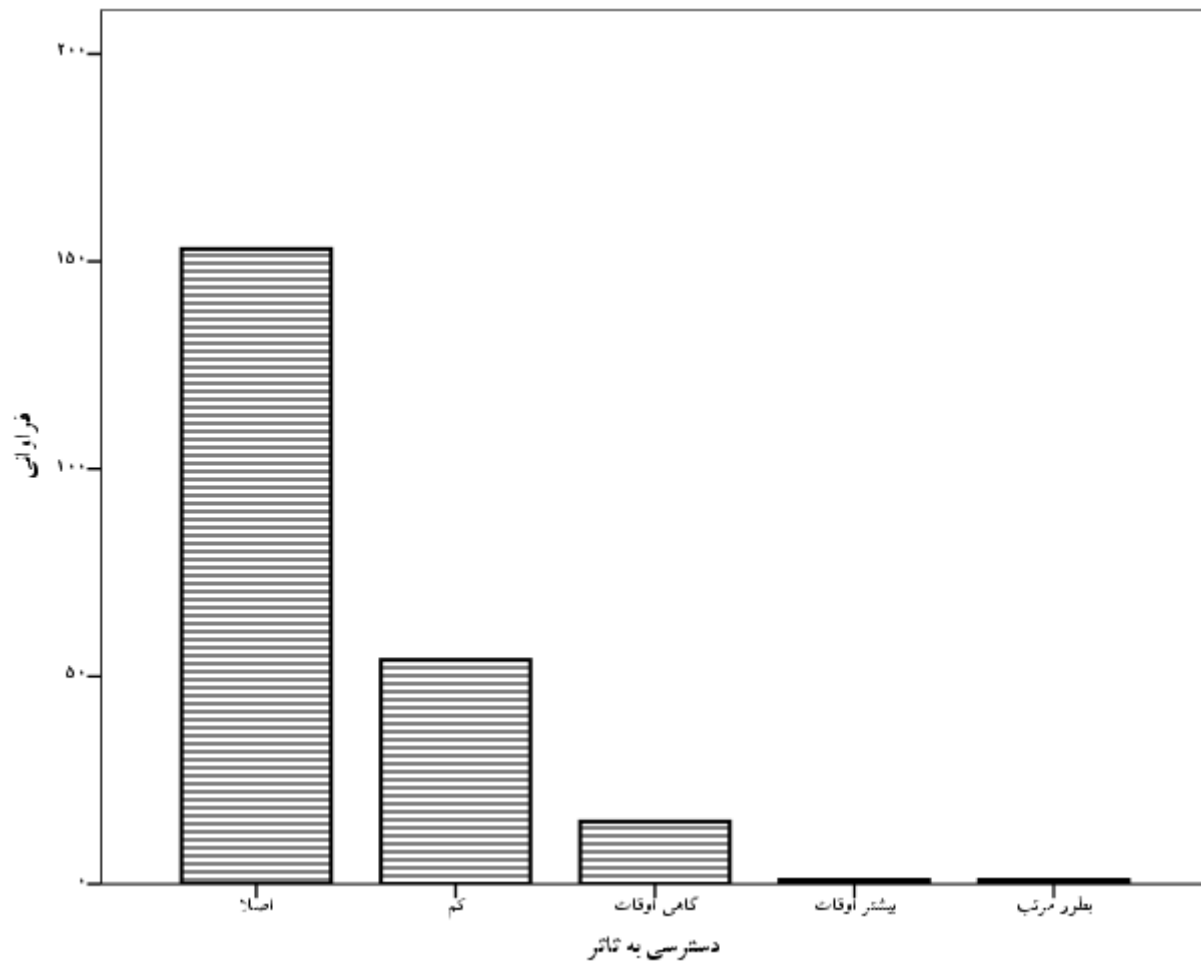
جدول شماره ۴-۶-۶ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسی به روزنامه



نمودار شماره ۴-۶-۷ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب دسترسی به سینما

دسترسی به سینما	درصد	
	فراوانی	درصد تراکمی
اصلا	۶۲	۲۷,۷
کم	۱۰۷	۴۷,۸
گاهی اوقات	۵۰	۹۷,۸
بیشتر اوقات	۵	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰

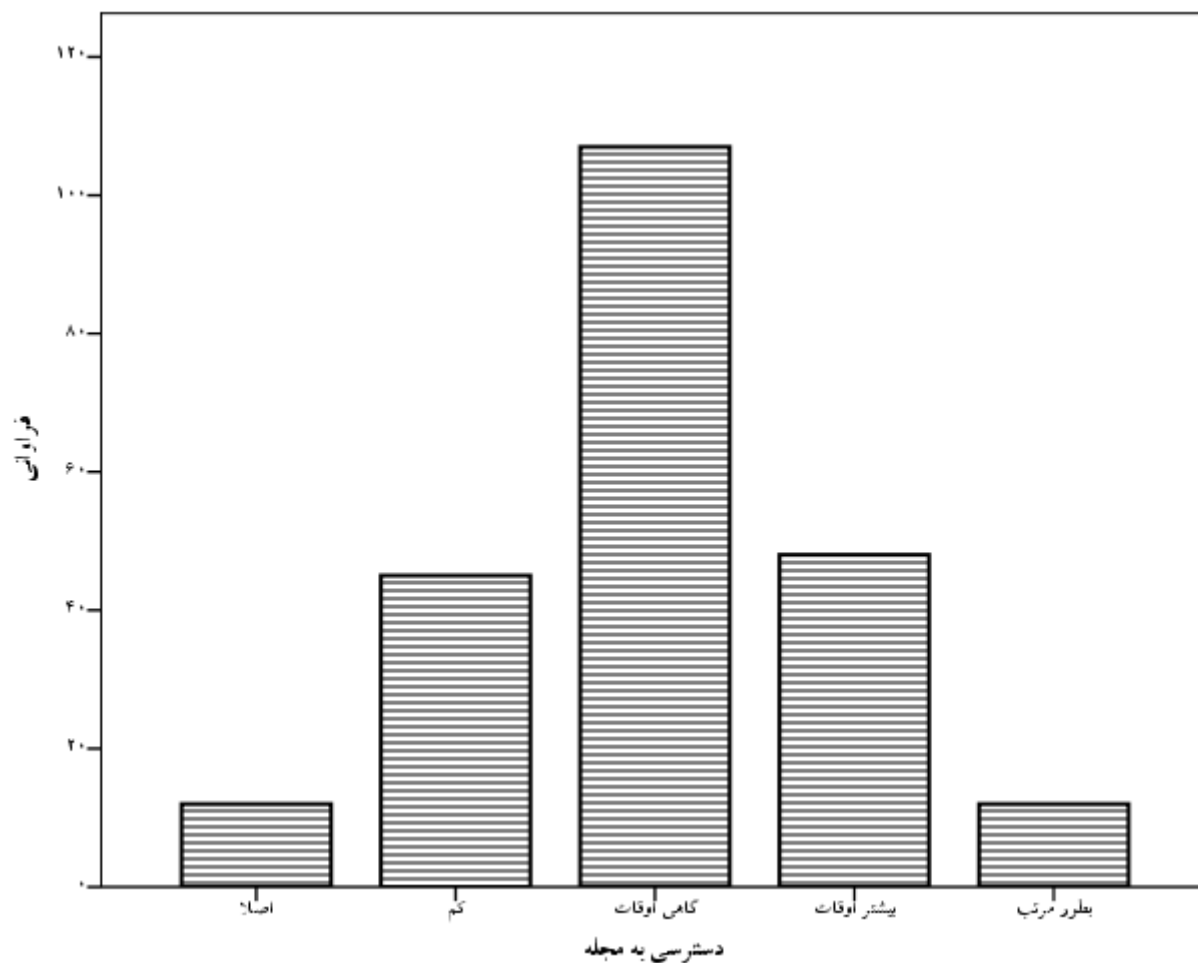
جدول شماره ۴-۶-۷ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب دسترسی به سینما



نمودار شماره ۴-۶-۸ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب دسترسی به تئاتر

دسترسی به تئاتر	درصد		درصد تراکمی
	فراوانی	فراوانی	
اصلا	۱۵۳	۶۸,۳	۶۸,۳
کم	۵۴	۲۴,۱	۹۲,۴
گاهی اوقات	۱۵	۶,۷	۹۹,۱
بیشتر اوقات	۱	.۴	۹۹,۶
بطور مرتب	۱	.۴	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۶-۸ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب دسترسی به نتاخر



نمودار شماره ۴-۶-۹ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب دسترسی به مجله

دسترسی به مجله	فراوانی	درصد	
		فراوانی	درصد تراکمی
اصلا	۱۲	۵,۴	۵,۴
کم	۴۵	۲۰,۱	۲۵,۴
گاهی اوقات	۱۰۷	۴۷,۸	۷۳,۲
بیشتر اوقات	۴۸	۲۱,۴	۹۴,۶
بطور مرتب	۱۲	۵,۴	۱۰۰,۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰,۰	

شماره ۴-۶-۹
فراوانی و

جدول
۹ توزیع

درصد پاسخ گویان برحسب دسترسی به مجله

بررسی توصیفی متغیر مستقل مشارکت اجتماعی

برای بررسی مشارکت اجتماعی پاسخ گویان از فعالیتهای اجتماعی مختلفی مانند شرکت در کلاسهای آموزشی، باشگاههای ورزشی، مؤسسات خیریه، عضویت در کتابخانه شرکت در انتخابات؛ کاندید شدن در انتخابات، شرکت در راه پیماییها، عضویت در سازمانهای غیر دولتی (NGO)، شرکت در مراسم مذهبی، شرکت در انجمن های قومی همکاری با همسایگان و حضور در دوره های همکلاسی ها و دوستان و... استفاده شده است. میزان این فعالیت ها در یک طیف ۵ قسمتی، اصلاً، کم، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و بطور مرتب سنجیده شده است. پس از جمع آوری داده ها شاخص مشارکت اجتماعی ساخته و در یک طیف سه گانه (کم، متوسط و زیاد) دسته بندی گردید.

الف - ۴۲ درصد از پاسخ گویان مشارکت اجتماعی در سطح کم داشته اند.

ب - ۵۲/۷ درصد از پاسخ گویان مشارکت اجتماعی در سطح متوسط داشته اند.

ج - ۵/۴ درصد از پاسخ گویان مشارکت اجتماعی در سطح زیاد داشته اند.

شرکت در باشگاه های ورزشی، عضویت در کتابخانه، کاندید شدن در انتخابات عضویت در سازمانهای غیر دولتی، شرکت در انجمن های قومی و حضور در دوره های دوستان از مواردی بودند که بیشترین فراوانی در آنها گزینه اصلاً بوده است. همکاری در مؤسسات خیریه دارای بیشترین فراوانی در گزینه ی کم بوده است.

شرکت در کلاسهای آموزشی، شرکت در تظاهرات، شرکت در مراسم مذهبی و همکاری با همسایگان از مواردی بودند که بیشترین فراوانی در آنها گزینه گاهی اوقات بوده است. شرکت در انتخابات تنها فعالیتی بوده که بیشترین فراوانی در آن گزینه بطور مرتب بوده است.

در مجموع می توان نتیجه گیری کرد که مشارکت اجتماعی پاسخ گویان به چند مورد شرکت در انتخابات و شرکت در مراسم مذهبی و بعضاً همکاری با مؤسسات خیریه محدود می شود.

بررسی متغیر وابسته یعنی اعتقاد به برابری جنسیتی

برای سنجش میزان اعتقاد به برابری جنسیتی از مقیاسی متشکل از ۳۴ گویه استفاده شده است در امتیاز دهی به این گویه ها، حداقل امتیاز ۳۴ و حداکثر آن ۱۷۰ بوده است اگر چه پرسش نامه دارای طیف پنج گانه لیکرت بوده ولی در تجزیه تحلیل داده ها به منظور برجسته ساختن اظهارات پاسخ گویان این داده ها به طیف سه گانه لیکرت تبدیل گردیده و سپس در صدهای به دست آمده مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

الف- ۶۷/۵ درصد از پاسخ گویان در حد متوسط موافق با ایده ی برابری جنسیتی بوده اند.

ب- ۳۳ درصد از پاسخ گویان پاسخی داده اند که نشان دهنده ی گرایش کم آنها درباره ایده ی برابری جنسیتی بوده است.

ج- ۱۰/۳ درصد از پاسخ گویان در حد زیاد موافق با ایده ی برابری جنسیتی بوده اند.

۱- ۹۴ درصد از پاسخ گویان معتقدند که خانواده، مدرسه و رسانه ها نباید دختران را فقط برای نقش های جنسیتی سنتی (همسر، مادر، ...) آماده سازند بلکه باید نقش های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی را نیز آموزش دهند.

۲- ۹۰ درصد پاسخ گویان معتقد بوده اند که والدین باید معاشرت و رفت و آمد دختران و پسران را بطور یکسان کنترل کنند.

۳- ۸۸ درصد از پاسخ گویان روابط قبل از ازدواج را برای زن و مرد هر دو مذموم و ناپسند می دانند.

۴- ۸۰ درصد پاسخ گویان خواهان شرایط یکسان شغلی و حرفه ای با مردان بوده اند.

۵- تقریباً ۸۰ درصد پاسخ گویان با گویه دوم و سوم مردان باید در تصمیم گیری های مهم خانواده با همسرشان مشورت کنند (هر فردی اعم از زن و مرد باید در صورت داشتن تخصص در کار بتواند به مراتب بالای شغلی دست یابد) کاملاً موافق بوده اند.

۶- ۶۱ درصد با گویه ی بیست و یکم (اگر مرد بتواند عدالت را بین همسران خود برقرار کند ازدواج مجدد او مانعی ندارد) کاملاً مخالف بوده اند این هر دو نشان دهنده ی گرایش بالای پاسخ گویان درباره ایده برابری جنسیتی است.

۷- تقریباً ۶۰ درصد پاسخ گویان معتقد بوده اند که مهریه نمی تواند پشتوانه ای برای زنان در زندگی زناشویی باشد.

۸-۴۷ درصد از پاسخ گویان با این ایده که زنان نمی توانند عهده دار شغل قضاوت باشند کاملاً موافق و یا موافق بوده اند .

۹-۲۵ درصد از پاسخ گویان معتقد بوده اند که اگر مرد به همسرش آزادی های زیادی بدهد زندگی خانوادگی خود را به خطر انداخته است .

۱۰-۴ درصد از پاسخ گویان با این ایده که دیه ی مردان دو برابر دیه ی زنان باشد کاملاً موافق یا موافق بوده اند .

۱۱-۲۳ درصد پاسخ گویان زنان را در ایجاد رابطه ی نامشروع بین زن و مرد مقصر می دانسته اند .

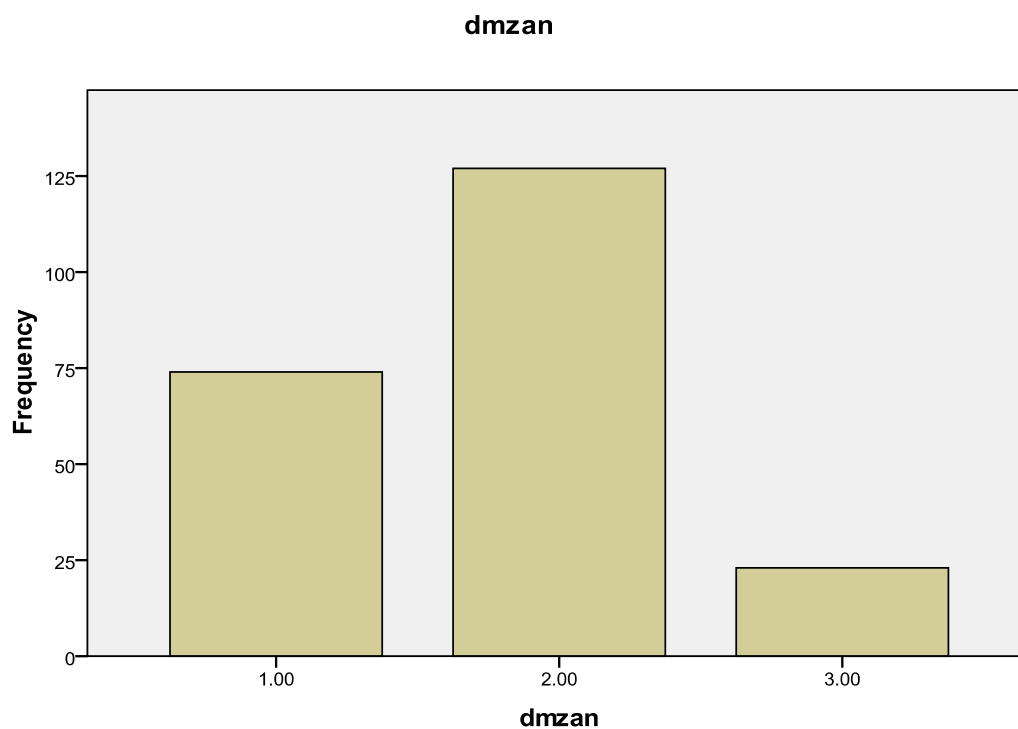
۱۲-۱۰ درصد پاسخ گویان با ازدواج مجدد مردان (با رعایت عدالت بین همسران) کاملاً موافق و یا موافق بوده اند .

همانطور که ملاحظه می شود اکثر پاسخ ها حاکی از این بوده که جمعیت نمونه حاضر با ایده ی برابری جنسیتی موافق است . گویه هایی که حاکی از عدم برابری زن و مرد باشد حداقل ۴۷ درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است.

dmzan

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid ۱,۰۰	۷۴	۳۳,۰	۳۳,۰	۳۳,۰
۲,۰۰	۱۲۷	۵۶,۷	۵۶,۷	۸۹,۷
۳,۰۰	۲۳	۱۰,۳	۱۰,۳	۱۰۰,۰
Total	۲۲۴	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۸ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب میزان اعتقاد به برابری زن و مرد



نمودار شماره ۴-۸ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

تجزیه تحلیل داده ها:

پس از توصیف جامعه آماری بایستی به ارائه نتایج آزمون فرضیات پرداخت با استفاده از داده های کسب شده توسط پرسش نامه ی پژوهش این امر انجام گردید .

از آنجا که تلاش بر آن بوده که متغیرهای پژوهش تا حد امکان در سطوح سنجش بالاتری آزمون شوند ، فرضیات از طریق آزمون آماری پیروسون بررسی گردیدند پس از آزمون فرضیات برای نمایش بهتر روابط حاکم

بر فرضیه فارغ از رد یا تائید آن به ارائه جدول متقاطع (آزمون K اسکوئر) پرداخته شد.

جدول شماره ۴-۹ آزمون رابطه بین متغیر سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

متغیر ها	اعتقاد به برابری زن و مرد	سن
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱	-۰/۰۳
	۲۲۴	۰/۶۰
سن	-۰/۰۳	۱
	۰/۶۰	۲۲۴

در این رابطه متغیر سن مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از نکات مورد توافق در اکثر نظریات سن میباشد که اکثراً این متغیر را در رابطه با گرایشات افراد می دانند یعنی انتظار می رود که سن افراد در نوع گرایشات و اعتقادات آنها مؤثر باشد. بر همین مبنا بود که فرضیه ی فوق مورد بررسی قرار گرفت. ولی این رابطه در جمعیت نمونه مورد بررسی ما تائید نشده است. همانطور که ملاحظه می گردد سطح معنا داری در این رابطه ۰/۶۰ می باشد که با توجه به این که بیشتر از ۰/۰۵ است رابطه را تائید نمی کند.

یعنی این که بین میزان سن افراد و میزان اعتقاد آن ها به برابری زن و مرد رابطه وجود ندارد. پس فرض H_0 تائید و فرض H_1 رد می گردد. این رابطه را با ارائه جدول تقاطعی دو متغیر سن و اعتقاد به برابری زن و مرد به صورت روشن تری می توان توضیح داد.

جدول تقاطعی شماره ۴-۱۰ رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

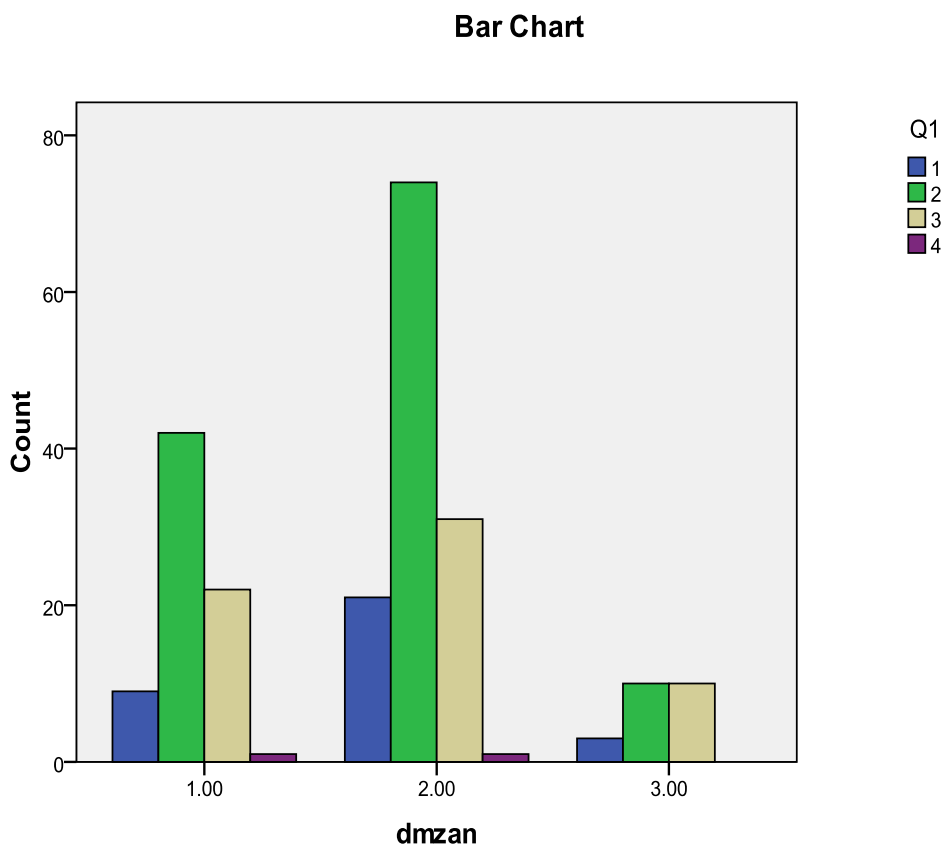
سن / اعتقاد به برابری زن و مرد	۲۰ سال	۳۰ سال	۴۰-۴۹ سال	۵۰-۵۹ سال	جمع
کم	۹	۴۲	۲۲	۱	۷۴
متوسط	۲۱	۷۴	۳۱	۱	۱۲۷
زیاد	۳	۱۰	۱۰	۰	۲۳
جمع	۳۳	۱۲۶	۶۳	۲	۲۲۴

$$K=۴,۴۳$$

$$DF=۶$$

$$Sig=.۶۱$$

چنان که مشخص می گردد آزمون (chi-square) نیز این رابطه را تأیید نمی کند.



نمودار شماره ۴-۱۱ رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	میزان سن				جمع
	سال ۲۰-	سال ۳۰-	سال ۴۰-	سال ۵۰-	
مرد	۲۹	۳۹	۴۹	۵۹	۷۴
کم	۹	۴۲	۲۲	۱	۱۲۷
متوسط	۲۱	۷۴	۳۱	۱	۲۳
زیاد	۳	۱۰	۱۰	۰	۲۲۴
جمع	۳۳	۱۲۶	۶۳	۲	

جدول شماره ۴-۱۱ رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

جدول شماره ۴-۱۳ ضریب همبستگی پیرسون متغیر طول مدت اشتغال و میزان اعتقاد به

برابری زن و مرد

متغیرها	اعتقاد به برابری زن و مرد	سابقه اشتغال
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱ ۲۲۴	-۰/۰۶۶ ۰/۳۲۵
سابقه اشتغال	-۰/۰۶۶ ۰/۳۲۵	۱ ۲۲۴

در این رابطه متغیر مستقل طول مدت اشتغال مورد بررسی قرار گرفت. با وجودی که اشتغال و به تبع آن قدرت اقتصادی در بهبود موقعیت زنان بسیار موثر است آزمون آماری پیرسون فرضیه فذق را تأیید نکرد. سطح معناداری در این رابطه ۰,۳۲ می باشد که با توجه به این که بیش از ۰,۰۵ است رابطه تأیید نمی گردد یعنی اینکه بین سابقه اشتغال پاسخ گویان و میزان اعتقاد آنان به برابری زن و مرد رابطه ی وجود ندارد. آزمون کا - اسکوئر نیز همان نتیجه را به دست داد.

جدول تقاطعی شماره ۴-۱۳ رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

K=۹,۴۱

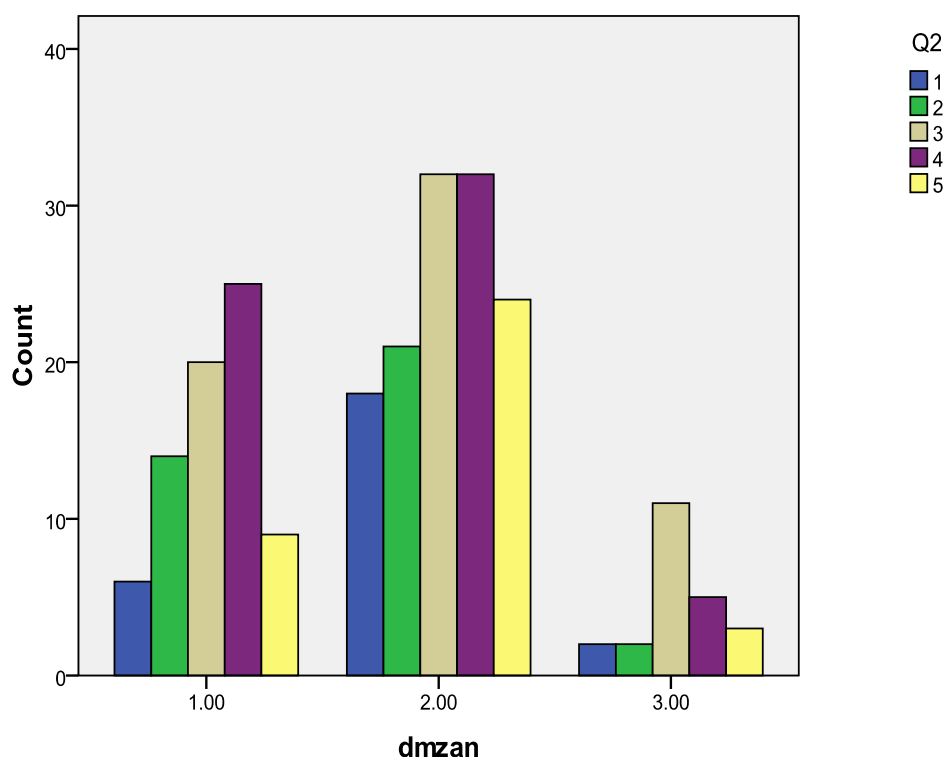
df=۸

sig=.۳۰

جمع	بیشتر از ۲۰ سال	۲۰- سال	۱۵- سال	۱۰-۶ سال	۵-۱ سال	سابقه اشتغال اعتقاد به برابری زن و مرد
۷۴	۹	۲۵	۲۰	۱۴	۶	کم
۱۲۷	۲۴	۳۲	۳۲	۲۱	۱۸	متوسط
۲۳	۳	۵	۱۱	۲	۲	زیاد
۲۲۴	۳۶	۶۲	۶۳	۳۷	۲۶	جمع

چنان که ملاحظه می گردد آزمون (chi-square) نیز همانند آزمون آماری پیرسون حاکی از عدم ارتباط بین دو متغیر یاد شده می باشد.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۱۴ رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	سابقه اشتغال					جمع
	سال ۱-۶	سال ۶-۱۱	سال ۱۱-۱۶	سال ۱۶-۲۰	بیشتر از ۲۰ سال	
کم	۵	۱۰	۱۵	۲۰	۹	۷۴
متوسط	۱۸	۲۴	۳۲	۳۲	۲۴	۱۲۷
زیاد	۲	۲	۱۱	۵	۳	۲۳
جمع	۲۶	۳۷	۶۳	۶۲	۳۶	۲۲۴

جدول شماره ۴-۱۴ رابطه بین سابقه اشتغال و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

جدول تقاطعی شماره ۴-۱۵ رابطه بین منشأ شهری یا روستایی و میزان اعتقاد به برابری زن و

مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	شهری	روستایی	جمع	منشأ
کم	۷۲	۲	۷۴	
متوسط	۱۲۴	۳	۱۲۷	
زیاد	۲۳	۰	۳۳	
جمع	۲۱۹	۵	۲۲۴	

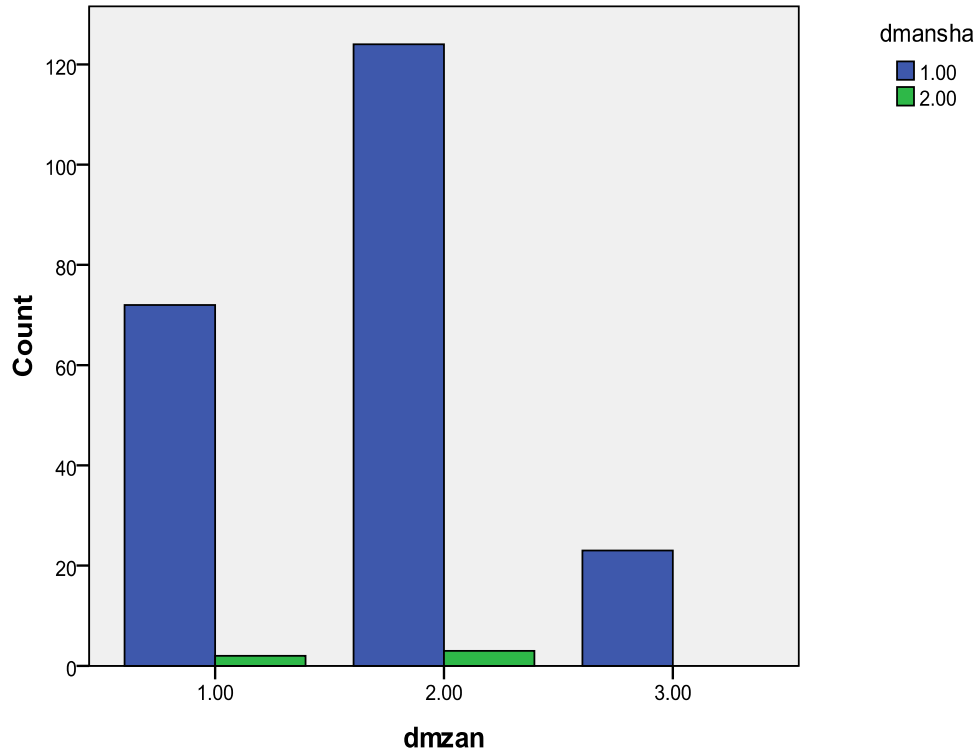
K=.۶۱

df=۲

sig=.۷۳

در این رابطه منشأ شهری – روستایی و ارتباط آن با میزان اعتقاد به برابری زن و مرد مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که نتایج آزمون نشان می دهد سطح معنا داری ۰/۷۳ حاکی از عدم ارتباط بین دو متغیر می باشد. داده های جدول نشان می دهد که هیچ یک از پاسخ گویان روستایی در حد زیاد به برابری زن و مرد معتقد نبودند.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۱۶ رابطه بین منشاء شهری - روستایی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین منشاء شهری یا روستایی و میزان اعتقاد به
برابری زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	منشاء شهری یا روستایی		
	شهری	روستایی	جمع
کم	۷۲	۲	۷۴
متوسط	۱۲۴	۳	۱۲۷
زیاد	۲۳	۰	۲۳
جمع	۲۱۹	۵	۲۲۴

جدول شماره ۴-۱۶ رابطه بین منشاء شهری - روستایی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد
جدول شماره ۴-۱۷ آزمون رابطه بین متغیر وضعیت تاهل و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

متغیرها	اعتقاد به برابری زن و مرد	وضعیت تاهل
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱	-۰/۰۵
	۲۲۴	۰/۳۸
وضعیت تاهل	-۰/۰۵	۱
	۰/۳۸	۲۲۴

نتایج آزمون آماری پیرسون نشان دهنده ی عدم ارتباط بین وضعیت تاهل افراد و میزان اعتقاد به
برابری زن و مرد است سطح معناداری در این آزمون ۰/۳۸ است که با سطح مناسب معناداری
۰/۰۵ فاصله دارد برای بهتر نشان دادن رابطه از جدول تقاطعی اسکوتر استفاده می شود
جدول تقاطعی شماره ۴-۱۸ رابطه بین وضعیت تاهل پاسخ گویان با میزان اعتقاد به برابری زن
و مرد

وضعیت تاهل	مجرد	متاهل	جمع
کم	۱۸	۵۶	۷۴
متوسط	۳۶	۹۱	۱۲۷
زیاد	۷	۱۶	۲۳
جمع	۶۱	۱۶۳	۲۲۴

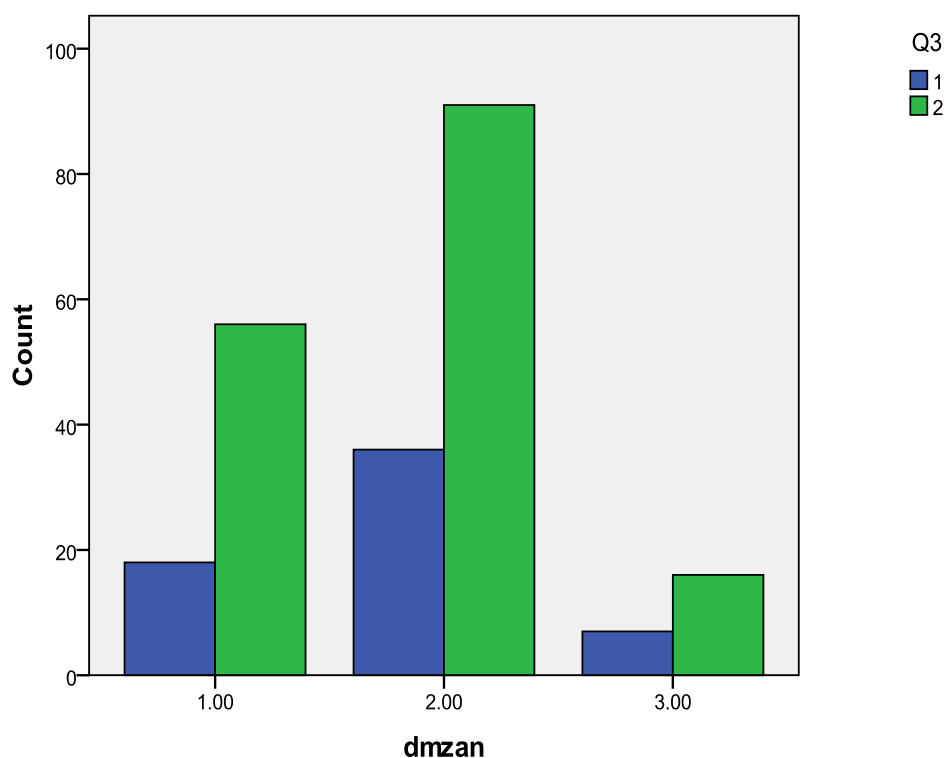
K=.۵۱

DF=۲

Sig=.۷۷

آزمون (chi-square) نیز عدم ارتباط بین دو متغیر یاد شده را تأیید می کند. البته همان طور که در بخش توصیف داده ها توضیح داده شد هیچ یک از پاسخ گویان ما وضعیت مطلقه و یا همسر فوت کرده را گزارش نداده اند و به نظر می رسد هنجارها و ارزش های جامعه و شرایط اجتماعی حاکم پاسخ های افراد را تحت تأثیر قرار داده و می توان گفت که داده های مربوط به این پرسش بازتاب تمامی واقعیت نمی باشند.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۱۹ رابطه بین وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابری

زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	پایگاه اجتماعی		
	مجرد	متأهل	جمع
کم	۱۸	۵۶	۷۴
متوسط	۳۶	۹۱	۱۲۷
زیاد	۷	۱۶	۲۳
جمع	۶۱	۱۶۳	۲۲۴

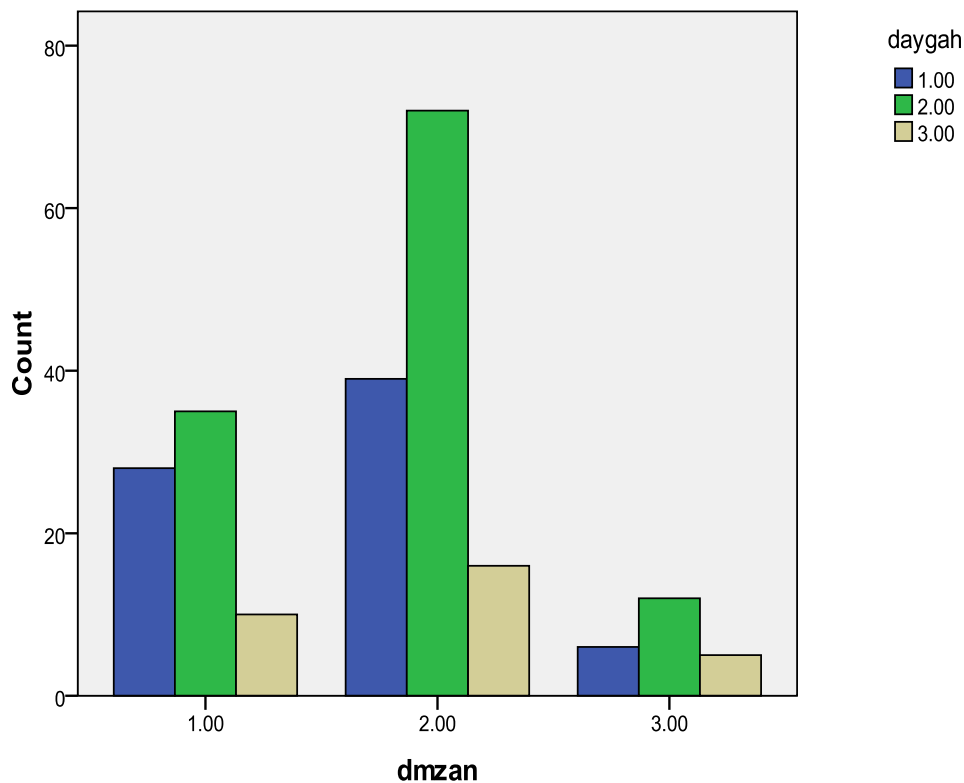
جدول شماره ۴-۱۹ رابطه بین وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابری

جدول شماره ۴-۲۰ آزمون رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و اعتقاد به برابری زن و مرد

متغیرها	اعتقاد به برابری زن و مرد	پایگاه اجتماعی
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱	۰/۱۸
	۲۲۴	۰/۰۰۷
پایگاه اجتماعی	۰/۱۸	۱
	۰/۰۰۷	۲۲۴

همان طور که در بخشهای پیشین نیز گفته شد شاخص پایگاه اجتماعی پس از کسب داده های مختلف بر اساس میزان تحصیلات پاسخ گو، پدر (در صورت مجرد) و همسر (در صورت تأهل) منزلت شغلی پدر (در صورت مجرد) و همسر (در صورت تأهل) و میزان برخورداری از برخی امکانات رفاهی و مزایای اقتصادی ساخته شده سپس طبقه اجتماعی پاسخ گویان در سه سطح بالا متوسط و پایین دسته بندی گردید. در نظریات گوناگون جامعه شناختی به نقش پایگاه اجتماعی افراد توجه خاصی گردیده است و افرادی که در یک طبقه اجتماعی قرار دارند دارای سبک زندگی مشابه و گرایشات و اعتقادات تقریباً یکسان در نظر گرفته می شوند. بر همین اساس فرضیه مزبور یعنی وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی افراد و میزان اعتقاد آنها به برابری زن و مرد مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که مشاهده می شود سطح معناداری در این آزمون کمتر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۰۰۷ می باشد بنابراین بین دو متغیر رابطه ی معنادار وجود دارد و فرضیه صفر رد می گردد یعنی هر چه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان اعتقاد آنها به برابری زن و مرد بیشتر است و بالعکس.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۲۱ رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	پایگاه اجتماعی			جمع
	کم	متوسط	زیاد	
کم	۲۸	۳۵	۱۰	۷۳
متوسط	۳۹	۷۲	۱۶	۱۲۷
زیاد	۶	۱۲	۵	۲۳

رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	پایگاه اجتماعی			جمع
	کم	متوسط	زیاد	
کم	۲۸	۳۵	۱۰	۷۳
متوسط	۳۹	۷۲	۱۶	۱۲۷
زیاد	۶	۱۲	۵	۲۳
جمع	۷۳	۱۱۹	۳۱	۲۲۳

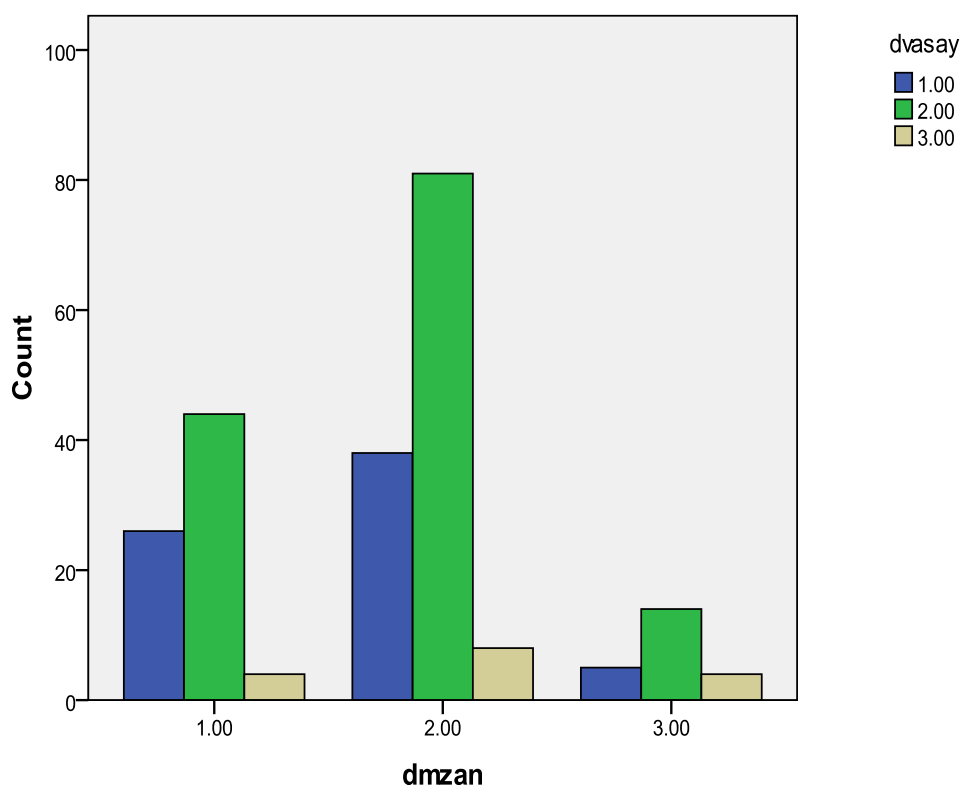
جدول شماره ۴-۲۱ رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد
جدول شماره ۴-۲۲ ضریب همبستگی پیرسون متغیر میزان استفاده از رسانه های همگانی و
میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

متغیرها	اعتقاد به برابری زن و مرد	استفاده از رسانه های همگانی
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱	۰/۱۳
	۲۲۴	۰/۰۴
استفاده از رسانه های همگانی	۰/۱۳	۱
	۰/۰۴	۲۲۴

در این رابطه متغیر میزان استفاده از رسانه های همگانی مورد بررسی قرار گرفت افراد با استفاده از رسانه های ارتباطی در معرض افکار و ایده های گوناگون قرار می گیرند تعاطی افکار موجب تغییر نگرشها می گردد و در جوامع توسعه یافته که ارتباطات نقش بسیار مؤثری در پیشرفت و توسعه ی اجتماعی دارند انتظار می رود که افراد هر چه بیشتر در معرض ارتباطات قرار گیرند و میزان استفاده از رسانه های ارتباطی روز به روز افزوده گردد. ولی متأسفانه داده های پژوهش حاضر حاکی از این بود که پاسخ گویان ما به نحو مطلوبی از رسانه های همگانی استفاده نمی کردند . سینما و تئاتر از جمله رسانه هایی هستند که به میزان خیلی کم از سوی جمعیت نمونه ی ما مورد استفاده قرار می گیرند . روزنامه ،مجله، و کتاب هم وضعیت چندان مطلوبی نداشتند بیشترین استفاده از رسانه ی تلویزیون گزارش شده است بنابر این می

توان نتیجه گیری کرد که جمعیت آماری مورد مطالعه به مقدار بسیار کم در معرض رسانه های ارتباطی قرار دارند ولی با این وجود پس از آزمون رابطه مشخص گردید که بین میزان استفاده از رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد رابطه وجود دارد یعنی افراد هرچه بیشتر از رسانه های همگانی استفاده کنند میزان اعتقاد آنها به برابری زن و مرد بیشتر خواهد بود وبالعکس بدین ترتیب فرضیه مزبور تأیید شد و همان طور که دیده می شود سطح معناداری در آزمون کمتر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۰۴ است و فرضیه صفر رد می شود.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۲۳ رابطه بین دسترسی به رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین دسترسی به رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به

بربري زن و مرد

اعتقاد به برابري	دسترسى به رسانه ها			جمع
	کم	متوسط	زیاد	
زن و مرد				
کم	۲۶	۴۴	۴	۷۴
متوسط	۳۸	۸۱	۸	۱۲۷
زیاد	۵	۱۴	۴	۲۳
جمع	۶۹	۱۳۹	۱۶	۲۲۴

جدول شماره ۴-۲۳ رابطه بین دسترسی به رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابري زن و

مرد

جدول شماره ۴-۲۴ ضریب همبستگی پیرسون متغیر مشارکت اجتماعی و اعتقاد به برابری زن

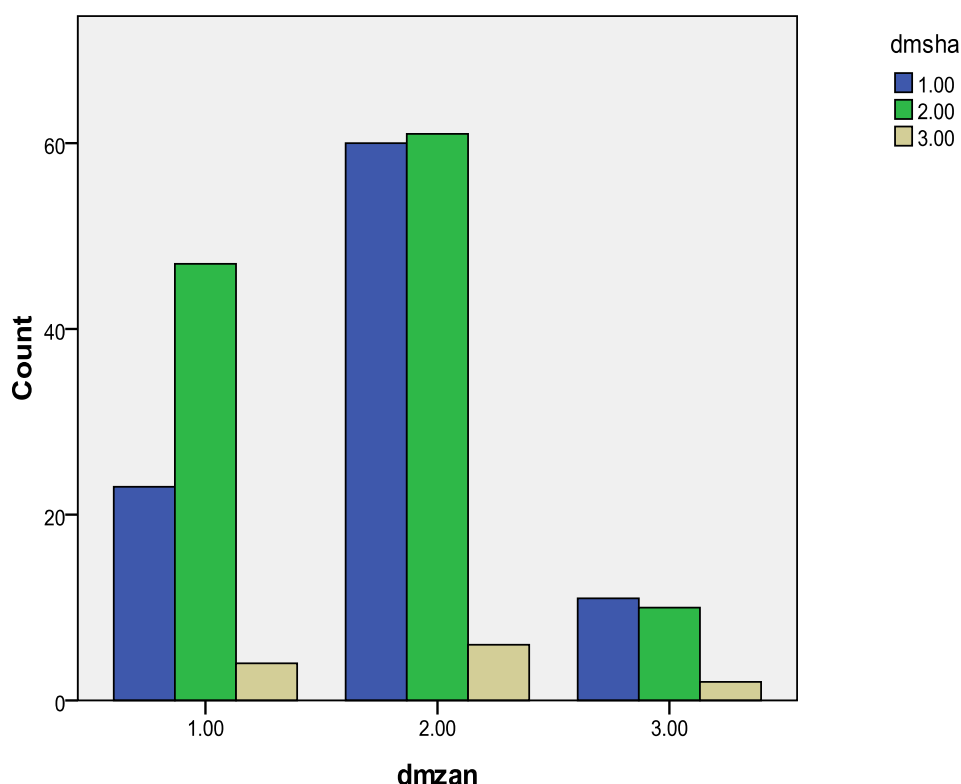
و مرد

متغیرها	اعتقاد به برابری زن و مرد	مشارکت اجتماعی
اعتقاد به برابری زن و مرد	۱	-۰/۰۱۷
	۲۲۴	۰/۰۱
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۱۷	۱
	۰/۰۱	۲۲۴

متغیر مشارکت اجتماعی با فعالیتهای اجتماعی چون شرکت در کلاسهای آموزشی، عضویت در مؤسسات خیریه کتابخانه شرکت در انتخابات، تظاهرات و راه پیمایی ها شرکت در مراسم مذهبی، همکاری با همسایگان و..... سنجیده شد. مشارکت اجتماعی نیز چون استفاده از رسانه های همگانی در جمعیت نمونه وضع مطلوبی نداشت. میزان فعالیتهای اجتماعی در بین پاسخ گویان بسیار کم بود و بیشتر خلاصه می شد به شرکت در مراسم مذهبی و شرکت در انتخابات که از ابتدایی ترین و ساده ترین فعالیتهای اجتماعی است. یکی از شاخصه های مهم جوامع مدرن شرکت گسترده شهروندان در فعالیتهای اجتماعی است شرکت در عرصه های

عمومی باعث رشد آگاهی فرد شده و به طور طبیعی در نگرشها و ارزشهای افراد خود را نمایان می سازد. در جامعه آماری ما با وجود اینکه مشارکت اجتماعی بسیار کم دیده شده ولی در آزمون آماری مشخص گردیده که بین متغیر مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد رابطه معنا دار وجود دارد همان طور که ملاحظه می گردد سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۰۱ و جهت رابطه معکوس می باشد یعنی در جمعیت نمونه حاضر با افزایش میزان مشارکت اجتماعی، میزان اعتقاد به برابری زن و مرد کاهش می یابد و بالعکس. وجود رابطه معکوس بین دو متغیر در جمعیت نمونه حاضر شاید به دلیل نوع فعالیتهای اجتماعی است که در جامعه آماری ما منحصر به شرکت در مراسم مذهبی و شرکت در انتخابات بود و نه فعالیتهای اجتماعی دیگر.

Bar Chart



نمودار شماره ۴-۲۵ رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری

زن و مرد

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	میزان مشارکت اجتماعی			جمع
	کم	متوسط	زیاد	
کم	۲۳	۴۷	۴	۷۴
متوسط	۶۰	۶۱	۶	۱۲۷
زیاد	۱۱	۱۰	۲	۲۳
جمع	۹۴	۱۱۸	۱۲	۲۲۴

جدول شماره ۴-۲۵ رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد

تحلیل رگرسیونی داده ها

روش رگرسیون Enter می باشد یعنی همه متغیرها وارد می شوند چون براساس مقدار sig آزمون رگرسیون در سطح ۰,۰۱ معنی دار است مدل رگرسیون برای آنالیز مناسب است . با توجه به تفسیر sig ضرایب رگرسیون فقط برای متغیرهای رسانه عمومی و مشارکت اجتماعی معنی دار شده است . بدین ترتیب می توانیم معادله ی رگرسیون را به صورت زیر بیاوریم

(مشارکت اجتماعی) $0,604 -$ (رسانه عمومی) $0,92 =$ اعتقاد به برابری زن و مرد

بنابراین می توانیم بگوییم اعتقاد به برابری زن و مرد با هیچ کدام از متغیرهای مستقل به جز رسانه عمومی و مشارکت اجتماعی ارتباط ندارد .

براساس این نتایج هرچه مشارکت اجتماعی بیشتر شود ، اعتقاد به برابری زن و مرد کمتر می شود و هرچه استفاده از رسانه های همگانی بیشتر شود اعتقاد به برابری زن و مرد نیز بیشتر می شود .

Model	Sum of Squares	df	Mean square	F	sig
Regression	۴۳۳۸,۲۰۶	۷	۶۱۹,۷۴۴	۲۸۹۸	.۰۰۶ _a
Residual	۴۶۱۸۹,۱۸۲	۲۱۶	۲۱۳,۸۳۹		
Total	۵۰۵۲۷,۳۸۸	۲۲۳			

متغیرهای مستقل : مشارکت اجتماعی ، پایگاه اجتماعی ، منشاء شهری – روستایی ، سن ، رسانه های همگانی ، وضعیت تأهل و سابقه اشتغال

متغیر وابسته : اعتقاد به برابری زن و مرد

Model	Unstandardized coefficients		standardized coefficients	t	sig
	B	Std.Error	Beta		
Constant	۱۲۳,۳۸۲	۹,۷۱۷		۱۲,۶۹۷	.۰۰۰
سن	.۲۷۴	۲,۰۹۸	.۰۱۲	.۱۳۱	.۸۹۶
سابقه اشتغال	-۱,۳۰۷	۱,۱۵۲	-.۱۰۷	-۱,۱۳۵	.۲۵۸
وضعیت تأهل	.۳۰۲	۲,۵۸۷	-.۰۰۹	-.۱۱۷	.۹۰۷
منشاء شهری – روستایی	۲,۰۲۳	۲,۶۴۸	.۰۵۱	.۷۶۴	.۴۴۶
پایگاه اجتماعی	-.۲۷۵	.۵۱۷	-.۰۴۰	-.۵۳۲	.۵۹۶
رسانه های همگانی	.۹۰۲	.۲۷۱	.۲۳۵	۳,۳۳۳	.۰۰۱
مشارکت اجتماعی	-.۶۰۴	.۱۶۱	-.۲۶۶	-۳,۷۶۱	.۰۰۰

جدول شماره ۴-۲۶ تحلیل رگرسیونی داده ها

فصل پنجم :

یافته های پژوهش

نتیجه گیری

پیشنهادات

محدویت ها

یافته های پژوهش

یافته های برگرفته از این پژوهش در دو بخش مطالعات استنادی و مطالعات پیمایشی بیان خواهد گردید. در بخش مطالعات استنادی جمعیت نمونه ی ۲۲۴ نفری که از طریق فرمول کوکران به دست آمده در آموزشگاه های دخترانه مقطع متوسطه در شهرستان اسلام شهر پخش شده است. ۵۶ درصد جمعیت نمونه در دوره متوسطه عمومی ۲۰ درصد در دوره ی پیش دانشگاهی ۱۸ درصد در آموزشگاه های کارودانش ۴ درصد در آموزشگاه های فنی و حرفه ای و ۲ درصد در هنرستان های فنی مشغول به تدریس بوده اند. از لحاظ سنی بیشترین فراوانی پاسخ گویان در رده ی سنی ۳۰-۳۹ سال قرار دارند. ۷۲/۸ درصد دبیران متاهل و ۲۷/۲ درصد مجرد از لحاظ منشا شهری یا روستایی داشتن ۹۱/۵ درصد دبیران متولد شهر هستند و ۹۷/۳ درصد دبیران در شهر بزرگ شده اند. تنها ۸/۵ درصد در روستا به دنیا آمده اند و ۲/۷ درصد در روستا بزرگ شده اند.

از لحاظ سابقه ی تدریس ۵۵/۸ درصد پاسخ گویان بیشتر از ۱۱ سال سابقه تدریس دارند، ۶۲/۹ درصد جمعیت مدرک کارشناسی و ۸/۵ درصد کارشناسی ارشد ۰/۴ درصد دکتری و مابقی فوق دیپلم و یا دیپلم هستند. از لحاظ رشته تحصیلی ۵۳/۹ درصد جمعیت، تحصیلات علوم انسانی دارند و ۲۴/۶ درصد نیز تحصیلات علوم پایه دارند ۱۳/۴ درصد در فنی و مهندسی، ۴/۵ درصد هنر ۳/۱ درصد تربیت بدنی و ۰/۹ درصد در علوم حوزوی تحصیل کرده اند.

برای محاسبه پایگاه اجتماعی پاسخ گویان از شاخص های مختلفی استفاده گردیده با توجه به این که منزلت شغلی و درآمد دبیران ثابت است از شاخص های تحصیلات پاسخگو، پدر (در صورت مجرد) یا همسر (در صورت تاهل) منزلت شغلی پدر/ همسر و میزان بهره برداری از امکانات رفاهی به عنوان نشانه ی موقعیت اقتصادی استفاده شده است. تحصیلات پدر ۵/۱ درصد از پاسخ گویان مجرد کارشناسی و ۳۳/۹ درصد ابتدایی بوده و در برابر تحصیلات همسران ۴۵/۵ درصد کارشناسی و ۱۲/۷ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است.

منزلت شغلی ۴۹/۲ درصد از پدران / همسران در حد متوسط و ۴۵/۸ درصد از آن ها پایین و تنها ۵/۱ درصد از منزلت بالای شغلی برخوردارند. از لحاظ دسترسی به امکانات رفاهی تلویزیون بیشترین دسترسی و ماهواره و ویلای شخصی کمترین دسترسی را داشته اند ۶۲/۹ درصد جمعیت نیز دارای منزل مسکونی ملکی بوده اند. شاخص پایگاه اجتماعی که از

ترکیب این مؤلفه ها ساخته شده نشان می دهد که ۳/۸ درصد پایگاه اجتماعی بالا ، ۵۳/۱ درصد پایگاه اجتماعی متوسط و ۳۲/۶ درصد پایگاه اجتماعی پایین را دارا بوده اند .

پرسش بعدی به سنجش میزان استفاده از رسانه های همگانی توجه دارد بیشترین میزان متعلق به تلویزیون که ۳۰/۴ درصد از پاسخ گویان به طور مرتب از این رسانه استفاده می کرده اند و کمترین میزان متعلق به تئاتر که ۶۸/۳ درصد از پاسخگویان اصلاً از آن استفاده نمی کرده اند و رادیو که ۴۲/۴ درصد از جمعیت به میزان کم از آن استفاده می کردند . به طور کلی ۷/۱ درصد از جمعیت نمونه به میزان زیاد و ۶۲/۱ درصد به میزان متوسط و ۳۰/۸ درصد به میزان کم از رسانه های همگانی استفاده می کردند .

پرسش بعدی میزان مشارکت اجتماعی پاسخ گویان را می سنجد . در این بخش ۱۲ نوع فعالیت اجتماعی چون فعالیت های ورزشی ، آموزشی ، سیاسی اجتماعی ، فرهنگی و مورد پرسش قرار است . از این میان بیشترین فعالیت اجتماعی شرکت در انتخابات که ۶۴ درصد پاسخ گویان به طور مرتب و یا بیشتر اوقات در آن شرکت داشتند . فعالیت بعدی شرکت در مراسم مذهبی که ۴۱ درصد پاسخ گویان به طور مرتب و یا بیشتر اوقات در آن شرکت داشتند . فعالیت بعدی شرکت در مراسم مذهبی که ۴۱ درصد پاسخ گویان به طور مرتب و یا بیشتر اوقات در آن شرکت داشته اند ، بود .

شرکت در فعالیت های ورزشی و عضویت در کتابخانه از جمله فعالیت هایی بوده که بیشترین فراوانی در آن عدم استفاده بود ست .

به طور کلی ۴۲ درصد پاسخ گویان به میزان کم ، ۵۲/۷ درصد به میزان متوسط و ۵/۴ درصد به میزان زیاد در فعالیت های اجتماعی شرکت داشته اند . در مجموع می توان گفت که مشارکت اجتماعی جمعیت نمونه در حد پایینی است .

متغیر وابسته این پژوهش اعتقاد به برابری زن و مرد می باشد . سنجش میزان این اعتقاد اصلی ترین هدف این پژوهش بوده است . میزان اعتقاد به برابری جنسیتی را از طریق ابزاری محقق ساخته که دارای ۳۴ گویه بود سنجیدیم . طبق مؤلفه های به کار رفته در این پرسش نامه ۳۳ درصد پاسخ گویان به میزان کم به ایده ی برابری جنسیتی اعتقاد داشته اند ، ۶/۷ درصد به میزان متوسط و ۱۰/۳ درصد به میزان زیاد این ایده را باور داشته اند .

در بخش مطالعات پیمایش به تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس انجام آزمون های آماری پرداخته شد که به خلاصه ای از این نتایج اشاره می گردد .

فرضیه اول رابطه بین میزان سن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد را می‌سنجد. این رابطه از طریق آزمون آماری پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که با ضریب همبستگی $0/03$ - و سطح معناداری $0/60$ این رابطه تأیید نگردید.

در این رابطه جدول χ^2 (کا-اسکوئر) که سطح معناداری $0/61$ را نشان داد نیز حاکی از عدم رابطه معنادار بین دو متغیر است.

فرضیه دوم رابطه بین طول مدت اشتغال و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد را می‌سنجد این رابطه نیز از طریق آزمون آماری پیرسون بررسی گردید که با ضریب همبستگی $0/06$ - و سطح معناداری $0/32$ این رابطه تأیید نشد آزمون کا-اسکوئر نیز با سطح معناداری $0/30$ نشان دهنده ی عدم ارتباط بین دو متغیر است.

فرضیه سوم رابطه ی بین منشأ شهری یا روستایی داشتن و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد را می‌سنجد که از طریق آزمون χ^2 سنجیده شده است. این آزمون با سطح معناداری $0/73$ و درجه آزادی ۲ و مقدار $k=0/61$ عدم ارتباط بین دو متغیر را نشان داده است.

در فرضیه ی بعدی رابطه بین متغیر وضعیت تأهل و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون آماری پیرسون با ضریب همبستگی $0/05$ - و سطح معناداری $0/38$ عدم ارتباط بین دو متغیر را نشان داده است. آزمون χ^2 نیز با سطح معناداری $0/77$ و درجه آزادی ۲ و $k=0/51$ حاکی از عدم ارتباط بین دو متغیر بوده است. فرضیه ی پنجم حاکی از ارتباط بین متغیر پایگاه اجتماعی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد است. آزمون آماری پیرسون با ضریب همبستگی $0/18$ و سطح معناداری $0/07$ این رابطه را تأیید کرده است.

فرضیه ششم که رابطه بین میزان استفاده از رسانه های همگانی و میزان اعتقاد به برابری زن و مرد را می‌سنجد از طریق آزمون آماری پیرسون تأیید گردید. در این آزمون ضریب همبستگی $0/13$ و سطح معناداری $0/04$ بوده است. آخرین فرضیه رابطه ی بین متغیر مشارکت اجتماعی و اعتقاد به برابری زن و مرد را مورد بررسی قرار داده است. آزمون آماری پیرسون این رابطه را به شکل معکوس تأیید کرده است. بدین معنی که هرچه مشارکت اجتماعی بیشتر بوده میزان اعتقاد به برابری زن و مرد کمتر بوده و برعکس. ضریب همبستگی در این آزمون $0/17$ - و سطح معناداری $0/01$ بوده است. در نهایت از ۷ فرضیه ی این پژوهش سه فرضیه که مربوط به متغیرهای اجتماعی یعنی پایگاه اجتماعی مشارکت اجتماعی و میزان استفاده از

رسانه های همگانی بوده تأیید گردیده و چهار فرضیه که متغیر های فردی یعنی میزان سن ، وضعیت تأهل ، منشأ شهری یا روستایی داشتن و طول مدت اشتغال را مورد بررسی قرار داده اند رابطه ی معناداری بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان نمی دهند .

نتیجه گیری

متغیرهای مستقلی که به عنوان عوامل مؤثر در نگرش برابری طلبانه ی زنان ، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند در دو دسته ی فردی و اجتماعی تقسیم بندی می گردند . عوامل فردی عبارتند از سن ، سابقه ی اشتغال ، وضعیت تأهل و منشأ شهری – روستایی و عوامل اجتماعی میزان استفاده از رسانه های همگانی ، مشارکت اجتماعی و پایگاه اجتماعی هستند .

در مطالعات استنادی به نقش و اهمیت این عوامل توجه و تأکید ویژه گردید .

اولین عامل فردی که مورد بررسی قرار گرفت ، عامل سن بود . نتایج پژوهش های مختلف نشان داده است بین ارزش ها و اعتقادات و باورهای گروه های مختلف سنی تفاوت های اساسی وجود دارد و گاه همین تفاوت ها به ایجاد تعارض و تنش خانواده ها و جامعه منجر می شود . بسیاری از اختلافات بین والدین و فرزندان ناشی از اختلاف سنی و در نتیجه اختلاف دیدگاه ها و سلیقه می باشد . این امر در جامعه ی ما که جامعه ای در حال گذار است بیشتر نمایان می گردد . طبیعی است در جامعه ای که بین سنت و مدرنیته در نوسان است جوانان به سوی معیارها و ارزش های جامعه ی مدرن جلب گردند و افراد مسن و میان سال چندان تمایلی به ترک سنت های گذشته نداشته باشند . از این رو فرضیه ی نخست ما که تأثیر سن در میزان گرایش برابری طلبانه ی زنان را می سنجد به لحاظ نظری تأیید می گردد . ولی پس از کسب داده ها و تجزیه و تحلیل آن ها از نظر آماری و پیمایشی به این نتیجه رسیدیم که در جامعه ی آماری ما میزان سن تأثیری در میزان گرایش برابری طلبانه ی افراد ندارد . با توجه به این که بیشترین پاسخ گویان ما (۵۶/۲ درصد) در رده سنی ۳۹-۳۰ سال قرار دارند . شاید اختلاف سنی در این جمعیت نمونه به حدی نبوده است که موجب تفاوت در نگرش ها گردد .

سپس متغیر مستقل سابقه ی اشتغال به عنوان یکی دیگر از عوامل فردی اثرگذار در گرایش برابری طلبانه ، مورد بررسی قرار گرفت . در نظریات مختلف جامعه شناختی به نقش و اهمیت اشتغال زنان بسیار اشاره شده است . یافته های به دست آمده از پژوهش های مختلف نشان داده اند که اشتغال زنان باعث ایجاد تغییر و تحول بنیادین در تمامی عرصه های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه شده است . اشتغال که به دنبال خود قدرت اقتصادی می آورد موجب تقویت و

تحکیم موقعیت خانوادگی و اجتماعی می‌گردد. همان‌طور که در بخش مباحث نظری نیز گفته شد نظریه مبادله و نظریه ماتریالیسم تاریخی باور دارند که زنان به سبب نداشتن قدرت اقتصادی در موقعیت فرودست نسبت به مردان قرار دارند. چنان‌که دیده می‌شود از لحاظ نظری و مطالعات استنادی این فرضیه تأیید می‌گردد. با این وجود مطالعات پیمایشی در جمعیت نمونه‌ی حاضر این مطلب را تأیید می‌نماید یعنی در جامعه آماری مزبور سابقه اشتغال افراد تأثیری در میزان نگرش برابری طلبانه آنان ندارد. لازم به ذکر است که در این جمعیت نمونه چون تمامی افراد شاغل بوده‌اند، سابقه اشتغال آنان به عنوان عامل اثرگذار، در نظر گرفته شد. در این‌جا نیز بیشترین پاسخ‌گویان (۵۵/۸ درصد) بیشتر از ۱۱ سال سابقه کار داشته‌اند.

سومین عاملی که در این حیطه مورد بررسی قرار گرفت، وضعیت تأهل افراد بود از آن‌جایی که ازدواج عامل بسیار مهمی در زندگی انسان به شمار می‌رود متغیر مستقل وضعیت تأهل به عنوان عاملی اثرگذار در میزان گرایش برابری طلبانه زنان در نظر گرفته شد. از طرفی برابری حقوق زن و مرد به‌طور مستقیم به رابطه‌ی بین زن و مرد بستگی دارد. زنان وقتی که در رابطه‌ی مستقیم و عینی با یک مرد قرار می‌گیرند بهتر می‌توانند شرایط نابرابر موجود را درک کنند. تقسیم کار جنسی در خانواده که موقعیت فرودست‌تری برای زنان رقم می‌زنند موجب پیدایی نگرش‌هایی در زنان می‌گردند که می‌تواند به دو شکل خود را نشان دهد یا وضع موجود را به عنوان ضرورت اجتماعی که دارای کارکردهای مناسبی چون تربیت فرزندان، فراهم نمودن وسایل آرامش و رفاه مردان، و... است، می‌پذیرد و یا خواهان برقراری رابطه برابر در مقایسه با مرد زندگی خود می‌شود. این هر دو شکل در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی که در بخش مباحث نظری آورده شد، دیده می‌شود. بنابراین می‌توان دریافت که مباحث نظری و مطالعات استنادی پژوهش حاضر این فرضیه را تأیید نموده است. ولی پس از جمع‌آوری داده‌ها در مطالعات پیمایشی به این نتیجه رسیدیم که بین وضعیت تأهل زنان و میزان نگرش برابری طلبانه آنان رابطه‌ی وجود ندارد.

در جامعه‌ی ما ازدواج برای زنان مسئله بسیار مهم و ارزشمند محسوب می‌شود. دختری که به سن ازدواج رسیده ولی هنوز ازدواج نکرده احساس سرخوردگی و یأس می‌کند و زنی که از شوهر خود جدا شده روال زندگی عادی و طبیعی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد. این مسائل باعث می‌شود که زنان وضعیت تأهل خود را به‌طور روشن و شفاف بیان نکنند به طوری که در جامعه آماری ۲۲۴ نفری ما حتی یک مورد مطلقه و یا شوهر فوت کرده مشاهده

نشد. به همین سبب به نظر می‌رسد که نتایج حاصل از مطالعات پیمایشی در این زمینه زیاد قابل اعتنا نباشد.

فرضیه بعدی که در گروه متغیرهای فردی مطالعه گردید، تأثیر منشأ شهری - روستایی در میزان نگرش برابری طلبانه زنان بود. بسیاری از نظریه پردازان بزرگ در حوزه جامعه شناسی به تأثیر شهرنشینی در نوع زندگی افراد اشاره داشته‌اند. زندگی شهرنشینی ویژگی‌های را می‌طلبد که توجه به برابری حقوق افراد از الزامات آن می‌باشد. انقلاب صنعتی در جوامع غربی به رشد سریع شهرنشینی کمک قابل توجهی کرد. هنگامی که کارخانه‌ها تأسیس شدند نیاز به نیروی کار ارزان از سوی صاحبان صنایع از یک سو و فشارهای زندگی شهری بر اقشار مختلف مردم از سوی دیگر سبب گردید تا زنان برای کار در این کارخانه‌ها، خانه‌های خود را ترک کرده و به محیط اجتماعی وارد گردند. این ورود تا حدی منجر به بدست آوردن قدرت اقتصادی توسط زنان شد و همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد در سایه‌ی قدرت اقتصادی است که بحث‌های مربوط به حقوق برابر بین افراد اعم از زن و مرد مطرح می‌شود. هم‌چنین ارتباطات گسترده و پیچیده در محیط‌های شهری سبب آگهی افراد در زمینه‌های مختلف می‌گردد که برابری حقوق زن و مرد می‌تواند یکی از آن‌ها باشد.

این پژوهش با توجه به مباحث گفته شده فرضیه تأثیر منشأ شهری - روستایی زنان را در زمینه نگرش برابری طلبانه آنان مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که گفته شد طبق مباحث نظری و مطالعات استنادی این فرضیه تأیید می‌گردد در حالی که مطالعات پیمایشی و داده‌های جمع‌آوری شده حاکی از این است که بین منشأ شهری - روستایی زنان و میزان گرایش‌های برابری طلبانه‌ی آنان رابطه‌ی وجود ندارد.

در بخش بعدی عوامل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. اولین عاملی که به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد، تأثیر دسترسی به رسانه‌های همگانی بود. اهمیت و نقش رسانه‌ها در جهان امروز انکارناپذیر است. جوامع صنعتی برای پیشبرد اهداف خود هر روز بیش از پیش سعی در القای ایده‌آل‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به افراد دارند و این مهم تا حد بسیار زیادی از طریق رسانه‌ها عملی می‌گردد. طبق نظریه‌ی نابرابری‌های جنسیتی گیدنز اجتماعی شدن کودکان در ایجاد هویت‌های زنانه و مردانه اهمیت بسیار دارد. در جوامع امروزی بخش مهمی از اجتماعی شدن افراد به وسیله رسانه‌ها انجام می‌گیرد. نظر به اهمیت و نقش ویژه‌ی رسانه‌ها در جهان امروز، پژوهش حاضر تأثیر میزان دسترسی به رسانه‌های

همگانی در میزان گرایش برابری طلبانه انسان را مورد بررسی قرار داد. مطالعات استنادی و نظری در این زمینه فرضیه ما را تأیید نمود. پس از جمع آوری داده ها و انجام آزمون های آماری، این فرضیه از لحاظ آماری نیز تأیید گردید. داده های برآمده از این پژوهش حاکی از آن است که جمعیت نمونه مزبور به میزان کمی از رسانه های همگانی استفاده می نمایند. با توجه به این که این افراد از اقبال تحصیل کرده و آگاه جامعه هستند، این موضوع تأمل برانگیز است.

فرضیه بعدی که در حیطه عوامل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت تأثیر میزان مشارکت اجتماعی در میزان گرایش برابری طلبانه زنان بود. انسان موجودی اجتماعی است و به گفته ی بسیاری از نظریه پردازان در کنش اجتماعی است که مفاهیم اجتماعی ساخته می شوند. بر همین اساس شرکت در فعالیت ها و کنش های اجتماعی باعث ایجاد نگرش ها و تثبیت آن ها در زندگی روزمره می گردند. داده های این پژوهش نشان می دهد که جامعه آماری مزبور فعالیت های اجتماعی کم و محدودی دارند. شرکت در مراسم مذهبی و انتخابات از معدود فعالیت های بود که جمعیت نمونه کم و بیش در آن شرکت داشتند. گزینه های دیگر مانند عضویت در سازمان های غیر دولتی، عضویت در کتاب خانه، شرکت در باشگاه های ورزشی و ... به میزان کم مورد استفاده ی پاسخ گویان قرار گرفته اند. حتی فعالیتی مانند عضویت در مؤسسات خیریه که به نظر می رسد در کشور ما با استقبال مواجه شود، از سوی پاسخ گویان به میزان کم گزارش شده است. بدین معنی که بیشترین فراوانی پاسخ ها در این زمینه در طیف " کم " جا گرفته اند. به نظر می رسد که فعالیت های اجتماعی منظم و مستمر در کشور ما نهادینه نشده است و اگر فعالیتی در زمینه های مختلف انجام می گیرد به صورت پراکنده و نامنظم می باشد.

در پایان باید گفت که این فرضیه که به لحاظ مطالعات استنادی و مباحث نظری به شکل مستقیم تأیید شده در مطالعات پیمایشی به صورت معکوس تأیید شده است. یعنی در جامعه آماری فوق هر چه میزان مشارکت اجتماعی بیشتر باشد میزان اعتقاد به برابری زن و مرد کمتر است و بالعکس. این شاید به دلیل شرایط خاص جامعه ی ما و نوع فعالیت های اجتماعی که افراد در آن شرکت داشته اند، بوده است.

آخرین عاملی که به عنوان عامل اجتماعی در نظر گرفته شد، پایگاه اجتماعی بود. فرضیه بدین صورت مطرح گردید که بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان اعتقاد آنان به برابری زن و مرد رابطه وجود دارد.

نظریه های مختلف جامعه شناختی به نقش و اهمیت پایگاه اجتماعی تأکید و توجه ویژه ی دارد . به باور بسیاری از نظریه پردازان افرادی که از پایگاه اجتماعی مشابه برخوردارند سطح زندگی یکسان و ارزش ها و اعتقادات مشابه دارند .

مطالعات نظری این پژوهش وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی و اعتقاد به برابری زن و مرد را تأیید می کند پس از انجام آزمون های آماری این رابطه از طریق این آزمون ها نیز تأیید گردید . نکته قابل ذکر اینکه در این پژوهش پایگاه اجتماعی پاسخ گویان مجرد به مراتب پایین تر از پایگاه اجتماعی پاسخ گویان متأهل بوده است . شاید بتوان گفت که پایگاه اجتماعی افراد در اثر ازواج تغییر کرده و تحرك اجتماعی به وجود آمده صعودی می باشد .

پیشنهادات پژوهش

پس از انجام پژوهش و بررسی نتایج ، پیشنهادهای به نظر می رسد :

پیشنهاد به دولت مردان و مسئولین

تساوی در فرصت ها و ایجاد امکانات برابر برای زنان و مردان ، حذف سیاست ها ، برنامه ها و اقداماتی که به تبعیض منظم و نهادی علیه زنان منجر می شود .

برنامه ریزی جهت ایجاد فرصت های مناسب و برابر برای زنان در اداره جامعه و اشتغال در پست های مدیریتی کلان

حذف و یا اصلاح مواردی از قانون اساسی ایران که حقوق زنان در آن نادیده گرفته شده است . ایجاد زمینه هایی برای گسترش فعالیت های اجتماعی از طریق تأسیس و راه اندازی مؤسسات غیردولتی در زمینه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی و تشویق افراد و به ویژه زنان برای فعالیت در این گروه ها

گسترش فرهنگ استفاده از رسانه هایی چون سینما و تئاتر از طریق حمایت از دست اندرکاران سینما و تئاتر و ایجاد زمینه هایی برای فعالیت آنان هم چنین آموزش هایی برای مردم جهت استفاده از این رسانه ها

پیشنهاد به مسئولین آموزش و پرورش

تجدید نظر در متون درسی به منظور ریشه کن ساختن تبعیض های جنسیتی

آگاهی دادن به دختران دانش آموز درباره بر خوداری از حقوق فردی و اجتماعی خود از طریق آموزش در کلاس های فوق برنامه مدارس

دوره های آموزش ضمن خدمت که برای معلمان برگزار می گردد فقط مختص به مباحث آموزشی و درسی نباشد بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز در آن ها گنجانده شود .
ایجاد امکاناتی برای فعالیت های ورزشی دختران در مدارس تا بتوانند آزاد و راحت به فعالیت های ورزشی بپردازند .

پیشنهاد به خانواده ها

از آن جایی که خانواده نقش مهمی در ایجاد هویت های زنانه و مردانه دارد ، پیشنهاد می شود :
مردان در تصمیم گیری های مهم خانوادگی با همسرشان مشورت کنند تا بدین وسیله فرزندان را آموزش دهند .

کارهای داخل خانه با هم کاری زن و مرد هر دو انجام شود . هم چنین فرزندان دختر و پسر به یک میزان در این کارها مشارکت داشته باشند .

رفت و آمد و معاشرت های پسران به همان گونه کنترل گردد که در مورد دختران انجام می شود .

آگاهی دادن به دختران در مورد انتخاب همسر ، شرایط ازدواج ، نقش مهریه در زندگی زنانشویی و غیره

برخورد با کلیشه های رایج در مورد زنان که حاکی از موقعیت فرودست آنان می باشد مانند احساساتی بودن زنان ، رازنگهدار نبودن آن ها ، عدم سازگاری با یکدیگر ، عدم توانایی در اداره خانواده و حضانت فرزندان و

پیشنهاد به رسانه ها

برنامه ریزان صداوسیما سیاست هایی را اتخاذ نمایند تا آموزش های لازم به دختران در جهت کسب هویت فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی مناسب و برابر با مردان داده شود .
روزنامه ها ، مجلات و کتاب ها در جهت رفع هر گونه تبعیض جنسیتی اعم از تصاویر و متون اقدام نمایند .

برنامه ریزان و دست اندرکاران سینما و تئاتر اقدام به ساخت فیلم ها و نمایش های به محوریت موضوع زن نموده و زنان را نه فقط در نقش های جنسیتی سنتی (همسر ، مادر ،) بلکه در تمامی عرصه های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی به نمایش گذارند .

مبارزه با تمامی سنت های غلط زن ستیز از طریق نمایش فیلم در تلویزیون یا سینما و تئاتر

پیشنهاد به پژوهشگران و دانشگاهیان

پژوهش‌هایی در زمینه برابری جنسیتی در دانشگاه‌های مختلف صورت پذیرد .
دسترسی به متون روز علمی و پژوهشی در رشته‌های مختلف به ویژه جامعه‌شناسی زنان .
جدیدترین اطلاعات علمی و کاربردی در این حوزه می‌تواند بازگو کننده مشکلات جوامع
مختلف در این زمینه باشد ، با آگاهی از چگونگی شرایط جوامع مختلف ، دانشگاهیان و
پژوهشگران از طریق اشاعه فرهنگی می‌توانند تأثیرگذار باشند .

محدویت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بوده است که عبارتند از :
محدود بودن به تعداد اندکی از زنان ایران (دبیران زن شاغل در شهرستان اسلام شهر)
میزان دقت و صداقت آزمودنی‌ها در پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه . البته از نظر دورنماند که
گاهی عدم صداقت به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم نیز باز می‌گردد .
محدود بودن پژوهش‌های صورت گرفته درباره برابری جنسیتی در ایران .
در دسترس نبودن مقیاس معتبر و تأیید شده علمی جهت سنجش میزان گرایش به برابری

جنسیتی

نبود وقت و هزینه‌ی کافی برای بررسی عمیق و همه‌جانبه‌ی موضوع

Chi-Square Tests

Age	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۴,۴۳۳ ^a	۶	.۶۱۸
Likelihood Ratio	۴,۴۳۳	۶	.۶۱۸
Linear-by-Linear Association	.۰۰۲	۱	.۹۶۶
N of Valid Cases	۲۲۴		

a. ۴ cells (۳۳,۳٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۲۱.

dmzan * Q۱ Crosstabulation

		Q۱				Total
		۱	۲	۳	۴	
dmzan	۱,۰۰۰	۹	۴۲	۲۲	۱	۷۴
	۲,۰۰۰	۲۱	۷۴	۳۱	۱	۱۲۷
	۳,۰۰۰	۳	۱۰	۱۰	۰	۲۳
Total		۳۳	۱۲۶	۶۳	۲	۲۲۴

Correlations

	سن پاسخگویان	اعتقاد به برابری زن و مرد
اعتقاد به برابری زن و مرد	Pearson Correlation	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۳۵
	N	۲۲۴
سن پاسخگویان	Pearson Correlation	-.۰۳۵
	Sig. (۲-tailed)	.۰۳۵
	N	۲۲۴

dmzan * Q۲ Crosstabulation

		Q۲					Total
		۱	۲	۳	۴	۵	
dmzan	۱,۰۰	۶	۱۴	۲۰	۲۵	۹	۷۴
	۲,۰۰	۱۸	۲۱	۳۲	۳۲	۲۴	۱۲۷
	۳,۰۰	۲	۲	۱۱	۵	۳	۲۳
Total		۲۶	۳۷	۶۳	۶۲	۳۶	۲۲۴

Chi-Square Tests

	Q ²	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square		۹,۴۱۱ ^a	۸	.۳۰۹
Likelihood Ratio		۹,۱۰۴	۸	.۳۳۴
Linear-by-Linear Association		.۰۲۴	۱	.۸۷۷
N of Valid Cases		۲۲۴		

a. ۳ cells (۲۰,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is ۲,۶۷.

Correlations

	اعتقاد به برابری زن و مرد	سابقه اشتغال
Pearson Correlation	۱	-.۰۶۶
Sig. (2-tailed)		.۳۲۵
N	۲۲۴	۲۲۴
Pearson Correlation	-.۰۶۶	۱
Sig. (2-tailed)	.۳۲۵	
N	۲۲۴	۲۲۴

dmzan * dmansha Crosstabulation

		Dmansha		Total
		۱,۰۰	۲,۰۰	
dmzan	۱,۰۰	۷۲	۲	۷۴
	۲,۰۰	۱۲۴	۳	۱۲۷
	۳,۰۰	۲۳	۰	۲۳
	Total	۲۱۹	۵	۲۲۴

Chi-Square Tests

	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	.۶۱۰ ^a	۲	.۷۳۷
Likelihood Ratio	۱,۱۱۸	۲	.۵۷۲
Linear-by-Linear Association	.۳۹۷	۱	.۵۲۹
N of Valid Cases	۲۲۴		

a. ۳ cells (۵۰,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۵۱.

dmzan * Q^۳ Crosstabulation

		Q ^۳		Total
		۱	۲	
dmzan ۱,۰۰	۱۸	۵۶	۷۴	
۲,۰۰	۳۶	۹۱	۱۲۷	
۳,۰۰	۷	۱۶	۲۳	
Total	۶۱	۱۶۳	۲۲۴	

Chi-Square Tests

Q ^۳	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	.۵۱۴ ^a	۲	.۷۷۳
Likelihood Ratio	.۵۱۹	۲	.۷۷۲
Linear-by-Linear Association	.۴۹۱	۱	.۴۸۴
N of Valid Cases	۲۲۴		

a. ۰ cells (.۰%) have expected count less than ۰. The minimum expected count is ۶,۲۶.

Correlations

	اعتقاد به برابری زن و مرد	وضعیت تاهل
Pearson Correlation	۱	-.۰۵۹
Sig. (۲-tailed)		.۳۸۲
N	۲۲۴	۲۲۴
Pearson Correlation	-.۰۵۹	۱
Sig. (۲-tailed)	.۳۸۲	
N	۲۲۴	۲۲۴

Correlations

	mzan	aygah
Pearson Correlation	۱	.۱۸۲**
Sig. (۲-tailed)		.۰۰۷
N	۲۲۴	۲۲۳
Pearson Correlation	.۱۸۲**	۱
Sig. (۲-tailed)	.۰۰۷	
N	۲۲۳	۲۲۳

Correlations

		mzan	aygah
Mzan	Pearson	۱	.۱۸۲**
	Correlation		
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۷
	N	۲۲۴	۲۲۳
Aygah	Pearson	.۱۸۲**	۱
	Correlation		
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۷	
	N	۲۲۳	۲۲۳

** . Correlation is significant at the ۰,۰۱ level (۲-tailed).

Crosstabulation

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	paygha			Total
	۱	۲	۳	
۱	۲۸	۳۵	۱۰	۷۳
۲	۳۹	۷۲	۱۶	۱۲۷
۳	۶	۱۲	۵	۲۳
Total	۷۳	۱۱۹	۳۱	۲۲۳

Correlations			
		اعتقاد به برابري زن و مرد	دسترسى به رسانه عمومي
اعتقاد به برابري زن و مرد	Pearson Correlation	۱	.۱۳۴*
	Sig. (۲-tailed)		.۰۴۵
	N	۲۲۴	۲۲۴
دسترسى به رسانه عمومي	Pearson Correlation	.۱۳۴*	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۴۵	
	N	۲۲۴	۲۲۴

*. Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).

Crosstabulation

اعتقاد به برابري زن و مرد	Q۱۴			Total
	۱	۲	۳	
۱	۲۶	۴۴	۴	۷۴
۲	۳۸	۸۱	۸	۱۲۷
۳	۵	۱۴	۴	۲۳
Total	۶۹	۱۳۹	۱۶	۲۲۴

Correlations

		mzan	msha
mzan	Pearson	۱	-.۱۷۴**
	Correlation		
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۹
	N	۲۲۴	۲۲۴
msha	Pearson	-.۱۷۴**	۱
	Correlation		
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۹	
	N	۲۲۴	۲۲۴

** . Correlation is significant at the ۰,۰۱ level (۲-tailed).

Crosstabulation

میزان اعتقاد به برابری زن و مرد	Q۱۵			Total
	۱	۲	۳	
۱	۲۳	۴۷	۴	۷۴
۲	۶۰	۶۱	۶	۱۲۷
۳	۱۱	۱۰	۲	۲۳
Total	۹۴	۱۱۸	۱۲	۲۲۴

پاسخ گوی محترم

لطفاً پرسش های زیر را با دقت بخوانید و با توجه به ویژگی های خود یکی از گزینه ها را مشخص نمایید .

- ۱- سن ؟
- ۱- بین ۲۰ تا ۲۹ سال
- ۲- بین ۳۰ تا ۳۹ سال
- ۳- بین ۴۰ تا ۴۹ سال
- ۴- بین ۵۰ تا ۵۹ سال
- ۲- سابقه اشتغال ؟
- ۱- بین ۱ تا ۵ سال
- ۲- بین ۶ تا ۱۰ سال
- ۳- وضعیت تأهل ؟
- ۱- مجرد
- ۲- متأهل
- ۳- مطلقه
- ۴- همسر فوت کرد
- ۴- محل تولد ؟
- ۱- شهر
- ۲- روستا
- ۵- بیشتر عمر خود را تا ۱۵ سالگی در کجا گذرانده اید؟
- ۱- شهر
- ۲- روستا
- ۶- بالاترین مدرک تحصیلی ؟
- ۱- دیپلم
- ۲- کاردانی
- ۳- کارشناسی
- ۴- کارشناسی ارشد
- ۵- دکتری
- ۶- خونوی
- ۷- آخرین رشته تحصیلی ؟
- ۱- فنی و مهندسی
- ۲- علوم پایه
- ۳- علوم انسانی
- ۴- هنر
- ۵- تربیت بی
- ۶- علوم حروبی
- ۸- لطفاً در صورت تأهل به پرسش های قسمت الف و در صورت مجرد به پرسش های قسمت ب پاسخ دهید

الف - در صورت تأهل

شغل اصلی همسر شما چیست ؟ (لطفاً دقیق ذکر بفرمایید)

تحصیلات همسر شما به چه میزان است ؟

- ۱- بی سواد
- ۲- ابتدایی
- ۳- راهنمایی
- ۴- متوسطه
- ۵- کاردانی
- ۶- کارشناسی
- ۷- کارشناسی ارشد و بالاتر

ب - در صورت مجرد

شغل اصلی پدر شما چیست ؟ (لطفاً دقیق ذکر بفرمایید)

تحصیلات پدر شما به چه میزان است ؟

- ۱- بی سواد
- ۲- متوسطه
- ۳- کارشناسی ارشد و بالاتر

- ۲- ابتدایی ۵- کاردانی
- ۳- راهنمایی ۶- کارشناسی
- ۹- منزل مسکونی شما در کدام یک از موقعیت های زیر است؟
- ۱- استیجاری ۲- سازمان ۳- رهن ۴- یکی
- ۱۰- آیا ویلای شخصی دارید؟
- ۱- بله ۲- خیر
- ۱۱- آیا در خانواده اتومبیل شخصی دارید؟
- ۱- بله ۲- خیر
- ۱۲- آیا امکان سفرهای خارجی تفریحی دارید؟
- ۱- بله ۲- خیر
- ۱۳- شما به کدام یک از وسایل رفاهی زیر دسترسی دارید؟
- ۱- فریزر ۵- ایفون تصویر ۹- ماهواره
- ۲- اجاق گاز فردار ۶- درب ریموت ۱۰- برانیه
- ۳- ماشین لباسشویی ۷- پارکینگ ۱۱- اینترنت
- ۴- تلفن ۸- برق اضطراری ۱۲- موبایل

۱۴- لطفاً بگویید تا چه حد از هر یک از وسایل ارتباطی زیر استفاده می کنید؟

وسایل ارتباطی	به طور مرتب	بیشتر اوقات	گاهی اوقات	کم	اصلاً
رادیو					
تلویزیون					
ماهواره					
اینترنت					
کتاب					
مجله					
روزنامه					
سینما					
تئاتر					

۱۵- لطفاً بگویید تا چه حد در هر یک از فعالیت های اجتماعی زیر شرکت می کنید؟

فعالیت های اجتماعی	به طور مرتب	بیشتر اوقات	گاهی اوقات	کم	اصلاً
شرکت در کلاس های آموزشی، علمی، هنری و فرهنگی و....					
شرکت در باشگاه های ورزشی					
همکاری در مؤسسات خیریه و نیکوکاری					
عضویت در کتابخانه					
شرکت در انتخابات و رأی گیری ها					
کاندید شدن در انتخاباتی که توانایی تصدی آن پست را دارید					
شرکت در تظاهرات و راه پیمایی ها					
عضویت در سازمان های غیردولتی (NGO)					

				شرکت در مراسم مذهبی مانند نماز جمعه و جماعت ، جشن های مذهبی ، جلسات قرآن و...
				شرکت در انجمن های قومی
				همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی
				حضور در دوره های هم کلاسی ها ، هم محله ها ، دوستان و...

۱۶ - لطفاً جمله های زیر را با دقت بخوانید و میزان موافقت یا مخالفت خود را با آن مشخص نمایید (برای این کار از محور زیر استفاده کنید و علامت مناسب را در کنار هر جمله بگذارید)

کاملاً مخالف کاملاً موافق موافق بی نظر مخالف

-- - -+ + ++

- ۱- زنان باید به اندازه ی مردان در فعالیت های خارج از منزل مانند اشتغال به انواع مشاغل و شرکت در انجمن های گوناگون آزاد باشند .
- ۲- مردان در تصمیم گیری های مهم خانوادگی مانند تعیین شهر و ناحیه سکونت آینده بچه ها و خریدهای مهم ، باید با همسرشان مشورت کنند .
- ۳- هر فردی (اعم از زن و مرد) باید در صورت داشتن تخصص در کار بتواند به مراتب بالای شغلی دست یابد .
- ۴- زنان در جامعه باید از شرایط یکسان شغلی و حرفه ای با مردان برخوردار باشند .
- ۵- باید فعالیت های ورزشی و اوقات فراغت دختران و پسران یکسان باشد .
- ۶- در خانه ای با کارکردهای مناسب ، زن کارهای داخل خانه را انجام می دهد و مرد کارهای خارج از خانه .
- ۷- مادر شدن یکی از مهم ترین وظایف و خواسته های زنان است .
- ۸- زنان بایستی در تمام رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند .
- ۹- زن با توجه به ویژگی های جنسی و جسمی خود نباید هر نقش و شغلی را برای خود انتخاب کند .
- ۱۰- کار اجتماعی زن تهدیدی برای بقای خانواده است .
- ۱۱- امروزه هیچ دلیلی برای تبعیض بین زن و مرد پذیرفتنی نیست .
- ۱۲- زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور باید در اداره ی جامعه و اشتغال در پست های مدیریتی کلان سهمی مساوی با مردان داشته باشند .
- ۱۳- واژه ها و اصطلاحاتی در زبان فارسی که ناظر بر تبعیض جنسیتی هستند باید از فرهنگ لغات فارسی حذف گردند ، مانند استفاده از کلمه ی مرد به عنوان انسان و یا اصطلاحاتی چون قول مردانه ، خاله زنک و.....
- ۱۴- جداسازی زنان و مردان در مکان های عمومی مانند دانشگاه ، اداره ، اتوبوس و می تواند به امنیت اجتماعی کمک کند .
- ۱۵- تبعیض جنسیتی در کتاب های درسی ما به طور چشم گیری وجود دارد هم در متن ها و هم در تصاویر نمونه ی بارز آن عبارت معروف " بابا نان داد "
- ۱۶- زن باید به هر گونه خواسته های جنسی شوهرش حتی علیرغم میلش پاسخ دهد .
- ۱۷- تقاضای ازدواج و انتخاب همسر توسط مرد که در عرف و عادات ما مرسوم است شیوه ای نادرست به نظر می رسد .

- ۱۸- والدین باید به همان گونه که رفت و آمد و معاشرت های دختران را کنترل می کنند در مورد پسران خود نیز به همین گونه رفتار نمایند .
- ۱۹- در دبیرستان دخترانه قوانین بسیار سخت تری (نسبت به دبیرستان های پسرانه) برای کنترل رفتار دانش آموزان وجود دارد . این امر ، لازم و ضروری به نظر می رسد .
- ۲۰- روابط قبل از ازدواج همان قدر که برای زن مذموم و ناپسند است ، برای مرد نیز هست .
- ۲۱- اگر مرد بتواند عدالت را بین همسران خود برقرار کند ، ازدواج مجدد او مانعی ندارد .
- ۲۲- مهریه نمی تواند پشتوانه ای برای زنان در زندگی زناشویی باشد .
- ۲۳- استفاده از مد و لوازم آرایش برای مورد توجه قرار گرفتن ، از ویژگی های خاص زنان است .
- ۲۴- در محیط های کاری ، محافل دوستانه و... زنان معمولاً با یکدیگر سازگاری ندارند .
- ۲۵- خانواده ، مدرسه و رسانه ها نباید دختران را فقط برای پذیرش نقش های جنسیتی سنتی (همسر ، مادر و...) آماده سازند بلکه باید نقش های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را نیز آموزش دهند .
- ۲۶- برای این که مرد به فکر زن دیگری غیر از همسر خود نباشد، زن باید همان گونه که او دوست دارد لباس بپوشد و آرایش کند .
- ۲۷- اگر مردی به همسرش آزادی های زیادی بدهد ، زندگی خانوادگی خود را به خطر انداخته است .
- ۲۸- وقتی رابطه ای نامشروع بین زن و مرد شکل می گیرد ، مقصر اصلی زن است ، به قول معروف کرم از خود درخت است .
- ۲۹- اگر می خواهی رازت فاش نشود ، آن را با هیچ زنی در میان مگذار .
- ۳۰- مردی که در هنگام مسافرت همسر و دخترش را به پسر کوچکش می سپارد و سفارش می کند که آن پسر کوچک مواظب خواهر و مادرش باشد ، کار تربیتی درستی انجام می دهد .
- ۳۱- در طلاق هایی که اتفاق می افتد حق حضانت فرزندان باید به عهده ی پدر و یا جد پدری باشد مگر در موارد خاص .
- ۳۲- زنان به خاطر عواطف و احساسات رقیقی که دارند نمی توانند عهده دار شغل قضاوت باشند .
- ۳۳- باید دیه ی مردان دو برابر دیه ی زنان باشد ، چون مردان نان آور خانواده هستند .
- ۳۴- کاربرد کلمه ی "رجل سیاسی" به عنوان یکی از شرایط کاندیداتوری ریاست جمهوری ایران حاکی از تبعیض جنسیتی است .

منابع و مأخذ

کتاب ها

- ۱- ارونسون ، الیوت . ۱۳۶۹ ، روان شناسی اجتماعی ، ترجمه حسین شکرکن ، تهران ، انتشارات رشد
- ۲- اعزازی ، شهلا ، ۱۳۸۲ ، جامعه شناسی خانواده ، تهران ، انتشارات روشنگران
- ۳- ای پلوت ، اریک و کوین آندرسون ، ۱۳۸۳ ، مارکس و خودکشی ، ترجمه حسن مرتضوی ، تهران ، انتشارات گام نو
- ۴- براهنی ، رضا ، مذکر ، چاپخانه محمدعلی علمی
- ۵- بشیری ، حسن ، ۱۳۸۰ ، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم ، چاپ سوم ، تهران ، نشر نی
- ۶- پاک نهاد جبروتی ، مریم . ۱۳۸۱ ، فرادستی و فرودستی در زبان ، تهران ، انتشارات گام نو
- ۷- پاملا ، آبوت ، ۱۳۸۲ ، جامعه شناسی زنان ، ترجمه منیژه نجم عراقی ، تهران ، نشر نی
- ۸- پیران ، پرویز ، ۱۳۷۶ ، مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی ، گردهمایی زنان ، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی ، جلد اول
- ۹- توسلی ، ناهید . ۱۳۸۲ ، چرا خواب زن چپ است ، تهران ، نشر قطره
- ۱۰- دواس ، دی ای ، ۱۳۷۶ ، پیمایش در تحقیقات اجتماعی ، ترجمه هوشنگ نایی ، تهران ، نشر نی
- ۱۱- دوبوار ، سیمون ، ۱۳۷۹ ، جنس دوم ، جلد دوم ، تجربه عینی ، ترجمه قاسم صفوی ، چاپ ششم ، تهران ، نشر توس
- ۱۲- دوبوار ، سیون ، ۱۳۸۰ ، جنس دوم ، جلد اول ، حقایق و اسطوره ها ، ترجمه قاسم صفوی ، چاپ ششم ، تهران ، نشر توس
- ۱۳- دولت آبادی ، شیوا . ۱۳۷۳ ، روان شناسی جنسیت ، فکر روز
- ۱۴- رفیع پور ، فرمرز ، ۱۳۸۶ ، کندوکاوها و پنداشته ها ، چاپ شانزدهم ، تهران ، شرکت سهامی انتشار
- ۱۵- ریتزر ، جرج ، ۱۳۷۴ ، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر ، ترجمه محسن ثلاثی ، تهران ، انتشارات علمی
- ۱۶- زرین کوب ، عبدالحسین ، ۱۳۸۴ ، دوقرن سکوت ، چاپ نوزدهم ، تهران نشر سخن

- ۱۷- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، کیهان، تهران
- ۱۸- ساروخانی، محمدباقر، ۱۳۷۷، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات
- ۱۹- عنصرالمعالی، کیکاووس، ۱۳۷۸، قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ نهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲۰- غزالی، امام محمد، ۱۳۶۷، نصیحه الملوك، به تصحیح جلال الدین همایی، تهران، انتشارات هما
- ۲۱- فریدمن، حسین، ۱۳۸۱، فمنیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات آشیان
- ۲۲- کار، مهرانگیز، ۱۳۷۸، رفع تبعیض از زنان، تهران، نشر قطره
- ۲۳- کازنو، ژان، ۱۳۷۳، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، چاپ پنجم، تهران، نشر اطلاعات
- ۲۴- کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۰، روش های مقدماتی تحلیل جمعیت، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۲۵- کوئن، بروس، ۱۳۸۷، میانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات سمت
- ۲۶- کولنتای، الکساندر و دیگران. ۱۳۸۱، زنان در جامعه، ترجمه اصغر مهدی زادگان، تهران، انتشارات نگاه
- ۲۷- کیویستو، پیتر، ۱۳۸۰، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران، نشرنی
- ۲۸- گرت، استفانی. ۱۳۸۲، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، تهران، نشر دیگر
- ۲۹- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- ۳۱- مقصودی، منیژه، ۱۳۸۶، انسان شناسی خانواده و خویشاوندی، چاپ اول، تهران، نشر شیرازه
- ۳۱- مید، جرج هربرت، ۱۹۵۴، خویشتن در جامعه شناسی مدرن، ترجمه پویان، تهران، انتشارات چاپخش

۳۲- میشل ، آندره . ۱۳۷۲ ، جنبش اجتماعی زنان ، ترجمه هما زنجانی زاده ، مشهد ، نشر نیکا
۳۳- میشل ، آندره ، ۱۳۷۶ ، پیکار با تبعیض جنسی ، ترجمه محمدجعفر پوینده ، تهران ،
انتشارات نگاه

۳۴- وارد ، گلن ، ۱۳۸۴ ، پست مدرنیسم ، ترجمه علی مرشدی زاد ، تهران ، انتشارات قصیده
سرا

۳۵- هالوب ، رناته ، ۱۳۷۴ ، آنتونیوگرامشی ، ترجمه محسن حکیمی ، تهران ، نشر چشمه

۳۶- هدایت ، صادق ، ۱۳۸۳ ، بوف کور ، اصفهان ، انتشارات صادق هدایت

مقالات

۱- تمیزی ، بکری ، نقد فمینیستی فرانسوی ، فصل نامه جنس دوم ؟ ، شماره هشتم ، ۱۳۷۹
۲- توسلی ، ناهید ، نقد نظری بر : زوجیت - رابطه زن و مرد ، چرا خواب زن چپ است
(مجموعه مقالات) ، ۱۳۸۳

۳- حجازی ، بنفشه ، زنان در متون تحقیرکننده ، فصل زنان ، شماره دوم ، ۱۳۸۱

۴- ساییرالسکی ، کاسونرا ، زنان جهان سوم و سبز کردن صنعت کامپیوتر ، ترجمه سونیا
غفاری ، فصل زنان ، شماره ششم ، ۱۳۸۶

۵- شیرازد ، حسن ، شرف در بین ایل و حزب ، فصل زنان ، شماره ۶ ، ۱۳۸۶

۶- قره داغی ، فرخ ، نگاه غزالی به زن در نصحیه الملوك ، فصل نامه جنس دوم ؟ ، شماره
هشتم ، ۱۳۷۹

۷- قزل ایاغ ، ثریا ، زن الگوهای جنسیتی و درماندگی آموخته شده ، فصل زنان ، شماره ۴ ،
۱۳۸۳

۸- کشاورز ، ناهید ، نگاه زن ایرانی به خود در گذر از سنتی به مدرن ، فصل زنان ، شماره
چهارم ، ۱۳۸۳

۹- مارکس و انگلس ، عوامل خانوادگی و تولیدی تعیین کننده نقش زنان ، ترجمه سحر سجادی ،
فصل زنان ، شماره چهارم ، ۱۳۸۳

پایان نامه ها

۱- امینی ، زهرا ، ۱۳۸۵ ، بررسی بازتولید نابرابری های جنسیتی و جامعه پذیری دختران ،
پایان نامه کارشناسی ارشد ، تهران ، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

۲- پاک نهاد جبروتی ، مریم ، ۱۳۸۱ ، فرادستی و فرودستی در زبان ، تهران ، انتشارات گام نو

- ۳- کشاورز ، ناهید ، ۱۳۸۳ ، عوامل اجتماعی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران ، تهران ، به نقل از فصل زنان جلد چهارم
- ۴- کاظمی ، عزت الله ، ۱۳۸۶ ، موانع توسعه ی برابری جنسیتی در ایران معاصر ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، تهران ، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
- ۵- کاوکانی اصل ، سهیلا ، ۱۳۷۹ ، تحلیل محتوایی کتاب های کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسیت ، تهران ، دانشگاه علوم تربیتی علامه طباطبایی

منابع اینترنتی

- آفتاب نیوز ، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶ ، ازدواج موقت با اجازه دادگاه
- خبرگزاری آفتاب ، ۱۸ مرداد ۱۳۸۶ ، ازدواج دوم بدون اجازه همسر اول
- خبرگزاری آفتاب ، ۱۶ مرداد ۱۳۸۶ ، لایحه ی دولت برای زنان فاجعه است
- روز آنلاین ، ۱۶ خرداد ۱۳۸۶ ، ازدواج موقت یا آدرس عوضی به ملت
- شهرزاد نیوز ، ۳۰ اوت ۲۰۰۸ ، کالبدشکافی قوانین مربوط به تسهیل چندهمسری
- نشریه صداری زن ، تیرماه ۱۳۸۱ ، انجمن روزنامه نگاران زن ایرانی
- همشهری آنلاین ، لایحه حمایت خانواده و جنجال های ماده ۲۳

منابع خارجی

Robert H.lauer , Jeanette C.lauer . marriage and family , chapter ۳ , ۲۰۰۸

Abstract

Equality of gender is one of the subjects that have more importance in social science nowadays . There is no disagreement in biological and sexual differences between male and female , but concepts of gender have many arguments around itself . Gender means that society gives role to each person .

Women are in a lower position men in almost all societies . The degree of belief in equality between male and female among female teachers in Uslam - shahr is the main goal of this research . Survey is the way of research and samples are the female teachers in Islam _ shahr . This group were 902 persons that 224 person were chosen from them by random sampling with cocoran formula .

The questioners were given to the teachers . They included 4 individual characteristic questions 1 question about finding social status, one question including 4 factors about using mass media , one question including 12 factors about testing social participation and finally one question including 34 factors about testing the degree of belief in equality between male and female .

After collecting data, they were analyzed by SPss software , most important results include :

- 1 There is no significant relationship between individual characteristic factors (like age , occupation , urban - rural and marriage status) and the degree of belief in equality between male and female .
- 2 There is a significant relationship between social factors (like using mass media , social participation and social status) and the degree of belief in equality between male and female .
- 3 The rate of social participation in this sample is low
- 3- Mass media were used rarely by the sample



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY
Tehran Central Branch

Faculty of Psychology and Social Sciences
Department of Social Science
M.A Thesis
On: sociology

Subject:

. The degree of belief in equality between male and female among female among women teachers (Case study : Islam – shahr town)

Advisor:

Dr. Tahmoores Shiri

Reader:

Dr.Amir Masoud Amirmazaheri

By:

Fatemeh Bahrami

Summer ۲۰۱۱